

SULEYMANNAME

By

DR 506 .K3⁷ DESK
1833.

Karaçelebizade
Süleymanname

Karacelebizade Abdülaziz: Süleymanname
≡ (Kanuni Süleyman devri nak.)

Kahire, 1248, Matbaa-i Bulak.

DR
506.
K37
1833
DESK

فهرست کتاب سلیماننامه

مقاله فتح باغراد دار الجهاد* ۲۲	مقاله واقعه جانبرد* ۱۳	مقاله جلوس سلطان سلیمان* ۸
ولادت سلطان سلیم* ۷۸	مقاله مصر قاهره ۶۹	مقاله فتح ودوس ۴۷
غزای بیچ ۹۹	مقاله اناطولی در دفع اشقیبا ۹۴	جنگ قرال لاوش ۷۹
فتح بغداد دارالسلام ۱۱۳	مقاله فرندوش ۱۰۸	سورختان سلطان سلیم ۱۰۴
دیگر مقاله فرندوش ۱۳۸	فتح ولایت بغداد ۱۲۶	غزای کورفوز ۱۲۳
فتح طمشوار و بعض حصون ۱۰۰	مقاله القاص میرزا برادر طهماسب ۱۴۷	فتح استوفی باغراد ۱۴۰
محاصره سکنوار ۱۸۳	وقعه قونیه ۱۷۱	بعث عسکر بدیار ایران ۱۵۹
مقاله وزرای عظام ۱۹۹	مقاله شهرزاده سلطان مصطفی ۱۹۸	بومقاله سلطان علین مکان حضرت تری ناسیس میوردقاری چوامع وصوامع ارنک بیاتنه در ۱۹۶
مقاله علما کرام ۲۰۰		

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وحده | فهو المنعم وهو الخامد

* شکر فلاح جو عطای دکرست * باعث شکر و ثنای دکرست *
 * کی شود در نظر خرده شناس * منتهی سلسله شکر و سپاس *
 بهترین حمد ابدی مجدداً لا امثالک مانند آفتاب عالم تاب دین محمدی صفحات
 انفس و افاضی بر نور و نور * و کزیده توبین شکر سرمدی دائم الاتصال که از هزار کلزار
 شرع احمدی کبی مشام سکانه رزاقی معطر ابله * اول بادشاهی انبیا *
 و خداوند کار ساز * حضرت مثل ساحه عظمت و کبریا و باحه جلال و اعتلا سی
 صوب عزت او بنه احری و شایاندر که بر حسب ارادت بی علت بد قدرت ابله
 احسن کل شیء خلقه فخر و اسبجه ککانه مخلوقات طرز تدبیر و زرع ابداع * و عامه
 مصنوعاتی اسلوب منبع و زرع اختراع * و در دقه نوع مکرم بنی آدمی تشریف
 لطیف * و نقد کرمانی آدم رله جمله دن عمارت و تاج بابا حاج * اند خاندان الانسان
 فی احسن تقویم * ابله سرافراز ایدوب تکمیل بنیان بهبودی و تعدیل ارکان
 مسعودی ایچون خلیفه کار فرمای قضا و قدر و البشیر حاضر تلبین مسند نشین
 اورن مسجودی ایتشدر * مالک الملک لا شریک له * و حده لا اله الا هو * مبدع
 خلقی و مبدی لاریب * صانع عالم نهادت و غیب * اثر صنعی عالم و آدم * حکمی
 و قنجه در وجود و عدم * اول سلطان عظیم الشان ایوان احدیت فرمان فرمای
 کشور صعدیت اشعه آفتاب ساطع الانوار ملت خلیفه احمدیه بر تواند از صنعت
 لیلی و اام * و رایحه فایحه کار از شریعت شریفه محمدیه معطر سازم مشام کافه انام
 اولی ایچون بر خروای * وهو الذی جعلکم خلائف فی الارض * یعنی بنی آدمی

تشریف لطیف * انا جعلناك خليفة في الارض * بره مشرف وکوش هوشا برین
فراید عجمه القوائد * فاحکم بین الناس بالحق * ایله مشتف ایدرب مرآن مجلای
شیر صاعقه تاثیر سلاطین نامداری مجلای صور فتح وظفر * وما هیه رايات
نصرت ايات خواقین کامکاری اوج فرماندهی و کشور کشایده مهر ضیا کسره
ایله هممر فلشدر * پادشاهی که پادشاهانرا * پادشاهی رفیع نعمت اوست
سرفرازان و تاجدارانرا * کردن جان بطوق منت اوست * نظم ای خطبه
تو تبارک الله * فیض تو همیشه ببارک الله * ای ازخیم کاف حلقه نون *
صد نقش بدیع داده بیرون * از قسمت بندگی و شاهی * دولت تودهی هر که خواهی
نثر * لبر زنی حیاض شوکت اسلامی ناودان افرایدن جریان آب آشتاب جام خون
اشام غزاة دینه منوط کاخیزنی ریاض قوه شرع سبد الانام علیه السلامی
فیضان دلال تیغ بی دریغ مجاهدین مر بوطاید و ترهیب و انذار کفار
خاکسارای چون کتاب کرم محتم التکریمده * و کان - قاعا لیتنا نصر المؤمنین و ترغیب
و استبشار فرمان میدان کازارای چون فرقان عظیم لازم التعظیمده
فضل الله المجاهدین سیور و بول کرده برشکوهی * ان الذین امنوا و الذین هاجرو
و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمة الله * خان مبدول النعمین حصه مند
و الذین جاهدوا فینما لهدیتهم سبلنا فلو استنجبه افسر اهتدا ایله سر بلندا بشدر
خرامان شرای خضر فرخنده کام * سوی چشمه زندگانی خرام * برون آرازان
چشمه آب حیات * تارینی کن علیه الصلواة * قوافل صلوات زاکیات *
و روحا حل تسلیات نامیات * بره تحف درود و آفرین مثل آندوه * و طرف
ستایش و تحسین عنبر آلود * کل کازار آفرینش * روشای دیده بینش * دهر و شاح
رسالت عامه * نور شاخ نبوت تامه * افضل افراد بشر * شفیع روز محشر *
نازل رنمه کنت نیمازانم بین الماء و الطین * و اصل درجه * و لکن رسول الله
و خاتم النبیین * لمنشیه * اول ما خلق نتیجه کل * آخر انیما و خیر سل * نور مشکات
کعبه لا هوت * شجر اوع مجامع نا - هوت * مظهر تعظیم ما اتاکم الرسول فخذوه *
مصدر تکریم و عز و زوره و نصروه * بابل نغمه سرای * و رتل القرآن ترتیلا * ساکن
خلوتخانه * قم ابل الاقلیلا * پیشتوای محراب صلوات کرا بتوفی * رهنمای بی ارنیاب
قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی * لمنشیه * هادی خلق و پیشتوای سبیل * مسقطوحی
و منه بطحیریل * شمع تابان زهر و ان سبل * سرو سالار انیما و رسل * ظمیر باز ماندگان
کرا تبار جهالت * دستگیر افتادگان چاه ضلالت * مطمع فرمان * حرص المؤمنین

نخچه توخیر گلستان دین * طوطی خوش نوای * وما یسطق عن الهوی * همای
 اوج سبحان الذی اسری * طراز خلعت خلقت آدم * آغاز مقدمات
 ظهور عالم * منشیه * مرکز آفرینش عالم * سلاک منظومه * بنی آدم
 قائد الخلق رهنمای هدا * آیت فضل حق حبیب خدا * پیرایه بخش مربر
 اصطفای محمد مصطفی علیه من التحیات از کاهها * ومن التکریمات ابهاها
 حضرت تلمیذ روضه شریفه رضیه و حظیره خطیره مرضیه لرینه انخاف و اهدا
 اول نور که شمس عادت افسر لری تاج خورشید رواج * انا ارسلناک * برله رفیع
 الشان اولوب رتبه علیه شفاعت عصات امت اول حضرت عنایت
 اولندی و ذات ملکی الصفات لری خلعت بر انتباه لولاک ایلله شرف و عنوان بولوب
 وجود فایض الجود لری انتظام مواد موجوداته علت قلنددی * منشیه *
 دره پاک لجسه لولاک * شرف خالقه و مغفر افلاک * اصل موجود
 خلقت کونین * مرخوان رسالت ثقلین * اول نجی السیف حضرت تلمیذ
 زمان سعداقرانلرنده شمسعه شمشر رسالت لری برله ظلام کفر و ضلال نابود
 وطننه کوس نبوت لری ایلله صلیب و اضمنا م بی وجود * اولدیفی کبی
 متشبت دامن شریعت لری اولان امت لری ماتعاقبت الیالی و الایام اعلا لوی
 اسلام ایچون کفار و دوزخ مهار برله مطیارحه قرعه جنن و برخاش * و اول
 مخذول لری سیف مسلول برله صحایف روزگار دن تراش * ایدوب منهج مستقیم
 دین قوعه مهتدی اولیمان اشراء مشرکینی مشغله تیغ مرتیز برله دهلیز عمده
 کوند بر لر * نظم * هزاران هزار آفرین و درود * زجان آفرین خالق هست و بود *
 رب و باد و برآل و اولاد او * بر اصحاب و اخفاد و امجاد او * مخترط رسته لای حد و سپاس
 و مندرج درج جواهر تصلیه و تسلیم بی قیاس که هر سله فخور حور و کلامه
 شایان و درخور اولان تحایای بی انتهاد * جالس مقام محمود * و حارس خوض
 مورد * حضرت تلمیذ آل هدایت قرین و اصحاب کز نیر لری ارواح مقدسه لرینه
 دست آور قلنور که اول فریق سعادت رفیق حایر قصب السبق مضمار * السابقون
 السابقون * و فایز رتبه علیه * اولئل المقربون * اولوب مدد کاری تیغ راق آفتاب
 المهر اقلری برله شقه لوی ذلت فرسای اسلام بر افراشته پیمرنه طباق * و سایه
 افکن قبه قصر مقرنس رواق سبع طباق * اولشدر شعر * علی ارواحهم تحف
 النعایا * من الله الذی خلق البرایا * اگر چه بعنایه الله تعالی بونامه عبرین
 جامه راه نمایی خامه عباسی عمامه برله سر منزل اختتامه واصل اولدی و بوجواهر

نباید رود در آبدار که پرورده کان تصور و برآورده عیان تفکر در رشته انما مده
 انتظام بولدی لکن هر فردی پسندیده بجهت معارف که دلال روز کار نامزد شهریار
 کردن اقتدار قلمی مرتبه نیل راتبه رواج بولماز * و هر غنچه نوخیز کار از لطایف که
 قبول نظر قبول شه نشاء مکارم دستگاه برله شکفته اولمیه کوشه دستار اعتبارده
 جایگیر ارمماز * لاجرم بونخدره شبستان هنر که هنوز بر تواند از صفای صحایف
 ظهور و بروز اولوب منصه اطباق اوراق اوزره جلوه کز اولمشد پیرایه محامد
 و مدایح پادشاه جم جاء برله مرشح * و بوزناب که پوته فکر و خیالده مذهب
 اولمشد القاب شهریار کامل العیار ایله موشح * قلنقی لازم درنا که میان خولده
 پسندیده و میران قبولده سنجیده اولوب ملحوظ نظر ستایش و تحسین * و مظهر
 کرمه نشر الناطرین * اوله * شعر * ومن جل عن کل المراتب قدره * فاحسن
 ما یمدی الیه کتاب * اول سلطان جم نشان عظیم الشان حاضر تلرینک مجموعه
 ذات ستوده صفا تلرین حاوی اولدیغی فراند انوارید ماثر و محامد که هر ری عنوان
 جریده مهم سازی * و فهرس دیماجه رعیت نوازی * اولوب * نظم * نیست حد
 ذره بی دست و پا * تا زمدح شه شود درستان سرا * خوا سنجه بویغوله نشین دکانچه
 بضاعت منجات اولان عبد فقیر کثیر الملال کسیر البالک بنان قلم پریشان رفی ایله
 کشیده رشته بیان اولتی توهمی معلوم که محض خیال خامد لکن بوزننامه
 وقایع دور سلجانی اول نتیجه مقدمات سلطنت عثمانی و مصدر فیض فضل سبحانی نام
 نامیسی برله مصدر اولتی افتضاحی جواب سؤال مقدر * مصرع * و این الثریا
 من ید المتناول * اولمغین بین اقدام و احجام لسان الحال بلبل شیرین مقال خامه
 سحر سازه اول کاشنده بر مقدار نغمه به سراغازه رخصت و برلای * نظم *
 جایی که سر بوستان باقد چوبین می چد * مانیر در رقص آوریم این سر و خوش
 رفتار را * حقا که بر پادشاه سعادت دستگاه در که فرمان جهان مطاعنی پیرایه
 کردن اتباع ایتمک بر خورای نفیس کریم * اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر
 منکم * از باب عقل سلیم فرض * و کتابه بیت الشرف سلطنة لری السلطان ظل الله
 فی الارض * اولوب طاق کیوان نطاق خلافت لری آرایش * و زرعناه مکانا علیا
 برله زیب وزیر * و افسر شاهی طلعت خورشید اضا ثلرندن نور و فر * بولمشد
 نظم * شاهیکه در زمانه ندارد نظیر خویش * شکرانه واجبست که در روز
 کارماست * همواره شیه کرمه لری اجرای احکام شریعت شریفه سید الانام
 علیه السلام اولتی ایله حوزة اسلام رشن دار السلام اولوب پناه برده سایبان

حایبتری اولان عجزه و مساکین تاب آفتاب جو ریبه ادر کز اندن مصون الساحة
 اولمشدر * نظم * لطفش بکرم چاره بیچاره کند * عدالش ستم از زمانه آواره کند
 در موسم عدل اوصبار انبوه * آن یاره که پیراهن گل یاره کند * عدل وانصاف
 عرض لازم کبی جوهر وجود لرزیده قایم اولمق ایله زمان سلطنت نرنده دیده جور
 و اعتساف چشم مخور ترکان * کبی نایم اولوب زمان شرف عنوان سلطنت
 علی الشان نرنده شب هجرانندن غیری تیره دل * و قطره بارانندن اوز که بادر کل *
 اولوب ماء معین بنفشه خرنیدن غیریده کره انفعال و صورت ملال کور بلا مل
 ایله آوازه سلسله نوشیروان عادل مسئله تسلسل کبی باطل اولمشدر * نظم * کسی
 جز زلف خوابان معین بو * پریشانی ندیده یکن سرمو * سپاهی از سیاست
 در زمانش * نکر دی زور الابرکانش * بر پادشاه دوست نواز دشمن کدازد که
 همای همایون بال همت و نواز شیری سایه افکن مفارق بنده کان صداقت کار *
 و عقاب تیز چنگال عقاب ورنجشیری پنجه زن سینه عدوی بر کشته روزگار
 اولوب نسیم لطف دلاغروزی آتش سوزان اوزره وزان اولسه هراخگری بر الماس
 پاره آبگون شفاف * و سموم سموم قهر جگر سوزی آب حیوان اوزره گذران
 اولسه هر قطره سی بر خنجر خونفشان زهره شکاف اولور * لاشیه * صالسه
 کر بجره سایه شمشیر * دده شتندن نهنگ اولور بجنجیر * کوهه دوشه شعاع
 تبغی اگر * خشیتندن پلنگ اولور بی فر * آستان کردون نشانلرینک کیوان آسمان
 بر با سبانی * و قصر خورنق و وقت نرنده مهر و ماه ایکی قنبدیل نورانی * اولوب اشهب
 باد پارلی اوکجه سپهر معلا برینک جهان یما * و بارگاه فلات اشتباه نرنده خورشید
 عالم ارا بر شمع زیبادر * نظم * چودوات ازین خاندان یافت * کام * نه دولت
 بود کرود زین مقام * زهی دولتش دولت نیک بخت * که کشت ازازل و قف این
 تاج و تخت * محمول بحر و کان خرج بکر و زه مطبخ جود و انعام لری * و نه صرمت
 فیروزی طفیل خسام خون اشاملری * اولوب چنزار و خاوت و * کرمکاری
 رشحات کف * محاب ادرار لری ایله شاداب * و کلزار شجاعت و ناعمداری قطرات
 شمشیر خونبار لری برله سیراب اولمشدر * نظم * کوی زمین در خم چوکان
 کشید * جو و رسم را خط بطلان کشید * کشت جهان بازار و بر طرب * بافت امان
 هم عجم و هم عرب * شاداب صبح امل از خنده باز * خاتم امید در خنده باز * زمزمه
 بردازان مجامع ساهره غبار اول سلطان جم حشم محضر تلرینک فصل الخطاب مدح
 و ثنا سنده * لاشیه * در شهوار درج جاه و جلال * دری برج دولت و اقبال * پادشاه

مجاهد و غازی * کوه را فسر میرا فرازی * حضرت خان مراد عالی قدر *
 فلک سلطنته اولاد برادر * تعبیر دلپذیری ایله آغاز نغمه بردازی ایتد کونده مجله
 طرازان مجالس النقبایس ملاه اعلادست دعای برداشته درگاه کبریا پناه
 ایدوب * لمنشیه * سلطنت تختی اوزره انده قرار * دورد غنجه بوقبه زرکار * نخل
 آمالی سبز و خرم ازل * سایه سی ملتجای عالم اوله * عون حق یار و یاور اوله اکا * ییل
 اقبال رهبر اوله اکا * بودرامید هر زمان که اسر * شانه طوغی اوله باد ظفر * نظم
 انجازه طرازی ایله حلقه جنبان در نیاز اولور چونکه ییل اندیشه و خیال هزار سال
 عرصه مدح و ثنا سنده یونان اولوب بیهوده کردی یان بی یان مقال اولسه واصل
 سرحد پیدا حق ادا اولق هم آشیانه عنقادریس (مصرع) اذالم نستطع امر افدعه
 بند یله کار بند اولوب سر منزل دعا طرفته عطف عنان یکران قلم ستوده رقم
 او اندی حضرت سلطان غیب دان جل جلاله درگاه رفت پناهندن سوز و کداز
 برله تضرع و نیاز اولور که شرف افزای تاج و تخت سلطان جوان بخت
 حضر تدرینک نهال قامت طوبیامشالری مدی الدهور والاعوام رو تنقه
 حدیقه مجد و اقبال اولوب گلزار عمر و دولتتری فیض سرچشمه افضال ایزد متعال
 برله باغ جنت کبی نصارت پذیر * وجود هر وجود سعادت نمودری زینت ساز
 افسر و میر و اوله * نظم * الهی تابود افلاک و انجم * مباد انام نیکمش از جهنم کم
 بتا پیدا الهی باد منصور * بتدبیرش ممالک باد معمر * دعای صبح خیزانش قرن
 باد * سعادت یار و یختش هم نشین باد * اقطاف ریاض عجایب سیر و اخبار *
 و اعتراف حیناض غرایب و قایع روزگار * ایدن زمره فضلاء معارف دستگاهل
 عکس انداز می آت بال صفا مالریدر که غوطه خوار بحار معارف و علوم خواجه
 سعد الدین مرحوم که ابتداء ظهور تباشیر صباح الخیر سلطنت آل عثمانی
 اولان ابوالفتح و المعازی عثمان غازی حضر تدرینک مساعده بخت خداداد
 و انجیح بن طالع مادر زاد * برله بالانشین اورنک سلطنت * و مکیه تخت خلافت
 اولدیغی حین شرف قریندن برودست یاری حسن تدبیر ایله بی دربی مرآت
 مجلای شمشیر صاعقه تاثیر اولاد اجماد سعادت نهاد لرنده جلوه کرا اولان صور
 وقایع که هر بری فهرس دیباجه مباهات و انتخار نامیا ننگان روزگار اولمغه
 سزاواردر خامه سحر ساز برله نقش پردازاغه آغاز ایدوب فاتح عرب و عجم *
 اسکندر دارا حشم * شیرازه مجموعه جلادت * همای اوج شجاعت * سلطان
 سلیم حضر تدرینک میر میراستان جنان * و کلکشت روضه رضوان * ایچون

طرف دارالسلامه خرام بیورب مسند خلافت پناهی وارت تخت شاهی سلطان
 سلیمان مکان حضر تبری برله مہتمم و مہمبہای اولدینگی مجلدہ رخس خامہ سبیل
 عنایت تبری پابستہ عقال اختتام اولمش ایدی اول خواجہ سر جلیس فطنت
 حضر تیرینک زینت یافتہ ہمت مشاطہ کلاک سحراری اولان نوحروس تالیف
 لطیف کہ زینت دلفریب فقرات سہجانیہ و قوافی سلیمانہ برلہ رشل ربات الخجال
 روضۃ الصغای حسن و بہا اولمش درحقا کہ بر مخدرہ شہستان عرفاندر کا سواد
 خط و خالی سواد نور و بیاض صفحہ جمالی بیاض حور و منزله سندہ اولوب
 تراکیب بدیعہ الاسالیسی عنوان جریڈہ فضل و افضال و فہرست مجموعہ علم و کمال
 دیکہ شایستہ در نظم و دقیقہای معانیش در لباس حروف و چہ در سیاہی شب
 روشنی و پروینست و پس بو حلقہ بکوش استان اصحاب فضایل و معارف و غاشیہ
 بردوش میدان ارباب ہنر و ادب و کما کشتہ بادیہ جرم و تقصیر قرہ جلی و زادہ
 عبدالعزیز رفیق دستیار طبع و کلیل و مددکاری فہم علیل برلہ اول کتاب بلاغت
 انتسابی تذیلہ بذل قدرت ناچیز عاجزانہ ایدوب حسب الوسع ریختہ قالب ترقیم
 و ہزار شمر مساری برلہ پیشکامہ انتظار افاضل روزگارہ الخفاف و تقدیم ایلدی
 بو اوراق پریشانہ تعلیق نظر ایدن ہنر مندان زمانہ دن درخواست نیاز مندانہ
 اول نور کہ تفاوت مابیندن انماض عین بیوریلوب بو تحفہ حقیر منظور
 دیدہ تحقیر ایلیمہ مصرع علی اللہ فی کل الامور توکل و بو صورت واقع الحال
 دخی جلود کراتنہ خاطر ارباب فضل و کمال اولہ کہ بو نو بارہ بوستان ہوس ہنوز
 تمام رس دکل ایکن دست رخای یاران صفا ایلہ اجتناب اولوب زینت ساز شاخسار
 قلم دیران عطار در قلم اولمق ایلہ بازارا شہار دہ الدن و دوشمشدر حالیا صفحات
 اوراقنہ تکریر نظر تہنہج و اکثر مواضع زعم و جہ وضع قلم تصحیح و اولوب
 بو نسخہ قراردادہ امضای اختیار ہسزا دار کورلدی کرام اخواندن درخواست
 احسان اولور کہ سائر نسخ مطروح طاقچہ اہمال اولوب بو مجموعہ مطبوعہ بہ
 شد شیرازہ حسن رغبت و اعتبار بیور و لروباللہ ثقتی *

بومقالہ سلطان سلیمان نظیر حضر تیرینک جلوس سعادت مانوس لیلہ سر رعزت
 مصر شرف پذیر اولدینگی بیانندہ در *

بر حسب عادت عالیہ الہی ہر قرنندہ بر صاحب قران مسند آرای اورنل
 شاهی و زینت کردیم خلافت پناہی و اولوب ہمت عالی ربیبی تقویت
 و احکام قوائم رعیت نوازی و دین پروری و نصب عین ضمیر میری تمثیل

احکام مهمسازی و داد کسری * اولی مقرردتا که بیم شمشیر شهنه سیاست برله
 دامن ملکدن تطاول ابادی اعادی احتمالی مندفع اولوب پناه برده کیف بیت
 الشرف جایب اولان بجزه و مساکن تف و تاب قهر و کین پیدا کران بداییندن
 امین اوله * نظم * از دارپادشاه چه بهتر بنزد عقل * ککر عدل اوشود ممتنی
 علی الدوام * هم شرع را طراوت و هم نفس را کمال * هم خلق را فراغت و هم ملک
 را انظام * زیرا ملک و شرع اقتضای حکم نامتناهی برله توأمان * و مهتد قدرت
 کامله الهیده رضیعی لبان * اولوب کلزار ملک و سلطنت فیض محاب مدرار شرع
 احمد مختار برله شاداب * و نهال فرمان فرمای و خلافت بمن تاثیر زلال معدلت
 ابد سیراب * اولایغی کبی چشمه سار شریعت دخی بی سایه شمشیر سیاست ملوک
 پسندیده سلوک راتبه جریان بولماز * نظم * سرسبزی نهال سعادت بیباغ ملک *
 بی چشمه سار شرع مطهر طمع مدار * لیکن زلال چشمه دین کی شود روان *
 بی سایه سیاست شاهان کامکار * الدین اس و الملک حارس فالاس له فهمدوم
 و مالا حارس له فضا یع یعنی حضرت صانع بیخون * و رافع قبه بلند قه کاخ
 نیلگون * همت معمار عجیبه الانار کاف و نون برله شهرستان شهوده طرح
 بنیاد * و اقلیم وجودی ایجاد * بیورد قده بر مقنضای ارادت بی علت قوام
 دین مبینی اساس بنیان * و سلاطین عدل آیینی حارس و نکمبان * تعیین بیورب
 انتظام اسباب اشتات موجوداتی وابسته استحکام دین مبین * و موقوف ششدر
 اهتمام ملوک و سلاطین ابشدر * هر قصر خوش نما که بی اساس اوله مشرف
 اندر اس ایدو کی امر بین * و هر کالای کران بها که بی حارس و نکمبان اوله دست
 زده غارتگران اوله جنی متعین در لاجرم اولدم که باراده الله تعالی شهریار انجم
 حشم * سپهسالار خجسته مقدم * تمیحه بازوی جلادت * یتیمه صدف شجاعت *
 شاه بیت قصیده سلطنت * بهترین نسخه خلافت * سلطان سلیم حضرت تری
 او غراش کوی نام مقامده اورنک سلطنت و تخت خلافتدن قطع تعلقه جارم *
 و سریر شرف مصیر علی سررموضونه متکئین علیهما متقابلین * طرفنه هازم
 اولوب چاربالش فرمان فرمای و شاهنشهی وجودیه بود سلطانیدن تهی اولیجی
 وزیر اصنی التدیبر پیر محمد پاشا خدنگ آه درون برله جوشن نه نوی کردونی صدبار
 ایتدو کی کبی از فالدی که کریبان جامه اصطباری چاله ایدوب بنیاد ناله و فریاد ایلایه
 لیکن سریر عزت مصیر وارث تخت و تاج حضرت تری برله زینت و رواج بولدیغی
 خبر مسرت اثری مرزده رسان کوش جان اولمدیغه بوحال متمر الملالک ظهور

وانشاری نه گونه مفسده عشاق اید چکی معلوم اولغین تلخاب نجوم
 واضطرابی تجرع ایدوب مغنیسایه سایه سعادت پیرایه عدل ودادی نعم البدل
 ظل برهمنای اوج اقبال اولان شهرزاده عالی نژاد سلطان سلیمان حضرت تلمیسه
 کیفیت واحوالی وخط وترجمله ازیم استبحالی متضمن عبودیت نامه
 ارسال ایلدی و دست اصطبار برله اشد دیده خونبارین سیلوب اوتاق
 بلندرواقدن چندی وبلطفه تعالی نخل بالا کش وجود شرف نمود سلطانی
 تند باد خزان امراض واسقامدن سلامت یافته اولمشدر دیو صورت شادمانی
 کوسنروب اطبیایه خلع خسروانی احسان ایلدی وکما کان اقامت ارکان
 دیوان اولنوب نسیم عنبریم اقبالدن سلطان دریاوال حضرت تلمیسه تشریف
 قدوملری مرده من الماعه انتظار اوزر اول هرزوبوم شومده آرام وقرار اولندی
 نامه بر اولان سلحدار لر کفهدامی سلیمان اغااسب بادبواباده پیایه تحریک رکاب
 بجله وشتاب ایدوب اویله کیتدی که اگر مرغ و هم وخیال نسر طیاردن استعاره
 پروبال ایلمسه سایه سیله هم جناح اولقی محال ایدی بو حال اوزره قطع طومار
 اسفار ایدوب بر روز فیروزده مغنیسایه واصل * و شرف تقبیل رکاب سعادت نایل
 اولدی وکان کوهر سر مکتوم اولان مکتوب مختومی و ساطت مقربان درگاه
 بره واصل عز حضور ایلدی زبان حامه نامه دن مهر سکوت فلک اولنوب
 مجلس هایلون سلطانیه نغمه به سر اغاز * وروی اسرار منته دن حجاب احتجایی
 باز * ایلد کده بامر تعالی والد بزرگوار لرینک در اغوش مینان زیبای حور عین
 ایچون عازم خلد برین اولوب ارل سلطان عین مکان حضرت تلمیسه شهباز بلند
 پرواز روح بر فتوح حلی شاسار و روضه رضوالده ملائکه اولی اجنحه برله
 و متناز اولدی خبر و حشت اثری محاط علم عالم آرای اریجق کانون درونلرندن
 متهر شیشه دماغه صعود ایدن دودشیر آلود اضطراب و الم تاثیر ایلدی اختیار
 قطرات دیده لؤلؤ شلار صفحه رخسار تابدار لری اوزره پریشان * و مردم چشم
 خونابه فشانلری صفحه طالع اوزره غلطان * اولوب متاع سلطنت بی بقای دنیا
 نظر رغبتلرنده ساقط الاعتبار کور نمکین استبدلر که اول عروس هزار داماده
 صورت استغنا کوسنرملر (نظم) خوش عروسیست جهان از سر صورت ایکن *
 هر که پیوست بدو عر خودش کاین داد لکن آبا واجداد جنت معاد لری
 تحمل ایتد کلری امانت کبرای خلافت عظمی دست دیگرانه دو شمل ایلده و داغ
 خالق البرایا اولان ضعیفای رعایا باد کران جو و بیداد کران زبونی اولماق ایچون

بشمار اصابرین نوید یله تسکین اشک خونین بیورب - هر و سر افراز بوستلن
 عز و ناز اولان نهال قامت طوبیامثال لری بخت و اهتر از کندی بدرقه اقبال برله
 مشارل نور د اولوب - نه ست و عشرین و نه هفتاد شوال المبارک کنل اون برنجی
 کوئی شعله ماهچه ریایات سلطانی و بر تو حقوق طوغ صاحب قرانی اسکدار
 اسکله سنده طعنه زن مهر منیر آتانی اولدی - مستقر سر بر خلافت طرفه گذار
 یوریلوب اسعد از مانده کرمی زرکش متکای سلطنته شرف بخش اولدی یور و خبر
 بهجت اثر مساعد شمال اقبال برله واصل سمع وزیر بنجسته تدبیر و لایحی سلطان
 سلیم الطمع حضر تری بامر و عالی خیمه زن صحرای بقا اولوب وارث افسر و سر بر
 حضر تری مریم نشین مسند شهر یاری و عالمی ناهی اولد قلزندن امر اوسپاهی بی
 اکاه ایلدی و وزرار ارکان دیوانی خزینه عامره و جنازه بلند آوازه سلطان خالد
 آشیانی نقل خدمت یله مأمور ایدوب کندوشی کمال استیصال برله درد و دلت نوال
 طرفه توجیه مطیبه عزیمت ایلدی اول کون بعد العصر قبل فلک اطلس اولان
 دامن اجلال سلطان جوان بختی لب ادب برله تقبیل و التشام ایدوب موقف
 اقباله ایصالی لازم اولان منهاج اموزی عرض و اعلام ایلدی روز دیگر شاه انجم
 سپاه طارم چارم اورنگ زمر درنگ سپهر برین اوزره مریم نشین اولدی بی دم شهر یار
 جم جاء - اسکندر دارا سپاه - حضر تری مطلع افسان عالم تاب سپهر سلطنت
 اولان باب دولت نمایند بدر عالی قدر کی جامه شیرین برله بر تو انداز ساحت - برای
 - هر روز انرا اولوب رسم مافوس اوزره خدمت تنهیه جلوس ادا اولندی * نظم *
 یفرخ ترس ساعت آمد بخت * خدیو جهان کبر فیر و زبخت * پی تنهیت یل ییل
 همکنان * زبان برکشاند زانور زنان * که شاهان بر لب و قرو و تخت و تاج * بان تا
 بماند آدام تاج * فلک با ورت باد و خصمت زبون * جهان تابع باد و دوات
 فزون * اول کون بعد الظهر خلد اشیان سلطان سلیم حضر تری نعشی یقین
 کلد و کی خبری عرضه پایانه مر بر شرف مصیر اولمغین خدمت استقبال اداسته
 استیصال یوریلوب ابوالفتح جامع لامع النور زنده ادای نمازدن صکره مرقد
 رحمت مرصد لرینه دل پیاده تشیع * و اول سلطان علی الشانی فضل سبحانی به
 نودیع (بیوردی لر ترویج روح بر فتوح لری ایچون نیجه ایام فوق مایه صورده الا وهام
 اطعام عام و اباس فقر او ایام ارانوب اولد در عمان ساطنتی صدف وارد رکنار
 ایدن خطبه خطیر ده بر جامع زیبا و عمارت بر نعمه و علیم صیدان ایچون بره عالم
 خانه و یکی باغچه قریبده بر مدرسه مؤسسه بنیاد لری باینده فرمان عالی شرف

صدور بولدی رؤس عنا بر عنوان منشور امن وامان اولان القاب شرف
 انتسابلری برله سربلند * وروی درهم و دینار نام نجسته قرا بملری ایله بهره مند
 اولیجی تنسم نسیم عنایتلری برله دریای فشیج الار جای کرمکاری موخیز *
 و فیضان جویبار همملری ایله جام احسان بی پایان شهر یاری لبریز * اولوب رسم
 دیرین سلاطین آل عثمانی اوزره خوان انعام عامملری سفره خورشید کی بر مرتبه
 مبدول النعم اولدی که کوی نیاز باشی و آرزومندی بر فردک بود مشکن صوبچان
 نکاه التفانی اولوب پشت پای آمد شد عالمان ایله سرکردان بیابان استغنا اولدی
 * نظم * دلش دریا و موجش فیض احسان * کفش ابر عطای عام باران * خلد
 آشیان سلطان سلیم خان زماننده وقعه چالدراند نصکره تضییق سرخ سران ایچون
 طایفه سوداگران کشور عجم طرفه شد راحله عزیمت ایتماملری باینده فرمان لازم
 الادعان شرف صدور بولوب سودای سود برله امثال فرمان جهان مطاع *
 و مسئله آموز عقل کل اولان رای جهان آرایه اتباع * ایچینلرک ارزاق و اموالی
 سایر لره موجب تیقظ و انباده اولتی ایچون مضبوط خدام درگاه عالی اولمش ایدی
 اول بیچاره لر در دلدل صد پاره لرینه درمان اولتی رجاسنه زمان سلطنت سلیم خانیده
 هر چند که کند ناله و افغانی کنکره مقرنس طاق نه رواق آسمانی به بندایدوب
 دست نیاز برله قرع باب عنایت آغا زایدیلر غیرت صاحب قرانی اقتضاسیله مطلع
 خورشید رفت خدایک انمیدن تباشیر صیاح الخیر قبول بیدار لیدوب مشا هده
 جمال شاه داماله قناع امتناع مانع اولمش ایدی دست یاری عون ربانی برله شاه باز
 هما پرواز سلطنت ال عثمانی ساعد بخت مساعد سلیمانی اوزره قرار داده اولوب
 اول مهر برج جاه و جلال پرواندازا ورنل جهان ثباتی * و اول در درج عز و اقبال
 زینت ساز افسر کشورستانی * اولد قده قطرات سخاب مکرملری برله کشتزار
 انانی خاص و عام دانه دار * و رشحات زلال دایم الاتصال مرجملری ایله نهال آمال
 کافه انام پر باز * اولیجی اول عنایت خواهر نگر اردن یازی باز * و مخزنک سلسله
 استعطاقه آغا ز * ایدوب رضکاب مجد انتسابه رفیع رفعة نظم ایتدیلر فوچه
 و اشکبار و فریاد و زاریلری محروک دریای کرمکاری اولوب کنجایش کمتین میران
 قیاس قیاسدن آفرزن * و دایره تعداد و شماردن بیرون * نفایس امتعه کونا کونی
 موجود ایه عین بر طریق ایله ضایع اولدی ایه قیمة الوقتدن زیاده به ناسن
 اصحاب نه رد * و دست عدل و انصاف برله دریچه جور و اعتسافی سد * سودر یلر
 * نظم * دست جور و در عدالت و داد * آن یکی پشت وین دکر بکشداد * هم کولک

هم کرب بر گرفت از پیش * باز را کرد با کبوتر خویش *
 بو محاله جانبرد و تیره روز تحریک مردم بداموز بر له اعلای لوای عصیان ایدوب
 بدرقه احیام خون شام ایله بیابان عدمه وضع قدم ایندوکی بیاتنده در
 متیظ و هو شیار اولان ارباب عرفانه واضح * و مرایای اصحاب مزایا
 و از نهانه لایحدر که دستیارئی عون الهی بر له هر سعادت مند که چار بالین
 شهنشاهی اوزره مبتهج و مباهی اولوب نایید فضل نامتناهی ایله مستند آرای
 سر برخل الی اوله کر کرد که زمام اسب عزیمتی همیشه ازاله غوائل جور و پیداد
 ارباب فساد طرفته اماله ایدوب نوسن تبرکام همی همواره اول فصاده
 اجاله ایلیه تا که پناه برده سایان امان اولان زبردستان سایه جناح همای همایون
 بال خوش حالی و رفاهیتده آرام یافته اولوب بی آزار خار کسدار
 دوام دولت و بقای حشمی ادعیه سن ضعیفه اورد عشیات و اسهار ایلیه * نظم *
 شه جو عادل بود ز خط منال * عدل سلطان به از فراخی سال * نکاشته خامه
 مشکین مداد اولدیغی اوزره فردوس معاد * سلطان سلیم حف بال لطف العیم
 حضر تکریم طائر سدره نشین روح پر فقه و حوری قفس بدندن پرواز ایدوب ازلی
 وطن ارلان ریاض قدسده آشیا ساز اولدیغی رسم سلف اوزره فرزندان جند قرین
 الشرف قری نعم الخلف اولوب کلاه کوشیه ابدی تاج سلطنت اول در شاهوار عمان
 خلافت بر له فرق فرقه دانه همسر * و تخت خلافت اول کوهر تابدار کان
 سلطنت ایله برزقور * اولاد قدسده علی الاطلاق ملوک و حکام آفاق آیین دبیرین اوزره
 استبان رفیع الارکانه ارسال عبودیت نامه بر له مقدمات تهنیه جلوس میمنت
 مانوسی * تمهید * و اساس سوابق اخلاصی دستیارئی لواحق اختصاص ایله
 تشیید * ایدوب قرین نوازش و تحسین اولدیلر الا یکی کشتنی مادر زاد که بری
 انکروس قرالی لاوش بد نژاد * و بری حاکم شام نامنه اولان جانبرد تیره نهاد در
 * اول صباى ضلالت سر کراندی ضربان عرق جاهلیت ایله در کاه رافت
 دستکاهه عرض عبودیت و چانسپاری * و تقدیم رفیت و خدمتکاری *
 ایتد کلرندن ماعد اذات کرم سمات سلیمانی رونق بخشای افسر جهان بانی اولدیغی
 پیامنی ابلاغ بچون ارسال اولنان اولاغله * انه من سلیمان * خطایله ایصال کتاب
 عنبرین نقاب ایتد کلرنده تحریک بخت تیره روز و افساد مردم بداموز بر له نامه
 رسانه قرش بساط مهمانداری مراحمین اقامته شهر منطقه هفت انجیوب بلکه
 درد ولته ارسال بابنده دخی روی افعال کو ستر دیر جانبرد غزالینل اجمال حالی

اولدرکه فردوس مکان سلطان سلیم خان عزم استخلاص کشور عرب و توجه
 تسخیر مصر و شام و حلب و بیود قلزنده اول چرکس ناکس سلیم نامه دهده رفزده کلل
 بدایع نکایر اولدینی اوزره نیجه بی ادبانه اطوار اظم سارا بنش ایکن محض تایید
 ملک مجید برله صورت دلقرب ظفر مرآت تیغ بی دریغ لری اوزره جلوه کراولجی
 مصر حکومتی برله توقیر بیورد قلمری خیر بل اول سل غزالی حقنده اغاز شفاعت
 و خواهشگری ایتمکین بسطایند وکی معاذیر مقبول شهر یار پوزش پذیر اولوب
 مقابله آستاده احسان برله تعزیر و شام حکومتی برله توقیر و بیوریلوب
 قدس شریف و غزه و صفد سنجاق لری دخی الحاق بیورلش ایدی اول خربی نوا
 چنزار و فاده ری و چرا ایتمد و کی جهتمدن نظم و سقله راخانه خرابی رسد
 از کثرت جاه و کشت ضایع زفر اوانی باران کردد و خواسنجه تراحم اسباب اقبال
 محول مواد سودای و سوسه فرسای سلطنت و استقلال اولوب اول بد کیش
 محال اندیش پابسته دام خیال خام اولدی لکن ساعد بخت مساعد سلیم خانیده
 مشاهدی اولان قوت و ذات کریم لرنده معاینه ایتمد وکی شجاعت محض تایید الهی
 اید وکی معلومی اولوب بر نهال باغ اقبال که تربیت یافته چوبار عون ایزد تعال
 اوله برک و باری عواصف ادبار برله پریشان اولمه جفی منتفش صفحه سینه
 پر کینه سی اولمغین کین کینده فرصت بین اولوب زیر کلیم خضاده طبل عصیان
 اورردی سلطان سلیم خان خلد اشیان انا را لله برهانه نیروی بازوی شمشیر
 صاعقه تاثیر برله خطه خاک کی زیر قبضه تسخیر آلد قلزندن صکره
 آرزو مند مشاهده نشینکاه افلاک اولوب طلسم مشکل بند عدل و داد
 دست همت سلطان سلیمان نژاد برله فتح و ککشاد بولادینی خبر
 بهجت اثری قرع سمع جانبرد شقاوت نهاد اید یجل (مصرع) الملك بعدای
 لی لی لمن غلبا و خواسنجه هنگام اشراق آفتاب دوات و اقبال اولوب روز بازار
 سفاهت اولق احتماله اول سفیه بر خفوی کل انا یترشع بماقیه و اظم ارمافی البال
 و تبدیل خطبه و سکه ایله دعوی استقلال و ایدوب صفحه آب سیاله طرح
 نقوش امال خسران مال ایلدی (نظم) نه هر که چهره بر افر وخت دلبری داند
 نه هر که آینه سازد سکندری داند نه هر که طرف کله کج نهاد و تند نشست
 کلاه داری و آیین سروری داند و ارل مظالم پیشه شتم پردازد ندان حرص و آزی
 دراز و وصلای خوان یغمای ارزاق رعایا به سر اغاز و ایدوب حجاج کرامی دخی
 آماج تیر تاراج ایلدی پس انکاه اول که کشته راه سوار و پیاده اون بش بیکدن

زیاد، لشکر نحوست اثر بر له سمنده زیمته حواله فایزانه استیصال ایدوب کسسته
 مهار و خایع العذار و وضع قدم ایتدوکی مرزوبوی خانه بخت شوی کبی خراب
 * و هر گوشه سن آشیانه بوم و غراب * ایدرله قطع منازل و طی مراحل ایدوب
 اشام ساعاتده اقیح حالات اوزره محاب عذاب کبی حلی محاصره * و در اغوش
 میانی زیبای شهباز جاسنه آغاز مطارحه قرعه مشا هره * ایلدی (نظم)
 غزالی که در پیشه آید دایر * عجب کرد جان زمینان شیر * جاسوس سامعه مقربان
 سلطنت بو خبر و حشت اثری استماع * و جانبرد غزالین نتیجه آمال و انکرویس
 قرالینل کیفیت احوالنه تحصیل اطلاع * ایدوب و سلطنت ترجان زبان راست
 کوی بر له عرض و اعلامه اقدام ایتد کلرنده حیت صاحب قرانی اقتضا ایلدیکه
 دار الامان بیکسان اولان قلمرو حکومتلرینه مانند مرغ حرم التجا ایدن
 رعایانل دامن انتظام حالری خار تعرض اغیاردن بی آزار اولقی ایچون طریق
 بی توفیق عداوت و اخمرارده اصرار ایدن بد کردار لره (کنی بالمشرفیه واعظا)
 خواسجه زبان تمغ بی دریغ بر له بهیچ و بند اولنه رشته افکار اصابت شعاره
 فیصل قرار ویرلن ایچون اول مهر سپهر سلطنت رونق افروز برنم مشورت اولوب
 سلطان بنده نواز حضرتلری حقه لعل نمای لؤلؤ طراز لرندن بو گونه کوهر نشان
 اولدیلر که بمنه نهالی شاهناز هما پرواز سلطنت آل عثمانی سانخ الجین اقبال کبی ساعد
 بخت مساعد خرا اوزره قرار داده اولوب فرق هما یوغمز ناج باهر الابهتاج ظل الهی
 بر له مشرف * و گوش هوشمن فراید عجمه القوادیر عیت پناهی ایلده مشفق *
 اولمشد را الحمد لله علی نعمائنه (نظم) کرکمی شکر گذاری کند این نعمت را
 نتواند که همه عمر بر آید ز مجود * امدی کر کرد که بی سپر راه مذلت اولان کوی
 غلطان خاطر مظلومان دست رعایت ایلده آسوده حال و جیب تمنای ستمدیدگان
 درهم نوسکه خط بنز ایلده مالامال * اولوب پنجه جور خود برستان بیداد کبر بر له
 بر فردل شیرازه مجموعه انتظام خانمانی زلف خوبان و کاکل مهبوشان کبی
 پریشان اولماق ایچون همیشه بیم نهنه سیامت بر له زهره عدوی کبراه آب *
 و آبش و در شمن روستاه زهر ناب اولوب همواره فرمان قاضی ماضی الحکم شمیر
 صاعقه تاثیر من کشور ابدان مظالم پیشکان ستم بردارده جان کبی روان اوله حالیا
 ایکی شقی * بد نهاد و دسوا ی مادر زاد طر ح فتنه و آشوبه سر اغاز * و در پیچه
 عصیان باز * ایدوب کشف سایان امن و امانده هم خوابه اطمینان اولان رعایانی
 با بسته نار عناکب قهر و کین ایتد کاری مرفوع پایه پسین سر بر سعادتمنیر

اولمصدر بر مقتضای مراسم رعیت نوازی لایق شان مراحم نشانمراولدرکه
 بومهم خطیر تدارکی انداخته همان تعافل و تاخیر اولیوب انعام مهمام - فرظفر
 انجام امر نده اهتمام اولنه بیورب روابط مجموعه کلامه فاصله سکوت و بر دیل
 اول مجلس خاص الخاصده سرفرو برده کریبان خاموشی اولان مدبران امور
 سلطنت و مدبران دوائر خلافت رونق شکن حلاوت رضاب غایت و کساد
 افکن عذوبت عین الحیوة اولان کلمات فصاحت سمائی قرطه گوش اذعان
 اید بجلل رأی عالم آرای بسند و آرازة دعای سلطان سربلندی بلند ایدوب
 تاور بودمقالی بومنونال خجسته مال اوزره نسج ایدیلر که (نظم) ای در پناه عقل
 توملک هنزوری * وی پرتوی زرای تو خورشید خاوری * تدبیر صائب تواندیشه
 صواب * تمهید داده فاعده داد کستری * فکر مراجه وقع بود پیش رای تو *
 خرمهره را چه قدر بود پیش جوهری * رأی جهان آرایه که اشعه انوار ندن عقل
 کک اقتباس انارت وضیا ایدر مخفی و پوشیده اولیده که اگر چه یکبار
 اول بد نهادلک لهیب فتنه و فساد لرین رستمیاری شمشر آید ابر بر له انجامد *
 و خرمن جیبا تیرینی مددکاری تنغ خونبار اید بر باد * ای تلخ نیم نگاه التفاهل برینه
 وابسته ایدوکی مقرر در لکن شناوران لجه موج انکیز حرب و ستیز اولان سپاه
 ظفر دستگاه باعث تشت و پریشانی اولماق ایچون مجلاطفاء نایرة فساد احد
 طرفین ترجیح و تقدیم * و ممالک محروسه به تعدی به تصدیسی اولمغین تدارک حال
 جانبرد غزالی تصحیم * اولنوب به و نه تعالی اول غایله زایله اولدقدنصر کرمه بلام
 رخس همتری تدبیر قرال مخوس و تسخیر اقلیم انکروس طرفنه اماله *
 واشهب زرین ستاملری میدان غزو و جهادده جاله * بیورلق صواب دیدر ایض
 فهم علیل و طمع کلیل بندکان صداقت نشاندر باقی * مصراع * از شایک اشارت
 وز ما بسردویدن * وزرای سعدا ختر جلوه نمای مرآت خاطر لری اولان شاهد
 مر امه بوکونه زیب دلقرب ویرد کلرنده طرف قرین الشرف سلطنتندن دخی
 نظر قبول و تحسین مشاهده اولنغین همان اول مجلسده قانع بیستون وجود
 اعدا وزیر نالت فرهاد پاشا سمر دار تعین بیوریلوب اباعن جد علی طریق
 الاستداد ایلالت ذوالقدر به حاکمی اولان شهسوار عرصه دلاوری شهسوار
 اوغلی علی بکه مثال متعیم بالا مشال ارسال بیورلدی که زیر فرمانده اولان
 بردلان ترکان بر له سمند نیز کام عزیمت ارخای عمان مسارعت ایدوب سپاه کینه
 خوراه ایدلر عسکر نامورا بر شنبه اول چرکس ناکسی دامن مخدره شهبایه

دست رس بولق هوسندن اشغال ایلمه ناطولی وقرمان و سیواس بکلبکاری
 دخی تحت ابالترنده اولان عموما زعماء و ارباب تیمار برله احضار ادوات کارزار
 ایدوب منتظر خبرقرب و وصول سردار ظفر شعار و انلری ایچون یلیغ بلیغ تبلیغ
 اولندی لکریجه آفتاب پرتاب همجو تیر پرتاب کمانخانه قوسدن جسته و برج
 جدی به بیوسته اولوب حکالروز کار اطراف سهل و جبل توده توده الماس سوده
 پاشیده قلعین قوت نامیه بلکه نارحامیه حرکتدن قلوب مدت سفر عدوی بد کهر
 عمری کبی منتضی اولمش ایدی (نظم) زبرف کشته زمین همجو صفحه کافور بهار
 مانده جمان همجو کندبی نور هوا ز غایت سرما چنان غودا اثر که برد خاصیت
 از طبع مردم محذور لکن جیت رعیت نوازی محترک سلسله مهساری اولمقین
 ایکن یوز طوب قلعه کوب و درت ییل یکجیری و درت ییل میانه هم اقلنوب
 اتمام مهمام سفر ظفر اثر ندن کمره عام فیروزی انجام ست و عشرين و تسعمانه دی
 الحجة الحرام نل یکرمی کوفی خرگاه رنگارنگ ایله صحرای اسکدار غودا نقش
 ارزنگ اولدی طرابلس و انطاکیه و حما و حص بیکلری آتش فلک پیوند ثتمه بی
 قمرده ایتل ایچون جوی اس اول جانیه آقوب حلبده عقد جمعیت ایشلرایدی
 غزالیلر ایله عرصه جنکده روز و اولد قلمی تقدیرجه دخی بعنایه الله تعالی اول
 کشتیلره زبان تیغ بی دریغ برله جواب قطعی و بر ملک آسان ایدی لکن زمان فهدن
 برو قرب عهد اولدی بیجهتدن شهرده اولان برار و قزار و قصاب و خیابانلر هنوز
 ابالسه چراکسه به میل طیبیلری اولوب خارج شهرده آهنگ آشوب و جنگل
 اولندی بی تقدیرجه شهر خالی قلوب اذا اصطلم الفارة و السور و خرب دکان البقال
 مضبوطی و روغون اولقی احتمالی دامن کیر عزیمت اولمقین حلب امیر الامراسی
 اولان قراجیه پاشا محافظه دروب و محلات ایچون مداخل و مخارج شهری کوچه
 بندلر ایله تحصین و قتل و بروج حصاری ادوات کارزار برله تزین ایدوب
 غزالیلره الحق بعلو صورتی کورستدی ارباب بی و فساد طرف عالم بالادن سر سودا
 زده زینه یاغن تکرلر بلا ایله باشلری قایمی اولوب خصوصاً آوازه قرب رایات
 ظفر آیات طنین اندازم تعرصا مخ جان ناوانلری اولمقین استیلای سیلاب رعب
 و هراس برله اساس تجلد و اهتاملری مائل انهدام اولوب دست و بازوری پنجه
 چنار کبی کار اولدی بیلدیلر که بعد الیوم فتح و فیروزی روزی اولقی احتمالی خیال
 محال اولوب مرآت مال حالرنده صورت اقبال کورنمندن قالدی ناچار برکیجه
 برده شب تاری دیده پوش سپاه نصرت شعار ایدوب طالع نافر باملرینه دشنام

کنان بدرقه بخت شوم برله شام طرفنه ارخای عنان ادبار ایتدیلر لکن ابن شهسوار
 مردان **ککارزار** و هنر بران عدوشکار برله ذنباله روخصم نابکار اولوب
 غزالیلره شمشیر سرتیز برله سد راه کریر ایلدی هر خطوده نیجه میرلر آویرتلر
 اوفسر لر آغشته خون و خاک * اولوب نیجه سیمرخ ربای شهبازان اوچ هزدن
 تخلیص مرغ شکسته بال و جان ایدن غزالیلر آهوی دام جسته و تیهوی بندرسته کبی
 فرط مخافه ایلله طی مسافه ایدرلر کسار سلامته وضع قدم ایتدیلر اگرچه مصلحت
 وقت اقتضای تیشه عقوبت برله اساس حقوقی هادام اولایغنه نادم اولوب مستط
 الرأس موالید لطف و اشفاق اولان سلطان ستوده اخلاق درگاه رافت پناهنه
 عرض نیاز مند و شرمساری واستدهای عنایت و کرمکاری ایتل ایدی لکن
 بخت ناهمه وار و طالع شوم اول سعادتی احرازدن محروم ایدوب بقای جامه
 مستعار حیاتده روزه ایچون فزوسیت و میداناری و شجاعت و نیزه گذاری ایلله
 اشتها یافته اولان مشاهیر عزیزان دن دیروزقا استعداد * و زعمیه تکرار ادوات حرب
 و قتال اعداد * ایلدی سردار سپاه که ترفیع رایت و مالنصر الاهن عندالله
 ایدوب عزم راه ایتمش ایدی اگرچه اشهب شبدر نژاده تحریل مرکاب شتاب
 ایدوب ایکی کون برهنزله آرام و قرار اولغدی لکن گاه و بیگاه هجوم عسکر
 شاه دی رهزن سپاه فرخنده پی اولغین انجق سنه جدیدده صفرا مخیرینل
 اون اوچنی کوفی حبله وصول و کول میدان نه نزول میمیر اولوب اون یدنجی کوفی
 منبت خارستم و آزار اولان درخت کهن سال وجود شقاوت آلود جانبر دبدودی
 زخم شمشیر زهره شکاف برله دونیم * و اول کشتی نابکاری جزا سوء صیغی ایچون
 و قود نارجم * ایتل قصد ایلله طرف خطه شاهه اماله لجام اولندی اگرچه جانبرد
 تبه روز کار اعوان و انصار و مناعت حصار فریفته سی اولدیی جهنمدن مرغ
 وهم و خیالی هوای لاف و کذاغده بسط جناح ایدوب ترتیب مقدمات مقاتله
 و کفاح ایلدی لکن غیر واحد آوازه زهره شکاف کوس مردانکی و جلادت
 سپاه صاحب قرانی طنین انداز صماخ جانی اولغین باز بسته سلسله فرمانی اولان
 ناقبول لر ایلله مجلس رد و قبولده نتیجه افکار سخافت شعار لرینه بویوزدن
 قرار ویردیلر که تحصین حصار امر نده بذل نقدینه اقتدار ایدوب بخت
 خواب الودلری کبی سیدار مستحفظین تعیین ایتد کد نصک کرمه بر حال حرکت
 مذبوحی کوس تروب باوجود کمال ضعف قوت و نهایت قوت ضعف اظهار توان
 تاب * و سپاه ظفر دستگاه ای استقباله شتاب * ایده لر شو ایلله که احتمال بعید او زره

سقف معمور قرار میدهم طرّة قصر اقبال اولورسه فهو المراد والادامن مخدرة
 حکومت شامدنال چکوب * مصرع * نامر اداينم وکچ نامرادی جای ما *
 هوا سنجه ايران ويرانه زنده انزوار جاسيله شاه کمره طرفنه التجا ایده لربوتدبير
 مستعقب التدميره بناء اسباب وانتقال واهل وعيال لرين جانب سر حده ارسال
 ایدوب کند و لری بجای رسم تخنیه القدوم سم سمخه سربازان رومه نقد جان تشار
 ایتکل ایچون سردار ظفر شکاری استقباله استعجال ایلدی بلر حشمت انبوه و کوکبه
 کروها گروه بره پاشای شیردل دخی قطع منازل ایدوب ماه منی بوزک یکر می النجی
 کوفی مصطبه نام مقامده نصب خیام عز و احتشام ایدیکل اقران کواکب
 فحوس و سعود کبی ابالیسه چرا که سه دخی اول مقامده مقابله سپاه بخسته انجماده
 رفع اعلام ایلدی روز دیکر سر عسکر نصرت اثر اداء نماز و عرض پرستش
 و نیازدنصکره رکاب ظفر اتسابه وضع قدم ایدوب شقه لوی فلک فرسا هوای
 وفاده پروزه کلچکل مطرب مجلس هیجا پرده خفا القدن کوس حربی بی زخم زخمه
 چوکان برله فریاد و فضا نه کتوب صدای سوزنا و نصیر عالمکیر اولدی * نظم *
 دم نای رویین برآمد بهر * خروش بلان برگذشت از سپهر * صفوف صفوف سپاه
 برله پیش و پس و قلب و جناح منین * و اناطولی و قرمان بکار بکیری جانب
 عین و طرف یساره معین * اولوب آیین پیشین اوزره طوب عربه لری و یکچیری
 زره شیر لری ایلد پیشگاه سپاهه سد آهنین چکلدی سکره خواب غفلت و غرور
 مخوری اولان جانبردنی انتباه نغمات کفت و کوی سپاهدن * شعر * بانامین و غیر
 الدهر موقظ * قوموا فقد قامت الايام للحرب * اوازه سن استماع * ورحی
 الحرب دائرا ولد یغنه تحصیل اطلاع ایدیکل اول مکشته راه شعور هزارزار
 وزور ایلد عسکر مغوس الاثر نه زینت وزیب * وخیال ورجالنه حسب
 الامکان ترتیب ویروب نظر عنایت از لیه ایلد محفوظ * وقلب و جناحی بچتودلم تروها
 محفوظ * اولان عساکر فیروزی مآثر برله دست و کریان اولقی ملاحظه سیله
 عزم میدان مردان ایلدی تقابل صفوف و تقارع سیوف و قوع بولچیق
 جیوش دریا خروش اولبی اندرا کیری شرکران خنخانه هلال ایتکل ایچون
 بیجانه بیجای اعذب الشرب دم الود اولوب ساغر تیغ الماس رنگ خون قشانی
 نرم رزمده جام زمر دکون کردن کبی اداره ایتدی لرو اول بدستلر کاسه سر لرن
 شکست ایدوب * مصرع * والارض من کاس الکرام نصیب * مصداقجه
 قطرات خون لرن جره آساروی خاکه صاچد بلر لحظه فلحظه نایره عالم سوز حرب

و قتال باد جمله ابطال برله اشعتال بولوب تشنه جنن وستیزاولان غزالبردشنه
 سرتیز برله تیز سیراب * و جام لبریز حسام خون اشام ایله مست خراب * اولوب
 شیران روی نژاد فرعونیلره چکونکی طوفان عادی پیش نهاد ایتدیلر عرصه
 نبرده آمیخته رشاشه خون شهدا اولان خاله عطر ناله رشل ناخچه مثل تاتار *
 وفو آره عروق ارباب بغی و کیندن پر کاله پر کاله فوران ایدن خون آتشین
 نمودار زبانه دارالبوار * اولوب میدان وغاده اول گروه دغا سر سودازده لرینل
 کی کنار علی علم ارایش نولک سنان * و کی کوی صولجان پای رخس آتش عمان
 اولدی غازیله تحصیل نیل نامی و سرافرازی ایچون برمر تبه شمشیر بازی ایتدیلر که
 بوبام زمر دقام اوزره بهرام خون اشام آغاز تیغ کزاری ایدلدن بروهر کز فلک
 هزار دیده نوکونه کارزار کور میوب کوش سپهر دوار بواسلوب اوزره نبرد و بیگانه
 اشتمش بر نظم * تاج جهان رسم دستبرد نهاد * دستبرد ی چنن نداد دیاد * عساکر
 هند و نژاد شب تاری زلف مشکین خوبان کی پریشان بخت ایچون تیغ شعاع
 آفتاب عالم تاب در کار اولدیغی دمدن بحر هیلایغ و بازار کارزار رایج اولوب سهام
 و نصال پیل آجال کی تن و بو * و سو و سوشاهد ظفری جست و جو * ایلدی
 لکن کوهر تابدار مهر منیر مشکین رشته خط استوابه کشیده اولنجه کوشه
 ابروی شاهد دلای ظفر هلال عید کی بدید اولوب جبل المتین خصام
 مقر اض حسام خون آشام برله قابل انصام اولدی سلطان یکسوره کردون
 خط اعتدالین سراچه زمر د کون فلک چارمین اطرافنه عمان انکیز اولدیغی
 حینده سله جلادت غزات دین برله غزاللرک یوزلری دیرنوبه بیکیبار طرف
 انهرامه اماله بطام ایتدیلر برمر و جه جنبان آتشکده فتنه و فساد اولان جانبرد بد نهاد
 دیدنه تحیر ایله طرف نبرد کاهه نگاه ایدوب تیر تدبیری بر خوای * رمیت
 و ما اصبت * نشانه مقصوده اصابت ایتدیکدن اکاه اولیجی رهنوی بهجت
 و از کون برله روبراه فرار اولوب بدرقه آه جانگاه برله دامن کوه و صحر اطوندی
 میامن صبح اقبال سلطانی برله روز جمعیت شامیان مقهورل شام پریشانی اولوب
 ساعی اولدقلری مساعی هبا * و اوراق اتفاقلری مظهر تفرق ابدی سبا اولیجی
 اگر چه بیم جان برله باره ادا به برمر تبه ارخای عمان ایتدیلر که عقبه کبر اولمق
 اعتقاد ایله سایه نکبت بیرایه لرین نییه فرسخ کد و لردن ابعاد ایدوب پابند فرار
 اولماتق ایچون هر خطوه درمخ خطیه و دروع داودیه و سیموف مهنده بی کند و ره
 فدای جان ایدر لر ابدی لکن شیران اژدر شکار پیشه زار و غارکله تا کاه کیر قضا کج

در قضا اولوب رخس آتش عنان شمشر خون بره رخصت جولان ویرملا ایل
 تفرق بخش چارتر کب وجود عدوی فتنه انکیزا ولورلرایدی * نظم * نه از پیش
 راه و نه از پس امان * نه جز تیر و شمشر کس در میان * نه قوت که دازند پای ستمیز *
 نه فرصت که بجویند راه کربز * جانبرد تیره روزدخی بدرقه آه جگر سوز بره
 خطیره حرم صرای سلامته التجار جاسنه مرکب فراری همچنان یکران
 صبا ایدوب کره زمینی کوی صوبطان سم سمند جهان نور دی ایدر لک بی مر و ساعان
 طی طومار یابان ایدر کن * البقی یصرع اهله * خواستجه زیر رانده اولان اسب
 نازی نژاد تبر تا زنده بیر مستعقب التدبیری کبی خطا ایدوب اول مادر بخفا تکرار
 سوار اولنجه اناطولی دلا و لرلندن بر فارس الخلیل میدان تیر اندازی قریب آمده اولان
 سهام آجالدن برخدنک مجلا یکان اعلین دهانی مانند شاه بلبل تیز پرواز بازی
 شستدن مرغ شکسته بال روح بی فتوح جانبرد غزالی به صالوب لمحه البصر ده
 کاف ناخنده آشیان ساز * و ناله زنجور مرکب ایلده هم آواز * اولغین سدره نشینان
 پاکیزه مرشبت * و سبز پوشان هشت بهشت * نشانه مقصوده اصابت سهم المرای
 پشند * و آوازه ستایش و تحمین و غلغله پسند و آفرینی بلند * ایتدیلر خورشید تآید
 الهی مطلع فضل نامه ناهیدن بدید اولوب ذرات وجود شقاوت الودعدوی
 فتنه جونابود اولیحق متعیز حومه غلکری اولان طریف و نالید اموال داخل
 حوزة قاراج اولوب دوراندیشان شاه کمره طرفنه ارسال ایتد کلری مال و عیال
 دخی دستر زده غارتگران اولدی * نظم * سپه بس که بود از غنیمت غنی * شرکت
 در زیر تر مخفی * زاسب و سلاح و زجنس و زنفد * تمامی کشیدند در سلا عقد *
 سردار ظفر شعار بواخبار بهجت آثاری که * مصرع * این همه اول آثار جهان
 افروزی * خواستجه صواب الطاف نامتناهیدن بر رشه * و آفتاب عنایت
 آلمیدن بر لمحه * و کلشن بخت خداداد و طالع مادر زاددن بر نفحه دیر * برید
 بشارت نوید بر له درگاه فلک اشتباهه عرض و اعلام ایدوب جانبرد شوم خانه
 بختی کبی تخریب ایتدوکی مرز بومی * اصلح غیث ما افسده البرد * مصداقچه
 مددکاری معمار همق ایلده معمور و آباد ایتل ایچون طرف دار السلام شامه
 اماله لجام * و اول خطه بهشت آذینی مضرب خیام آرام * ایلدی مجنده چرخ
 و قازی مشعل تبغ سرتیز بر له دهلیز عده * وضع قدم ایدوب خشت اندازان
 عرب کله لری آرایش نوک سنان اولدیغنی زبان الحال نامه مسکی الختام مرده رس
 سامعه خدام و الا مقام اولیحق شرف افزای شهر سلطنت آل عثمانی

حضرت تلیزل که گوشهٔ مسرت و شادمانی برای همسر کنگرهٔ اکیلل خورشید
 نورانی اولوب شاهراه صداقت و سربازیده بذل نقدینهٔ جانسپاری و اکتساب رأس
 المال سرافرازی ایدن غازیله نهال آمالی نوباره بخش حصول مأمول اولدی
 نظم * زدریادلی شاه کردون شکوه * نوازش بسی کرد با آن گروه * سران سپه واکه
 بردن در پنج * بجز وارهادادینار و کنج * اول سال جلوس میمنت مأنوسلرنده
 جلوهٔ غمای مرآت کاینات اولان اشکال فیروزی و اقبال که فیما بعد مترادف و قوا تر
 فضل ایزد متعاله براعه استهلال ازلش در مشهود دیدهٔ عالمیان اولیحق اول کوهر
 کران بهای کان سلطنت نیجه مدت واسطهٔ العقره انتظام احوال عباد و بلاد *
 رشچراغ نورپاش وجود بهبودری پیرایه بخش دیم عدل و داد * اولقی ایله
 مروحیه جنبان آنشکدهٔ فتنه و فساد اولان بد نهادلرکله لیب جور و پیدادی
 انظما پذیر * و آوارهٔ سطوت صاحب قرانی و هیبت خسروائیلری آفاق کبر *
 اوله جفته برهان قوی اولدی (نظم) از مرزده و آوارق این تهنیت افتاد * درکوش
 زمانه زسعادت خبر نو * خیرمایهٔ شروشور شقی منورک تحت قهر زنده اولان
 شام ایالتی اناطولی بکلیزیکسی ایاس پاشایه انعام بیوریلوب قدس شریف روزه
 و صند سنجاقلری دخی حسب الاستحتماق نام یافته کان میدان هنزوری اولان
 بنده لرینه احسان بیورلدی * نظم * بیروسپه کرشهی زردهد * بجای زرا و شهر
 کشوردهد * ذات کرم سمات سلیمانی شرق افزای سریر سلطانی اولایغی خبر
 مسرت اثری زال کردون دور کبی خواجهٔ بندر مکر و تلبیس * شاکرد
 مقبول ابلایس * شاه اسمعیل اردیبه لیلک کوش کزاری اولیحق البغض بهوارت
 فخر و اسبجه وقعهٔ جالدرانده مرآت حال خسران مألنه سنل حوادث روزگار
 برله اصابت ایدن انکساری خبر امید یله ترزل ارکان سلطنت هنکامنده
 برکوشه دن اول سفید ریش سیه کلیم دخی رخنه افکن اساس رونق انتظام اولقی
 خیال خامی دامنه گرفتار اولدیغی استماع اولمغن حقیقه الحاله تحصیل اطلاع
 اولنجه پاشای کشور کشای قیصریه قربنده ارجس نام ییلاغی محط رحال اقامت
 ایتمل ایچون مثال متحتم الامثال ارسال بیورلدی

یومئه اله شاهباز عنقا شکار اوج سلطنت و شهر باری حضرت تلیزل بسط جناح همت
 هما یون هما سایه بیوز دارالجهاد بلغراده سایه اندازا جلال اولد قلری بیاتده در

نکاشته خامهٔ جادوانه فن طرفه طراز اولدیغی اوزره بفضلہ تعالی دغدغهٔ جانبردنیه

سازدن فراغ بال حاصل * و بومرام دلخواه اوزره درجه انعام و سرحد اختتامه
واصل * اولوب اول قنديل كورخانه شقا اشغال و ايقاد ايدوكي فتيله بغي و فساد
اجرای آب آتش تاب شمشیر صاعقه تاثير بر له اخداد اولندقد نصكره قبله غای خاطر
عاطر الهام مظاهری كذارش پذیرا ولد بغي اوزره عزم ظلمت آباد سر كشی
و عناد ایدن انكروس قرالی لاوض بهوشه شعاع شمشیر سرتیز دلا و ران خجسته
مقدم مشعل دهلیر عدم اولوب اول سرمست خجخانه خود پرستی زیر دستنده
اولان قلاع رضیاع ضمیمه مالك محروسه دن اولمق طرفنه سر بسته ارمغین
اسباب عادی قلعه كشایی و كشور گیری بی كم و كاست راست اولوب سلطان اقلیم چهار
ربیع بدیع الاناره خیر ملكت كلزار ایچون احضار لشكر بی شمار ازهار ایدوكي
دم خوشه چین خرمن راتبه انعام سلطانی اولان سپاه صاحب قرانی كهجه آمال
و قبله اقبال صوبنه احرام بند عزیمت اولملری باینده فرمان متحتم الاذعان شرف
صند و ربولدی * نظم * چنین داد فرمان شه شیردل * كه مردان جنگی آهن
كسل * مهیا سازند اسباب جنگ * میانها بكنین عد و بسته تل * چو بانك
نغیر از دربار كاه * بر آید در آید يكسر سپاه * سلطان غازي حضرت نری اعلای
لوی سرافرازی و عزم مغازی بیورب اول محور فلک سلطنت و فلكه سر ابرده
خلافت قلمرو حاكم و مترنندن ظاهر ادوار و ایچق هر فتنه ساز بر كوشه ده انكیز
فساده آماز ایدوب * شعر * و من دعی عثمانی ارض مسبعة * و نام عنها تولى
ربیع الاسد * فخوا سنجه تطاول ابادی بر له دامن احوال عجزه و مساكن
جیب عصمت می پرستان كبی چال * و قطرات اشك خونین نری بند كسته سجه
مرجان كبی غاطیه روی خاك * اولوب كوی خاطر زبردستان بی سپر راه مذلت
و خواری ایلحق ابله تیشه آه سحر كاهلزدن اساس انتظام كارخانه سلطنت
مشرف ان راس اولماق ایچون سر رشته محافظه ولایت اناطولی قیصریده
نوقف ابله امور اولان وزیر ستوده تدبیر فرهاد پاشانك كف كه ایتنه تسلیم
اولندی اكثر قلاع اقالیم انكروس نهر طونه اوزره اولوب طرف بچردن ارسال
مهمات قلعه ستانی اسان ارمغین الی عدد وادرغه و در تیوز پارهات كیسی
تمیه و تكمیل * و قراجتدن زیاده زاد و زواده و باروت و طوب و سایر آلات
جنگ و آشوب قحطیل * و اوانوب شما و ربله موج انكیز حرب و ستیز دانشمند رئیس
ایله قره دكزدن ارسال اولندی اول دم كه فراش باد بهار قدوم سلطان كشور
ربیع ایچون طرز بدیع اوزره انجمن چن و صحن كاشی فرش بوقلمون و بساط كونا

کون برله فردوس برین کی ترین * ونسیم صبا بی خدمت بجزه کردانی و عطر
 افشانی به تعیین * ایلدوب مشاطه روز * کلد پرده نشینان کاراری کل ککونه
 کل خندان ایلله آراسته * و جلاله کیان انجاری کسوفه رفرف خضر و عبیری حسان
 برله پیراسته * ایلدی * نظم * بین دولت نور و مزده داد صبا * جهان چو خلد
 برین شد از اعتدال هوا * منتظر زمان منتظر اولان عسا کر ظفر منثر که هر بری
 سوار ساعد مبارزت * مغفرتارک شجاعت * وشاح الصدر مردانگی وصف
 شکنی * نجه بازوی فرزانی و مردافکنیدر * فرمان بی درمان خدایکان
 جهان ستانی کوش ادعان برله استماع * وحشر لسیان جنوده مستدعاسنج
 سایه سعادت پیرایه طوغ ظفر فروغ سلیمانیده اجتماع * ایلدوب غایت کثرت
 و از دحامدن خیام ثریا انتظام روی خاکه قباب رزین طناب افلاک کی بربری اوزره
 قورلدی * نظم * بفرمان سلطان صاحب قران * که بر برو بحرست حکمش روان
 ز دریا و دشت وز هامون و کوه * سپاه اندر آمد کروه * زدووی که در جنبش
 آید فلک * بز در فلک صف سپاه * به بهرام دادند تیغ و سنان * به برجس دراعه
 و طلیسان * ندیدست هرگز کسی ناکدون * سپاهی چنین از کواکب فزون *
 سائر لوازم و مهمام سفر ظفر انجم قرین اتمام اولاد قد نصکره سنه سبع و عشرين
 و تسع مائه جادی الاخره سنه اول برنجی کونی بارگاه بلند ایوان احسان عود الصبح
 ایلله افراشته اولوب سر پرده زمره کون کردون ساهره غبار اوزره آغاز سایه کسری
 ایتدو کی دم اوطاق کردون نطاق سلیمانی که عمود ظفر غودی محور سپهر عالمستانی *
 و فلک زرناندو دی خورشید اوج جهانستانی * طناب زرین تازی حبل المتین
 بختیاری * و قبه کیوان مداری فلک الافلاک شهر یاریدر * حلقه لو پکاره
 سایه اندازامن و امان اولوب ماهجه چتر آسمان ارتفاع مانند آفتاب عالمتاب اول
 صحراده التماع ایلدی * نظم * برافراخت شام سکندرتوان * بروی زمین
 صدهزار آسمان * ماه مزبورک اون ایکنی * کونی اول دم که سلطان
 مملکت نیز و زمهر جهان افروز خنک رهوار سپهر دواره سوار اولوب سر پرده
 کئی فام شامدن بروز ایلدی * نظم * شه تاجور خسرو جهم سریر * که هم تاج نازد
 بدو هم سریر * بر رخس مسرت بخش * کمل خرام * واسب زرین زین
 و مرصع لحام * برله که سرعت سیرده ابلق تیر تاز و هم و خیالان * کوی
 مسابقت ربوده قیلوب انشهب مطلقیم آفتاب * کی سطح زمین میدان
 بکرونده سی ایدی * نظم * جهان نوردی * که امروزش ابرر انگریزی

بعالمیت رساند که اند را و فردا است * برج شرف و فروزیدن مانند افتاب نور روزی
 بر تو انداز اولوب فضای فرح فزای برای سرور افزاده مژده خوبان کجی یسار
 و عین ایکی صف کزین اولان گروه پر شکوه یکپریانه اشارت سلام ایدرک
 غلغله دعای دولت روز افزون خم طاق مقرنس کردونه دوشوب مانند هفت اختر
 یدی عدد زرین سر علم عالم آرا دلیر روی قامت مذر کشت قبا کجی بخت و اهتر آزه
 اغاز ایدوب دبدبه کوس و کرنای برله کوش سپهر نه طاق بلند رواق بر آواز *
 وز منزه تغییر و صورنای ایله نسیم واقع منصدی پرداز * اولدی * نظم * خروش
 کوس و بانای بر خاست * زمین چون آسمان ارجای برخواست * سپهداران
 علم بالا کشیدند * دایران رخت بر سحر اکشیدند * همواره خضر توفیق رفیق
 طریق اولوب تائیدات نامتناهی الهی قرین عزم نصرت جزم اولق ایله همیشه
 پنجه تیغ زرین کارلری بازو شکن عدوی بی تاب و فر * و آینه شمشر تابدار لری
 نماینده صور فتح و ظفر * اولوب افق شرقی خاور اندن قوس غربی قیروانه دل کرة
 زمین ربوده شکن صوبان فرمانلری اولق ایچون شاهراه انتظار ده ایستاده
 اون لا شهری و لشکری دست نیازی برداشته درگاه اجابت پناه خداوند کار ساز
 ایتدیلر (نظم) ز شهر چون گذری از برای دیده بد * هزار دست دعا از آستین برون آید
 حشمت انبوه و شوکت و شکوه برله میان شهر دن گذار * و بر کجه و طاق آسمان
 نطاقلرنده قرار * بیوریلوب صبحدم نسیم سحر کجی بدرقه شمال اقبال برله صوب
 مرامه خرام بیورلدی * نظم * بدین عزم چون کل سحر خیز شد * ز طوغش
 هوا عبرت آمیز شد * خورشید گردون مسیر تحویل بروج فلک اثر ایتدوکی کجی
 قطع منازل دور و دراز * وطنی مراحل نشیب و فراز * اولند قد نصکره ماه من بورت
 یکرمنجی کوفی صحرای دلارای دارالعزيز والنصر ادرنه که نزهت عرصه سی نسخه
 روضه رضوان اولوب ذرات خاکی مصدوقه کریمه * کانهن الیاقوت والمرجان در
 * نظم * مرغزاری چو طبع اهل حضور * در اطافت بسان چهره حور * سیزه
 بیدار و آب خفته دراو * صد هزاران کل شکفته دراو * هر کلی کونه کونه لوزنیکی
 بوی هر کل رسیده فرسنگی * منطرح الانوار ما چه علم عالم آرا اولوب اول خطه
 بهشت آذین خدام گردون قیام سلطانی و اعلام عالمستان خاقانی برله غیرت همتشگاه
 خلد برین اولدی روم ایلی عسکرینه ابصاله سحر اسی موعدا اجتماع تعیین
 بیوریلوب روم ایلی یککلی بیکیسی احمد پاشا مقدم اول طرفه ارسال اولغش ایدی
 خطوات اجلال برله طوغ ظفر قروغی استقباله استیصال ایدوب بوم مزبوره

سایه آسایم سمند دلپسند سلطان سر بلند رویال ایلدی ماه مر قومل بکرمی
 ایکنجی کوفی روم ایلی امراسی لب تجیل برله تقبیل حاشیه بساط دولت مناسط
 ایتمل ایچون دیوان همایون اولوب هر بری قدر الوسع والیسار برک سبز درویشانه
 رسنده عرض پیکشش و تزاریتد کلرنده دریای لؤلؤ بارانعاملری موج خیز اولوب
 بعد القبول تکرار احسان بیورلدی رایات سعادت ایات زمین انکر و سه
 سایه انداز اولمازدن مقدم سرحد معموره امراسی رونق بخشای اورنل خانی
 سعادت کرای خان ایله دیار کفاره ترکنازای تکلمی متعین احکام لازم الاحترام
 ارسال بیورلمش ایلدی ماه مزبورل بکرمی بشنجی کوفی اول سیمرخ ملمع بال اوج
 اقبال حضر تلی تحریک قادمه جناح عزیمت بیورب خاص کوی نام مقامده
 نشست اجلال ارزانی بیورد کلرنده خمس مال غنیمت برله سعادت کرای پیام
 آورلری درگاه رافت دستگاه رویال ایدوب فرمان متعین الاذعان اوزره
 یغما کران تا تار صبار فتار و هزیران عدوشکار برله دیار کفاره آتش غارت
 اوریلوب بعنایة الله تعالی سپاه اسلام خارج دائره اوهام اغتنام ایتد کلرینی عرض
 واعلام ایلدی التونلوچا برنام منزل محط حال اقبال اولد قده شهاب طبع همایون
 شهر یاری هوای آرزوی تماشای صید و شکارده بسط جناح عزیمت ایتمکین اول
 جای بهجت فزاده اوج کون نیت اقامت بیوریلوب سلطان اسفند یار شست
 ورسم کمان حضر تلیزل که سهم صایب هرگز نشانه مقصوددن مختلف
 ایتمامشدر اول صید کاهده بازوی زه کمان کیانلرندن پروازیدن شاهباز خدنل
 مجلا بیگانلری پنجه سیرع رباسی برله نیجه جانوران صحرایی و مرغان هوایی حلیه
 حیاتندن عاری اولدی * نظم * زسیر تازیان تیر آهمنل * فضای دشت برنجیر
 شرتل * کین بکشادن یوزان زهر سو * فرو بسته ره جستن بر آهو * دلالت
 ره بر طالع مسعود برله صوب مقصوده عطف عنان بکران برق نشان بیوریلوب
 ماه رجب المرجبل بشنجی کوفی که قلمه صحرایی مضرب خیام عز و احتشام
 اوله جنی روز فیروز در روم ایلی بیکلر بیکسی احمد پاشا روم ایلی عسکرینی شاهراه
 سلطانیده طرز غریب دلفریب اوزره ترتیب ایدوب اول شیران بیشه زار جلادت
 و هزیران کوهسار شجاعی بکان بکان معروض نظر استخسان خدای بکان
 جهمان ستان ایلدی منزل مزبورده بوسنه والیدی یحیی پاشا اوغلی بالی بل
 و سمندره بکی خسرو بل تحت ایالتلرنده اولان عساکر جزاریغ کذاب برله مجلا
 قلعه بلغراد محاصره * و سکانی ایله مطارحه قرعه مشاجره * ایدوب اول

بدگش و بدگش که قفس جسمانده آر میده اولان مرغ روحلین قوارع آتش افشان
برله رمیده ایتملی باینده فرمان بی درمان شرف صدور بولی عز و اقبال برله
حط و تر حال بیوریلوب ماه مر قومن اون برنجی کوی صوبه صحرایی آرامگاه
بارگاه حشمت و جاه اولاده اکرچه نظم * نه رایش بتدبیر محتاج غیر *
نه امضای رایش بجز محض خیر * غوا سبجه مجلای صور حقایق اشیا اولان
مرآت مجلای خاطر الهام مظاهر لرنده هر معنای حکمت مینا که رونما اوله عین
صواب * و هر دلال مقال که چشمه ساز زبان مجرب یارلندن جریان قیله فصل
الخطاب * اولوب پرورش یافته لجه افکار اصابت شعاری اولان قراید القواید
زینت بنا کوش عقل و هوش ایدوکی بدیی الظهور در باین همه سلطان میریاند
حضر تری و مشاور هم فی الامر پندیده کار بند اولوب لوی سعادت التوای
سلجانی حالیه جانبه سایه اجلال ارزانی ایتل مناسبدر دیووزرای ستوده
رای ایله عقد مجلس مشاوره بیوردیلر بویاده هر کس عکس انداز مرآت
خاطر لری اولان صورت ساج افکار اصابت شعاری معروض ناقد رای جهان
آرای سلطانی ایتد کارنده مرخیل وزیر پیر محمد پاشا که فنون عقل و کپاستده
رصد انکیز و ارتفاع شناس حکیم کاردان اولوب راوی اسرار غیب و ناقد هنر و عیب
اولان فکر بعید المرمی و تدبیر قریب المرامی جمع ضدین آتش و آب * و اصلاح
ذات الیهین سایه و افتاب * ایتل نیم نگاه همته موقوف بر اهل وقوف وزیر آصفی
التدبیر ایدی * شعر * لوکان آصف حیا کان متخذ * من نورارائه فی اللیل نبراسا
مر و ارید کلامی بو متوال اوزره کشیده رشته عرض و اعلام ایلدی که
رای کشورکشایه که مطرح الانوار آفتاب عالم تاب فیض اقدس در متواری حجاب
خفا و اویله که کلید مشکل بند اقلیم انکروس ماصدق کریمه * لم یخلق مثلها
فی البلاد * قلعه بلغراد در دلالت رهبر توفیق برله لجام اشهب نعره کین نعل وزیرینه
زین اول جانبه اماله بیوریلوب کوه افکنانه پهنای غیرت دین شعیب ساعد قهر و کین
ایتل ایله اول حصن حصین محاط حیطه تصرف کاشکان ظفر نشان اولورسه
ادنی مدته آرزو ایلده اکثر بحال انکروسی داخل حوزه حکومت ایتل بلطقه
تعالی آساندر تخصیص که خلد آشیان مرحوم سلطان محمد خان حضر تری زمان
سلطنت لرنده برد فعه اول جانبه سوق کشتاب ایدوب آرزوی تسخیر حصار
بلغراد ایله نیمه مدت شبانروزیل نقدینه اجتهاد بیوردقلر ندنصره پیل امیددی
مر منزل حصوله و وصولن بعض موانع و عواید عایق اولغین شهبازان جان

شکار اوج جلادت وضع آشیانه آرام ایدوب ~~کاه~~ و بیگاه هجوم شیرانه
و کرکارانه لری تفرقه انداز شیرازه مجموعه انتظام احوال کفره خسران مال اولقی
ایچون بحالت الوقت معمار همت مجهز اثار لری مقابله بلغرادده حواله نام
بر حصار بچه بناسی ایله اکتفا اولنوب نو عروس ظفر بجلائی ظاهر ورده جلوه کر
اولدیغندن ماعد با امره تعالی تسخیر حصار ایچون احضار اولان قلعه کوب
طوپلری دخی همراه ایتمک دستمایه اقتدار بولغیوب کفارتبه ووز کار شکجه پنجه سنه
~~ک~~ رفتار اولمش ایدی * نظم * چونصرت نیاید زردان فرد * چه سودست
بسیاری تیغ و مرد * حالبا اعلای لوای اسلام * وعبده اصنامدن اخذ انتقام
ایچون اول حصار کیوان مدار استخلاصی جمله دن تقدیم بیور لقی مقتضای غیرت
صاحب قرانی و مستدعای حیت کشورستانی اولدیغندن ماعدا ما هچه طوغ
ظفر فروغ طرف آخره بر توانداز اولدیغی تقدیرجه اشراقی دین و اشرا مشرکین
نغیر عام * وبلغرادده عقد رشته اجتماع وانضمام * ایدوب بعونه سبحانه فتح
وفیروزی روزی اولقد نصکره لحام اشهب زرین ستاملری بیت الشرف سلطنت
طرفنه اماله بیور لاقده اول بد کیش بداندیشلر عزیم متقاضی اجل کبی درپی
اولوب سپاه ظفر دستگاه سنل راه اولمالری متعین درباقی * مصرع * فرمان
شاهه جانله در انقیاد من * دیوب سلسله کره کبر کلامه فاصله سکوت و پردی
نظم * زهی بدیده ادرالدور بین دیده * هم از بدایت آغاز غایت انجام * لکن
بوتد بیر اصابت پذیر * قطعت جهیزه قول کل خطیب * خواستجه روم ایلی بکلر
بیکسی احمد پاشا سنل خلا فکیرانه مقدمات واهیه سی ایله سنجیده معیار نظر
اعتبار سلطانی اریلوب غنجه کلبن قبول نسیم عنبر شمیم تحسین برله تبسم ایتمکین
مقدم محاصره قلعه بلغراد ایله مأمور اولان امرایه امداد ایچون بیلن نفر
یکجیری ارسال بیور بولوب تختگاه قرال اولان بودین طرفنه عزمه جزم اولندی
نظم * کردون کشاده چشم وزمانه نهاده کوش * هر حکم را که رای وی امضای آن
کند * نهر صاوه دن بودین طرفنه عیوره بکوردلن جانی مناسب اولغین رکاب
ظفر اتساب اول کشوره بر توانداز اولمازدن مقدم نیروی بازوی اقتدار برله حصار
منزبوره یادی اعادیدن انتزاع اولتی بانبده روم ایلی بیکلر بیکسی احمد پاشایه
فرمان جهان مطاع شرف صدور بولوب ماه من بولک اونیدنچی کونی ادهم
خوش خراملری لایتنصرف ایکن دست تائید ملک مجید برله اول صوبه
منصرف اولدی بکرمی طقوزنجی کونی سپاه بهرام انتقام اول حصار کیوان مدار

پیرامین مضرب خیم آرام اید بجل محصور لشکر منصور اولان ککشگاه بیداه
 شقاخص ایند ککری قلعه دشوار کبرک تسخیرین محالاتدن عدّه و خانه بخت
 بدلی کبی ابواب حصاری سدّه ایدوب درجه کارزاری باز و اشغال ناره
 قتاله آغاز «ایتدیلر شیران پیشه دلاوری و ظفر و بلنکان قله صفدری و هنر»
 اوج کون غره غرای صبا حدن طره طرای رواحه دلا غلغله دم بدم تکبیری
 طنین انداز کوش قلان ایتدیلر ایدوب خال رخسار شقا اولان نقطه وجود مضرت
 آلودلرین صفحه عالم دن نابود ایتل ایچون صنوف جیل حرب و قتال اعمال
 ایتدیلر اکرچه مرغان اولی اجنه اجال گرفتاری اولان خون گرفتکان محال
 اندیش مدار استظهارری اولان قلعه آسمان نشان کک نکره بروج صعب
 العروجنه کند تسخیر ایشمال ملاحظه سیله بی دغدغه و تشویش دم جلات
 مشهورانه ایله آتش حرب و ستیری تیرایدلر ایدی لکن روم ایل دلاوری نکاور
 غیره جواله قازیانه هست ایتدیلرین حله خاتمه النعاده پای مقاومتی هست
 اولوب آغاز نیاز مستندانه بی دست آور ایتدیلر اما کبیتیرا مال موافق منصوبه
 روز کار اقبال دو و شویوب سیل خواری افواج امواج هجوم سربازان روم بره خس
 یاره وجود نکبت نمودلری ساحل نشین بحر هلاک واکتد رود یوار حصار
 افکنده روی خالک اولوب شرفات بروی رایات ظفرایات بره سربلک کشیده
 اولدی «تلم و قلعه و قلعه نشین از مد دیاور پاک» آن مسخر شده بی زحمت و این
 کشته هلاک «سلطان بلند هست حضرتلری علم افزا عزیمت اولوب ماهرجیل
 بکرمی بطنی کوفی رامکن نام مقام مقر اعلام عز و احتشام اولد قده وزیر صائب
 التدیبر پیر محمد پاشا به یل نفر تکبیری و قراج یل سپاه همراه قلوب مشاهده
 کیفیت احوال بلغراد و لازم کار و سه نامزد خدمت محاصر اولان امرا به
 امداد ایچون اول صوبه ارسال یورلای ماه شعبان اوچنی کوفی همای
 اوج اقبال حضرتلری دوا بره نام منزله سایه جلال صالد قده اخبار مسار تسخیر
 حصار بکوردن معروض پایه تبرجاء و جلال اولوب پس مائده تمنع خوشبار
 و گرفتار قید اسار اولان بر کشته روز کارلر مسویرین بالقیود زانو زده پیشگاه
 شمشیر صبا هست اولدیله ماه مرقومل دردنجی کوفی پیرامن قلعه بکوردن خرگاه
 و نکارنل سپاه شیرجفل بره نمودار صحن چن اولوب اعلا لوی سربازی ایدن
 غازیلر شرفیافته تقبیل گوشه دامان شهر یاری اولد قلزنده اول کرده بر شکوه
 دست ستایش و بخشش بره نوازش یوریلوب هرری شاه بیت ثنای ترجیع بند

قصیده دعا ابتدا بر اول حصار کردن مدار که جلوه نمای منصفه ضبط و تسخیر اولوب
 مقدمه نباشد صباح الخیر کشور کشایی اول شد رکردا کردن اشجار ملتفه الاغصان
 احاطه ایدوب شمع بر نور حسن و نمایشنه فتور و برمش ایدی حسب الامر العالی
 جنوب و حوالی سی اقدار اجمار و اشجار درن تطهیر و انوب تیشه اتمام مجاهدین
 میدان دین برله اطراف و اکنافی مظهر کرمه * لا تری فیها عوجا ولا امثا * اولدی
 صدمات قوالم آتش افشان برله افکنده روی خالک اولان قلل و بروج آسمان
 عروجی دستباری معمار همت شهر یاری برله همسر کنکرة قلعه نه قوی افلاک
 اولوب دامن حصار خار تعرض اغیاردن بی آزار اولتی ایچون دزدار و مستحقین
 تعیین ییورلادی بعد ازان بر موجب فرمان حضرت خدایکان جهانستان معماران
 سمار اطوار و استادان کارکنار خط شعاع بصری برله سطح آبی کوز تر از و سنه
 اورب طرز بدیع معتبر اوزره بر معبر مجرا سلویه طرح اساس ایتدی بر قرال ضال
 طرفندن قطعه و بنا و ادوات بنایه کنزد و ضرر ایشمل احتمالی سدا ایچون روم ایلی
 بکار بکسی و اوج نیل نفر بکچیری سرم جانینه عبور ایدوب اول طرفی
 محافظه ایلد ما مور اولدی بر کشور انکرو سده فرمان فرما اولانلردن بر مخوسه سرم
 صحر اسنل بر کوشه سنده قوطن ایدوب زیر دستنده نیجه قلاع و بقاع اولغین
 کدوی قیدافه روزگار نطن ایدرایدی اسکندر دارا حشم حضرت تبری تحویل طوغ
 و علم ییورب سرم او سنه گذار ایچون کوهری بنا سته شروع ییورملری اول زن
 بد کردارل کوش گذاری اولیجی کردن جان ناواته دوشاخه الم جواله اولوب
 تابه پرنابه دوشش قطره سیما بکی اضطراب ایلدی ناچار اول سنل بیرة کور
 خانه مکر زنانه حبله و تمخه آغاز * و دهان همین خدیعه بی باز * ایدوب صورتا
 کردن عجز و احتیاجه التزام باج و حراج ایتدو کنی موقف جاه و جلالة ایصال
 ایچون ایلمی ارسال ایلدی اول بد کهرل خط دلبر کی مزور پیام آورنه باور
 اولغیوب استکشاف سر ضمیر ایچون خدام بلند مقامدن بری ارسال اولتی اوزره
 ایکن خنجر سرتیزیم برله اول مجوز تیره روز سیه کلیم زهره سی دونیم اولوب
 خفیف الحمل اولان نقایس اموالنی محمول زامله عزیمت ایدوب قرال خسران
 مال طرفنه فراریتدو کی مرفوع پایه سر بر شرف مصبر اولغین اول مکاره نل
 کرسی حکومتی اولان قونیل نام حصاری داخل قبضه اقتدار ایتل ایچون
 بوجه استجمال اولونیه بکی ارسال نیوریلوب سلسره و نیکیولی بکری دخی
 خیل آموز مجوز دهر اولان محاله مرقومه نل زیر فرمانده اولان کشوری

سرتاسر مختل النظام * و کریمه * جعلنا عالیها سافلها * معجون عبرت مکنون
 مشهود دیده عجایب بینان انام * ایتل جزئی ایل اول صوبه عزم ایتدیلر * نظم *
 شکوهی نمادند دران خاندان * که بانک خروس آید ازما کیان * سلطان دریاوال
 حضرتلری بدرقه اقبال برله نهر من بوردن عبور بیورب جزیره سرم شرف
 تقییل نم سمند دلپسند سلطان ارجند برله رشک باغ ارم اولوب عساکر منصوره
 و خزانه معموره وجهه خانه خسروانی و صافنات جیاد سلطانی سرم او سه
 کذار اید فیه درت کون اول مقامده توقف و آرام بیورلدی سلطان سلیمان
 احتشام حضرتلرینک سرم صحراننده طرح اندازا قامت اولد قلری ایامده بعض
 قلاع سکانی طلب امانی وسیله حصول امنیه و امانی یلوب اتباع او امر علیه
 سلطان بالابتهاج * و التزام باج و خراج * ایتدیلر درم ایلی امرامی ایسه دیار کفاره
 ترکمازه آغاز ایدوب صوامت و نوایدن نیجه غنائیم ایله سالم و غانم معسکر ظفر
 مقرر واصل اولدیلر * نظم * دویندن فوج دلیران روم * چودریای آتش بماراج
 بوم * بکنند یکباره آن بوم و بر بسی قلعه کردند زیر و زبر * کذارش پذیرا ولدینی
 اوزره که مقدم پیشوای وزرا پیر محمد پاشایه بر قاج بیل سپاه همراه قلوب
 مشاهده کیفیت احوال حصار بلغراد و اقتضای درسه امداد ایچون ارسال
 بیورلمش ایدی اول شاهبازاوج جلادت بال استیجالی باز ایدوب دارالغزاة
 و المجاهدین سمندرده آشیان سازا ولیحق قلعه دن بر قاج طوب قلعه کوب چتاروب
 کیلره تمجیل ایلدی و کمال سرعت و تعجیل اوزره بلغرا ده ارسال ایدوب کند و لر دخی
 اول وجهه به اماله لجام استیجال ایتدیلر لدی الوصول استخلاص و تسخیری
 وزیر نخسته تدبیر له مخنوبه ضمیر منیری اولوب اساس کارخانه کشور کشایی
 اولقی ایچون دارالجهاد باغراد فتحی جمله به تقدیم اولوب مجلا بوجانبه اماله
 لجام اشهب کبل خرام بیورلقی مناسب ایدوکی امر میبندر کستاخانه متضرع
 و مستولدر که دست آورنیماز مندانه من موضوع خزانه قبول اولوب بورای
 جهان آرایه مساعدده دن مباحده بیورلیه دیو حقیقت حالی برداشتند درگاه عالی
 ایدوب دست همی دامن حصاره استوار ایلدی بلغراد یلر اول کونه دل اشعار
 شمار تجلدوبی بروای ایچون قلعه قاپولرین سدا یتیوب بوندن اقدام بلغرا دی
 محاصره ایچون ارسال اولان بوسنه و سمندره غازیلدی ایلدی بالذور و ایراه
 مقدمه کارزار ایدر ایلدی وزیر آصفی التبدیر عساکر فیروزی مأثره پیرامن
 حصارده نطع انداز قرار اولیچن عیار هوش ربای رعب و هراس نقب انداز اساس

فجلد کهارتبه روز کارا ولوب حصار فاپولرین دیوار ایندی بلر اول نامر در زنانه مهر
 بوش کی قناع احتجاب اختیار ایدوب بس برده دن طرح قرعه کارزاره باشلدیلر
 اجرام علوی احاطه بسیط سفلی ایندو کی کی اول قلعه کردون مدار محاطه دلاوران
 نامدار اولیجی تیرزهوای وغاده عقاب جانشکار کی طایر * وشمشیر لر نرم رزمده
 مثل سایر کی دایر * اولماغه آغا زایدوب جام زهر آید ارتغ خونباردن نیجه لر
 جرعه فنا یچدی بلر اول حوالنده تل عالی اوزره سر بفلک کشیده اولان قلعه زمون
 قشهری دخی سیر ضحیر پاشای کشور کیر اولغین بشیوز نفر یکچیری وسمندره
 غازیازی ایله سمندره بکی هر برکوهسار و غاخمرویلک ارسال اولنوب اوج کون
 اوج کیجه مجلس هیجاده کاس یاس ورجا دور ایدوبت سر یازان طرفیندن نیجه لر
 مد هوش رطل کران مرک اولدقدن صکره اول حصار سپهر مدار داخل حوزة
 اقتدار اولوب دارالامن استیمانه پناه کتور منیلر مهر بختی بولادی * نظم *
 کسی که باتون از کبر درنداد بصلح * بدید بود که ناگاه جان دهد بجدل * مقدا
 اعیان بلغراددن درت بوز نفر سل بی دین رسم و آیینلری اوزره اتمام مهمام سورما نم
 انجام ایچون زمونه کلوب سپاه ظفر دستکاهل بلغرادی محاصره * بعده سکان
 زمون ایله مطارحه قرعه مشاجره * اینلری اول فتنه انکیر زره سد راه کمر ایدوب
 کورچه کردنهرستان حیرت واضطراب اولشایدی قلعه زمون مضرتغ
 حصاعقه یککروالیجی ناچار بلغراد بلر دام خودکامی و عناددن رسته * ورشته
 اطاعت و انقیاده وابسته * اولوب جبل المئین فرمان جهان مطاعه تسلیم کردن
 عجز و اتباع ایندی بلر چگونگی احوال قلعه بلغراد و زمون مرفوع رکاب همایون
 اولیجی سعادت و افساد حساد برله وزیر آصف نظیرک بو خدمت و تدبیری شهریار
 آفاق کبر حضر تلیک سنجیده معیار نظر قبول و تحسینلری اولیوب گرفتار قید
 اسار اولان بلغراد بلرک توبه می ایمان یاس عدا دندن معدود * و بعضی الیاس
 طریق ندمه رضع قدم ایدنره باب خلاص مسدود در * نامه همایون شرف
 وصول بولیجی اول خرف باره بی اعتبار لری سنک دما برله شکست ایدوب مهجلا
 خالک عطر ناله آستان محله الاقباله و بوعمال برله دماغ جانی عنبر اکین ایله سن
 دیور بلغ بلغ اربال و تبلیغ بیورلدی وزیر مستوده تدبیر تکرار درگاه بلند اقتداره
 دراغوش میان زیبای شاهد ظفر آرزو سیله نیجه مدت صرف تقدینه اتمام
 اولنوب بمنه نمالی چهره مخدرة مرام قناع امتنا هدن ظمور ایتمک مقرر اولمش
 ایکن بی ایجاب موجب خامر و خائب دامن مطلوبدن ال چکوب رجوع مخفی

چنین * مثلنه مضرب اولقی موجب حقوق عاروشین اولایندن ماعد اشکل
 فراغ اظهار اولندیغی تقدیرجه عون سبحانی ایله سر رشته تصرف مسلم دست
 استحقاق سلطان آفاق اولان قلعه زمون ایدئی اعادئی به کرفتار اولقی
 تقرری علاوه محذور و رمز بور اولغین صورت عصبانده کرین و صف منجر آسادمین
 عفریله دستور اولوب دست فائده نایید آلهی لحام انهب برق کام براق لکاملین
 بوجانبه اماله ایمل ایله طلعت همایون سعادت مقرونلری طلیعه الخیل نظر
 اقبال * و مقدم شرف نوا ملری مقدمه نباشیر صباح الخیر تیسر آماله * اولقی
 رجاسنه دست نیاز برداشته درگاه معدلت دستگاه شهنشاه بنده نواز در دیو عرض
 ایدوب نسیم ظفر شمعین قدوم میخت ازوملری خبر نه انتظار اوزره قرار ایلدی
 حقیقت حال تکرار معروض آستان مخلصه الاقبال اولاد قده اول فریده پسندیده
 لجه افکار اصابت شعار دخی آویرق بنا کوش قبول اولیوب مضنون اول اوزره
 حکم همایون مقصم الامتثال ارسال اولغین ناچار تدریح محاصره حصار دن
 رجوع * و طوپلری کبلره تحمیله شروع * اولندی * نظم * خلاف رای سلطان
 رای چسبن * زخون خویش باید دست شستن * اگر خود روز را گوید شبست این
 بیاید گفتن اینک ماه و پروین * نکاشته خامه نجسته رقم اولایغی اوزره شهریار
 اسکندر حشم حضرت تلی که رهنمای توفیق برله نهر صاوه دن گذار * و سرم
 صحرانده رفع رباب جشمت و اقتدار * ایدوب عسکر تالانکر کشور عدویه
 دست غاری دراز * و صلا ی خوان یغما به سراغاز * ایتمش ایدی اول اثناده وزیر
 ثانی مصطفی پاشا بر موجب فرمان سلطانی بر مقدار سپاه صاحب قرانی برله
 اسلامقمان نام حصار گردون مدار طرفنه عنان عزیزی ثانی اولوب صدقه چشم
 نیاز برله در راشل عنایت خواهی واسطعطاف اتخاف ایتمین عنده مشرکینل
 کان او کاتندن دستیارئی شمیر الماس کون بیجاده فشان برله لعل روانلین اخراج
 ایدوب * مصرع * جان کافر بدوزخ ارزانی * خواصنه مالک جمیمه تسلیم
 ایند کلرند فصره قلعه بلغراد تماشا سنه آرزومند اولوب اول جانبه تحریک سمند
 ایتمش ایدی کیفیت احوال و کرمیت اشتعال نایره قتال پاشای هوشمند منظور
 نظر حقیقت یغنی اولیجق حبابه کزای انصاف اولوب حقا که بوقلعه دشوار کیر آغاز
 مقدمات فتح و تسخیر اولقی اهم مطالب جهانبانی را تم مارب کشورستانی ایدوکی
 که ثانی الصبح محتاج دلیل دکل ایتمش ابریز روح کلام سلطان کسری غلام
 حضرت تدریک نافدرای جهان آرا لری حضورنده قالب تقریره فراغ اولندیغی

تقدیر برجه محل اعتبار ده کامل العیار اولوب سزاوارسکه قبول اوله جغنده اشتباه
 برقدربوبنده سرافکنده مقبل فلک اطلس اولان دامن اجلالترین لب تجلیل
 برله تعجیل ایدوب تکرار درو یا سعاف ملتحمی متضمن حکم همایون وارد اولنجه
 کما کان استقلال حصار امرنده تشبیر ساعد اتمام اولنوب تکمیل ناموس
 شهر یاری ایچون بذل تقدیمه جانبیاری اولنسون دیوب کمال بحله و شتاب برله
 معسکر فیروزی اثر صوبه عنایتساب اولغین کیلره تحمیل اولنان طوبی لری
 ارسالده تعجیل اولنوب خبر بشارت اثر ورودنه چشم انتظاری چارایتدیله آصف
 آصفی التدبیر پیر محمد پاشایه بالدفعات اردوی کیهان پوی طرفه دعوتی متضمن
 اوامر شریفه اصداریوب بلوب لمصلحه صورت امتثال جلوه غمای منصفه ظاهر
 الحال اولمبقی مکین کین اولان خونه ذرات و دین فرصت بولوب منهل
 عذب خاطر عاظر شهر بار کردن اقتداری وزیر ستوده تدبیر حقه خس و خار
 اسناد مال بکن ایله تکدیر * وفاتحه سی تشدید و خاتمه سی تهدید بر حکم همایون
 دخی تحریر * ایتدیله * نظم * کتابی سراسر عتاب و ستیز * چوتیغی بالماس کین
 کرده تیز * کتابی بیکبار تهدید و بیم * که کرد دل از خواندن اودونیم * پیچیده
 دست قهر و عتاب اولان اول طومار مار کردار مانند شمع دلسوز شب هجران
 شمر فشان مجلس وزیر اسطوتدبیر اولوب تضاعیفنده مندرج اولان زجر و تنبیه
 مقعر گوش هوشنده جایگیر اولمبقی ناچار طوبی تحمیل اولنان کیلری سمندریه
 ارسال ایدوب عساکر نصرت شعار دخی نهایت حزن و انکسار برله سرم جانبینه
 آهنگن گذار ایتدیله که نا ~~کاه~~ * مصرع * بسا الطیفه که در ضمن
 نامرادیهاست * خواستی بحله برانداز منصفه ظهور اولوب بر بشارت نوید که
 محصول بحروکان پاییزی اولماغه شایان در وزیر مصطفی پاشا التماسیه دارالجهاد
 بلغراد طرفه تقرر عزم نظیر جرمی متضمن نامه نامی ایصالی برله پاشای بهرام
 انتقامی مست جام لبالب شادکامی ایلدی اول ملطفه کرامی که هر لفظی مانند نیل
 امافی صفا بخش خاطر نغمزدکان * و هر معناسی مثال اغائی غوائی راحت ده دل
 و جان ستدیکان * اولوب هر سطر موزونی رشک آور قامت بالای یار *
 و هر مضمون مسرت مقرونی نمودار ناخچه مثل تا تار در * مرده رس سامعه پاشای
 کشور کشا اولمبقی طوطی نصیح الیاب زبانلری * نظم * بدین مرده کرجان فشانم
 رواست * که این مرده آسایش جان ماست * ترانه سبیله نغمه سیخ اولوب طبل
 شادمانی آوازه سن ولوله انداز ایوان کیموان * و اشاعت مراسم مسرت و طرب

ایچون اول شب چراغان * ایتدیلمر سمندریه ارسال اولانان طوبیاری دوندرمل
 ایچون بروجہ استیصال چاوشلر کوندریلوب لدی الوصول کالاول کردا کرد
 حصارده ترتیب و تزیین * ویکجیری دلاورلی حسب العاده مترس خدمتیه
 تعین * اولندی کرفتار محبس حصار اولان کفار خاکسار اگرچه بر قاج دفعه بک
 آویز تیغ سرتیز برله شیرازه مجموعه انتظام حال عساکر نصرت مالی مختل النظام
 ایتل قصدنه قلعه قابوسن بازایدوب اول کروه وغاشیران بیشه زاروغا وزیرینه
 صوله سکاانه ایتدیلمر لکن هر برنده * عندالرهان تعرف السوابق * خواسته
 مضمار کارزار دماسب همنلری پس مانده ولتک * وعرضه پهنای کبر و دارمر
 سودازده لرینه تلک * اولوب قاید خذلان برله نومید و سرکردان قلعه جاقنه
 قاجدیلمر ماهر قومل یکجیری دردنجی کوفی * نظم * شه شیردل خان فیروز بخت
 * نریمان تیغ و فریدون تخت * حضرت تلی بدرقه اقبال روز افزون برله بلغراد
 طرفه عزم همایون بیورب ماه مزبور یکجیری بدنجی کوفی ماهجه علم آراکه
 نصرت و ظفر اسم علی درزمون پیرامنده لامع الاشراق اولوب اوطاق کیوان
 فطاف مقدم شرف توأملری برله همسر طاق نه رواق آسمانی * وقدم ظفر
 لزوملری دشمنه مایه اندوه و غم و دوسته واسطه العقدمسرت و شادمانی * اولدی
 نهر صاوه طرفنه ایکی یلک یکجیری و سکیان باشی ایله وزیر صائب التدیلمر
 محمد پاشا و نهر طونه جاقنه یکجیری اغاسی بالی اغا ایله وزیر آصف نظیر مصطفی
 پاشا و اروش حصار مقابله سنده اولان جزیره روم الی بکار کسی احد پاشا
 تعین اولنوب نقبه مناسب اولان جانبده فرهاد پیشه نقا بلر تیشه کاراغه آغاز
 ایتدیلمر صجدم که سلطان باند جناب آفتاب مطلع الانوار صجدن روغون اولوب
 قلعه هفت قلعه سخت بنیان آسمانی تسخیر ایچون توسن مرصع حکیم کردونه سوار
 اولدی * نظم * طرازنده مسند سروری * فرازنده چتر نیک اختری * حضرت تلی
 بر سمند دلپسند هلال نعال اوزر سایه اجلال صالوب طرف حصاره تحریک
 رایت فیروزی آیت پیوردیلر صاحب قران هفت کشور دارداد کر حضرت تلی
 طرف قرین الشرفلرندن هبوب شرطه هفت برله دریای غیرت سپاه موج ریز
 اولوب شعله شمشیر سرتیز برله آتش زن نیستان هستی کفار خاکسار اولق ایچون
 جنگ رهوار لرین طرف حصاره سور دیلمر * نظم * بخش درآمد محیط ستیز *
 باهنگل یکار شد موج ریز * نقیر دلیران برآمد باوج * زهر گوشه میرفت خون
 موج موج * خود برستان محال اندیش کفره بد کیش دخیادوات کار زار برله برج

و باروی حصار اوزره صف کشیده اولوب مرغ جانلری گرفتار سر نیجه شهبازان
 اوج جلادت اولماق رجاسته بذل تقدینه همت ایتمد بیلر اول کون شبه نکامه دله
 هنکامه کیرود اوثابت و برقرار اولغین بزم رزمده رطل کران مرکله ایله نیجه لر
 مست اولدین مخور اولوب جنود مجنده ارواح برله طریق دار النجم و مضیق بحیم
 معصوم اولدی * نظم * هزار جان کرامی غریق نعمت و ناز * فدای شاه فلک اقتدار
 بنده نواز * باین همه رشته قتال و خصام مقراض حسام خون آشام برله قابل
 انصام اولوب جبل المتین قهر و کین کش مکش سربازان طرفین ایله کسسته
 اولدی اول دمکه مهر جهمان افروز ولایت نیم روزی سواد ملک حبشه قیدیل
 ایلدی * وضع الحرب اوزارها * خواستجه سیله جانبین میدان مبارزت
 و مقابله دن دامن چیده اولوب حوزه مقارعه دن پای مراجعتی برداشته قلدیلر
 * نظم * بارامگاه آمدند از نبرد * زتن خون بشتند و از روی کرد * سحر که
 که فرمان ده عالم نور رفع ظلام شب دیجور ایچون پس پرده کحل قام شامدن
 ظمور ایلدی * شعر * قد بلغ الصبح فراح الرواح * اشرفت الارض بنور الصباح
 ذکر بار سلطان غزاه کبار ابراه کبک رفتار و سوار اولوب هزاران قله مر دانکی
 و شجاعت انجمن انجمن کناره خندق حصارده مر و ارید سفته کبی رشته مسافه
 کشیده اولدی خر مکس روح عدوی فتنه جوئی گرفتار تار عنکبوت اجل ایتمک
 ایچون شهبازان اوج جلادت و مضازی اناطولی و روم ایلی غازیلری شهبال
 مر دانکی و شجاعی باز * و اشغال نابره حرب و قتاله آغاز * ایدوب قلل و بروج
 حصار اوزره سداسوار کبی صورت ثبات و قرار کوسترن کفار خاکسارک مرغ
 روحلری دانه طوب و قنقل و دام تیرو خدنله برله شکار ایتدیلر بزم کرما کریم
 مقاتله و جنگده جام الماس رنگ تیغ بی دریغ ایله اعلای لوی سرافرازی ایدن
 نیجه غازی دخی سر مست و حقیق مخنوم مسکی الختام شهادت و صدر نشین
 عشر تخانه دارالخلد جنت اولدی عساکر قیروزی مائتله مقدمات سعی
 و اقدامی آتقالدی که منتهی اقتضای شواردمرام اولوب شاهد نظیر حمله نازدن
 جلوه ظهور کوستره حق وزیر اسطون مدبیر قولندن ایکی سنجاق بروج بمنتهی العروج
 حصار اوزره نشانده دست جلادت سپاه اولوب ماهچه لری طعنه زن مهر
 و ماه ایلش ایدی اما چونکه هر دم ملاح بحر قضا و قدر هبوب شرطه نظیر برله
 کشتی امیددی ساحل املده وابسته مر سات حصول ایلر لاجرم دست تقدیر دامن
 کبر اولغین نوعروس امثیه و آمال اول کون دخی پس پرده احتجابدن عرض جمال

ایتوب مساعدت نسیم فضل سبحانی برله کلزارامالی غنچه لری شکفته اولدی اول
 زد و خورد ائمانسند بشیوزدن زیاده غازی تاج بابنهای شهادت برله تحصیل سر
 افزاری ایدوب یکجیری اغاسی بالی اغادخی زخم خورده پیکان تبره و لایزالون
 من عدو نیلا الا کتب لهم به عمل صالح * خوان عمل یغما سندن نواه کیر * اولدی
 چشید شرقی نژاد آفتاب پس برده بکلی قاه شامده آرام ایچون عزم شہستان قیران
 ایتدو کی دم آوازه طبل اسایش سپاه نظردستگاهه باعث سکون و آرامش اولوب
 سیوف مہندہ خون اشیا ملرین گرفتار بند نیام * و محسکر بخسته اثر طرفنه امالہ
 لجام * ایتدیلر اگرچه نیچہ ایام بر خفوی * النار یعرضون علیہا غدا و عشیاء * صبح
 شام آتش زبانه کش کیروند برله خرمن هستی اعدای بد کردار خاکستر آه فناء اولوب
 صدمات طوب قلعه کوب برله صفحات دیوار حصارده در بجه اقبال کبی کشاده
 اولان رخنہ لردن شاهد آمال عرض جلال ایدر ایدی لکن بخت نافر جام اول
 نکبت انجاملره شاہراہ سلامتی وجہ عزیمت ایتمکہ سد عمانعت چکمکین جادہ
 عناد و استکبار دم قرار کوسرب خواجگان روز بازار شیعاعته (کستبضع التمرالی
 ہجر * عرض کالای جلا دقت ایتدیلر خامس ماہ مبارک صیامده اولی دم کہ شہاد
 انجم سپاہ خطہ خاور زمین عزم تسخیر حصار قیروزہ کار چرخ برین ایدوب تیغ
 زرنکار اشعہ و انوار برله لشکر ہند و نژاد شب تاری تاری مارا ایلدی * نظم * جو کیتی
 در روشنی باز کرد * دکر راہ رسم توانا ز کرد * صاحب قرآن در یادش و دار امنش
 حضرت تباری حلیہ جللیہ فارس الخلیل برله تخیلی سیورب حلیہ میدان داری و کشور
 کشاییدہ رخس ہمتی اجالہ * و لجام عزیمتی دیگر بار صوب حصارہ امالہ سیوردیلر
 حق بران اژدر شکایدخی تکرار نکاور غیرتہ سوار اولوب توسن آتش عنان شمشیر
 آبدارہ رخصت جولان و بردیلر کر میت بازار کارزار برله قبہ چرخ برین سور باز کونہ
 آتشین اولوب روی زمین رشحات خون شنکرف کون کشتگان برله غمونه غمائی لالہ
 سنان اولدی اشعال نابارہ حرب و قتال پس ماندہ شمشیر قہر و کین اولان کونہ
 بینارک کشیدہ رشتہ تطری و لیجی (شعر) و یشتعل المصباح عند انطفائھا (خواسنجہ
 گانون درون لرزدن نار غیرت و عار شعلہ پسین کوسرب تیغ میغ رنگ ضاعفہ
 کرداری مانند ابر بہاری فطرہ بار ایتدیلر خلال آشوب و قتالہ قایر قدح معلای
 غیر وزی و ظفر اولقی آرزو ایدن نیچہ مرد میدان ہنر سپاہ مقدرہ آجال ایلہ مقارنہ
 ایدربہ اح جباتدن بی بہرہ اولدی * نظم * قضا جامہ عاقبت چالہ کرد * اجل
 بر سر زند کی خالہ کرد * ہر چند کہ بر فرقیہ حایر قصب السبق منعار شہادت اولوب

نائل رتبه علیه (السابقون السابقون) اولورلرایدی ترکان کر سنه چشم سر خوان
 یغما یه شتاب ایتد وکی کبی ر کرده دخی سماط مبسوط النعم شهادتدن مغنم اولوب
 صدر نشین دارالنعم تکریم اولوق رجاسنه بذل نقدینه روان ایتمه جان ویرر
 ایدی * نظم * عشق بی پایان اوچندان که عاشق میکشد * زمزه دیگر بعشق
 از عیب سر بر میکشند * کفار بر کشته روز کارا کر چه سپاه ظفر دستکاهی دامن
 قلعه دن ابعاده ساعی * ولازمه تحفظ و احتیاط و شرایط سعی و اقدامی مراعی *
 اولوب خانه بختلری کبی رخه دارا اولان دیوارلری تعمیر وسده کوشش بیحد
 ایتد بلر لکن بر عسکر نصرت اثره که خضر توفیق همواره رفیق اولوب عون
 آکاهی بدرقه طریق اوله حصار بلعرا دکل قلعه هفت قله سمیع شداد دخی جمله
 شیرانه لرینه طاقت کنور میه چکی متعین در لا جرم بر خفای * مایفتح الله للناس
 من رحمة فلا تمسل لها * استحکام درود یوار حصار سیل کوه انداز عسا کر ظفر شعار
 اوکنه حایل اولم یوب خصوصاً صدمه طوب برله اچیلن هر شکاف دهاتدن
 پیام سرور انجام * اداخلوها بسلام * واصل سمع جان اولمغین سیلی خوری امواج
 بحر مواج هیجا برله خس پاره وجود شقاوت آلود عدوی فتنه جوی ساحل نشین
 بحر هلال اولوب مقام مدافعه ده قیام ایدر بر متنفس مجال تنفس بولمادی * نظم *
 عالم بزخم تیغ گرفت آفتاب ملک * آری جهان بتیغ زدن کبرد آفتاب * صورت
 دلفریب شاهد ظفر مرآت مجلای تیغ بی دریغ اوزره جلوه کرا اولوب نیروی بازوی
 اقبال روز افزون برله رایت کبر و کین مشرکین سر نکون اولیحق بقایای سیف
 سیر انداز تحمل اولوب بدرقه تأسف و حیف برله ایچ قلعه یه فرار * واول بر کشته
 بختان تیره روز کار * النار ولا العار * مصداقچه تکرار اشعار آتش کارزار *
 ایتد بلر (نظم) چوتیره شود مر در روز کار (همه ان کند کش نیاید بکار) واروش
 حصار * کغوادام موسی * فارغ اولوب سپاه ظفر دستکاه بر موجب کلام دری
 النظام * وعدکم الله مغنم کثیره تاخذونها فجعل لکم هذبه * چون بیوت شطرنج
 خارج ارقام محاسبان سریع الاقلام اسلحه حرب و جنل واقشه رنکارنل و اوانی
 زر و نقره دخی نیچه تحف و طرف اغتنام ایدوب پری پیکران ملائک فریب برله
 حیمه و خر کاهلری نمودارنکارخانه چین * ورشد آور خلد برین * اولدی شهبازان
 اوج جلالت ایچ قلعه بی دخی استخلاص هوا سنده بسط جناح همت ایتد کارنده
 کنکره و دریچه لرینه عقد کند ایدوب دعای ابرار کبی طرف بالا یه اعتلا یتلری
 احتمالی سدا یچون که اربیه روز کار برج و باروی حصار اوزره راسیمات جمال

ادعای مواسات ارتضا عنده سرب محضیض شرمساری ایتدوکی دور و قصوری
 جگر مصیبت زدگان کبی آتش سوزان ایل ویران ایدوب کریمه * یخرون بیوهم
 مایدیم * مضمونی روغون اولدی غوطه خوار عیان حیرت و پریشانی اولان کفار
 بد کردار افساد بخت تیره روز برله اطوار دیرینه لرینه اظمهار پشیمانی ایتدوب
 کالغریق المتشبث بکل حشیش امید و وصول ساحل رستکاری و خلاص برله
 کرداب تحیر و اضطرابده تحریک دست و پا ایدوب تکرار احضار ادوات کارزار
 ایتدوگری عراضه خدمت سلطنت قاهره اولیجی بر موجب فرمان سلطان
 تاج نجفی کردون رخس درپای عسکر متوج اولوب بدست پیمانه عشرتخانه
 مغروری اولان بی شعور لری سرکران جام جام ایتل ایچون مانند سیل ایچ قلعه
 اوزیرینه میل ایتدیلر * نظم * دویندن بر باره جنگ آوران * بهم از بی کار کین
 باوران * ز کردسم تازیان سپاه * شده روی خورشید تابان سپاه * اول کون سوق
 سلطانی و نبرد خانانی قایم اولغین بازار کارزارده نیجه سوداگران اصاعت بضاعت
 حیات بی ثبات ایدوب حیص بیس شهرستانی دروازه سنده آغاز دینوزه کری
 ایلدی هنگام نزول قافله اسفاردن وقت قفول راحله نهاره دل بزم رزمده جام
 تیغ الماس کون سائر * وجوی خون برله رخی الحرب دایر * اولغین خوای کریمه
 و تری الناس سکاری * روغنا اولوب نیجه کله لردانه سنل آسیای فنا اولدی فرمان
 فرمای خطه طارم چارم تسخیر حصار فیروزه کار سپهر دواردن اماله لحام * و پس
 پرده کلی قام شامده آرام * ایتدوکی دم سپاه بهرام انتقام دخی و عسکر ظفر اثر
 طرفنه تحریک طوغ و علم ایتدیلر * نظم * چون تماشیر صبح روزد ~~کر~~ * علم
 نوراز افق برداشت * یعنی صبحدم که رایت جهان افروز سلطان ملک نیم
 روز افق شرقی خاور اندن ظهور و بروز ایدوب مانند ماهجه علم عالم آرای سلطانی
 روی جهانی رشل سپهر نورانی ایلدی دلاوران پر خاش جوی نکاور جهان
 پیمالینه سوار * و یکقدمه عازم جانب حصار اولوب جرعه کش خنخانه خود کاهی
 اولان کفره خسران انجاهی مست حزاب کاس یاس ایتل ایچون مضمار کبر و دار
 شهسوار لری عرصه جنگ و پیکارده نیرزه جانستان ایل طعنه زن سماک راح * و تیغ
 خون نشان ایله سرافکن سعد ذابج * اولدیلر بونوال اوزره نیجه کون دخی مفتیح
 فلق صباحدن مختتم شفق رواحه دل صیر فیان دار الضرب جنگ و حرب
 در کار اولوب روز بازار کبر و دارده کامل العیار اولیا نلر نقد مغشوش وجودنی
 پوته عدمده قال * وجین مال حال لرینه ضرب سکه آجال ایتدیلر * نظم *

چو دیدند جنگ آوران زمان * که توان گرفتن بچنگ آسمان * بتدبیر فتنش
 عنان ناعتند * زمین را بی فتح بشکافتند * یعنی نقابان کوه افکن تیشه خارا شکن
 برله برقله بلند ابر پیوند اساسی مشرف اند راس ایدوب دروننده حددن افزون
 باروت مخزون ایشملایدی ماه مرقومل اون یدنجی **ک**وئی فنبله نقبه آتش
 ویراد کده ازدحام باروت برله ازل قرن خاکی * یوم تبدل الارض غیر الارض *
 احوالی حاکی اونوب اوستنده یوانسان طوب و تفنل رمی دان آشوب و جنگ
 مانند ذرات همسرفلان الافلاک * بعده سایه آسانقش صفحه خاله * اوای
 نظم * افلاک چقدی ولوله عرصه زمین * ایندی زمینه غلغله آسمانین * بوکونه
 اطیغه غیبیه پس پرده اختفادن رونما و ایچی اگر چه هر بران قله حرب و قتال
 منصوبه بازی فلان محتمل واحد و نه دهر مختال دن غافل اولد قمری جهت دن مقام
 مقارعه و مدافعه ده قیام ایدن لئالی لاحق ره روان عدم ایتل ایچون طرف
 حصاره آت سورب نطع کارزارده نیجه فرزانه لری مات ایتدی لر لکن دست تقدیر
 اول کون دخی دامنکیر شاهد تسخیر و لمغین شهنکام عساکر فیروزی ماثره مسکر
 نجسته اثر جانبیه عطف عنان * و در واره قلعه زمرد کون کرد و ندن طلعت الخیل
 صبح ظهوری اعلام ایچون کیوان آسمانی پاسبان * ایتدی لر زبان کیرلک خدمته
 نادر اولان یحیی پاشا زاده بالی بل طرفندن اول کون متعینان که ارا نکر و سدن
 یدی دیل کلوب کیفیت احوال قرال ضال دن استخبار اولند قده امر املت
 عیسویه دن کردن و کوشی پیرایه عقل و هوش برله حالی اولانلر باقی تخت
 و تاج ایچون التزام باج و خراج ایله عریه و نقای آشتی و صلحه تشبث طرفی
 ترحیم ایدوب اماقامت بی استقامت حالی تشریف لطیف فهم و فراست و حلیه
 ذکا و کد استدن حالی اولانلر رعایت شرایط غیرت ملا حظه سیله جانب حرب و قتاله
 اشارت و تلمیح ایتدیکین * تحسبهم بجمع او قلوبهم شتی * خواستجه رشته اجتماع
 و انصاف لری نه عقده خلاف و شقاق دوشد کنی اخبار ایتدی لر * نظم * چو در لشکر
 دو شمن افند خلاف * تو بکذار شمشیر خود در غلاف * ماه مرقومل اون سکر زنجی
 کوئی اول قلعه دشوار گیری داخل قبضه تسخیر ایتل ایچون شیران آهوسوار
 انکر راقامت مراسم ناموس و عاری ایچون طرف حصاره عنانساب مسارعت
 اولوب تیغ الماس کون آتش نموی میدان آشوب و ستمیزد مانند غمزه معشوق
 و چشم عاشق خونریز ایتدی لر بازار حرب و جنگ کده شیران نیز چنگل انکر و سیلرک
 راس المال سرو جانلرین اضاعت ایدوب صندوقه وجود بد بودلرین بضاعت

حیا ندن خالی ایتمکین بساط امید لری دست جفای سپهر یله نور دیده * و آسیای
 رجاری خلاف مراد اوزره کزیده * اولوب ره روم و مقصود لری فتاده بار *
 و ساز المری کیسته ناز * اوله جفته تحصیل اطلاع ایتمکین تاخیر بلای عاجل
 قصیده عازم طریق خداع اولوب روز دیگر سلطان یکسواری کردون تسخیر
 قلعه زمرد کون ایتدیکی دم مفتاح کلید حصاری مسلم دست استحقاق شهر یاری
 ایتل اوزیه (بقولون بالسنتم ما ایسی فی قلوبهم) رخس زبان استعطاف و استیجانه
 ارخای عنان ایتدیلا جرم * انظم * نماز شام که زرین غزاله در پس کوه * نهفته
 کشت و هوا کرد عزم مشق افشان * یعنی مرغ زرین بال خورشید اشیانه
 مغربده نابدید اولوب آفتاب عالم تاب منظر کعبه توارت بال حجاب اولدی
 وان جنحو المسلم فاجنح لها * فرمانته امثال اغراة خرسات اردوی همایون
 هامون بوی طرفه اماله حلام قفول ایدوب غنوده پسترخسرو و آسایش اولدیلا
 انظم (روز دیگر که باز چرخ بلند) بر تو مهر بر جهان افکند) بر موجب فرمان سلیمان
 دیوبند صبح بکشد شیران بهرام انتقام حسام خون آشام شفق زلف آفتاب شعاعی
 در میان * و طرف حصاره عطف عنان * ایدوب حسب الوعد طالب اقلید کلید
 اولدیلا رقصادیل افسرده فقیل کورخانه مکر و حیل فتنه جویان بد عمل باغرادیلر
 ایسه تمهید مبانی عشاق (ونکت عهد و میثاق) ایدوب مصادمه قوارع آتشبار
 برله رخنه دارا اولان کوشه لری منسبد * و در بجه کارزاری فتح و دروازه حصاری
 سد * ایتمشرایدی لکن اول قلعه نل درود یواری مانند قوای بیر فرقت * بلکه
 او هنر منیت العنکبوت * اولوب بر کجه ایچره صورت اصلیه سنه رد * و رخنه
 و شکاف لری سد * خارج دائرة امکان ارفیقین عزم کربوه تعجل و اولکون دخی
 تسلیم حصار دن لعل ایدوب توسیع دائرة مهلت رجاسنه درگاه محلد الاقبال دن
 اوج کون دخی استمهال ایتدیلا اول ککندم نما و جو فرو شلر زاز درونی جمله
 براند زان ظهور اولوب سمیر ضمیری لعل و عسی ایله صبح و مساکچر مل ایدوکی عکس
 انداز مرات خاطر الهام مظاهر سلطانی اولیجی نایره غیرت صاحب قرانی اشتعال
 یافته اولوب عساکر ظفر ماثر تیغ انتقامی تیر و طرح بنیاد حرب و ستیزا تجاری
 باینده فرمان محکم الاذعان شرف صدور بولدی لاجرم سپاه و یکجیری دلاوری
 و اناطولی و روم ایلی شیر نرزی یکباره باره کوه پاره لرین طرف حصاره اماله *
 و رخن آتش عنان شمیر خون فشانی مضمار کارزار ده اجاله ایدوب صهای
 غرور و نخور لرینه جرعه فنا شراب ایتدیلا اول زد و برد اثناسنده نیجه یوزا هین

بد آیین مرد اولوب بورسینجاغی بکی و دخی نیجه مرد میدان و غابریخ سهای اقلیم
 بقا اولدی بومنونال اوزره ایکی دفعه دخی شیران مرزبوم روم حصاره هجوم
 ایدوب مردان میدان هنر عروس ظفری آغوش تسخیر کتورمل ایچون طوب
 و قفل دانه لرینی مهر مجمل ایتدی لرکن کوشه دندان سعی و اقدام حل شکل
 اشکال حصول مرام ایتوب غنجه کلزارامل کشاده (وکل نوخیز ظفر کوشه
 دستار امید نهاده * اولدی ماه من بورل یکر می دردنجی کوفی برنجه دخی آتش
 ویرلا کده عولر از دروش آسمانه زیانه کش اولوب اساسندن برقله سپهر ماس
 جملنا عالیه اسافلها خواسته مظهر اولیجی دلبران ناجوی قداحه نعل مخمره
 شکا فلرندن آتش افشان اوله رق وجهه عدوی فتنه جویه توجیه عنان یکران
 برق نشان ایدوب جوی خون کشتکان برله دیوار حصار اجر قانی * و دامن قلعه
 نمودار کان عقیق یمانی * اولدی * نظم (هو از کرد رهواران بنکی چون دل عاشق
 زمین از زخم خوشخواران بسرخ چون رخ جانان * در دیوار حصار ماتد قلاب
 عاشق مستهام عرضه اندام اولوب بهادران اهل سعیر عازم بیس المصیر اولتی ایله
 پس مانده تسخیر سیاب کون اولان زبونلر مرغ نیم بشل کی نشست و برخاست
 یأس و امید ایله کوی صولجان اضطراب اولوب دریای تحیریوی سامانی موج
 افکن * و کانون درونلرنده آتش پریشانی شعله زن * اولغین ماه من بورل یکر می
 التخی کوفی که فی الحقیقه صبیحه الیمید سال اقبال ایدی سلسله جنبان قطرات
 اشک نیاز اوله ق سینه صدپاره لرینه مرهم شفا ساز عنایت در برغ بیور لیاقت
 رجاسنه بکچری اغاسی و ساطتیه خدام بلند مقامه قلعه مفتاح لرینی تسلیم *
 و مر اسم استعطاف و استیمانی تقدیم * ایتدی لر * نظم * برون آمدند اهل قلعه
 بخل * ز کفتار و کردار خود منفعل * کفنها بگردن در آویخته * سرشل ندامت
 فرو ریخته * بدرکام کیتی پناه آمدند * بامید عفو و گناه آمدند * آغای من بور
 مسقط الرأس موالید لطف و اشفاق * و مطلع الشمس مکارم اخلاق * اولان عتبه
 علیه بی لب تجیل و اکرام برله تقبیل و التئام و روی شاهد مر آمدن رفع لثام *
 ایدوب اول عنایت خواهر حقنده دست نیازی باز * و تحریک حلقه در می و ته
 آغاز * ایلادی چون فضل جمیل میسر الامال عزاسمه ایله کار دشوار تسخیر حصار
 میسر اولوب اغراض و مقاصد کلی بن اهتمام خدام و لامقام ایله موصول
 حصول اولدی لکد کوب حوادث فلکیه برله کله کوشه جلاد نلری شکست
 و قصر شوکتلری پست * اولان بیچاره لرک دست آور تیار مستمده لر پست پای

اعراض برله مردود اولموب * اذا قدرت على عدوك فاجعل العفو زكوة لظفر
فرمانته امتثالاً شاهد كل خسار قبول دستياري مشاطة عنايت برله زيننده عذار
ومشكين مرغول اولدى شقه والاي لوى سلطانى زيب دلغريب عون دىانى برله
آراسته * وكلا طوغ سعادت فروغ صاحب قرانى شانه دوات نشانه فضل
سبحانى ايله پيراسته * اوليجى بلابل كاشن دين محمدى * وعنادل روضه ملت
جدى * اولان مؤذنان خوس الحان قلل و بروج حصار اوزره اقامت مراسم
اذان ايدوب آوازه تكبيري آويرقنا كوش خلوت كزنيان مجامع فلك اثرايتديلر
غلغله كوس بشارت وكره ناي شادى كوش سمع شدادى پرتنين ايدوب ماهيچه
لوى ملع شقه سلطانى باروى حصار بلغراد اوزره طعنه زن خورشيد آسمانى
اولدى نظم * تابود نور بارچهره صبح * تابود مشك بيرطره شام * كله كوشه
حشمت سلطانى كنكره فاكيل سيمره مماس * واركان قصر شوكت صاحب قرانى
كاخ زرنگار فلك الافلاك كچي مشيد الاساس * اولوب چراغ نور باش بزماقبا للرى
مانند قنديل آفتاب ضيا بخش شش جهات جهان * وكلا مشكبار طوغ ظفر
فروغارى معطر سازم شام عالم وعالميان * اولمق رجاسنه هر كس روى نيازي فرش
درگاه كبريا ناه ايدوب * نظم * زمان تا زمان از سپهر بلند * بفتح دكر باش فيروزمند
كنند دعا سنى كنكره بام فلك مينافامه بندايتديلر بموجب مثال مختم الامثال
وزير اعظم و دفتر دارقاه به وارب اسلمه حرب و قتال و ادوات جنگ وجدالى
جبه خانه همايون ايچون قبض ايتديلر روزيكر كه يوم جمعه و عيد المؤمنين
ايدى * نظم * سلطان جهانستان جانتخش * خورشيد ركاب آسمان رخس *
حضر تلى ركاب سعادت اتسابه وضع قدم مكرم بيورب من خرافات رسوم
و آيين كفره مشركيندن نظم و تهذيب * و محراب مستطاب و منبره معتبر ايله
تشریف * اولنان جامع شريفده جمعه نمازنى ادا بيورب كو كبا لالين افق چاه
وجلاله لامع الانراق * و ستاره بخت عدوى فتنه جويى مبتلاى بلاى
احتراق * ايدن جناب رب الاربابه تقديم شكر و سپاس ايتديلر اول خطبه مهشت
آدين عنوان منشور امن و امان * و فهرس ديبا جه آسايش عالم وعالميان اولان
فر القاب همايون شرف حقوز ايله زينت بافته اولوب نداى بشارت احتواى
بشرى لكم اليوم قرطه بنا كوش هوش جيوش دريا خروش اولدى ماشطه كالن
كه ريزد بيران عطارد رقم كيسوى مطراى نعر و رس صور فتح و ظفري كه
صفحات سحاب كون كردونه خامه رزين شهاب برله نقش و تحريره حرى و شاياندر

دستبازی قلم برله تزیین ایدوب وساطت بریدنجسته نویدایله عمالک محروسه به
 ایصال اولندی * نظم * دبیرسخن کستروچیره دست * نشست وظفرنامه نقاش
 بست * بهرکشوری کشت قاصد روان * برآوازه فتح نوشد جهان * امان همایون
 احسان اولنوب هبوب شرطه مروت برله ساحل نشین بله سلامت اولان
 بلغراد بلر انجای سایه سعادت پیرایه همای حمایت سلطان مخلص الاقبال (وعزم
 طرف قرال ضال * بیننده تخمیر بیور بلوب غایت غوایت و نهایت شقاوت لرندن
 وطن مألوف لرینه چشم حسرت برله نگاه و اطلاق زمام آه ایدرک عازم دیار کفار
 اولان لرندن ماعدای کرمی بیکدن زیاده رعایا کردن عجز و احتیاجه التزام باج
 و خراج ایتمکین بنه برده خطیره حرم سرای امان اولان خراج گذار لرده دارالخلافه
 السنیة قسطنطنیة المحمیه دهیدی قله جانبی مسکن تعیین بیور بلوب اول جای خوش
 نمایا بلر ایلرمانا ایلر شهرت شعار اولدی تاریکی کفر و ضلال ایلر دارالظلام
 ایکن برتوانو آفتاب عالم تاب اسلام ایلر نمودار دارالسلام اولان حصارک مستعد
 انهدام اولان اطراف و اربعی بر موجب فرمان جهان مطاع تعمیر اولنوب
 ایادی اعادیدن حفظ و حراست ایچون دزداروم مستعظین تعیین اولندی سلخ نامه
 مرقومه فرمان فرمای کشور روم حضر تلی نهر صاوه دن طرف حصاره
 عبور بیور ربین قروم سعادت لزوم لری برله تکرار قلعه بلغراد رشل ارم ذات
 العباد اوار قد ازل حصن حصین بر سور ایلر دخی تحصین اولنوب برکرمابه لطیف
 و جامع شریف بنا و لقی باینده فرمان لازم الاذعان اصدار بیورلدی بعد از ان
 بحصول رضای سعادت اقتضای سلطان مکارم نهاد * و تکمیل مراسم
 غز و جهاد * امرند، تشریع اعدسی و اجتهاد ایدن بندکان صداقت نشان
 حتمه توجیه مناصب برله ترفیع مراتب بیور بلوب تطیب قلب و دعای
 خیر لرین جلب بیور دیلم مدت اقامه لرند اذناه متلری برله قرال خسران مال
 زیر فرمانده اولان قلاع کیوان ارتقا عدن سکنر عدد قلعه که تسمیه لری موجب
 تطویل بلاطایل در داخل حوزه ضبط و تسخیر اولوب منظومه الطاف آلهمیه
 بویوزدن مستزاد اولدی فرمان خدا یکان جهانستان اوزره عساکر فیروزی ماثر
 اقلیم انکروسه دست غاری دراز ایدوب سپاه ظفر دستگاه بره قی دلخواه مظهر
 کریمه فائقه و ابنة من الله اولدی لر (نظم) سپاه خسرو صاحب قران بنده نواز
 بهر کجا که رود با غنیمت آید باز * اگر چه اهمال و امهال اولنوب واسطه الهقه
 حتمه و فساد (و مرکز دایرة مخالفت و عناد اولان قرال بد نهاد شعاع شمشیر صاعقه

تاثیر لی مشعله دهلیز عدم اولوب دستیاری تیغ بی دروغ برله خیال تملکی اول
 دمه دل بر باد شاه ستاره سپاهل نقش صفتیه مقبلیه سی اولیان بودین شهر فی
 داخل حیطه تسخیرا بتک هم خوابه ضمیرا صابت پذیر سلطانی * و سنجیده معیار
 اعتبار نظر صاحب قرانی اولمش ایدی لکن اول دیار بلاد شمالیه دن اولوب اولین
 منزل لشکر سرما اولغین بر تقدیر فرض ممتنع و وجود محال مدت محاصره
 مقادی اولوب بعض موانع و عوایق اغاز غارتگری چند شتادن مقدم تسخیر
 عایق اولور سه شیرازه مجموعه انتظام حال عساکر ظفر ماثر مختل النظام اولقی
 احتمالی آینه خاطر الهام مظاهر سلطانیده جلوه کرو ظاهرا و لغین حال سپاهه
 دیده مرحمت برله نگاه بیورب حمله برانداز مرآت بال مسفا ماللری اولان
 نو عروس آمال زیور سرور انجم وصالی قدوم سلطان کشور بیع بدیع الاناره
 تأخیر * و عز و اقبال برله ممالک محروسه به رجوع اولتی تدبیر بیورلای * نظم *
 بر غبار فتح بادا دامه میدان شاه * جزیر دشمن مبادا کوی در جوکان شاه * ایالت
 بلغراد سمندره سجاغنه الحاق بیوریلوب یحیی پاشا زاده به عنایت واحسان *
 و اول متصرف اولدینی بوسنه سنجانی سمندره بکی خسرو بیکه اولقی فرمان
 بیورلای * اول شاهباز هما پرواز اوج سلطنت حضرت لری شکارین در کنار
 ایدوب ماه شوال المعظم اون بشیخی کوفی طرف اشیانه خلافتنه تحریک
 جناح عزیمت بیور دیلم ماه مرقومل اوز سکرنجی کوفی سمندره پیرامنده
 منصوب اولان خیام کردون قیام طعنه زن سر پرده سپهر مینظام اولد قده
 اشعه مهر جهانتاب عنایتلری یافته * و کهمان و مهمان مددکاری احسانلری ایله
 کام یافته * اولوب دفعه لالا زدحام یکجیری اغاسی و سایر بولک اغاری و روم
 ایلی عسکری مظهر رخصت مراجعت اولدی لر عنایت بی غایت ولی التوفیق
 بذرقه طریق اولوب ماه من بولک یکجی اوچینی کوفی صوفیه محراسی محط رحال
 اقبال روز افزون سلطانی * و ماه ذی القعدة الحرامل یوم نانیسند قله مرکز
 ربابت بهجت آیات صاحب قرانی اولدی * خورشید فلک سر بر آسمانی مسیر کجی
 طی منازل بیوریلوب ماه مرقومل یدینی کوفی صخرای دلارای کدرنه مضرب
 خیام آرام اولدی ایکی کون اول جای نرح فزاده جلسه استراحت
 بیورلده قد نصره مستقر سر سلطنت و آراه کام اورنک خلافت طرفنه ماله عزم
 لحام و احتشام بیوریلوب ماه من بولک اون یدینی کوفی کل نوشکفته کلزار آمال
 اولان وصال عزیز المنالری نفخه روح افزایی برید خجسته نوید نسیم عنبر

شعیم ایله واصل مشام دل و جان اعیان تختگاه اولیجی مشایخ و سادات و هلم
 و قضاة سلطان الغزاة حضر تبری خطوات اجلال برله استقباله استیصال ایدوب
 غبار سم سهند لبسند شهر بار سلیمان اقتداری ضعیفه سواد چشم انتظار ایدوب
 نظم * فیاض ازل ز فضل بی اندازه * انداخت ز مقدمش بشهر آوازه * شد باغ
 مراد نامدادان خرم * شد شاخ امید نا امیدان تازه * بهونه سبانه شهنشاه
 سادات دستگاه حضر تبری بوفتح مبین ایله کامبین اولوب اول شهر سوار عرصه
 جبهانستانی فایز قدح معلا ی فضل سبحانی اولیجی سلطان عظیم العدیل
 درگاهنه تهنیه فتح جمل ایچون هر طرقدن تحف و طرف ایله ایلمیلر توارد ایلدی
 مصر بیکار بکیسی اولان خیره دل دخی آستان محمد الاقبال سلطان انامه تحف
 مصریه و طرف یانه ایله تهنیه نامه ارسال ایدوب دیار یمنده اسکندر نام بد اختر
 بر قاج فرومایکان بر کشته روز کار ماتید لؤلوی ساخته منسلف رشمه بیعت
 و انقیادی اولغین دایرة اطاعتدن خروج و اوج عصیان عزوج ایدوب صواب
 دید متعلقات و حواشی برله بی نامل و تحاشی زینت یافته فراغاب همایون
 اولان خطبه و سکه بی قلب موضوع کبی تبدیل * وزعم فاسد بنجه بنیان رفیع
 الشان سلطنتی تشید و تکمیل * ایتمش ایدی هر چند که اول مست جام خنخانه
 مغروری اولان سلحق ناشناسه بانوی شیر نکار اقبال پنج روزیه فریفته
 و اول نامهربانک خنده عشوه افکیز نه شیفته * اولمه که * نظم * آتش رخسار
 کل خرمن بابل را بسوخت * چهره خندان شمع آفت پروانه است * مضمون
 صدق مکنونی ایله نصیح و پند اولتوب اول پست رغفات خواب آلود فی ایشاضه
 سعی بلیغ دریغ اولندی * نظم * نصیحت نخواهد شنیدان که هست * ز جام می
 عشوه دهر مست * ز بوی کل آنکس شود خوش مشام * که نبود دماغش برنج
 ارز کام * خواهی اقتضاسیله خیشوم میشوی مبتلای ز کام سودای خام
 اولدنی جهنمدن اول خود کام رایحه فایحه نصیح جیل برله مسکی المشام اولوب
 جاده مخالفت و عنادده پابرجا اولمین سکنه دیندار اشغال ایتدوکی نایره فتنه
 و فساد دسیار شمشیر آبدار برله اتحاد ایتل ایچون عین بیکار بکیسی کمال
 پاشایع زنان عدن و خشت اندازان عین برله لحام اسب همی اول صوبه اماله
 ورخش تیغ یمانی می مضمار کار زار زاده اجاله * ایدوب اول طایفه طایفه و فتنه
 باغیه بی سرکردان بیابان جانستان عدم * و سر سودا زده لرین طوب و نوله سنان
 قهر و ستم * ایتدوکی عرض و اعلام ایلدی * نظم * ای صیت صوات توهرجا

هدوشکن * رخشنده برق نبیخ تو از دوزم تا بمن

بومضاه سلطان بلند همت حضرت لری ردوس محروس جزیره من داخل حوزه

تسخیرا بمل ایچون افراز هزیمت اولدقلری سیاتنده درملنشته

غفل دلکش خرام کلشن دین * چن افروز باغ راه مبین * کهر بر رضیای
معدن جود * اختر بر سپهر وجود حضرت لری علیه تحف النعمایا من الملک

الودود متشبت اذبال طایرة شریعت مطهره لری اولانلر مرات دل بی غلدن
مصقله اطمینان قلب برله غبار ظنون و شبهاتی ازاله و سلب ایدوب زمام سعی

واجتهادی وجهه غز و جهاده توجیه و اماله ایتل ایچون سرچشمه ماء الحیوة
وحی سبحانی و منهل عذب فرات الهام ربانی اولان دهان معجزیا نلرندن زلال مقال

فرخنده فال البخته تحت ظلال السیوف اجزا و اساله بیورمشدر بر بعضی کلخیزئی
ریاض عز و اقبال * ولبرئی حیاض جاه و جلال * ناودان قرابدن اجرای آب

آتش تاب شمشیر صاعقه تاثیر و ایسته اولدیی کبی نهال آرزو مند ی روضه
رضوان دخی بی فیضان جویبار تیغ دریغ زهر آبدار نوباوه بخش حصول

اولیوب کلید اندیشه ذراغوش ربان الحجال دارالسلام * ونوشا نوش رحیق
مختوم مسکی الختام * بی دستیاری سیف مسلول تصدی کشاد بولماز * نظم

از سر گذشته پای جمیدان نه و بین * کوی مراد در خم چوکان آرزو * خواهی که
بخت روی نماید بکام دل * باید شدن بمر که با خصم روبرو * تیسیره یسر الامال

عزاسعه برله سفر نظرائر بلغراده فتح و فیروزی نتیجه مقدمات سعی شبانروزی
اولوب نصاب ظفر نصیب عسکر خنجره اثر اولیحق توده خاکستر وجود شقاوت

آلود قرال ضالی نشانه شاه راه عدم ایدوب اوراق اتفاق که ابر بر کشته روزگاری
مصرع * بکمانه البحری سل نظام منا * مظهر تفرق ایدی سبلا ایتل همعوابه

ضمیر خورشید تو بر سلطانی اولمش ایکن ظهور طلیعه الخیل شتابرله بومهم
خطیر انداخته همیان تاخیر اولدیی گذارش پذیرا و لمش ایدی سلطان ربیع بدیع

الانار عزم تسخیر ملک کلزار ایدو کی دم اگر چه شمشاه جم چشم حضرت لری
هرتسم صفحه خاطر الهام مظاهر لری اولان صور حکمت اثری قوتدن فعله

کته و رمل ایچون احضار اسباب عادیه دشمن کشی و اشکر کشی بیورمشدر ایدی
لکن جزیره ردوده که قلمه کیوان مکانی حصانت و مناتنده عذیم المدانی

اولوب سکائی مکاید سپهر بد همه چیز و دستبرد قلک پرستیزدن مسلم اولمخین
* شعر * انساجیل یحتمله من نجیره * منیع بردا طرف وهو کلیل *

رسا اصله تحت الثرى وسمائه * الى النجم فرع لا ينال طويل * جنل جویان
 فرنگدن برکروه مکروه طرح اساس اقامت ایدوب * برخواى
 واذا اردنا ان نهلك قرية امرنا فيها ففسقوا فيها فحق عليها القول فدمرناها
 تدميرا * داءا او کشتنيلک کشتنيلرايله روى ودریای کشت وکذار * ودانه
 طوب برله حجاج و تجار کیلری شکارايتدکاری جهتدن طریق بحرده بروجہ
 سهولت واسانی امد شد احتمالی فتح دشوار معمار وروی دریا ده امن و خوشدلی
 مساعده بخت ارباب هنر کی اسم بی معنی اولمغین شعبده بازی فلک میثاقام *
 ونکایت ایامدن غافل اولان بد کردار لرک شتامتلی سیدیه * اول حصار کرد و نگدار
 بیت * بلد ادا محض الزمان بجمته * مخدوره فهنالك مسقط رأسها * خواسنه
 ماصدق اولمشیدی * هر چند که احیای مراسم جهاد و غزا * واماطه ازی
 قصیدیه شاهان سلف نقدینه سعی واجتهادی تلف ایدوب * اوحصاری فتح
 تسخیر و سکاخی اهللک و تدمیر باندیه * بذل مال و اتعاب رجال ایتدیرایسه
 تقدیر منع التعمیر اقتضایسایله مقدمات کوشش و اهتاملری نتیجه بخش حصول
 مرام اولیوب * وادی تحیر و اضطرار بده پادکرل و نام یافته کان جهان میاتنده
 شرمسار و خجل اولمغین * جانشین اولان ملوک و سلاطین دخی احتمالی لحوق
 حبل برله تدبیر تسخیرندن اظهار توانی و کسل ایدوب اراقدن نگاه حسرت الود
 و اطلاق زمام دآه پرو و دایر لر ایدی * بیت * این اوج فلک مقام ماه درکست *
 وین خطبه بنام پادشاه درکست * بروی مطلب دست که از حکم ازل * منشور
 ظفر پناه شاه درکست * لکن شهریار سلیمان اقتدار حضر تلرینک * شاهباز
 همت عالی نه مملری * اول مرتبه دن بلند پرواز ایدی که * سائر سلا مقبولر کی
 مجرد انتظام * اسباب سلطنت ایله قناعت کزین اولوب * تسخیر جزیره ردوس
 ایچون میدان سربازیده رخس اتش عنان شمشیر لینه رخصت جولان و بر میه لر
 بیت * کردن چرانیم جفای زمانه را * همت چرا کنیم بهر کار مختصر * یا با مراد
 بر سر کردون نهیم پای * یا مر دوار بر سر همت دهیم سر * لاجرم اسکندر
 دارا حشم حضر تلری دفع ضرر عام ایچون تسخیر ردوسی تدمیر قرال منهور
 انکروس اوزرینه تقدیمی تصمیم بیوروب * سیرغ ملع بال اوج اقبال اولان طمع
 همایون هماسایه لری بوهواده بسط جناح همت ایتکین * حسب الامر العالی
 وزرای متوده * رأی خدمت محافظه سرحد ایله مامور اولان امرادن
 ماعدا می عموما نا طولیده بجمت و فرمان متعین الاذعان کوش قبول ایله

مستمع اولمريچون احكام شريفه ارسال وتبليغ * وسائر مهمام سفر نظر الحماي
 اتمام امر نده سعي بايغ اينديلر * يات * چوشده نذر قصه عزم شاه * مجنبش
 د رآمد زهر موسپاه * درآمد زهر جاني اشكري * روان ~~كشت~~ جيتي
 زهر كشوري * اول انشاده روم ايلي بكار بكيسي * احمد پاشا تاج باله تاج
 وزارت ايله سرافراز اولغين * شام دارالسلامدن معزول اولان اياس پاشا ايات
 مزبوره ايله قرين توفير و اعزاز اولوب لب تجيل برله تقيل حاشيه بساط سعادت
 مناط سلطان ايند ~~كدن~~ صكره * روم ايلي عسكرينه * موعد اجتماع اولان
 ايصاله جانبته اماله لجام عزيمت ايلدي * بر موجب فرمان جمعا مطلق جمعا
 التبورالتش درت باره قادرغه و بارچه و ماونه و قايق احضار و تكميل اولوب
 و حددن افزون اسباب جنگ واشوب و باروت و طوب قحميل اولوب
 اناطوليه جمع اولانان قرق ييل دورا وركوريجي * و بكرجي ييل عذب كبلره
 توزيع و تقسيم و جانب بچردن سر عسكر تهين بيوريلان و زيرار سطوت دبير
 مصطفى پاشايه تسليم اولندي * ستمه ثمان و عشرين و تسعمائه رجب المرجب
 اون اوچنجي كوفي ملاح تقدير باديان تباشير صبحي ~~كشاده~~ قلوب * ذورق
 زرین خورشيد رخشاني * دريای ميابه كونا آسمان اوزره روان اينديكي دم
 سر عسكر خسته قدم مقبل فلک اطللس اولان گوشه دامان اجلال شهنشاه
 محمد الاقبال تقيل و فلک هلال بحر اخضر فلک كده ميران ايند بجه سلطان
~~كشتي~~ احوال عالم و عالميان يد مؤيد لرينه مسلم اولوب لجه روح انكيز ايام
 بروقتي مرام جنبش و ارام ايايه ديوايات اجابت غايات دعايي ترتيب
 ايند كدن صكره * وهو الذي يصركم في البر و البحر * جنبانندن هبوب باد مراد برله
 * ردوس محروس طرفنه اماله سكان عزيمت ايلدي تقرر عزم شهرياري
 سكان ردوسل كوشكذاري اوليجي ناخن اندوه و غم برله چهره نكبت بهره لرين
 خراشیده و زمين جسدانه طرح اساس خسارت ايند كاري همچون دیده لرندن
 قطرات اشك ندیم پاشیده قلوب * زخم سينه صد باره لرينه عرض نماز مندی
 و احتياج و تمهيد مقدمات التزام باج و خراجدن غيري چاره بولمقد قلري
 جهتدن قبله الاقبال و كهبة الامال صوبينه نیاز نامه كوندروب لکن امر سفر
 منظر الظفر مقرر اولغين * اول بد كهر لره زبان حسام خون آشام ايله جواب قطعي
 ویر ملك اوزره پيام اورلری مطموره جسده هم آواز ناله زنجير اولمش ایدی يوم
 مزبوره خبر ياس برله مرسل طرفنه ارسال بيوزيلوب * اظهار شوكت دين

مبین واند از کفره بد آیین ایچون عنقریب شعشعه ماهجه لوائی سعادت
 لائوای جهان داری دیده نکبت دیده کری خیره بختل مقرر در نشیبه احکام
 حصون وقلاع و برخواستی و اجعه و امر کم و شکر کانکم ثم کیدون فلا تنظرون
 تحزن واجتماع و نشیبه و احکام حصون وقلاع ایده منز که یوم التقی الجمعان
 باره کچ رفتار قوت و اقتدار کر نلک و عرصه پهنای پیکار سر سودازده
 کز تل اولاد قد بی شعوری و غفلت ایله جوابه تصدی ایچوب دامن
 علل ضعیفه به نشیبت و تمسک ایچمه سر دیو خیر یاس ایله مرسلری طرفنه ارسال
 یورلدی مهت فضل نامتناهیدن برخواستی و جرن بهم برمح طیبه تنسم
 نسیم نصرت شمیم عون الهی برله قطع منازل بحریه اولنوب ماه من یورل بکرمی
 بشنخی کونی ساقزلبانی مقرر سفین سلطانی اولدی مروید در که اول کون قیل
 مقرریده سپاه طرمدستگاه حسب العاده الله الله غلغله سن اواز کبرایدوب سجاده
 نشینان جوامع افلاک و خلوت کز ثیان صوامع خاکی سماع شوقه کنود کارنده یوم
 تذهل کل مرضه عم الارضت و نضع کل ذات جل جلاله فواسفی رونما اولوب
 عرش و سقف خانه یلینده اولان بعد صوری قرب ضروری به مبدل اولدی
 اللهم ابد الاسلام و ابد هیئته اگرچه اول جزیره هنوز محاط حیطه تصرف
 کاشفکان فیروزی نشان اولماش ایدی لکن در کام سعادت دستگاه عبودیتی طراز
 جامه افتخار لری اولوب صداقت و اخلاص برله شرف اختصاص بولدقلری
 جهنندن ساقز امرامی اول طرفل تحف و طرفندن بی حد و شمار پیشکش
 عرض و ثنار ایدوب رعایت آداب مهمان نوازی و تقدیم مراسم صداقت بازی
 ابتدیله مساعدۀ باد می اد برله صوب مرامه خرام اولنوب ماه شعبانل در دنجی
 کونی ردوس محروس جزیره سنده باغچه جم دیملکه شهرت یافته
 اولان جای خوش نماده طرح مر سبات اقامت اولند قد پیان امور دیده و کار
 آزموده صواب دیدی اوزره بارچه و ماونه لاول محلی محافظه به تعیین اولنوب
 در تیموزدن زیاده قادر غه ایله توکل فیض فضل ملک قدوس و عزم جانب حصار
 ردوس و اولندی هجوم شیران روم کفار بر کشته روزه معلومی اولیچ اول
 بد کیشلر زعم فاسد محال اندیشلری اوزره عسکر فیروزی اثری هدف ناولد کزند
 و ضررا بختل ایچون طرف دریا ده اولان طوبلری تهیه و احضار ایدوب اول جانبه
 روزنه چشم انتظاری کشاده ایستار ایدی طونمای همایون پیشگاه حصار دن
 آهنل گذار ایتد کده بیکبار طوبلره کشاد و یروب قبه زبرجد کون کردونی مبرز

آلود * و روی در بانی نمود و ابرج کبود و تبدیل * بر خوی ارباب دول ملهمون
مکر مقدمه مکر * مکر خسته اثر اظمه ابر شوکت دین مبین و انذار کهره و مشرکین
ایچون حصاره غایت یقین گذار و انسون دیوتنبه ایتمشایدی ردوسلرایسه
فرمان وزیر ستوده تدبیردن غافل اولوب مهمال ممکن حصاردن بعید گذار و انور
اعتقاد یله طوبی حسبالا مکان دریاه میدانی نشا ناسلایدی فی نفس الامر
تدبیر وزیر موافق تقدیر اولوب * مصرع * رسیده بود بلای ولی بخیر گذشت *
فخواسنجه طوب دانه لری بلای آسمانی کبی بالای بادباندن گذران اولوب
میسامن نایدربانی و فردولت صاحب قرانی برله مراکب سلطانی اصابت سنل
سمن روزگردن فی آزار اولدیلر * نظم * آنرا که خدا نگاه دارد * از سنل ز آسمان
یسارد * حاشا که بدورسد کردند * واشفته شود ز ناپسندی * کهسار تبه روزگار
افهکاس کاس خنجر نرندن خبردار اولوب تکرار طوبی احضار ایدنجه سفاین
سلجانی جانب شرقیدن طرف غربی به گذار * و او کوزبوری نام لیجانه لنگر اقامت
براغوب قرار * ایندیلر لیجان من بوره حواله دکر من قله می عنوانیله اشتباه یافته
بر قله و ارایدی که کنکرة بروج صعب العروجی طاق بلند رواق کردونه برابر
اولوب هر گوشه می حرمین و طوبی لایله مرین * و رعاده سازی و طوب اندازی
فمنده ماهر اولانلر اول قله نکه میبنا فتنه معین * اولش ایدی * نظم * نه بامش
راکر ندازا بروخورشید * نه بومش رانمیب از باد و باران * طونمای همایون
کیلری لیجانه کیروب لنگر قرار بر اقد قلند نصکره بین العشائین ایدی که اول
قلعه دن بر طوب آیلوب طانی قورداوغلی مصطفی رئیس کیسنل او کنه
دوشمل ایله عساکر نظمر مائل زشته جمعیت خاطر لینه عقد تلاشی دوشوب
طوب آتیه کیرلش دیو مقابل ردوس اولان مر مر وس نام اسکله طرفنه چلمل
ایچون مر عسکر خسته اثره ابرام ایندیلر مردار فیروزی شعاع عروقه وثقای
تو کله توسل ایدوب مجر دطرف دشمندن بر طاش اتلی ایله اظمه ابر صورت
روگردانی عسکر اسلامه باعث پریشانی و کفره خسران انجامه سبب شادمانی
اولوب هر حال نکه میان قلعه زمرد کون کردن روزن بالا خانه آسمانندن روغون
اولنجه بوم مقامده توقف و ایام لازمه حفظ ناموس شهر یاری در بعد از ان اصواب
دید عقلا و اتفاق آرا هر نه ایسه بیش نهاد ایدلم دیو جواب و یروب آب ناب تدبیر
اصابت پذیرایله نسکین غبار فتنه و فساد ایلدی * نظم * دین راه چون کوه دادیم
پای * بچنیم کرسنل بارد ز جای * چونکه صون الهی همواره عسکر اسلام

پناهی اولوب همیشه عون ملک اکبر دفع کنند و ضررا یچون سهام محن و آلا...
 سپر اوراق مقرر در لاجرم مقداً اتیان طوب که موجب تزلزل اقدام و سبب
 بریشانی سپاه اسلام اولمش ایدی سفاین سلطانی به ایرشسون دیو تحملندن زیاده
 باروت وود قنری جهندن رمیه اولی ده رخنه دارا اولوب عمل مانند اولمغین طرف
 حصاردن بر طوب دخی اتلیوب عسکر اسلام استراحت و آرام ایلدی * نظم *
 کمی را که یاری زباری بود * امورش بدخواه جاری بود * اولدم سلطان ملک
 خاوری مانند آینه اسکندری کمناره بحر اخضر اسمانیده چهره نورانی
 کو سرب تسخیر حصار خج دوارا یچون فلک فلک طوب زرنکارین احضار
 ایلدی غزاة ظفر ممات طوبلری کیملردن اخراج ایدوب مناسب جانلرده مترسلر
 قورددیلر سارلوازم و مهم قلعه کشایی اتمام ایدوب نسیم عنبر شجیدن
 رایحه فایحه کلاله طوغ سعادت فروغی استشمام رجاسنه روبراه انتظار اولدیله
 اول هنگامده هر که نام قلعه استخلاص وزیر اسطوتد برله همخواه ضحیر منیر
 اولمغین خدمت مزبوره به قره محمود نام رئیس ناصر داوولوب بر قاج پاره قادرغه
 ایله ارسال اولمش ایدی نیچه ایام ابواب خصام کشاده و باز اولوب میربازان
 طرفین تیغ انتقامی آسوده پستریام ایتدیلهر شبدر آتش عنان حسام خون
 آشام مضمار کارزارده رخصت خرام اولمغین نیچه مریدم افرازا یمال شتر
 کردنکس هلاک اولوب یکتا سوار جازه مرک اولدقدنصکره ماه مزبورک اون یدنجی
 کوفی تاب آتش حیرت واضطراب برله هر که سکا تنل قلوب قاسیه لری نرم *
 و قبول ذمت و خراج گذاریه دل کرم * اولوب هزار بجز و انکسار برله ظالم زنهار
 اولدیله و القدریه ابالتنده اجلائی لوای حکومت ایدن شمسوار اوغلی علی
 بل که دوحه اقبالی ترشح زلال افضال الی عثمانی برله بالا کشیده و بار آور
 اولوب نهال آمالی اول خاندان عظیم الشانک فیض سرچشمه عنایت
 و احسانلری ایله سرسبز و مخضر اولمش ایدی تجرین بخت بد آموز برله بی
 ایجناب موجب نایره جهانسوز تعدیسی شراره فشان اولماغه باشلیوب بحزه
 و زبردستان بر کشته حال پنجه آطا ولی ایتدوکی موقوف جاء و جلاله عرض
 و اعلام اولمغین اول بد کیشک احوالی تقنیش ایچون بر قاضی وایکی چاوش
 ارسال اولمش ایدی مثال متحم الامثال سلطانی علی بکک منظوری اولیحق
 لجه شورانکیز غنوطغبانی جوش و خروش ایدوب قاضی و چاوشلری مشعله
 تیغ سرتیز برله تنهار و دهلیز هولناک هلاک ایلدی اول ناساز زاده الطنبور

نغمه آخری خواستجه * مخالف پرده دن نغمه به سراغا زاید و اصول بی آهنگ
 عصیان ده دخی شعبه لر زیاده ابتدی کی تکرار عراضه خدمت سلطنت قاهره اولیجی
 صورتنا ارض روم و سیواس طرفلری تطاول ابادی اعادیدن حفظ ایچون اما
 حقیقه خانوادین شهرسوارک سر رشته دولترین مقراض انقراض برله کسسته
 ایتل ایچون * وزیر فرهاد باشا علی جناح الاستیصال ارسال بیورلدی * نظم *
 نبرد خرد این سخن دور نیست * که زندان بد کیش جز کور نیست * تدبیر مهمام
 محافظه حوزه حکومت و فرمان فرمایی * و ترتیب امور کشور کشایی * بروفق
 دلخواه قرین اتمام وسنه منوره شهری رشته سنده انتظام بولان شهر
 رجب الحرام ایل اون سکرنجی کونی اولدمکه * نظم * لشکرکش خورشید که
 نامش مهر آمد * اعلام ضیا بر سحر این سبزخیم زد * ماهجه اوطاق کردون
 نطق سلیمانی اسکدار سحر اسنده طعنه زن مهر آسمانی اولوب شقه من رکش
 طراز شهریاری تکرار هوای وغاده پروازا غازی بلدی * نظم * افسر رأیت اولدی
 کردون سای * چقدی چرخ برشته هوی ایل های * کوس فریادی اولدی عالم
 کبر * مرده فتح و بردی صوت تغیر * ماه من یورک بکری برنجی کونی دروازه
 فیروزه کار سپهر دواردن درفش ملع شقه خورشید رخشان افراشته اولوب
 سلطان بکه سوار میدان اسمانی روزن بالا خانه فلک کدن عرض طاعت نورانی
 ابتدی کی دم طرازنده سر رضا حب قرانی * فرازنده لوی جهانمانی حضرت تلی
 بر حسب آیین دیرین آل عثمانی بدرقه تأییدات سبحانی برله طرف اسکدار گذار
 بیورب عین مقدم شرف تو املری برله اوطاق آسمان نطق غیبت چتر کلی قام
 سپهر نه رواق اولدی * نظم * ذکر باره بادولت ارجند * برآمد جهان همچو پشت
 سمند * نهال علم باز بالا کشید * روارو یچو رشید والار رسید * برکون اول مقامده
 رام بیورب منزل ثانی مال دپه سی و منزل ثالث تکویر چایری اولوب * دردنجی
 کونی هرکه نام مقامده نصب خیام عز و احتشام * و بشنخی از نکمید
 قریبده رفیع اعلام * بیورلدی * نظم * روان شد باقبال و فتح و ظفر * ازان جا
 شه نشاه عالی کهر * سعود فلک نصر نش راضمان * جمود ملک در پیش حرز جان
 اول منزلده درگاه سعادت دستگاهه نیکبولی بیکی محمد بیل طرفندن اولان
 اولاق کلوب سلطان افاق حضرت تلی نیک عز و ناموس برله ردوس قلعه سنه عزم
 ظفر جزملری قبال منخوس کشور انکروسل کوشکذوی * اولمغین زمان فرصت
 اولوق اعتقاد بیه بلغراد دجنه سنی شده ساعی اولوب عسکری حد برله برسل بیدین

بد آیدنی ممالک مصونة المسالک حواله ایتشیدی اول بد کردارک بوسکار
 ناهواره اقدامی درگاه عالی خدامثل معلومی اولیجی نیکبولی وسندره شهبازری
 برله منور محمدیمل بال استجالی بازایدوب دیار اسلام بازده عسکر مخوس
 الاثر کفار اولمزدن مقدم * اناره غبارفته وفساد سوداسنه مبتلا اولان بد نهادلرم
 قبیغ بی دریغ رهبر شهرستان عدم اولدیغنی عرض. واعلام ایلدی منزل منی بورد.
 دیار بکرب بکربیکسی خسرو پاشا دن دخی اولاق کلوب فرهاد پاشا عسکر بی
 قیاس ایله سیواس طرفنه عازم اولدیغندن شاء کمره اکاه اولیجی نتیجه مقدمات
 خط و تر حال ملا حده ورفضه بی استیصال ایتدیکنه جازم اولوب شهبازان اوج
 جلادت و سربازی نیجه سندن تخیلص مرغ جان ناتوان ایچون اوجان ییلا غنده
 هقه رشته اجتماع ایتدیکنی وساطت مقربان برله موقف جاه رجلاه ایصال
 ایلدی کذلک ممالک ارمینه کبری و کرجهستان حکامندن منوج ره اسعاد
 استعداد ماد درزاد برله مقدمادرگاه سپهر اشته باهه عرض اطاعت وانقیاد ایدوب
 اول آستانه بنده لری قطار بنده شمارا ولماغی سرمایه افتخار روز کاراید لخشیدی
 کرجهستان حکامندن اولوب شاه شیا طین سپا نیکخواه لردن اولان جاویر نام
 شقی مجر د شاه کمر اهدن روکردان اولوب درگاه مکارم دستکاه عبودیتی طوق
 کردن اذعان ایتکین منوجهر زبردستنده اولان ربابا به ایصال خسارت به جسارت
 ایدوب اول جارضار عهد ستمکاری اوزره اصرار ایتدیکی خدام آستان عز
 واحتشامه عرض واعلام ارا تمغین وابسته عرو و ثقای انقیاد اولان منوجهر
 لازم کلور سه امداد اولنوب * جاوید بد نژاد تاربانته تیغ بی دریغ برله تأدیب
 اولتیجی ایچون سیواس بیکار بکسنه حکم همایون شرف صدور بولدی
 دار کردون شکوه حضرتلری حشمت وانبوه برله طی دشت و کوه پیروب
 ماه شعبان المعظمه ایکنجی کونی یکیشهر صحرایی که روز جوانی کبی فرح فزا *
 و مانند شب وصل غوانی ترخ زدادر * مرکز ربات همایون اولدقده علما و سادات
 دارالملک بروسه موکب استقبال باهرالاقبال ایدوب تقییل انامل بحر شمانل
 سلطان بنده نواز برله مستعد و مرافراز لایلر اول فریق سعادت رفیق که
 سلطان سر بر رسالت فرمان فرمای کشور نبوت حضرت لردن مظهر تشریف
 العلماء امراء الله علی خلقه اولوب * جامه مباهات و افتخار لری طراز اعز علماء
 امنی کانبیاء بنی اسرائیل * برله مطر زار لشد در نوازش و انعام سلطانی برله معزز
 اولوب شمسوار عرصه خاوری شکست لشکر انجمده انظهار دل لوری ایتدی که

افتاب بخت و سلطنتی عالم تاب اولوب ستاره بخت عدوی بدخواه لری لمعه
 خورشید دولت لری ایله تباه اولق ایچون * نظم * آلهی نانشان از تخت و تاج بخت
 ز تاج و تخت عالم راراجست * بزیر پای تخت شاهیش باد * تبارک تاج ظل
 الهمیش باد * دعای اجابت اثری ضعیفه اورادشام و مهر قلیدیلر * ماه منی بوزک
 و چنی کوفی قدوة سالکان راه اسرخیل مجذوبان درگاه اقیق حضرت تلیرنل
 من ارلامع الانوار لری جوارنه نزول بیوریلوب * قبه بلندقه اوطاق همایون
 اول مقام طعنه زن طارم زبرجد کون کر دون اولد قده * وسیله فائحه
 شریفه برله اول قطب دائرة طریقت * و محور فلک حقیقت حضرت تلیرنل * روح
 برغنو حلزندن استمداد و یغوله نشین محن والام ایام اولان فقر اوضه خاذل
 نوال کرم و افضل برله دلشاد بیورلدی * نظم * داش برکرم رغبت انکیر بود
 جواب برهاری درم ریز بود * موکب همایون طی دشت هامون ایدوب
 ماه منی بوزک التخی کوفی توابع کوتاهیه دن قزل قیسانام مقام مضرب خیام
 ارام اولد قده کلفت راهدن استراحت و اسایش ایچون اسکندر دارا
 منش حضرت لری اول جای فرح فزاده اولان حمام خدایی به تشریف بخش
 ولوب * فرو وجودی همود لری برله * اول کرمانه انشین غیرت زهنسرای خلد برین
 اولدی * بدرقه دولت روز افزون برله عزم سفر همایون بیورلد قده دفع مضایقه
 راه ایچون حسب الامر العالی لازال غالب بالعالی بکچیری کوهی بر قاج
 من حله ایلر و کیدوب کوتاهیه ده قدوم شرفلوزم شهریار کر دون اقتداره
 انتظار اوزره ایدیلر * ماه منی بوزک یدنجی کوفی منجوق ریات میمنت ایات کوتاهیه
 صحر اسنده لامع الاشرف اولد قده * بکچیری دلور لری اغاری بالی اغایله
 اناطولی شیر زاری بکلی بکلری قاسم پاشا ایله معسکر خجسته اثره ملحق اولدیلر
 روم ایلی بکلی بکلیسی اباس پاشا دخی نامر دخدمت محافظه سرحد اولان
 امرادن ماعداعوماروم ایلی امراسیله کلیمولی معبرندن عبور ایدوب
 کوتاهیه ده معسکر همایون سلطان افاقه الخاق ایله مأمور اولمشیدی
 ماه منی بوزک سکنجی کوفی پلنکان قله سرافرازی و نهنگان دریای محارب و مغازی
 دروم ایلی غازی لری واصل اردوی کهان پوی اولوب * اول روز فیزوده
 اناطولی امراسی * عندلیب نواخوان زبان لری * سر برک عرش العزل زال عالیا *
 ترانه سیله نغمه سنج اوله رق * شرفیافته تقبل پایه سر بر عرش نظیر سلیمانی
 اولدیلر یوم نائیده شهر نشاه ضد نواز حضرت لری * سر بر افروز دیوانخانه

سرافرازی اولوب روم ایلی امرای سجده کاه سلاطین روی زمین و بوسه جای
 خواقین چشیدم کین اولان حاشیه بساط سعادت مناطی تقبیل ایندی بلر
 زبسکه برد را و سجده میرتدا انراف * بحال نیست قدم راز از دحام جیاد * هر منزله
 امرای کزیده و سپهسا لار کار دیده مستقبل طوغ ظفر فروغ اوله رق قطع بیایان
 و جبال بیوریلوب * ماه من بورتا ون او چنجی کوفی قره حصار قریبده چلنکلو
 نام مقام * مضرب سرادات عز و احتشام اولد قده سر عسکر مصطفی پاشا
 طرفندن چاوش کلوب کیفیت محاصره حصاری و چگونگی احوال عساکر
 جرانمداری معروض رکاب سعادت انتساب شهر یاری ایلدی شهنشاه
 فیروز روز حضر تبری علم اقر از عنایت اولوب رهنمای اقبال برله * سفر ظفر اثره
 تحریک ریات جاه و جلال بیورملری فصل تموزه مصادف اولوب * مهر عالم تاب
 درجه سادسه برج اسدده اولد یغی جهندن * نظم * اگر ابرنا که شدی قطره بار
 * ز تاب هوا قطره کشتی شرار * و کرد رهوار برق کردی کز * چو پروانه اش
 سوختی بال و پر * مصد اقبه دشت و کوه ماتند کوره ابکیه کران التباهه
 اولوب * قاب افتاب پنجه تاب توان و تاب عساکر نصرت انتساب اولغین
 حضرت شهریار عالیقدر بدر کبی شبر و لاله اختیار ایدوب * نیجه کیجه مشاعل
 انجم شمائل برله قطع منازل و طی مر احل بیوریلوب * ماه من بورتا بکر منجی کوفی
 ایدین یکی شهری محط رحال اقبال اولد قده روم ایلی امراسندن هرسل سنجاغنده
 اعلای لوی سرافرازی ایدین محمودیل اسقر دین نام قلعه دشوار گیری که شهر باز
 قلند پروازان دیشه و خیال دخی * هوای تسخیرنده تحریک پروبال ایتمک محالدر
 نیروی بازوی اقتدار برله * کفار خاکسار نیجه سندن تخلص ایچون شیران پیشه
 زار جلادت و سربازی برله محاصره ایدوب سفارت تبردد و زمستیمع زبان اورئ
 شمشیر جگر سوزار لغین نیجه مدت * نظم * یلان از دم صبح تا وقت شام * نکر دند
 شمشیرها در نیام * آخر کار هر بران قلعه شجاعت و فرزانیکی * سقف فلک اطلسه
 صعود ایدین جنود دعا کبی سلم همت و مردانگی برله * قلل و بروجنه اعتلا و عروج
 ایدوب * اول قلعه کیوان مکان داخل حیطة ضبط و تصرف بندکان صداقت
 نشان اولد یغینک اخبار مسرت اناری مسجوع خدام استان بلند دیوان شهر یاری
 اولدی * نظم * بر هر طرف که چشم نهی جلوه ظفر * و ز هر جهت که کوش کنی
 مرده سرور * کذلک فرهاد پاشا طرفندن دخی شهریار و کثیرا المحامد درگاهنه
 اولاد قروار داولوب * قانع بهستون وجود اعدا فرهاد پاشا مقدمانکاشته خامه

همه کین مداد اولدینی اوزره که ایالت ذوالقدر به ده اناره ماده فتنه و فساد ایدن
 این شهر واری باعال شتر مرد هوای فتنه ایچون، سیواس طرفنه توچه
 توغ و علم ایشیدی اوازه قرب و وصول رایات ظفرایات کوشکدار این شهرسوار
 اولیق تابه پرتابه دوشمش قطره سیجابه کبی کمال حیرت واضطرار ایدن کاه نزل
 ناموس و نزل و قماره سلکانه اهنک و کاه وقت ضرورت چو غم اند کر نرسد دست
 بکیرد سر شمشیر نیز غوغا سنجه آغاز تداولک اسباب جنگ ایدوب اول غوطه
 خور بجه اندوه و غم هر چند که دروینده مدغم اولان دغدغه غمناقی قرار داده
 ایمل ایچون سرفرو برده دریای سیح الارچای افکار اولدی که کوه
 مقصود دسترس میسر اولتی احتیالی اید من مناسط الهیوق مشاهده اینکین
 وجودندن سامان اختصار ساقط اولوب ناچار جملة اولاد و اعضای و قحاطلی
 و عساکری ایلد بین الحونی و الزاج پاشای مشارا ایلی اسبقه ماله استیصال ایلدی
 لدی الوصول جرایم سالقه دن بعض اعذار فاسد تمهیدینه شروع ایدوب آغاز
 فاجره ایلد بازار دروغ بی فروغه رواج و بر ملک متله مانقی انشاجه ساعی اولیق
 نظام خار کیم رسوختی شاید در کریان نمی نه پخت اید خوار می اقتضا سنجه
 جرایمندن انحصاض و امشیمه سالتدن اعراض اولدینی تقدیر جبه ضریان عوف
 جاهلیتدن تکرار مقصدی ستم و از اوله چنی اشکار اولوب حالاله کیرمض
 ایدکن دست تعدیسی دامن تیغ یید ربع ایلد قطع اولتی لازم اید یکی متمیز اولمقین
 نوشانوش باده خود کاهی ایلد نقد عتلی و شعوری پاده ویرن اول جاهل و فرو
 وطل کران شمشیر خون نشان برله افتاده خاک هلاک اولوب راسته مر رسته
 قرابتی اولان کوه مکر و همل دخی قانلوی جرحه اسلاری زبده ایدلینی
 برداشته پیشگاه سر بر حشمت و جاه اولدی نظام هیران کوشم خنجر ی بر کشته
 قتل هم بدان خنجرش سر برید بر کون اوله نامه جاده استیامت میوریلوب
 مند و فنام شهر سالتنه عزیمت و شکار و فصل غوزده خون جافور ان لاری
 زه بی نمود از لاله زار ایتدیلر زهنگانی طالع معصود برله اول مقامدن خورشید
 سپهریه افام کبی صوب مقصود و خرام میوریلوب ساهه بر یولک کیمخی اوجخی
 کونی ماهجه اعلام عالمه ان سلطان افاق ساحل خیر و زود نده لامع الاشراف
 لولک قد و تکرار سردار صطی پاشا طار نندن اوشر کلوب محض قتل مجذباتی
 برله تصدیق قاده خیر که غمناق مشور کشورستانی اولدینی حریف جاهل و
 عرض و اعلام ایلدی بیت این غنوز از بر تو خورشید جعفر لاله است

شاهبازان همایروا زوج سلطنت حضرت تری اول آشیانه دخی قهریک قادمه
 عزیمت بیورب ماه صیامل ایکنجی کونی پرتوما هجته رایات جهان افروز سلطان
 دوست نواز دوشمن سوزمقابل جزیره ردوس اولان مروس اسکله سفده ضیا
 بخش اولدقده * دریابطریق مدد تقدیم خدمت شریطه پابوس شهنشاه ظفر
 مأفوس ایدوب * زورق زراندد و دهلال اول در شاهوار عمان سلطنتی دکمارا یتل
 رجاسنه کندوبی بحر زمر دگون کردونه آندی * سحرکه که سلطان مریع نشین *
 مسند طارم چارم * تسخیر حصار نه نوی چرخ دورا ییچون * ساحل دریابار
 مشرقده زورق سپهر میثامای زبرجد فامه سوار اولوب * بحر نیلگون کردوندن
 گذار ایلدی * شهر یار سلیمان وفار حضرت تری دخی * سرعته بیل اندیشه و خیال دن
 اسیر و وسعته صحرای رجاکی اوسع * برفلک دلپسند فلک ماتنده سوار اولوب
 عنایت مرسل الیاح برله اول تخت باد اور کلج البصر طرف مروسدن
 جانب ردوسه گذار ایلدی * نظم * درامد بکشتی شه کرم جنل * زدریا بجاییم
 دارنده نل * زانفاس پاکان نیل اعتقاد * روان کشت کشتی نه از سبی باد مقدم شرف
 توام سلطان جم چشم برله جزیره ردوس رشل ارباغ ارم اولوب بن مقدم سعادت
 لزوم شهنشاه مکارم دستکاه برله * اوطاق کیوان نطاق غیرت چتر کلی فام سپهر
 مقرنس * وطعنه زن فلک اطلس اولدی خامس شهر منی بورده خینس اشکر ظفر
 انیس برخوای * قدحی الوطیس اشغال نائرة کتھاح وقتاله اشتغال ایدوب
 لسان الحلال سهام وصال برله پناه پرده کینکاه حصار اولان برکشته روز کارلره
 * اینماتکونایدر ککم الموت ولو کنتم فی بروج مشیمده * پیامنی ایصال ایتد کارنده
 ردوسیلردخی * یعدهم و یمنهم و ما یعدهم الشیطان الا غرورا فخواستنجیه غرور
 وعدة دروغ شیطانی برله * ساوی الی جبل * مقدمه سیله عمل دامنه گرفتار
 اولوب * محبوب شرطه کیر و دار برله ریای هیجایم * بازار کارزار دره متاع
 حیات ککاسد و کالای بی اعتبار عدم رایج اولدی * بیت * از باد حمله آتش
 حرب اشتغال یافت * ترک اجل بغارت جانها مجال یافت * بروج ممتنع العروجی
 مریفلک کشیده و طاق کیوان نطاق شرفات قلعه نه نوی اسمانی به رسیده اولان
 چاکلوانام قله که دیده بانی شیرفلک خوفندن پاسبان ایلله طوبور * سپهرده ماه
 و مهر اسوده سایه سی ایدیلر * چاکسوار میدان مغازی سلطان غازی طرفندن
 هوایی طوبور کشتاد و براد کده * اول قله نکمباندی قهریک جرس و ناقوس
 یدوب * سکان ردوسی اکاه ایتل ایلله کینکاهلره کیروب مرغ جانلرن دانه طویدن

تخلص ایدر لر ایدی * لاجرم اول بدنهار له مایه استظهار و اعتضاد اولان
 قلعه سر بلند ماننده خانه قلب عاشق مهور سر منزل معصومین صدمه
 دور اولوب * هر گوشه سنده غراب البین وحشت زخمه سنج اولتی * سنجیده
 معیار افکار اصابت شعار اولغین * بر حسب فرموده مددکاری طوب ضرب زن
 و دستپاری تیشه خارا شکن بر له از زمانده درودیاری چاک چاک * و احجار
 و انجاری افکنده روی خال اولوب ردوسیلرک چاکرینه اوت طقلدی * فرمان
 فرمای قاهره مصر اولان خیره بل که رقبه سی دلبسته رقبه رقیب اولوب کردن
 و کوشی حلیه عبودیت ایله متحلی اولدن برو * بلبل خوشنوی بال صفامالی
 شا خسار کلزار اخلاص اوزره همواره ترانه سنج نواز عشاق اولوب * بر نفس
 مخالف برده ده نغمه به سراغ از آتماشدر * حالبا درقه اقبال روزافروز بر له سفر
 همایونه عزیمت بیوردی کوشکداری * اولیحق اظهار عبودیت و جانسپاری
 ایچون * جنود مجنده چرخس و تازی و تحف مصری و حجازی بر له برابر * بکرمی
 درت پاره قادر غه ارسال ایدوب اون سکر بنجی کوفی جزیره ردوسه واصل اولدی
 اسکر چه نیچه مدت بکه سوار مضمار سپهر دوار عزم تسخیر قلعه مینامای
 زبرجد کون کردن ایتدیکی دم شمسواران عرصه شجاعت و سربازان میدان
 جلادت نکا و تیر تاز غیرته ارخای عنان عزیمت ایدوب دست همی دامن
 حصانه استوار ایتدیلم * لکن حصار ردوسه طرح اسام ایدن معمار سخا
 اطوار صدمات قوارع انشبار بر له * چندان رخنه دارا و لماق ملاحظه سیله
 قلل و بروجنی کهکی نام طاشدن بنیاد ایتمکله چندین هزار سال صرف نقدینه
 سعی و اجتهاد اولتسه * طوب طاشی اجزای دیوار حصاره تطرف و تلاشی
 خارج دایره امکان غادی اولغین به مهوده طوب اتقندن رجوع اولنوب * مریدان
 کار آزموده ارشادی ایله جابجا حصاره خواله خاکدن قله لر بناسنه شروع
 اولندی قرین انعام اولیحق عساکر فیروزی مأثر اول قلل خاکی اوزره * الحق یعلو
 قصه سین خاکی اولوب دانه تفیل و ناول خدنک بر له کفیار خاکیساری
 پیغوله نشین درکات سمین ایتدیلم بوی تدبیر نتیجه پذیر اولوب * دیوار حصار چرک
 ارباب کفر و شر کردن نظمیر اولیحق * سپاه ظفر دستکاه میدان کارزار ده رخس
 همترینه دلخواه اوزره رخصت جولان و بروب * گاه زیر زمیندن نقب سازلتی
 و گاه بالای اشماندن سنل اندازلتی ایله نیچه بروج کبوان عروجی همسر کنکرة قلل
 الافلاک * ونیچه قلل زحل محلی افکنده روی خال ایدوب چگونگی احوال

پراهرال * یوم یغشیهم العذاب من فوقهم ومن تحت ارجلهم * جلوه غای منزه
خیال محال اندیشه **ک**کفره بد کیش اولدی * بالای حصاردن مطارحه
قرعه جنگ ویکار خارج دائره اقتدار کفار ارجیق * ماه مهر یورک بکرمی انجی
کوفی اناطولی عسکری ایله وزیرکشور کشا پیر محمد پاشا * ضرب طوبله ارام
و فرار یقینکی طرفدن حصار قیوسی اخیلوب بردلان کفار سپاه اسلام اوزینه
صلوه سکانه ایندی لشریان اهو سوار دخی شمشیر زهر ابدار برله او **ک**کلرین الوب
غبار رسم سمنر دلاوران برله * کره افلاک مرکز خاک * وزخم نعل باد پابان آتش
عنان ایله * عرصه خالغودار جنبش افلاک اولدی * نظم * زمین وزمان کرد
لشکر گرفت * جهان شکل صحرای محشر گرفت * زکرده سواران دران دشت کین
ندانست کس آسمان از زمین * اگر چه تحصیل نام و ناموس ایچون سپاه ظفر مانوس
وسکان ردوس مهر تابدار درجه نصف النهار ایرنجیه دلک بزم رزمده ادویه
افداح مقارعه و کفاح ایدوب * خون کشتگان جرحه اساروی خاکه صاچاتی ایله
غایبه دمدن مزاج عالم تغیر * روضه و دغبار بخاردن * هر چه غور شیده تکرار
اولوب **ک**کش مکش میر یازان طرفین ایله عقده حبل المظین استحکام بولای
رکن عاقبت کارارل سیه بختان تیره روز کارل رشته صبر و اراملری گوشه مقراض
حسام خون اشام برله انفصام بولوب اوراق اتفاقلری منظومه کسسته تارکپی
نارومار اولدی * اری چوبانل جمل باز اید از هوا * کجشک دود باز کر برد بایمان
خواسنجه تیغ مرتیزدن خلاص بوانلر راه کریزی پیشنهاد ایدوب * حصاره جان
اند بلر * عساکر همت ماثربیل قضا **ک**کبی * در قضا اولوب هناره زور
نار ایله قلمیه سخن اید نلردن ماعدا * سنل دست هادم اللذات کریمانکیر جامه
حیاتی اولدی بس پرده نایید ملاک مجیددن بونج جدید بدید اولدی اثنا ده هلال
شوال مانند ابروی زیبای دلبران ناز برور چون نعل سمنده پسنده شمشاد داد کر
* افق غریمدن شکل مهوس کوستروب * سلطان عید اوردنل زمر درنل فلان
بد درنل اوزره مرعشین اولیجی روضه قضای رسم یشین * نظم * فروزنده تخت
وناج و نکین * فرازنده رأیت داردین * حضر نلری سمر برافروزدیو انخضانه
مهر افرازی اولوب * خدام بامده قسام دیوان سلیمانی حاتر شرف تقیل گوشه
داماز سلطانی ایلدیر بیشکام اوطاق کیوان نظامده صلوة عید ادا سندنصکره
خوان بمذول انتم کشیده اولوب ندای عام * کاو من طیمات مارزقنم * گوشه
خواص و امارت لای هر کس بلکه دور و کس شیلان شاهچون دلخواه

اوزره سیر و نواله کیر اولوب * سناط جود و انعام لری سفره خورشید کی همواره
 کسترانیده اولمق رجا سینه کند مخت پیوند دمای ساق عرشه بنیاد یتدیلر * وزیر
 احد پاشا سرکار لئی ایله سوریلان طیارق کنار خندقه قریب اولوب * بومر امل
 واصل مرحد اختتام اولسی وابسته اهتمام سپاه اسلام ایتدیکی عراضه
 خدمت سلطنت قاهره اولمغین * ماه من یورک طقوزنجی کونی حسب الامر
 النافذ رام منفذ ادربای عسکر خروشا یدوب طرف حصاره موج بربر اولیجق
 شیران رومک بوکونه حرکتی قلعیمه هجومی منتیج اولمق ملا حظه سیله ردوسیلر
 دخی اعداد ادوات کارزار ایدوب قلل و بروج حصاری الات جنگ وینکار برله
 تزیین * واول ناحضاتلر جابجاء محافظه دروب و محلات ایچون ادملر تعین
 ایتدیلر * سکان ردوسل اظهار تجلید و اقتداری اشعار ایدر حرکتی برله آتش غیرت
 صاحبقرانی زبانیه کش اولوب * بار حمله ابطال برله نائرة قتال اشتعال بولمق باینده
 فرمان خدای کافی شرف صدور بولمغین * طیارق سورملر خدمتی وقت آخره
 تاخیر اولوب کردان ناججوی جوی اساجانب حصاره اقتدیلر تکرار بازار کارزار
 کرما * کرم اولوب بر دم ایچره نیچه ز شهرستان عدمه وضع قدم ایلدی * بیم
 شحنة اجل سربازان طرفین دروئنده بر مر تبه جای کیر اولدیکه جوهر روح
 قالب برنده اعراض متجدده الامثال * کبی زمان ثانی به قالمیوب هران
 تبدیل مکان ایدردی * روان روح چندان بسوی سمیر * کدشد غرق دریای
 ارواح مهر * شناوران بله موج انکیز حرب و ستیز جوی خون ایچره نکاپوی
 و کوهر ظفری هر سوچستجوی ایدوب * بذل مقدور امر نده توانی و تقصیر ایتدیلر
 لکن اول * کون تقدیرده ساعده اولمغین * کارزار امل غنچه لری خنده رو
 اولمیوب مشاهده شاهد فتح و فیروزی روزی اولدی * نظم * ضمان علی الاقبال
 ما انت طالب * و حتم علی الایام انک غالب * و ما هذه الدنيا غیرک فانتظر * مواعد
 ما یقضی الیه العواقب * اگرچه قاج دفعه دخی ناوئل دلدوز مجرزه ترکاز مجبور
 چشم * کبی غارتگر کشور دل و جان و تبیع جگر سوز کی تفرقه اندازان
 و امان اولوب شمشیر الماس کون الیه خون کشتنکند دامن خصار نمودار کان
 لعل بدخشات اولدی * نظم * زخون شهیدان اهلین کفن * زهر سوکستان
 شد آن انجمن * اما اقتضای قضای حادثه زای برله کعبتین امال موافق منصوبه
 روز کار اقبال در شمیموب * کل توخیز ظفر کلین لطف الهی اوزره جلو کر اولدی
 * نظم * در مضامین قضا و قدر حادثه زای * این قوی و قدر خلقی هیا و هدر است

ماه ذی القعدة غمر سنده صبحد سکه * نظم * صبح سپین قبای زرین قاج تاج
 از زر نهاد و تخت از عاج * ذره درج شهر یاری غره برج کامکاری حضرت تری زینت
 سازد و با مخانه جهان بمانی * و زینده تخت سلطانی اولوب * حقه باقوت کون
 دهانی * مصرع * چنانکه باد صبا جیب غنچه بکشاید * بگونه لواط برداز تسکام
 ایتدیلر که عنایت بیغایت ولی التوفیق * چونکه همواره طراز شقه لوائ شوکت
 اسلامیان اولوب خوافاره عظیم الشان عثمانیان * تعظیم او امر مرغ محمدی و تقدیم
 لوازم دین احمدی ایند کبری جهت دن * همیشه هامة هم تری اکلیل جلیل *
 یوفید بنصره من بشاء * ایله مکال و حریده پسندیده ماثرواری ترادف اسباب فضل
 باری ایله مذیل در * الحمد لله علی تعاقب نعمایه * لاجرم بعد الیوم کوکب بخت
 اغاز مهربانی * و سپهر دوار بودمه دك اظهار ایتدیکی اطوار نامه و ارای چون
 ترتیب مقدمات پیشینی ایدوب * عنقریب شاهد امنیه و امال هم اغوش
 خدام درگاه مخلص الاقبال املی متوقعدر * راتبه خواران خوان احسانمز
 اولان بنده کان صداقت نشان کرکدر که * سلطان ملک نیروز مهربان افروز
 اولان سر پرده شیدن بروز ایدوب * تیغ شفاف ذره شکاف اشعه و انوار برله
 تسخیر حصار سپهر دوار ایتدیکی دم * شمشیر اهتمای میان جانیه بنده ایدوب
 نیروی بازوی اقتدار برله * رأیت کفری سر نکون و زهره کفر بد آینی خون ایدوب
 نظم * چو شاه از حکایت فروسته لب * وزیران و کردان زرامان * نمایدند بر خاک
 روی نیاز * که ای همچو خورشید درمه سرفراز * بدوات ز نورایت افراختن
 زمانه جان در رهت باختن * رتو همی جانفشانی زما * حکم از نو کشور ستانی
 زما * اول شب سپاه اسلام احضار ادرات کارزار امرانده اهتمام ایدوب
 صباحه دك * نظم * پرورش اموز درون پروران * روز پراننده روزی رسان * حله
 کرباد و جلی بنداب * نعل طراز کرانتاب * تعالی کبریاء ذاته عن شوائب الانعلا ب
 حضرت تلیسک درگاه اجابت دستگاهندن فتح و ظفر میسر املی رجاسته سوز
 و کداز برله حلقه جنبان در نیاز اولدیلر * صبحدم نرمان اسکندر دارا حشم برله
 سورنا و غیر صلائی جنگ نداسن عالم کبیر اولوب * علم عالم ارامیداز و غاده نجم
 و اهتر از اغاز ایلدی * نظم * چقوب چرخه کبسانک زینه نای * سپهر اولده
 از رده هوی وهای * دونمای همایون دخی طرف بچردن حصاره مقابل
 اولوب جانب خشل و تردن کمره بروج اسنان عربنه کند همی بند ایتدیلر
 ردوسلرا کرچه ششدر عالمده فائز کعبتین مراد اولوب * قطع رجاده نصیب لری

نقش * فرمان اوله جفته یقین تحصیل ایشلایدی لکن * در کار از بخت و ارون
 روز دولت شد سیاه * طالع شوریده نکذارد که ارد * بر راه * غوا سبغه بخت
 بد و طالع نافر جام در کاه مراحم دستگاه شهر یاری به هر ض عبودیت
 و جان سپاری ایشلایله هم خوابه اطمینان اولمغه مساعده دن صورت مباعده
 کو ستر مکین * غایت غوایت و نهایت شقاوت لرندن اظهار بخت و احتیاج
 و التزام جزیه و خراج ایتیموب * مقام بلج و خصامده قیام ایتدیلم * نظم * دودریای
 آهن پایین ساز * صف اراستندار نشیب و فراز * یکی چون ستاره نمایان
 زاوج * یکی همچو دریا نمائنده موج * شاه سیمارکان ایوان سیمابگون کرد وندن
 خلوتخانه افق غربی طرفه خرام ایدنجه * اقتداح کماح جام زمر دین افلاک کبی
 دایره اولی ایله عرصه نبرده سرری کدوی اب و افسرله کاسه شراب کبی غاطان
 اولوب بستان تیغ خونفشان هفده کشای جان اولدی * اما اول کون دخی نسیم
 عنایت الهی * مهیب فضل نامتناهیدن نسیم ایشلایله * غنچه فتح و فیروزی
 نسیم ایتیموب طلیعه سپاه نظیر رونما و جلوه کراولدی * فللمرء احوال و الحال فرصه
 ولدهر اوقات و الوقت حادث * نقدینه فتح و تسخیر انداخته همیان تاخیر
 اولدیفی روم ایلی بکابر یکیمی اباس پاشانلک خصوص دار و کپرده تقصیرندن ناشی
 اولمشدر دیو خلاف رافع اسناد اولنوب * بار سعایت حاسد و واثی اشعال نائرة
 غضب شهر یاری ایتکین * پاشای مر قومل مشام امید ی استشمام رایحه
 منصبدن محروم اولوب * الدریحیس و المهندی غمده غوا سبغه * قیو جیلر چادرنده
 محبوس * وراس المال حیات بی ثباتدن مأیوس اولمشیکن * مرآت ذهن
 وقادشاهنشاه عالی نژاد که امد شد مصقلة الهام الهی برله همیشه - ملاداده در
 صورت حقیقت حال کماهی منعکس اولغین * ترشح ذلال عنایت کداری
 و فیضان ماء الحیوة کرمکاری غنچه دل خزینه باعث کشادگی * وسوسن خاطر
 غمگینه سبب ازادگی اولوب * اول غوطه خوارجله اندوه و حیرت هبوب
 شرطه مروت برله * ساحل نشین نجات اولد یغندن ماعدا رنما علی الوشاة
 منصب سابقی کماکان ینه کندویه احسان بیورلدی وزیر احمد پاشا امید توشه
 ظفر ایتدیکی گوشه نل اساس دیواری * تیشه کاری استنادان فرهادیشه برله
 تجویف اولنوب جبل المیتین انقباض فرما نقرمای عالمیاندن باش چکدیکی ایچون
 قائد تقدیر * اول سرکشی گرفتار بند و زنجیر ایتشیدی * ما مذی القعدة نل
 اون النخی کونی * چابک سواران میدان زور اوری و نامداران عرصه هنروری

متوسلا بجل التوکل اطراف جبال مشدوده به توسل ایدوب یک قدمه کبابا نل
تکبیری ولوله انداز قبه فلک الافلاک * واول حصار بجه بی قل و بروخی و شرفات
ممتنع العروخی ایله سایه اسانقش صفحه حاله ایتدیلر * نظم * ان الدیار تضعفت
ارکانها * وانقض فوق عروشها جدرانها * خواصی مشهور دیده عبرت بنیان
روزگار و لیجی * دریای عسکراول جانبها قوب شناوران بله موج انکیز هنر
مقام مدافعه ده قیام ایدن خود کامرک صفوفی دستیار تیغ و تبر برله خرق
و نیجه لاین بی دینی دریای خونه غرق ایتدیلر * نظم * زبس کشته پشت
زمین خم گرفت * زخون چشم کیتی همی نم گرفت * نوعی وس فتح و تسخیری
وزیر اصنی التمدیر پیر محمد پاشا نامزد اولان حصار بجه نل دیواری که مددکاری
صدمات قوارع اتشبار برله جابجیا رخنه دارا اولوب همت مشاطه روزاوری
و هنر برله زیننده عذارا اولان شاهد کار خسار ظفر گوشه بکوشه حمله نازدن
جلوه کری به آغاز آتش میدی ماه مر قومن یکرمی برنجی کونی * نظم * چوبی گرفت
دارای کردان سپهر * چهار ایشمشیر رخشان مهر * بتخت افق شاه انجم
نشست * وزیر بر سیاه شب امد شکست * شقه لوی نصرت التوا هوای وغاده
تکرار عنبر بیزو کلاله طوغ ظفر فرغ کا کل مهوشان کبی شکر بر اولوب
بر حسب فرمان سلطانی سپاه صاحب قرانی جام جرده خوشخرا ملین
اول جانبها امانه ورخش سبل عنان شمشیر الماسکون بیخافشانی میدان
میردهه جاله ایتدیلر اگرچه بانوی شمرین ککار رخصت ده روزه نل نشست
و برخواست عشوه انکیزینه فریده * واول عروس هزار دامادک علی طریق
الاستهزای بر قاج کون خنده دلاورینه شیفته اولدقلری جهتمدن * حصار بیلر
اظهار صورت جسارت ایدوب محافظه حوزه ملکداری ایچون روبراه سربازی
و جانتسپاری اولدیلر * لکن بخت بد و طالع نامساعد اول مخذوللری سرمنز
مقصوده وصوله عائق اولغین اکثری طلبه کتیه اجال اولان تیغ بیدریغ برله
سرکران بیابان عدم اولوب اول حصار بجه مسلم دست تصرف شهر بار عالم اولدی
* بیت * همیشه نصرت و تائید پیشتر و باشد * بهر طرف که رود در ظفر با و باشد ماه
مذبورک یکرمی سکر زنجی کونی رد و سملردن برکسکه محبس حصاردن فرار ایدوب
درگاه مکارم دستگاه روی نیاز ما ایده قیلدی استطاق اولند قده امر املت
مسجحه نل سر رشته اتفاقلرینه عقده خلاف و شفاق دوشوب * بعضی سلطان
ستوده اخلاق ایله تمهید بیانی صلح طرفی ترجیح * و بر فرقه ملاخطه

محافظة شربان ناموس و عارایله مطارعة قرعة کازار از تلجیح ایدوب
 حتی مخصوصه انسان محاکمه شیف و سنانه مؤدی اولغین * ایچلرندن بر قاج
 سلجمنی بدوقه شعیب یزید ایدایله سرف دارالبوار * ولاشه لری ارایش قل
 و بروج حصا اولندیغی ایچبار ایلدی * ماه ذی الحجه نل یوم نایسندده حاکم
 مصر اولان خیر بکک منغ روح برفقوخی جناح رحلی باز * واشیمان قدسه
 اهیل پروا ایدوب * شاخصار جنایلده ارام و قرار ایتدیکی خبری معروض
 رککاب سعادت ایلساب اولغین * شمر بلف لطیف حکومت مصر زینت
 ساز قلمت بالاستقیام بمصطفی پاشا اولوب * ماه مزبور ایتدیکی کوفی بشیوز
 نفر دیکیری اون پاره قادر غه ایلده جانب مصره امله * بکان غنیمت ایلدی * نظم
 هر روز کدر چرخ فلک ایلدی * هر لحظه رهین غم * کدر اذادی * این شاهد
 ملک خوش عرس و سوسمت ولی * هر روز در اغوش کیند دامادی * یوما فیوما ناره
 متیالده و مشاجره اشته نداد * ومدت محاصره امتداد بولوب کیند اندیشه تیخیر
 دست تله بیزایله * کک شاد بولدیغی سپاه اسلامه شیب انسداد در ریچه کوشش
 و اهتمام اولغین مدبران سلطنت امور سلطنت قاهره دن بعضی ارباب عقول
 قاصره غنچه نوحیرتظر البته بر کون کابن فضل الهیمن سرزده اولور امید ایل
 الا ماشاء الله جریره رد و سده توقف و ارام موجب متاعب و آلامدر * حالیا * خسرو
 هفت اقلیم کسر دون یدت الله رفقه عودت ایتدیکی کبی مملکت مصر و سده به
 رجوع اولوب * امر تسخیر اول بهار خسته اناه تاخیر اولغی دلخواه سپاهدر
 دیودرگاه شهنشاهی به عرس و اعلامه اقدام ایتدیلم * بولکلام بی انتظلم
 استماعی ایلده ناره غضبه سلطان سرافرازان * فروزان اولوب * اول کوتاه بیملر
 منظر خشم و کین اولدیلم * و بوجه استعجال ولایت اناطولی محافظه سنده
 اولان وزیر فرهاد پاشایه کعبه الامان اولغله * باتین من کل فح عیق * مضمونه
 ماصدق اولان عقبه جاه و جللاه رو عیال ایتل ایچون * حکم همایون ارسال
 یوریلوب جریره رد و سده قشلق اوزره قرار ویرلدی * بیت * اکر خواهی
 چو هشیاران طریق حزم و زیندن * نمی باید پربادی بخوشاخ بیلرزیندن
 * بوضع حکمت شعاری و وسیله کوشکذاری اولوب * اختیاص شواردمرام *
 اوغندخه مستقر سر سعادتصیر طر فنه امله بلام اشهب کبل خرام یورلیه جفی
 صفحه متجمله لرده نقش و ارتسام بولایق قوه الظهر امانیلری شکمت بولوب
 امواج بله غیرت صا حقیرانی برله * قصر ناستوار اقتدار لری پست اولدی تصادم

ناچار میان جانلرینه شد منطقه الحرب ایتمد سودای خامندن کچوب * عام
 فیروزی انجام تسع وعشرین و تسعمایه محرم الحرام یدنجی کوفی دست بنابرله
 قلعه قبوسن بازایدوب * شمشیرفرمان مختتم الازعان ساطانی به تسلیم کردن
 رضا و قبول ابتدایه * نظم * چوبیچاره شد شهری و لشکری * کرفتند
 زنهار و خواهرشکری * هراسان بدرگاه شاه آمدند * شکستر و عذرخواه
 آمدند * بریده دل از جان امید از جهان * کشاده یکایک پیوزش زبان
 لکد کوب حوادث فلکیه برله کله کوشه جلا دتلی شکست اولان بد مستلزله
 دمع جاری و تضرع زار یلری * محرک سلسله میوت کامکاری اولوب * هرکه
 بجا جت بتوروی آورد * روی میپیان و میادش برار * چون بکنه از تو بچوید
 پناه * از سران درگذر و در کذار * خواستجه سطرنا موزون جرم
 و کنه اهرینه ضرب قلم صفح جمیل بیوریلوب اول عنایت خواهرله حصول
 اطمینان قلب ایچون * زغرچی باشی قلعه به کوندردلی * اقتضای
 مشارکت دینیه و علاقه طینه ایله ردوسیلره امداد ایچون فرنگستاندن
 مردان کارزار واد اوات جنگ و پیکار ایله برابر * بر قاج پاره قلبون کلوب
 اول بداموزلر تهمی یکی ایله * رشته سیحه اطاعته مانند لؤلوی ساخته
 منسلک اولان تیره دوزلر عرو و وثقای اقتصادلرینه عقد محالفت و عناد
 دوشوب * ماه غریب لری تکریمی التنجی کیجه می ردوسیلر شمشیر خلاقی غلافندن
 باز و محافظه به مأموران عساکر فیروزی مأثر ایله مطارحه قرعه کارزاره
 آغاز ابتدایه بارگاه بلند ایوان محر عود الصبح ایله افرشته اولوب افتاب
 عالمتاب نشینگاه بالا خانه اسمانه قطع انداز قرار اولدیغی دم شرف بخش اورنک
 سلیمانی حضر تلی * میر سعاد تمصیر اوزره نشست اجلال ارزانی بیورب
 کوزخانه شقاوت قندیلر نل رشته قنیلنه فتنه دن تکرار مدافس ظهور
 ایتد کلمی خبر مکر و هی برداشته ینشگاه سلطان باشکوه اولیغی * بحکم
 دناهم کاد انوا * فرمان بیدرمانلری شمشیر سرتیز اول فتنه انکیز لره سد براه
 کر برانکه متعلق اولیغین * سر بازار عرصه شجاعت بر حسب فرموده سیجاغ
 عالمگیر تکبیری اوره بنشاکوش کروسیان ایدوب * لجه موج انکیز حرب و ستیز
 ایچره آغاز شناوری ایتدیلر دکر باره باد حمله دلاوران نظر کار برله * نائرة کارزار
 قندیل راهب کبی فروزان اولوب * ساقی اجل اوج کون اوج کیجه بیدوبی
 اداره جام خام ایتمکین * جرعه کشان بزم رزم مست و خراب و جرحه اسافش

صفحه تراب اولوب میدان و غاده حالت باد هشت * و تری الناس سکاری * جمله
 تسروا ختفادن رونغا اولدی * نظم * خبردار شده هرمان زمان * که شد رخنه
 در کار امن و امن * بقتل همه نیز فرموده لب * تهی * کرد خاطر ز بار غضب
 بفرموده شاهمی کبی نوردد * برآمد بگردون غیر نبرد * فدای و شان سپاهان تمام
 ستاندد در معرض انتقام * فکندند چندان گروهها گروه * که از * کشته
 شد پشته هر سو جو کوه * تصادم امواج افواج سپاه اسلام برله * کفره
 لئاملن خسپاره * وجود شقاوت الودی ساحلنشین بحر فنا و اول گروه مکر و دین
 مقدمات سعی و کوشش و صغری و کبری اهمیت و رزشری شکل اول اوزره
 منتج رنج و عشا اولوب * شمع عالم افروز انجمن اقبال روز افزون سلطانی
 بر تواند از عرصه صاحبه قرانی و لقی ایله برخوای * وای سراج بالنوائب لایطنی
 زد و سیلک چراغ نیم می ده بزم جلاد تری منطقی اولوب * کردش ایام خلاف
 می امری اوزره اوله جفته جازم اولغین گوشه دامان حرب و قتال دنال چکوب
 طرف انهم زامه یوز طوندیلر * نظم * قاجدیلر موج بیقرار کی * تازو مار اولدیلر
 شیرار کی * سله جلادت و مردانگی برله یوزلری دونوب میدان حرب و قتال
 و ستیزدن عزم راه * کبریا یدیمیل * اول بیعار لر تکرار فوج و زاری و فغان
 و اشکباری برله جرم لیدن * انعاماض واستیصال لیدن اعراض ییورلنق
 رجاسنه * درگاه مکارم دستکاه خدایکان جهان ستانه دستاور مستعدانه
 ایدوب ساجعه اسان الحماللری می زدت تقصیر اتزدنی تفضلا * کافی بالقصیر
 استوجب الفضلا * نظم * ترانه سبله نغمه سنج اوله رق * همه * کبوداب
 و زرد روی و سرخ سرشک همه شکسته دل و تیره چشم و خشن زبان روی تضرع
 و ابتهالی * وجهه درگاه عالی به توجیه ایتدیلر * اگر چه خورشید اقباللری
 محب نوائب ایله نهفته * و کوب انتظام حاللری خفته اولان ارباب عذر
 و تفاقل نکث عهد و میثاق اوزر شد نطق اتفاقلری اغاز حیات و انجام عمارت ایله
 محدود اولوب * سلطان ستوده اخلاقه سرفروا بنسکه سبب بیم شهنه سیاستلری
 ایتدیلر یکی متعین اولغین استیما نلری ایمان یاس قطارنده شمارا و اندی بی جهندن
 برخوای لایلدغ المؤمن من جرم مرتین * کوی امیدلری اول کون پشت
 پای استغنا ایله سرگردان کوچه بازار می دودی اولوب * اول تیر بختان سیه روز
 زبان او ری شمشیر جگر سوز برله * و من نکث فانما ینکث علی نفسه * مفهومه
 واقف و سفارت تیر دلد و زایل * اتسع الخرق علی الراقع مثله عارف اولدیلر

لیکن بمنه تعالی بویگونه بر نقش پابسته که * عنوان منشور خلافت
 و تاجداری دینلم که شایسته در طراز جامه سلطنت و شهر باری اولمشیکن
 رهنمائی نضر و وزاری برله طریق قبول ذمت خراجگذاری به وضع قدم
 ایدنلری * تیغ سرنیز برله مسافر دهلیز عدم ایتمل خلاف رسم و این سلاطین
 اولمغین * شعر * اذا عتذر الجانی محی العذر زنبه * وکل امرئ لا یقبل العذر
 مذنب فوا سجنه * سر چشمه مر جت و انصاف لری خار و خس و خاشاک جور
 و اعتساف ایله متکدر اولماق ایچون غنچه نوش کفته رضاء قبول قبوله تبسم
 کشا اولوب ردوسیلرک مشام جانلری استشمام رایحه فایحه امن و امان ایدلری
 * بیت * باغ و خسروانه چوسنجد کنه خصم * دریا زبار کرد فشان تیره کی شود
 ماه صفر الخیرک غره سنده ردوس حاکی مقال مستوری و سائر معینات
 ملت مسیحیه چنانکه مرغ مقید برون پرد ز قفس ترانه سبیله مجلس حصار دن
 چغوب جگر از نهیب خونین و لب از امید خندان * شرف تقبیل بساط جلالت
 منایط برله مستعد اولوب * کلاه کوشه مباهات و افتخار لری همسرا کلیل
 خورشید * ساطع الانوار اولد قده مهر جهات تاب عنایت عایمه سلطانیه
 نافقه * وردوسیلر خلع خسروانه برله شرفیافته اولوب * اذن انصراف علاوة
 الطاف اولمغین بدرقه خبیت و خسروانه برله جانب فرنگستانه جان اندیلر * نظم
 الیوم انجذت الایام ما وعدت * و ادرك المحجـ اقصی ماتمناه * الیوم اسفر وجه الملک
 متبسما * و اقبلت بیرید السعید بشراه * اواز هسی سر نکون طاس اسمانه عکس
 اولوب غافلله کره نای شادی طاق نه طباق سبع شدادی پراغازه ایدیلر
 نسیم چن ارای جد و ناطراوت بخش حدیقه حسن رضا اولوب * اول روز فیروز
 مسرت اندورده سلطان بنده نواز وعد و سوز حضر تلری * امد مدید و عهد
 بعید دن برو حصار ردوسده محبوس و مشاهدۀ نور و ضیا و مساعده دبور
 و صیادن دایوس اولان اسارای مسلمینی بند آهیتدن اطلاق * و اول گروه
 انبوهل تدارک مهامی ایچون فوق مایه تصویره الاوهام * مال بذل و انفاق
 ایتدیلر * نظم * احسن اذا کان امکان و مقدرة * فکن یدوم علی الاحسان
 انسان * احسن الی الناس تستعید قلوبهم * فطال ما استعید الانسان احسان
 ماه من بولرک یدنجی کونی شیخراغ نور پاش وجودیه بود سلطانی پیرایه بخش
 دیهم خلافت رجها نبائی اولوب وزرا امرای * نظم * شها ملک و دین در پناه توباد
 زمان وزمین نیکخواه توباد * کلید در فتح بادت بدست * سرد شمنان زیر پای توباد

دعاسیله گوشه دامان سعادتلرین تعییل * رادای خدمت فتح جمیل عدم العبدیل
 ایندیلر * زبان نیشه اتمام ایله بیان مبهم فتح و تسخیر ایدن بندکان صداقت
 نشانل کلبه درامیدی انامل بحر ثنائیل الطاف شهنشاه مکارم دستگاه برله کشاد
 یولوب کهر و مهر سپاه بحسب المراتب شریف لطیف شاهی برله مبینج و مباهی
 اولدیلر * نظم * کف کریم تو بحرست در افاضه جود * که جز بساحه تسلیم نیست
 یابانش * شعاع تلخ تو بر قیست درد یار عدم * که جز اجل نبود قطره های بارانش
 الی الان بر شهریار بلند اقتدارک ک گذارش پذیر صفحه مخیله سی اولیوب
 بعنایه الله تعالی سلطان سلیمان جنت مکان حضرت تلیزل * مرآت شمشر
 صاعقه تاثیر لری اوزره جلوه کر اولان صورت فتح و ظفر قلم منشیان ستوده
 رقم برله محور اولنوب * اقطار ممالک مصونه المساکه ارسال اولندی * نظم
 زهر مزده فتح و بشارت ظفرش * همیشه رفحه بود پای پیل دست و دبیر
 انشای محاصره ده مصادمه قوارع اتشبار ایله رخنه دار اولان در دیواری
 نشید و تحصین اولنوب ایادی اجمادی نظرق احتمالنه سده مانعت چکمل ایچون
 سنجاق بکی و مستحفظین تعیین اولندی سائر لوازم مهمام دخی قرین اتمام
 اولدقدن صکره ماه هنر بورل اوزن درد بنی ک کوئی شرف افزای افرسر بر
 جهان نبانی حضرت لری جامع جدید سنجوانیده صلوة جمعه بی ادای یوروب بعده
 بر فلک دلبند فلک مانند ایله طرف رد و سدن جانب هر مر و سه گذار ییوردیلر
 چو بحر کرم کشت ک کشتی نشین * شدان اب اسوده تراز زمین * پس انکاه
 غبار هم سجد اسبان سبک عناندن کره افلاک مرکز خاک * وزخم نعل نکاوران ایله
 عرصه خال نمودار جنبش افلاک اوله * قطع منازل و طی مراحل ییوریلوب
 او اخر ماه ربیع ثانیده سر بردولت مصر الی عثمانی فروجود بهمود سلیمانی برله غیرت
 سپهر نورانی اولدی * نظم * بفر ختر زمان شاه جوان بخت * بدار الملک خورشید
 بر سر تخت * جهانرا از عمارت داد باری * ولایت را از قفنه زفته رستکاری
 بومقاله زمین مصرده مره بعد آخری اشتعال یافته اولان نواثر فتن اب انجبار
 شمشر صاعقه تاثیر برله انطفعا پذیر اولدینغی بیاتده در

رقم زده کلک بدایع نکار اولدینغی اوزره * مصر حاکمی اولان مر حوم خبره بل عزم
 دارا اقرار ایدوب غنوده مهد لحد اولاقده خلعت حکومت مصر شریف بخش
 قامت بالاستقامت مصطفی پاشا اولوب * سنه ثمان و عشرين و تسعمایه ذالجه
 الحرامنکایدینغی کوئی جزیره رد و سدن صوب مر امه خرام ایباش لیدی * مواقت

شمال اقبال برله طرف نبرکد راولنوب پاشای جسته مقدم * ارض مصره وضع
 قدم ایندیکی مصر بلک معلوی اولیحق کال توفیر و اجلال برله استقبال شرائطی
 تقدیم ایدوب رعایت مراسم اکرآمده اهتمام ایندیبلر * اطرافده اولان مشایخ
 عرب و کشف دخی قبول بیعت برله کردن فرزا اولوب * خارستان من رعه امنیه
 ورجالری فیض سرچشمه عنایت برله کلخیز اولدی * خیره بل حوایی
 و متعلقان تل خود علوفه و جرایه لری تقریر اولندیغندن ماعد انیچه عطا و بخش
 توفیر و نوازش اولنوب * تطیب قلب و خاطر لرین جلب امر نده دقیقه ناهری
 فالما مش ایدی * نظم * جزای حسن عمل بین که روز کارهنور * خراب می نکنه بارگاه
 کسری را لکن امد مدیدن بروزمام حکومت مصر باسه چراکسه نل دست
 نصر فنده اولوب بی معارض و من احم کشور عربده مطلق العنان حاکم اولد قلمری
 جهت ن منصوبه بازی شعبده قضا دن بی پروا اولوب شیفته بازیچه کاه اقبال
 و جاه اولمش ایدی * نظم * اگرچه روز شب یکسان نماید * حوادث زان میان
 ناگاه زاید * نوعروس تسخیر مصر و شام حلب عنایت بیغایه حضرت رب برله
 میرات مجلای شمشیر افاکیر سلیم خانی اوزره رونما اولوب * کسور عرب
 سرتاسر فرمان بی درماندینه مسخر اولیحق تاج خورشید رواج حکومت
 قاهره برله خیره بل سرفراز اولغین * پس مانده تیغ سرتیز اولان فتنه انکیز لر
 علاقه جنسیت اقتضاسیله جبل المتین فرمان قضایه تسلیم رضا ایدوب
 ظاهرا و امر علیه جهات اطاعه اتباع ایندیبلر عقده الرأس صرف و دهر بر قهر
 خیره بل آفتاب سریع السیر حیاته پرده کش انکساف اولوب * باغ عالم دن
 مصر عدمه خرام اید یجل مساعده بخت و اقبال برله بخت مصره وزیر
 سراق از سایه انداز اولوب احکام ایز دمتعالی چراکسه نل دست
 تعدی و تسلط لری دامن ملکدن کوتاه اولغین * آوازه صحرای اندوه و پریشانی
 اولوب اول بد کیشلر زعم فاسد محال اندیشلری اوزره شاهباز
 حکومت مصری تکرار ساعد بخت نا مساعد لینه الملق سودای خامی دامنه
 گرفتار اولدیبلر * نظم * وقالوا یعود الماء فی النهر بعد ما بغت منه اثار و جفت
 شوارعه * نقلت الی ان یرجع الماء ثانیاً * وبل سوافیه تموت ضفاده
 بالآخره دغدغه تمنایه بوجه اوزره قرار تسلیم و یردیبلر که * خیره بکاک میرا خور
 کبیری قانصو سلطان نامه اولوب رؤس منابرده عنوان الشرف
 محمد و مائراولان القاب سعادت انتساب سلیمانی به ضرب قلم ابطال ایده لر

مع زهی رای باطل زهی فکر فاسد * نثر * خبره بکث خرننداری مصریای و تفنگچی
 باشیسی بوداق نام شقیل محرمان دائرة شقاق برله بو خصوصده همزبان
 اتفاق اولوب تصور لری درجه تصدیقه ایرشدرمل باینده تشمیر ساق ایتدیلع
 کل سر جاوز لالتین شاع خواسنجه اول اشقیانل زیر کلیم خفاده طبل عصیان
 اوروب اطرافنده اولان اصحاب درلن و کشف برله کریمان شقادن باش چقار مق
 وزره ایتد کوری خبری قاش اولیجی قتنه و فساد لری انشی زبانه کش اولزدن
 مقدم مدد کاری حسن تدبیر برله اطفای امر نده پاشای ستوده رای توانی
 و تا خیرا تیموب بمنه تعالی و کر مه من بورقا نصو و مصر دنا اولان اکثر هوادار لری
 گرفتار بند زنجیر و طعنه نیر شمشیر اولان * نظم * هر سر سبک که اونشیدی
 نجای خویش * از دست روز کار ببیند سزای خویش * جانم کاشف که ترویج بازار
 عصبانده من بورقا نصو ایله همزبان اولوب قیوم نام قصبه ده روباه حمله کار کی
 مکین کین انتظار ایدی قانصو لاحق ره روان عدم اولوب افسر شاهی ایله
 مباهی اولن ارزو ایدن سر سو دازده سی بر خورای * حال الاجل دون الامل
 ارایش نول سنن او ایجی مرقوم کاشف کند و نل فسادنه دخی واقف اولدیلر
 اعتقاد یله شهنه بیم سیاست نیمه سفدن دوشوب مع طبل پنهان چه زم طشت
 من از بام افتاد خواسنجه صدای کره نای عصیان عالم کیر ایدوب * انتشار طعن
 و ضرب اون بیل مقدار ی جرم الحرب مبارز یله فیومده نوبت زن خروج اولدی
 رعایان تکالیف عرفیه فی تحقیق و رسوم دیوانه فی تصیف ایدوب جلب قلب
 ایچون معمله بلجمله شرائطی رعایت امر نده اهتمام نام ایتمکین اکثر رعایای
 مطیع فرمانی اولوب خصوصا طغیبه ککاشنی خداوردی و غریبه کاشنی
 اینال بد فعال دخی قائد خذلان برله سرکردان بیابان عصیان اولغین * اطراف
 مصر ره مزده هرج و مرج اولوب کاربان امن و امان * اول کشوردن یکقدمه
 طبل رحیل آوردی * نظم * زبداصل نیکی مد اید امید * که زنی بشستن نکردد
 سفید * پاشای نجسته تدبیر بومهم خطیرک تدارکی امر نده امرای کارزمایی برله
 بقدر انجمن مشوره ایدوب صوابدید عتلا وزره * اولار رعایایه تقریر تخفیف
 نکلیفی متضمن احکام شریفه ارسال و نایمال بدنهاد ایله اثارة ماده فسادده
 اتحاد وزره اولان اشقیای برانه نهانی خلع سلطانی ایصال اولندی * انواع
 انواعیدی محتوی اولان استقامت نامه لر عربان اشقیاسنه واصل اولیجی * بادخانه
 شمس اولان دماغلری دود عنبر الود قبول نصیح پند برله مشل اندر د اولوب

بر خوارای لا ناقلی ولا جل * خواسنج * اول بد عمل دامتدن ال چکدیلر * نظم
 بهنگام تدبیرک رای نیک * به از صد سپاه چودریای ریک * جانم کاشغل انصاری
 متفرق ورشته جمعیتلرینه * متطرق اولدینی اخبار مسرت اناری * واصل جمع
 وزیر ستوده تدبیر اولیجی * درت بیل نفر کزیده عسکر ایله قول اغامی خضر اغایی
 سر لشکر تعین ایدوب بروجہ استیصال اول مغروران میدان کین اوزرینه
 ارسال ایلدی * شقی مرقوم رهنونی طالع بدو بخت شوم برله * فیومدن حرکت
 بی برکت ایدوب کوم الحمام نام مقامده نصب خیمایند کده خروش
 جیوش دریا جوش طنین انداز کوش وهوشی اولوب * وجود شقاوت اولودنده
 شیران یشه زار شجاعت برله پنجه لشکر طافت بولمانغین * دخی عسکر جمع ایتل
 امید یله رهوار سریع السیر غریبت اوج کون اوج کجه ارخای عثمان ایدوب
 مصره قریب یرده نیلدن گذارولایت شرقیه ده ضرب طوبیله ارام وقرار ایلدی
 اول فتنه انکیزک مطارحة قرعه حرب وستیرا یتمزدن مقدم راه گیره وضع قدم
 ایتدیکی * قرع جمع سپاه اولیجی تعقیب فریق بی توفیق ایچون پیشرو سمند
 سبل سیر صبا اوله رق ایکی کون ایکی کجه ایلغار ایدوب پیشین العصر
 نام موضعده سر بازان طرفین دوچار اولدیلر * نظم * بر اورد کوس نبردی خروش
 محیط بلا زریب کبار جوش * دواشکر نهادند دلهما بمرک * بسیارید تیرازدوسو چون
 تکرک * زهر سوسنانهای زهر ایدار * چومرکان خوابان همه فتنه بار * کیمت
 تیر تاز تیغ میغ رنگ میدان چنکده جلوه ساز لغه اغاز ایدوب اول صحرا سراسر
 شحات خون کشتگان برله لاله سنان و شمشیرلر نهال ارغوانه دوندی * غزاة دین
 قبه خج برقی بر آتش و دود و عذوقانی ایله اللرین پنجه شیر زبان کبی خون الود
 ایدوب * نیجه سرور لر اغشته خون و حال و نیجه سرور اویرة فترک اولدی * اثنای
 مهر که الحامده چرا که و عربان اشقیاسئل مایه اعتقاد و اعتصامی اولان * جانم
 کاشف جام شمشیر زهر ایداردن جرعه هلاک نوش ایدوب * نظم * دور ماهش
 گذاشت و اخر شد * هر کسی پنج روز نوبت اوست * خواسنج * ماء سریع
 السیر عمری گرفتار عقدہ محاق اولغین * اعوان و انصاری سر منزل سلامته
 ایرشئل رجاسنه * میدان کار زاردن براه فرار اولوب * اواره دستبرد روز کار
 اولدیلر المنته لله تعالی بمن دولت صاحبقرانی برله * اول فریق بی توفیق * پریشان
 اولمزدن اسباب انتظام بخت و اقبال صد چندان و چهره جاه و جلال خندان
 اولوب * عمالک مصریه بی منازع و من احم * تکرار داخل حیطه ضبط و خدام

بلند مقام اولدی * نظم * تبلیغ الایام عن مطلع الهدی * وجل باهل البنی قاصدة
 الظهر * فله من فتح غدازنة العلی * وواسطة الدنیا وفائدة الدهر * چونکه سپهر
 کینه ساز همواره دون نواز اولوب * بوساطه مطوی النشاطه رات راولندر
 دستبرد شعبده بازایله همیشه مطروح اوله ککشلردر * بوخبر بهجت اثر وساطت
 مقربان برله برداشته پیشگاه سر یرد ولت وجاه اولدوقده * سنه تسع وعشرین
 و تسعمایه رمضان المبارک کئل التنبی کونی * خلعت حکومت مصر مصطفی پاشا نل
 قایم ببا استقیا متندن افتراس اولنوب خائن احمد پاشایه الباس اولندی
 اول شوم مذموم سحاب عذاب کبی دیار مصره سایه نخوست صالوب
 خیرمایه فتنه وفساد اولان وجود شقاوت الودی تلویث مسند حکومت
 ایدیلجل * مشاهدۀ نوافر اسباب حشمت واقبال موجب ارزومندی
 استقلال اولوب * اول خود کام کرفتار دام سواری خام اولدی خائن
 مزبورک بلندر وراز اوج خیال محال و متصدی دعوی استقلال اولوب
 بر خرای * ایس لی ملاک مصر * نفع عن واستیکار اصرار ایتدیکی عراضه
 خدمت سلطنت قاهره اولیجق لکل فرعون موسی * مؤذاسنجه محافظان
 مصر امر اسندن قره موسی نام امیر نجسته تدبیره نهانی حکم همایون سلطانی
 ارسال بیوریلوب کندوبه مصر حکومتی توجیه * واول خرینوایی مرعای
 حیاطندن زریبه عدمه سورمل تنیه بیورلدی * بر موجب اقتضای قضای
 سبحانی یرایع بلوغ * سلطانی خائن مزبور طرفندن محافظه و تجسس معابر
 و بنادر ایله مأمور اولان اتباع و اشباعی الله و شوب مفهومی معلوم
 اولیجق موسی بل و سائر عقبه عایه سلطانییه کمال اخلاص برله ادعای
 اختصاص ایدن امر اواعیان مصری نامزد محافظه شهر ی عدم ایدوب
 اول کافر النعم تبدیل خطبه و سکه ایله تقدیم غشوش وجود خیانت الودینی
 مستعد سکه لعن و دشنام ایلدی * الا لعن الرحمن من کفر النعم * مقدم داشت
 قبیاق خانی منکلی کرای خان طرفندن فاتح عرب و عجم شهریار عالی هم * سلطان
 سلیم خان حضرت تلیزل عقبه دولت منالارینه تهنیه فتح عجم ایچون اما سیه ده
 اقبال اسار و عیال ایدوب * معیار نظر قبول سلیم خانیده کامل العیار اولغین اولای
 توقیع رفیع سلطانی خدمتیه تحصیل مبر بلندی و کامرانی ایدوب ثانیاً قاید
 کاید خزان عامرۀ کف کفایتنه مسلم اولان قاضی زاده محمد بکی که
 خائن مر قوم خواه ناخواه کند و ایله مصره همراز ایتشیدی * وزیر اعظم

نامه ایدوب اول بدکیش زعم فاسد محال اندیشی اوزره * شرب راح واداره
 اقداح ايله جام عیشدن کام الی * نظم * شور بختی که دهد دامن اقبال زدست
 زود باشد که ازان غصه کربان بدرد * برسنه به قریب اول برکشته اقبال تلویث
 و ساده استقلال ایدوب فجار خارا ندیشه عاقبت کاردن سرکران اولدی
 خاین مر قومل دولت و اقبالی با برهوا اولوب * فتنه شمع شوکت جاه و جلالی
 مد نفس پسین اوزره ایدیکی محمد بک مرآت سریره نماسنه منعکس اولغین
 در کاه سعادت دستکاه نیل خواهری ايله اول سرمست غرور صهبای
 جاه اولان مغرور بیشعوره جرعه جام فنا ایچر مل اوزره میان همه عقد
 نطاق اتفاق ایدوب برکون خائن بد که هر دلبران ناز پرور خوبان سمیر ايله
 بر جامده ترتیب اسباب اواره جام ابتدا کده مر قوم محمد بک * اول سل
 حق ناشناس اوزرینه هنر بران بیشه زار شجاعت و سربازی برله شیرانه
 هجوم ایدوب هوا دار لری قانی ايله صخر جامه کافی طشت فساد
 دوندردیلر * شرزمه شروفساد اولان خائن بد کردار اثنای کیرودارده
 سروپا رهنه * مصرع * خود را بهزا رحله برون انداخته * نثر * اول مهر که
 کاه قیامت اسلوبدن مخذول و منکوب ساحل سلامت چیتوب شهبازان
 اوج جلالت نیچه سندن تخلیص مرغ جان ناتوان ایدیجل * مصرع * احمد
 یارینه را باز همان حال شد * نثر * خواستجه عربان اشقیاسندن التماس جواد
 ایتمکین سینه ملتسنة دست رس حواله ایتیموب این دیرینلری اوزره اول
 بد نهاده کمر بسته اطاعت و انقیاد اولدیلر بو خبر مکرره محمد بک مسعودی
 اولیجی نائرة فتنه و فساد لری شماره فشان اولمزدن مقدم ناودان قرابدن
 اجرای اب شمشیر برتاب برله * اتش کبر و کیملری تسکین ایچون دریای
 عسکر اول جانبیه موج خیز اولوب * هندوی شب نار * نظم * شال سیاه
 کشمیر پس بردوش ایتدیکی دم * غلغله و خروش سپاه خواب * غفلت اولد لرینه
 سبب انتباه * اولدی * ایکی بحر مواج التقا و امتزاج ایدوب سو سوروان اولان
 جوی خون غیرت چیچون * و که له رحباب دریای خون اولیجی * خاین
 مر قومل زور و وجودی لجه بحر عده ناپود اولوب * و هر غیور * و کذلک
 فجری کل که فور * ندا سنی ارباب شعوره استماع ایتمکین * باز بسته سلسله
 اتباعی اولان انصار و اتباعی دخی * من سل سیف البغی قتل به * خواستجه
 حکم شعیر صاعقه تأثیره تسلیم کردن رضا ایتدیلر * خائن مزبور

عنود و طغیان می فرود بایه سیر سلیمانی اولاد قدہ * هرزه کرد کوجه
 بازار کراهی اولان شقی بد خواهی قائد خذلان برله ساکن محله
 خاموشان ایدوب سر رشته تصرفی مسلم دست استحقاق سلطان افاق اولان
 ملک مورثی دامتده خار تعرض اغیاری ازاله ایتمک بر موجب فرمان
 سلطانی وزیر ثانی ایامش پاشا * عنان عزیزی جانب مصهره تالی اولمش ایدی
 ماهیجه رایت ککوتاهیه صحراننده لامع الاشراق اولاد قدہ * ینہ بمن
 دولت سلطان ستوده اخلاق برله ککروه اشراق تفرق وانتشاری اخباری
 و خائن می قومل سر نکبت مداری واصل اردوی هامون پوی اولمغین
 مسرت و شادمانی و حصول امانی برله قبله اقبال و کعبه امال طرفنه توجیه
 وجهه توجیه ایتدیلر * نظم * چه بر تو است که ناکاه در جهان افکند * چه
 غفلتست که دولت در آسمان افکند * نسیم کاشن شاهبست باهوای بهشت * که
 پوی امن و امان در مشام جان افکند * چونکه دریای مصرده نیچه مدتدن
 برو بادفتن و فساد وزان اولغله اوراق امن و امان پریشان اولوب بر کشته حال پنجه
 تطاول مظالم پردازان اولان بحوزه وزیرستانل کنداه وانی * کنکره عرش
 برینه بند اولمغین * اول دیار جلیل الاعتبارل مختلف النظام اولان قوایی
 مددکاری همت شهنه حسن تدبیر برله انتظام پذیر اولوب * لب تشنگان بریه
 ظلم و اعتساف ذلال چشمه سار معدلت اتصاف برله حیات تازه بولمق اهم
 ضروریات اولمغین * سنه ثلاثین و تسعمایه ذی الحجه سنل غره سندن اون پاره
 قادر غه و بشیورنفر یکجیری ایله وزیر اعظم ابراهیم پاشا مصره ارسال بیورلدی
 رهنمای طالع مسعود برله صوب مقصوده عنایت اولنوب * ردوسده بر قاج
 کون فرش بساط اقامت اولند قدن صکره سنه جدیدہ محرم الحرام
 اوننجی کونی کشتی نشستگانم ای بادشهره طه برخیر نثر دیه رؤسکان مصره مایه
 امن و امان اولمق ایچون * صوب مرامه اماله رؤسکان عنایت اولندی * مساعدت
 نادره اد برله درت کون کیدیلوب کنار ز اشکار اوله جق زمانده * ناکه مان
 باد مخالف وزان اولمق ایله افواج امواجل عتو و طغیانی انا فانا از دیاد بولوب
 کشمیلر * فی موج کالجبال * کاه دوداه کبی اوج آسمانه چیتوب برج حوت ایله
 همصر * و کاه اشل مردم بیکناه کبی قعر عمانه اینوب مقترسمکه برابر اولوردی
 بواستاده سلطان سپهرستان شام زورق مهر آسمان مقامی بحر شب قیر کونده
 سر نکون ایتمک ایچون فلک فلسکه سوار اولوب * ظلمات بعضها فوق بعض

صورت هول انکیزی نمایان اولدی * بیت * شب تاریک بیم موج کردابی چنین
 هائل * بجاد اند حال ماسبه کباران ساحلها نظم انجماز طرازی کرداب حیرت
 واضطراب سرکشترینه و در زبان عجز و انکسار اولوب متنی فحل الی
 خروج من سبیل اولدیلم * ملاح تقدیر کشتی * امالی همیشه ساحل مرا مه
 سور من و ریاح تدبیر زورق امیددی همواره منزل مقصوده ایرک و رمن عربی
 ما کل مایتمنی المریدر که * تجری الریاح بما لا تشتهی السفن * اوج کون اوج کبجه
 نو عروس زرین برقع افتاب عالم تاب ایلئی تنق ال دامن افقدن منصه ظهوره
 چقمیون * کویا که متواری جلاب شبستان عدم اولدی عزیم متقاضی
 اجل دامنه کیر طول اهل اولوب * هرکس مرمایه حیثیتدن مأیوس اولمشیکن
 عنایت یرسل از ریاح ایلد بر صبح سفاین ظفر قراین جزیره ردوس ایما تنده مجتمع
 اولوب دستبرد روز کاردن خلاص اولد قلیچون * تقدیم شکر و سپاس
 حضرت خالق الناس ایتدیلم * برقاج کون استراحت ارام ایند کدن صکره
 صورتاروز کارده مساعده کورنمکین * اول مکارک خنده عشوه
 انکیزی نه فریفته اولوب * نگران ساحل سلامتدن لنکر اقامت الدیلر
 دردنجی کونینه کالاول سپهر کینه ساز مخالف نغمه به سر اغازایدوب
 * ع * من جرب المجرب حلت به الندامه * مضمونی جلوه نمای اینیه ظهور
 اولمغین * سفر بحر سودا سندن فراغ اولنوب * مصرع * اگر خواهی سلامت
 در کما رست * نثر بندنی قرطه بنا کوش قبول ایتدیلم * مقابله جزیره
 ردوس اولان مرمر و ساسکله سندن بر سلامته چقلوب * انا طولی و قره ماندن
 اشترا اولنه جق مراکب واصل اولنجه اون کوندن زیاده موغله ولا ذقیه نام قصبه
 لرده توقف و ارام اولندی * اتمام مر امدن صکره قطع منازل و طی مراحل
 اولنوب غره بیع الاولده اب روی ممالک عرب اولان کشور حلب مضرب
 خیمام عز و احتشام اولدی * مکر جانب بحردن رخصت عزیمت بولنجوب مصره
 بردن توجه اولندیغی متضمن حکم خفیه الهیه ایمش * بیت * خدای عز و جل
 را بضمن هر که کند * لطیفه ایست که کس را از ان خبر نبود * زیرا ممالک
 محروسه تیشه خارا کد در جور مظالم ستم برداز ایلد خراب اولوب مرزبوم
 رومده طرح اساس اقامت ایدن رعایانل عثمان شبدیر صبر و تحمل اللزندن
 کتمش ایدی * وزیر ستوده تدبیر بوحالدن اکساره و خبیر اولیجی * شربت
 شفا ساز عدل و داد ایلد مواد جوی و بیداری ازاله امر نده اهتمام ایدوب

همت طبیب حاذق تدبیر اصابت پذیر لری * برله مزاج ملک بر قیام بولدی * نظم
 جهان شد ز عدلش چو باغ بهشت * ستم را بر افکند و بدعت بهشت * زاینه
 ملک ظلمت زدود * عروس عدالت در ورغود * حاب و شامده بر رای رنغ
 رایان عدل و داد ایلله کسر لوی شوکت ارباب فساد ایند کدن صکره
 جانب مصره امانه بلجام عزیمت اولنوب * ماه جمادی الاخره نل سکر زنجی کوفی
 حشمت باهره برله سرای قاهره داخل اولدی * ولایت صعیده عربان خواره
 یکی اولوب * رهنمای بخت ناسعید برله مر بهنشین و ساد استقلال تصرف اولان
 عمر و اوغلی شیخ علی نام ولد حرام که * اول زمانه دکر کسه نل طوق فرماتنه
 انقیاد ای تمامشکن * زمام اختیاری ربوده شکن صولجان هیبت وزیر خسته
 تدبیر اولوب * دست تقدیر اول سر کشی خواہ ناخواہ مصره چکدی
 * شعر * اذ اہبت رباحا حل فاعثمتها * فان لکل عاصفة سکون * فواسجہ ملاک
 و تدمیر ندمہ امہال و تأخیر موجب ندامت * و محض تقصیر اید یکی * اجلائی
 بدیم یاندن اولغین * باب زویلده صلب اولنوب اول نادان حسب الاستحقاق
 رفعت درجه و علوشان بولدی * بیت * بدانندیش مردم سرافکنده به * درخت
 بد از بیخ برکنده به * مشایخ عربانندن بقز اوغلی احمد نام بر شقی مادر زاد دخی
 خاش احمد پاشا زمانندن برومر و حه جنبان اتشکده فتنه و فساد اولوب * نائره
 سامان سوز حور و ستمی خاکستر کن خرمن انتظام حال رعایا اید یکی علم عالم ارای
 پاشای سنبوده رای اولغین * اول بد کرداردخی بو طریق ایلله کنوریلوب بزرار
 اولدی بوا یکی امر هظیلک ظهوری سائر اشقیایه باعث استیلای رعب و بیم اولوب
 تند باد سطوت وزیر ایلله اوراق خزانکی ار جای ارض الله و اسعه به پریشان اولغین
 طببقان عرب پاشایه مشنت الشمل دیولف و بر دیلر * تخفیف تسکالیف رجاسنه
 رعایا دمع جاری برله تضرع و زاری به آغاز ایدوب * سم ستمه پاشای سہاغمندہ
 روی نیازی انداز اید کلرنده دریای شفقنتری موخیز و جام مر جنتری لبریز
 اولوب * تنقیح محاسبات محالک و تشخیص جمع و تلخیص فذلک کدنصکره رعایت
 حال طرفی متضمن بر قانون نامه ترقیم * و اہد العرض دستور العمل اولتی ایچون
 خزانه مصره تسامیم اولندی * مقابله مقیاسده حضرت عمر و ابن العاص
 رضی الله عنه وضع اساس پیورد قری معبد قدیم کہ * کر غدت و مر عشی برله
 اجزای سقف و جدانی متلاشی اولوب * واسطه تقابلات احوال و تصادم
 دیور و شمال ایلله دیواندره صورت انہزام نمایان اولمش ایدی * معمار طبع

مهر انار لری نشید اساس تجدیده تشعیر ساعد اهتمام ایدوب اول مقام لازم
 الاحترام * فهرس دیباجه جاه و جلال اولان القاب شرف انتساب سلطان
 مخلصه الاقبال برله رونق پذیر اولدی * بوندن ماعد انیچه بقاع خیر ایجاد * و نیچه
 مندرس اولمش مساجد و جوامعی اباد ایدوب زندان مصردن اوج یوزدن
 متجاوز مدیون اطلاق و داینلرینه اموال جزیه انفاق ایلدی * اوج ای
 مقداری اول دیار سکافی سایه حمایتلرنده اسوده بستر استراحت اولوب رهایایه
 دغد غده پریشانی ویرن جباریه ظلمه به بر مقتضای ریاست سیاست
 ایند کارندن صکره * درگاه سعادت دستگاه دعوی متضمن حکم همایون
 وارد اولغین ماه شعبانل یکرمی بدیخی کونی * دیار روم طرفنه عطف عنان
 اولوب ماه ذی القعدة نل اون سکرنیخی کونی تقییل حاشیه بساط دولت مناط
 سلیمانی برله سربلند * و تشریف لطیف سلطانای ایل بهر همد اولندی
 بومقاله مساعده عنایت نامتناهی الهی برله برج سلطنت و پادشاهیدن
 کوب دری وجود بهبود بسلام خانی بر تواند از ساره غیر اولوب طعنه زن
 مهر اسمانی اولدیغی بیاتنده در

بیت * شکر خدا که از افق سلطنت زانو * ماه طلوع کرد که روشن کند
 جهمان * خورشید طلعتی که روز جبین او * صد گونه نازشست زمین را بران
 ساکنان کارخانه آرائش و بندش و واقفان سرنامه آفرینش قننده خنی و ستم
 دکادو که * خزانه غیبیه حضرت حق و فیاض مطلق طرفندن اگرچه بنده لری
 حقنده جلائل الای انتهاب رخوای * وان تعد و انعمه الله لا تحصوها * محاط
 حیطة حد و احصا اولمقدن بیرون اولوب * خواص و عوام برله نواله کبر
 سفره انعام عامیدر * بیت * ادیم زمین سفره عام اوست * درین خوان یغماچه
 دشمن دوست * اما اجل اعظم نعم اولاد و ایجاد نجات نهاد ایله مغتنم اولمقدر که
 * امتداد بی ادم * وابسته تشعب غصون اولاد و احقاد اولوب * انتظام احوال
 عالم حلسله توالد و تناسله مربوطدر * شعر عربی * نعم الاله علی العباد کثیره و اجلهم
 نجایه الاولاد * بومدعا به کواهد صادقدر که * اولئک الذین هدی الله
 فبهدهم اقتده فرمان متعتم الادعای اوزره * طریقه مسلوکه مرضیه لرینه
 اقتدا ایله ما مور اولدیغمن انبیاء عظام * علیهم الصلوة والسلام * حضرت لری
 درگاه قاضی الحاجاته * اثناء مناجاتلرنده کاه * فهی من لدن ذریه طیبه اظن
 سمیع الدعاء و کاه فهی من لدن ولایرتی و یرث من ال یعقوب * بیوروب *

استیفاء نسل باینده استند عا فیضان چشمه سار فضل پرورد کارا بنشرد در شهریار
 سلیمان و قار حضرت تلرین دل دخی ریاض المظنتری فیض چو بیار فضل نامتناهی
 الهی برله نصارت پذیرا ولوب نهال اقبال لری ترشح ذلال افضال ایرد متعال ایله
 حد اعتداله ایرد کده * فیهب لی من لدنک ولیا * چشمه سارینک جریانی ایله
 باغ امید ورجا زنده نشو و نما بولان درخت بختلری مثبت نوباوه * * قنبر ناه بگرام
 حلیم * اولوب عام خجسته انجم ثلثین و تسعمایه رجب المربینک بکرمی التجی
 کونی که فی الحقیقه منفعت نباشیر صبح سعادت ایدی * نهال باغ خسروانی
 ثمره شجره کیتی ستانی در تاج سلطنت کوه تخت خلانت * نوباوه روضه
 شهر یاری غنچه کلمزار تاجداری حضرت سلطان سلیم خص بالطف العمیم
 * شبستان عدمدن کنار وجوده وضع قدم ایدوب اول نخل نوسایه گلشن جان
 رونق بخش حدیقه امنیه و امان سلطان سلیمان مکان اولدی نور طاعت فرخنده
 فرزندان جند برله * حضرت شهریار بلند اقتدار قریب العین * و کنکرة تاج مسرت
 و ابتهاج محازی فرق فرقدین اولوب کافه انلم فیض چشمه * انعام عام لرندن
 بهر باب * و نهال امال لری سرسبز و شاداب اولدی * نظم * بواسمان سعادت هلالی
 ز تو یافت * بیوستان معالی کلی ز نوشکفید * درست مغزنی و خورنهاد بر رویش
 * سپهر چونکه بان ماهیاره درنگرید

نومقاله شهریار باهر الابتهاج حضرت تلری صحرای مهاجد لاوش قرا لایله مطارحه
 قرعه حرب و قتال ایدوب مدد گاری عنایت ایرد متعال برله ماهجه لوی زر
 منجوق اسلام طعنه زن خورشید سپهر مینا فام اولدی بی بیاتده در
 سابقه عنایت ربانی برله تشریف لطیف جهان بینی داود فرخنده فرکشانیده
 قلاع و کشور حضرت تلرینک قامت بالای فرشته قریب لایله زینت و زیب
 بولوب * سریر سلیمانی اول مر بعنشین چاد بالش سلطانی حضرت تلرینک
 ذات ستوده صفات لرینه معین * ویرلمغ بللمغ جهان بینی پیرایه نام نامیری ایله
 مزین اولد قد نکصره * سلطان بلند همت حضرت تلری سایه سلا تجور لکی مجرد
 انتظام اسباب استراحت قناعت ایتموب همیشه لحام کبک خراملری دست تأیید
 ملک مجید برله * اشاعت مرام ملت بیضا و قامت دعایم جهاد و غزاطر فنه
 معطوف اولوب همواره نقاوه اوقات مستطاب لری * عربی * کتب الحرب
 و القتال علینا * و علی المحصنات جلال ذیول * فخوا سنجها حیا سنت سید المرسلین
 ایچون * اعدای دین ایله مطارحه قرعه حرب و قتال مضرووق ایدی * ع * زمشک

بوی وز خورشید نور نیست بدیع نکاشته خامه مشکین مداد اولدینی اوزره غزای
 باغرا ددن صکره انکروس مخوس قرالی اولان لاغوش بیهموش اظهار
 صورت فرما نبری ایتقاد ایتموب * بلکه استکبار و عناد اوزره اصرار ایتمکین
 تند باد سطوت صاحبقرانی برله رأیت شوکتی مرنکون اولوب شقه لوای
 وجود شقاوت الودی اغشته خالک و خون اولق عکس انداز مرآت طبع
 همایونلری ایکن ضرر متعدی اولدینی جهتدن تدارک بعض امور مهمه اکا
 تقدیم اولتیق لازم اولمشیدی * بومهم خطیره باعث تأخیر اولان مشاغل بیه
 تعالی خاطر خوا اوزره زائل اولوب فراغ بال حاصل اولتیق بر حسب فرمان
 سلطانی * ارکان دیوان سلیمانی سفر جلیل الاثر لازم و مهم ماتی تکمیل و انعامه
 کوشش و اقدام ایدوب اسباب عادیة کشورستانی فوق العاده مهم با واماده
 اولدقدن صکره سنه اثنین و ثلثین و تسعمایه رجب المرجب دن طغوزنجی کونی
 خیام کردون قیام سلطانی حلقه لوینکارده طعنه زن اجرام مستدیره آسمان
 اولدی * یوم نائیده وزیر اعظم ابراهیم پاشا جابرنده ترتیب اسباب ضیافت
 و عوم و اوزرا و امر او عساکر نصرت اتتمای دعوت ایدوب * دشت و هامون
 نیم کونا کون ایله نمودار نقش بوقلمون اولدی ماه من بولک اون برنجی کوئی
 اولدیمکه * نظم * شه خاور علمهارا برانداخت * بتیغ روز شب راسریند اخت
 * فلک راشد نهی از مهرها طاس * مبدل شد لباس ال عباس * شهر بار عالی تبار
 حضرتلری ادای فریضة بحر و احراز شوبات و اجر * بیورب * برنو خورشید
 توفیق * رهنمای طریق سعادت رفیق اولتیق رجاسنه بارگاه حضرت قاضی
 الحاجات ده حلقه جنبان نیاز اولدند نصکره * بیت * بجولان چوسیل و رفتن
 جوابد سبکتر مرغ هوایی نژاد * خواسنه ماصدق بر رخس زرین سنان
 و مرصع جام برله افتاب عالم تاب کبی باب همایونه * الع ازیجی اهنت عند تنی
 و صلاطیربا * ورب ادنیة احلی من الطفر * خواسنه ارزوی مشاهده شاهد
 طفر برله علم عالم ارای بجرو اهتر ازه آغاز ایدوب توغ سعادت توغ دلبر ناز پرور کبی
 عرض شیوه رفتار ایلدی * صد هزار شوکت و شکو بی شمار * کوکبه کروها
 کرده برله * میان شهر دن گذار بیورب * هر طرفدن * نظم * نه بوله عنرم
 همایون ایدرسل اوله شما * نسیم لطف الهی بولکده فراشل * او ککجه پیل
 هر ایت دلیل وره بر اوله * یانکجه خضر عایه السلام بولداسل * اوزده می کوش
 جود عینه و علی عون الله غلغله سی کرویشان عرش برینه ایرشدی * رهنموی

عن واقبال برله خطر حال ییوریلوب ماه من یورک یکر می برنجی صحرای دارالنصر
 ادرنه ازمکاه بارگاه جلالیت و جانا اولدی * ماه شعبان المعظم یل سکرنجی کونی قلبه
 قریبده نهر مرج ~~کک~~ نازنده اولان مرج اخضر سر برده های و نکارنل ایله
 نمونه تمای نقش ازرنل اولوب ماه من قومل اون التخی کونی صوفیه صحرایی
 محط رخال اقبال اولدی پیشه صوفیه ده معسکر نظرائه التحاق باینده فرمان
 سلطان افاق صادر اولمشیدی * حسب الامر العالی اناطولی امیرالامرای
 پاشا اول منزلده ازدوی همایون هامون پویه ملاق اولوب * تقییل سیم سمند
 سلطان ارجند منزل من یوزده ساقز بکارندن و بغدادن بکندن هدایا و عبودیت نامه
 رایله الیمیلر اصل اولغین * تقییل ر ~~کک~~ اب شرف الانتساب ایدوب جوابلری
 ویرانجه الی کونی صوفیه صحرای سنده طرح بساط اقامت ییورلدی * ماه من یورک
 یکر می ایکنی ~~کک~~ کونی افلاقلر نام مقام مضرب خیام عنواختشام
 اولد قده دفعا لالازدحام ابراهیم پاشایه روم ایلی غازیلری * وایکی ییل یکر می
 و یوزاللی عدد طوب همراه قلوب * بر منزل ایلرو کیکل فرمان ییورلدی قصبه
 ندش مرکز ایات ظفر ایات اولد قده یچی پاشا زاده مالی بل تازی سوار سمندره
 غازیلری ایله معسکر نجسته اثره واصل اولوب * شرف دامنبوس سلطانی برله
 تحصیل مایه سر بلند و کامرانی ایتد کدن ضکوره زیانگیرک خدمته ناهن داوودی
 بی اندر پی منازل و مزاحل طی اولنوب ماه رمضان المبارک اون طقوزنجی کونی
 صحرای بلغرادده مضرب مرادقات حشمت و وفار اولد قده معماران سمنار طوار
 سطح ابی کوز ترازوشنه اوزوب * اوج کونده نهر صاوبه طر زمر غوب اوزره
 برج سر بلند قور دبلر که قوس قوزح اکا مانند اولق احتمالی تصویرنی دخی
 تصدیق ایتمل امر محال و نکاور فلک بی درنل و توسن چرخ تیراهنل اوستندن
 کذا را یسه برکوشه سی رخنه دار اولق نه احتمال ایدی * ماه من یورک یکر می
 اوچنجی ~~کک~~ کونی شهسوار پیروزه مضمار سپهر دوار خنل رهوار مطلقیم
 کردون برله قنطره افتدن کذا را بتدیکی دم شهریار بلند اقتدار حضرتلری دخی
 اول جسر دن سرم جائینه کجوب بسط غبرایه بسط سایه امن و امان ایدن بارگاه
 سلطانی فرو وجود بهود سلطانی برله غیرت جتر کل قام سپهر نورانی اولدی
 یکر می در دنجی کونی شیران پیشه زار مقاتله و کفاح یعنی گروه بر شکوه قاتله
 توزیع دروغ و سلاح اولنوب سپاه نصرت دستگاه ازبانا بفرق پولاده عرف اولدی
 * بیت * بلان غرق آهن ز سر تابای * چو صورت که کیر در دریا نه جای * ماه

هر قوم را بدین کوفی اصلاح نمائید و بر امنی مضرب و اطلاق بدین بواق مقدم
 ایلی تعیین اولینان بجهی پاشا از ادبالی بدین طرفتدن اولاق کلوب بودین نام قلعه
 قریبند **کفار ضلالت مدار** و راست روان طریق هدایتل بولن الخن
 تصادم امواج افواج ایله بصر هیماهای اولوب مددکاری تیغ بیدریغ بره
 کفارتبه روز کارل کله لری حباب جویبار شمیر زهر ابدار اولدیغنی اخبار
 ایلدی **یوسنه والیدی** اولان خسرو بدین طرفتدن دخی پیام اور مسرت اثر وارد
 اولوب **لریک** نام قلعه نل بانی کشور وجودنه سپار و رعبد و هراس مستولی
 اولغین دارالامان استیجانه داخل اولوب **سلطان بنده** توار استیجانه سی خدا مستغن
 معدود اولق ریجانه جهره سالی نیاز اولدیغنی عرض و اعلام ایلدی طونه
کنارنده اولان قلاع سپهر ارتقاعدن واردین نام قلعه حاکی قصه بدین
 مردم بد امور و اقتضای تراجیح کو **کعب** اقبال چند روز بره اظهار صورت
 جلالت و اقتدار ایدوب **پیرامن** حصار درشته بصیقه تاب و بردیکی هر نوع
 رکاب سعادت **انساب** اولغین اول بر **کشته** اقباله کوشمال و بروب تلخاب
 هتقاب شراب **ایجل** ایچون **روم** ایلی عسکر ایله ابراهیم پاشا سال یورلدی
 بو خبر قریع جمع کرده مکروه اید **یجل** **اول** بوم شوم ششمه مغوق علم عالم
 آرایه طاقت نظاره **کنکور** میوب **طوب** و تنقل و مر دان اشوب و جنگل ایله
 طونه دن گذار و دریای عسکر فیروزی اثره نهر طونه حائل اولق اعتقاد ایله
 کنارنده مضرب طوبله **ارام** و قرار ایلدی **سلطان محمد** الاقبال حضر تری
 سفر هیماونه توجیه رایات جام و جلالت یورد قلزنده **قره** دگردن ادوات حرب
 و قتال ایله مالا طال سکیز بوز باره کی ارسال بیور مشلایدی **ماء** شوالک
 اونی کوفی رفاقت سلامت ایله واردین قلعه سی اوکته و اصل اولوب اول حصار
 طرف برو جانب بگردن محصور لشکر منصور اولدی **هماندم** دریای عسکر
 کا قهر **سطح** الماء من عصف **جوش** و خروشه آغاز ایدوب **سیلاب** **کوه**
 انداز کی قلعه جانبته اقد بلر **امد شد** سفیر نیر مستبح جلوه کری شمیر اولوب
دبدبه دارو **کیر** مضر فلان اثره **یوسنه** و مرغ جاتراه خلاص بسته
 اولدی **بیت** **بسی** قلعه کیران بهرام خوی **بیسازوی** ان قلعه کردند روی
 کشیدند کردان همه تیغ کین **عنانها** افکنند تدبیر شت زین **تقاید** فلک مجید بره
 سپاه اسلام کوشش و اقدامی **منتج** حصول مرام اولوب اول کون و واروش
 حصار داخل قبضه اقتدار اولدی **برده** کلی فام شام **عود** ظلام ایله افراشته

اولوب * کتائب فیروز عواقب حصول مأمول برله جنگدن غائب اولیبق
 قلعه بالی مرات مال حالده صورت عجز و ناقوانی مشاهده ایتکین * عثمان
 انکیز راه کر را اولوب اول کجه * الدیل جنت الحار ب غواجنجه غرط مخافه ایل
 قطع مسافه ایلدی * نظم * دکر روز چون خسر و خاوری * برآمد برین کاخ
 نیلوفری * سپاه اسلام دیده بخت سلطان سلیمان احتشام * کبی خواب
 راحتدن بیدار اولوب * کنده متی ایچ قلعه نل * کنگر بروج ابریه و نطنه
 بندا بتدی لر بر خوی * وطنوا انهم ما نعتهم حصونهم * مجلس حصار ی کند و له
 مناص خلاص تصور ایدن یشعور رکال جهل و نهایت غرور لردن کریسان
 جانلرین نیمه الماس رنگل هیجاده نشاندن تخلص رجاسنه مقام مدافعه ده
 قیام ایدوب * غزات ظفر سجات برله دست و کریسان اولدی لر * چوشمشیر
 ونیزه بیایان رسید * حکایت بدست و کریبان رسید * فدایی و شان سپاه دست
 همی قیل حصار دن کوناه ایتوب * اول کون دامن زرین نار بامدن کریبان
 مشکبار شاه دله * ادرال دقایق * فتح و تسخیر خصوصند * مال و قه میر
 ایتدی لر * ماه مزبورله اون اوچنچی کونی مقدمات سی شبانروزی منتج فتح
 و فیروزی اولوب مصرع * بری و شان ملاتل قریب و مر دمکش * برله نمودار
 ولان مخلدون * و ماصدق حور عین کاشال الولوا المکنون * درم عسکر خسته
 اثره و شل اورنکارستان چین * و غیرت فردوس برین اولدی * بر قاج متعین سل
 بی دین ایل * بر معین قله به تحصن ایدوب * مصرع * هر چند کنه پیش * کم
 لطف تو پیشست * معنوی ایله آغاز تضرع و زاری * و بنیاد ناله و اشکباری
 ابتدکاری جهندن وزیر پوزش پذیر قبول معاذیر ایدوب * اول عنایت
 خواهری غفوا یله دلشاد ایلدی * بوفتح و ظفر اوازه سی نیجه خواب غفات
 الوده لم باعث ابتباه اولوب حتی ابلوق اهلایی درگاه عالیده یوز لرین
 فرش خالک نیاز و دست استعطای دامن الطافی بنده نوازه دراز ایتدی لر *
 بوندن ماعداد بتر و بجه و اوسل و بوراج نام قلعه لر دخی مضمر فرمان شهریار
 داد کر اولوب بیع و صوامع جوامع و مساجد اولدی * ماه ذی القعدة نل اوز
 ایکنی کونی وزیر اسطوتدیر مرکاز لغی ایله اوج کونده اوسل نام * صابر
 اور * کندن جاری اولان نهر طر زده اوزره احضار اولتان جسر استوار دن
 گذاریور بلوب عساکر ظفر ماثره باعث تثبت اقدام اواسون ایچون ماثره بنای
 صبر عاشق * مستند اول جسر بلندی یقیدیلر * اوازه عزم ظفر جزم ماطافی

طنین انداز سر نکون طاس اسمانی اولوب زخم نعل سم سمند سلطان اربچند برله
 عرصه زمین غیرت پنهان و سپهر برین اوله رق قطع منازل و طی مراحل
 بیوریلوب * مطیه توجه سلطانی کرسی مملکتی اولان بودینه توجه اولندی بی
 قرال خسران ملک **کشی** شکذاری اولیجی عنان شهید بر صبر و قرار دست
 اقتدارندن ساقط اولوب * تثبیت ذیل قرار اختیار ایشیکن تحریک بخت
 بدو طالع نافرجام برله سائر امراء عسویه به دخی ابلاغ پیام نفیر عام ایدوب
 یوزاللی بیکدن زیاده عسکر مخوس الاثر برله مهاج صحرای سنده حاج پیکر
 علمر قالدیروب صفحه آب سیاه طرح ابتدکی نقوش امال خسران مال
 و امضاسندن اهتمام اوزره ایدیکی برداشته پیشگاه سر رسد عادت نصیر اولیجی
 مرآت ضمیر منیر شهنشاهیده که * مجلای صور الهام الهی در مضمون بشارت
 مکنون * معنی ربکم ان یلاک عدوکم و یستخلفکم * روغون اولوب شاهد
 امال عنبر المنال * و اوزنکم ارضهم و دیارهم و اموالهم * منصه خاطر
 عاظر لرنده جلوه کروزا هر اولغین * توکل فیض فضل اله برله عزم راه بیوریلوب
 ماه منورک اون طغوزنجی کوفی * قرال هزیمت مال طابورینه قریب
 محله حشمت و وقار و اقبال برله نصب مرادفات جاه و جلال بیورلدی
 اول شب بر طرب که فی الحقیقه لیل القدر سال اقبال اولوب * عارض ایامده
 کویا برخال عنبر فام * و یا خود کشور عریضه دیار شام ایدی معه کرمه مایونده
 علی السطح جنگ سلطانیدردیومنادیلر بر برندا * و فرمان لازم الاندغانی
 غزاة ظفر سماته ادا ایدوب * اعلام اسلامی ترفیع و عساکر فیروزی مائری تشجیع
 ایچون * گوشه گوشه مشایخ کزین * عقد و غطارتند **کیر** * و جایجا علماء
 دین نقل حدیث و تفسیر ایتدیله هر کس کند محبت پیوند دعا و نیازی کتکرة
 عرش برسته بنمایدیلر * و امن بحیب المضطر اذا دعاه * درگاهندن تفریق
 فریق بی توفیق تیسیرینی درخواست ایتدیله * نظم * در اندیشه کرد نکشیدن یک
 یل * که فردا بکام که کردد قلک * که را اختر سعد سان بلند * که از کو **کب**
 نفس کیرد کزند * سلطان عالی نسب حضرت نوری درون شبنم شاخ کل کبی دست
 دعائی بلور درگاه کبریا نساهاه سوزو کداز برله * تضرع عرض و نیایش ایدوب *
 رشل لالی اولان اسل متوالیملری برله * زینت ساز صعیفه روی کلبویملری
 زینت بردان لوحه رخسار دلجوی لری اولدی * نظم * شه پالک دین در مقام
 نیازه * همیکفت بازار و ربانک راز * که ای برتر از معنی برتری * که داند ترا جز تو

مدحتگری * تدارم عزوری بکج و سپاه * ترادرمه کاردارم پناه * بوحالده
 نامر ضان طبقات هفتکانه افلاک شهنشاه سعادت دستگاه حضرت تلریل شمع نرم
 اقبالی افروخته و اشتراییدین و اضرام شمر کینک ستاره بختی سوخته اولوب
 * کله بی دو تلی غرسینک بیابان فنا اولق * رجاسنه فرش محراب ملکوتی لعل
 رنگ سرشک نیاز ایتدیلر * صیدم سلطان جم چشم حضرت تلی اداء غازدن
 و عرض نیازدن صکره براسب **ک**زین وزیرین زینه سوار اولوب *
 اوتاغه همایون ظفر نشان و دروغ داودی مرصع کریسان برله اوطاق کیوان
 نطق ازندن افتاب عالمتاب کبی لامع الاشراق اولوب دبدبه صاحبقرانی برله
 جانب نبرد **ک**گاهه تحریک اعلام عالمستان خاقانی بیوردیلر * نظم * بحکم
 جها نکیر کشور کشای * بچینید دریای اشکر ز جای * بچینش در آمد سبه فوج
 فوج * چودریای چوشان بهنگام موج * علمها چو خوبان قدراستند * بنظاره
 شاه برخواستند * وزیر اصفی التذبیروم ایلی غازیلرله * اعلائی لوی سرفرازی
 ایدوب رکاب ظفر انتساب سلطان بلند جناب نبرد **ک**گاهه غیرت مهر و ماه
 اولزدن مقدم کفار بر کشته روزگار برله اهنک اشوب و جنگل و عرصه واسعه
 ارض الهی * اول کمر اهله نکل ایتمک باینده خطاب مستطاب شرف صدور
 بولغین * پاشای کشور کشای روم ایلی امر اسنه ترتیب عجیب اوزره زینت وزیر
 و یروب شهنشاه یشده نواز حضرت تلی مقالات مشجعه برله تقویت قلب و دعای
 خیر جلب ایتمک ایچون * سایه سعادت پیرایه لری ایله ربابت فیروزی ایاتی
 سرفراز بیورملری رجاسنه چهره ساری خاله نیاز اولدی شهریار بلند اقتدار
 حضرت تلی اول کون سروسدره ساری قد بالالری لباس جنگل ایله اراسته
 ایدوب کویا شهامت و صفدری صورت ادمیده متشکل و شجاعت و دلاوری
 قالب بشمرده ممثل اولمشیدی * نظم * نهال زیر اهن زیبا تا بفرق * چودریلر کون
 ابر سوزنده برق * اوتاغه بسر جلوه آغاز کرد * همای ظفر عزم پر از کرد * طراز
 کمر تیغ سیاب رنگ * که بر سنک و اهن نکردی درنک * کمر کاهش از ترکش
 اراسته * زبالای زین فتنه برخواسته * وزیر خجسته تدبیرک مسئولی قرین
 قبول اولوب * اول فارس الخلیل میدان صاحبقرانی * زیر رانده اولان تکاور
 تیر تاز طاوس جولانی ارامگاه سپاه طرفنه قهریک بیوروب * هر بنجاح
 اوکنده لحام اسب کبک حزاملین بر مقدار باز **ک**شیده ایتدیلر و حقه لعل کون
 دهان مجهز بیانلرندن تشار بیوریلان فراند عجمه القوائد **ک**لام بدیع

الانبجاء برله تشنیف کوش هوش عسا کر نصرت مائز ایدوب * فضل الله
 المجاهدین * مضبوطی استماع و تلقین * و کان حقاً علینا نصر المؤمنین * بغوی
 بشارت احتواسفی افهام و تبیین بیوردیلر * و شبدر بنسب کسیر اقدامه شد زیر بر تل
 اهتمام ایدوب * تیغ الماسکونی خون دشمن برله نمودار عتیق بمن ایدن
 سرباز غازیلر بحسب المراتب مظهر انعام و رواتب اولورلر دیوجام رحیق و عد
 مقرر الایجازی برله بزم رزم اربابنه کیفیت بادۀ ناب و نشو و اعل مذاب و بریدیلر
 * بیت * سالها لعب نماید فلک چو کان قد * تاجه و اشاهسواری سوی میدان
 آرد * اول حکام مسرت انجماده * غلغله کرویسان خم طاق مقرنس سپهر
 نه رواقه دوشوب غلبه سرور شعور اندازدن هر کسل عنان شبدر نازل روانی
 دست اقتدارندن ساقط اولوب کریمه شادمانی برله درگاه کعبه یارادن فتح
 و ظفر تمنا سن محبوب ییل دعا ایتدیلر * نظم * بزرگان ز سر کرده یکسر قدم
 شدند از زمین بوسیس محترم * که برخسرو این عزم فرخنده باد * جهانش مطمع
 و فلاک بنده باد * ترا جوادان بادیزدان پناه * یکام تو کردند خورشید و ماه * جهان
 از کران تا کران زان نیست * سرما همه حکم فرمان تست * حضرت باریدن
 جل شانه مصاوت و یاری اولمق رجاسنه تضرع و زاری دموع جاری برله
 فاتحه الکتاب اوقینوب سر عسکر ظفر رهبر همت بلند شهریار کردون اقتداری
 بدرقه راه دعای اجابت اتنا رین پشت و پناه ایدینوب کمال سرور و نهایت ابتهاج
 برله عزم صحرای مهاج ایلدی برقاج فرسخ کیمیدیلوب عسا کر حرار نامدار
 مهاج صحراسنه مشرف برپشته اوزرینه دعای ابرار کبی صعود اید بجل * طونه
 کسارنده ادوات کارزار برله حاضر و آماده صحاب عذاب کبی مدد هوش
 و وجهه عزم بی حجاب کبی موحش بر عسکر منحوس الاثر مشاهده ایتدیلر که
 طول و عرضنی مساحه عقل درالب برله ادرالتمثال اولوب مرغ و هم و خیال
 ندکلو تحسین بر بال ایتسه کردا کردنی پرکار و درور ایتمدین بیتاب اوله جفی
 امر مبین و نظر عیار برقدن استعاره سرعت سیر ایدوب هر نقد رنگ و پویا بلسه
 بر جانندن طرف اخره وارمدین وجود نه سکنه تعطیل ایرشجکی متعین ایدی
 مقدمه امراء کارزار خصوص کیر و دارده اداره صهبای مشاوره اولند قد
 یحیی پاشا زاده بالی بل * پاشای کشور کشا خد مثلینه کفره بد ایدنل تقابل صغیر
 هنگامده رسم و روشلری اوتوز فرق ییل سل بی دین * بالای زینده بنداهنین
 ایله بهم تعلق اولوب * یل قدمه حمله محفایتمکد راول بد بختلری بو طرزه

مخصوص اوزره هجوم ایتند ککرنده بنیان مرصوص صفوفی طوب و تغل
 و سائر ادوات اشوب و جنگل ایله رخنه دارا و ملز مکر اول حینده غزاة دین سینه
 عاشق کچی شق اولوب * سله تیغ سیدریغ ایله در قفا و له لر لکن عساکر خسته مائل
 اردی اجمال را انتقال جگر دواب و جمال ایله مسدود ایکن * بونصویر بر رتبه
 تصدیق بولق محال اتدن معدود در دیو عرض و اعلام ایلد ککده صدر
 اعظم بومعنا به ملهم اولمشزایدی که * اول بد کردار لایله مطار حه قرعه کارزار
 اولنق وقت عصره تا خیر اولنوب سرمیدان دارو ککیره وارلد قدم اغراق
 قونماغه اذن ویرلک ایله عسکرلک قفاسی بقال و جمال دن تخلیه اولنه * بورای
 قرار داده اوزره سر رشته تدبیر ویرلکین حرکتند چندان سرعت اولنوب
 نیر اعظم خط نصف النهار دن گذار ایتدی کی دم موعده قتاله وضع قدم اولندی
 سر زده خاطر اصابت مائرت دستور اولان دستور مسطور اوزره اجمال و انتقال قونما
 دستور ویرلد ککدن صکره میجه و میسره امر اکین ایله ترین * و هر برین
 ارامگاهی تعیین اولنوب وزیر دل اکاهه همراه اولان دوت ییل یکچیری
 و یوزاللی هند طوب عربی لوی ایله پیشگاه سپاه سدا ولندی * نظم * عین سپه
 کشته راسته * زخیل هزاران فو خواسته * چوسد سکندر سپاه * زرومی
 نژاد و زاهد کلاه * قریب وصول رأیت ظفر کوش زد قمرال خسران مال
 اولیغی * سکره غرور و خود برستی الوده می اولدینی جهندن قدم خصومته
 فالقوب سلطان جهان طاع حضرتلری ایله طرح نقش خلاف و نزاع ایتدو که
 نادم اولوب قکمه خلعت حیات اولان سر هوا برستی غلطیده خاله هلاک
 اوله جفته جازم اولمشیدی * لکن دست اجل دامنه کیرامل اولوب ساقی
 ککردون پیمانه حیاتن سر نکون ایتمکین محل ناموس اولتی اعتقاد ایله
 کربسان تسلیم و اتقیاد دن باش چیقار میوب فصل رشته خصامی حکم شمشیر
 خون اشامه حواله ایلدی * عسکرینی اوج بلوک ایدوب جانب عین فحوس
 فرینده اولان فرقه سی سردار لری برانه نام تعیین میسره سپاه ظفر دستگاه ده
 مستقل الای اولان کروه مکروهی طونه کنارنده توقف ایله مأمور ایدوب
 ککندوسی تقریباً شش ییل سکان جهنم ایله قلبکاه سپاهه هجوم ایلدی
 اول دم شیران روم اوکنده سدا هنین اولان طوب ضرب بر تنه آتش ویریله جل
 نیجه ییل لعین بی دین هرزه کرد کوجه بازار عدم اولوب نکمپان در کانه هجوم
 و ککرفتار دوشاخه عذاب الیم اولدی * نظم * لوی جلادت برافراختند

بیکار بر قلب که ناخند * چو کوه کران بود قلب ارشکوه * چنان میتوان بردن
 از جای کوه * اول منووسلر سینه صاف مؤمن پالک اعتقاد مظنه فساددن
 مسدود الاطراف اولدینی کبی قلبگاه سپاه اوکندن گذارایدوب سرعسکر
 سنجباغئل طرفنده عربله رمنتهی اولدینی محلدن روم ایلی عسکرینک اردین المی
 رجاسنه اول کروه پرشکوهی صرف ایدوب اعلائی لوی سرافرازی ایدن نیجه
 مردغازی کفار خاکسار لشمشیر خونبار دلالتی ایله * جانب اقلیم عدمه
 تحریک طوغ و علم ایلدی * جنل آزما یان نجسته مسالک کزیده روبه فریب احتیاله
 سالک اولوب * مقدما تصمیم اولنان رأی مستقیم اوزره ایکی شق اولوب فریق
 کهره بی توفیق عرق دریاسنه غربی اولدی * سربازان سپاه جعنا ظاهر و راقوم
 فی الحرب اوجها * خواستجه اول کمر اهلک اردلین الوب * انیم کاس کاس
 قیلارین کورملک ایچون نولک سننان جانستان و خدنک مجلا پیکان ایله
 قفالزندن روزنه اچدیلر * ساق بی در پی ده تیغ زهر دار کاسه سرب بی سعادت
 کفاری جام شراب خونلرین باده ناب ایتمک ایله بزم وزمده اکثری مدهوش
 پیمانه هلاک اولوب * وطل کران مرک ایله اغشته خون و خالک اولدی
 کروه مشرکین نیجه غزاة دینده بند کند اولمش اهویه و دامه دوشمش تیهویه
 دونوب * شهبازان جان شکار روم ایلندن تخلص مرغ جان * ناتوان رجاسنه
 هوای و غاده تحریک دست و پا ایدر کن ناکهان بر توزق و پاردی باد پای
 دولتی یعنی داور کر دون شکوه حضر تلی حشمت وانبوه و کوه کبه
 کروه ها کروه برله ظهور ایدوب اعلام عالم تاب سلطان فسیح اللهجه برله اول
 وادی غیر ذی ذرع نمودار حدایق ذات البهجه اولدی سلطان دریا نوال
 حضر تلی نکل عز و اقبال برله * میدان حرب وقتاله سایه اجلال صالوب * رایحه
 فایحه کلاله طوغ ظفر فروغلی ایله * دماغ روزگار نمودار طبله عطار اولدینی
 لاوش بیهوشه باعث ترزل اقدام جلادت و اقدام اولمغین * سپر انداز محافظه
 ناموس و عار اولوب طونه کنارنده قرار ایدن کروهه التجار جاسنه عرصه
 کارزار دن اهنل فرار ایلدی * نظم * بجاذره و آفتاب از بجا * بجا چشمه دریای
 آب از بجا * زشع آداز راه اندیشه دور * که ما صبح صادق زند لاف نور * حضرت
 فرمانفرمای بحر و بر سلطان حفت کشور * و ما النصر الامن عند الله نص
 مقصم التکریمه اعتماد سایه سعادت پیرایه سیمه مبهج و مباهی اولد قلمی
 علم شریف حضرت رسالت پناهی به استناد برله * نظم * ملک را کر قرار خواهی

داد * تیغ زایی هر ابدان ~~کرد~~ * خواستجه قبضه شمشیر زرنکار مرصع
 خلافت ال اوروب * ارباب شقا و خلاف اوزیرینه شیرانه جل ابتدیلر * نظم * تیغ
 آتشی بر کشیده چو آب * کزوخیره شد چشمة آفتاب * برآمد فغان ز آسمان وز زمین
 بردست بازوت باد آفرین * تقابل صفین اظم ارضیت مرج البحرین ایدوب سیارات
 فیرو خدنک برج قوسدن هبوط و انقضا ض ودانه نقل عرصه جنگده صورت
 انقضا ض کو سترمه اغاز ایلدی * نظم * دولشکریا بین ساز نبرد * علم بر علم یافته
 سرخ وز رد د کپاره بازار کین کرم شد * ز خون دلیران زمین نرم شد * کرد میدان
 کبودار روی آسمان پرده کش و تاب شمشیر صاعقه تاثیر برله طوب زمین کره
 آتش اولوب * قبه افلاک شب تاره و عرصه خالک لاله زاره دوندی * نظم * زمین
 را خون مردان موجزن کشت * سپررها خشت و جوشنها کفن کشت * دلیران
 سپه درهم قتاده * صلاهی مرگ در عالم فتناده * تن از اسب و سرازتن سبز نکون شد
 * همه صحرای کین دریای خون شد * هنگام ازدحام معرکه الحامده دم بدم
 طریفیدن طوب پرده آتش ویران که قبه بلند که آسمان بر طنین اولوب تصاعد بجزه
 و د خاندن ~~کنند~~ کردن سپهر برین و بسیاری کشتن کاندن سطح پهن و زمین
 مبتلای عارضة ضیق النفس اولوردی * زد و خورد اشناسنده شیر عرصه
 مضازی سرافرازی اولان نیجه مر دغا زی * میدان سربازیده در اغوش نازک
 اندام قاضرات الطرف رجاسنه تقدروا نلری مہر مہل ایدوب * حمله نشینان
 اربک * لم یطمع من انس قبلهم ولا جان * اولان ربات الحبال روضه رضوان
 تماشا سانه جان ویردیلر * عسا کر خسته مائر تیردلد و ز شمشیر جگر سوز برله
 معرکه افروز اولوب * مروحه جنبان اتشکده حرب و قتال علونا نره دار و کیر
 هم سر کذکره فلک اثیر اولوب * عرصه جنگ تابہ پرنابه و شیران نهنک اهنک * اول
 تاب ایچره قطره سیما به دوندی * مثنوی * جنان کرم شد آتش کارزار * که از نعل
 اسبان برآمد شرار * دلیران همه درهم او یختند * چور و دروان خون همی
 ریختند * کھی این بران زد ~~کھی~~ ان برین * کھی بود نفرین کھی آفرین
 * مزاج طیب روز کاره غلبه دمدن تغیر غارض اولوب طیب حازق تیغ بیدریغ
 تدایت من لیلی بلیلی من الهوا * کایتداوی شارب الخربالخر * خواستجه ینه
 اراده دم ایلد حکم ایتمکین * اوله دشت طشت فصاده دونوب سو سو جاری اولان
 جوی خون غیرت جیچون اولدی * عرصه رزم بر عجب بزم ایدیکه مغرور
 لعین سفال و شمشیر غنچه وردال اولوب * سرخاب شمشیر برله میدان جنگده

هر کباب سبز رنگ نمودار شاخ مر جان * و دامن صحرا هم کونه شقایق نعمانستان
 اولدی * نظم * بزم مردان عرصه رزمست و عشرت دار و صکر * باده خون
 دشمن و جام دما دم تنخ و تبر * اوازه کیر و دار ایلله سپهر دوار واره مبتلا اولوب *
 قهر زمان روح تدبیر کشور بدندن قصریدایتدیکی انشاده نظام جمعیت کفار منظمه
 کسسته تارکی پریشان اولمغه یوز طوطوب * خصوصالاوش برکشته روزگار
 دخی خلال حرب و قتالده زخدار اولمغین زمام توقف و ایام دست اقتدار لرندن
 ساقط اولوب هنگام غروب آفتاب ایدیکه خیمه و خراک و بار و بنکاهلرینه چشم
 حسرت برله نگاه ایدرک * کرماداشتدت به الیم * میدان کارزار دن بیکسار
 سبکساز عنان بکران فرار اولدیلر (نظم) چو پیدا شود صدمت تند باد (خس و خار
 بر جای نارد ستاد * اول خول از خمورده بدرقه ناله و این و مشعله آتشین برله راه
 ادباره شتاب ایدوب شخص خیال سلطان مخلص الاقباله * قالدی * بیت * نصیب
 تو ملکست و فرمانروایی * مرا بهره از بخت بدی نوایی * زمزمه سیمه خطاب
 ایدرک * بادیه کرد و بیابان نوردایکن * زیر و تشنه اولان * سمند تبر تا ز تدبیر غلط
 اندازی * کبی خطا ایتمکین * من یشترک بالله فکنا من السماء * خواسته
 مظهر اولوب تقدیمه شوش روانی خزانه داران حفرة نیرانه تسلیم اولندی * بیت
 کسی را که دولت بگرد ز راه * براهی شتابد که افتد بچاه * لاوش بد نژادک
 مداد اعتمادی اولوب زعم فاسد فحجه عسکر نحوست اثری او کته سد سدید اولوق
 امیددی ایلله تعیبه و ترتیب ایتدیکی تقریباً اون بیل آدم بر دم ایچره جانب عین
 سلطان بحر ساره و کان میمنده فرصت بین اولان اناطولی دلاورلرین ضیوف
 سیوفی اولوب * بالی بل ایسه کندی اوزرینه کلان گروه مکر و هوی * نظم * تغل
 عدم دیارنه روشن طریق قدر * اعداء دینی طورمه قلمدن کور همان * فرمانی
 اوزره رهنمای شمشیر سرتیز برله دهلیز عدمه * کوندردی قرال و کاشتریندن
 خورشید اقبالی سحاب نواب ایلله نهفته اولوب قطرات ابر نوهار کی اطراف سهل
 و جبله پریشان اولد قری دم سحاب اولو بار فیض آلهی کوه رتار اولوب *
 فیاضه عنایت پرورد کاردن رشاشه باران عالم و عالمانه جان بخش اولدی * نظم *
 بفرقه خدایند عالمنه * بیاید کوه رزایر سپاه * خس و خار رفته ز راهش
 نسیم * نثارش هوا کرده دریتیم * لاجرم بر حسب فرمان اسکن در دارا حشم
 رعایت جانب احتیاط و خرم ایچون عقب کیرلردن ماعد استپاه طغر دستگاه
 دمدمه خرویس ملع بال صمدک سلاح پوشیده نبرد * کاهده قرار و آرام

ایدوب * دامن کلگون شاهمن کریان زرین زه بامه دل مشعل ستاره شمار برله
شب تارهند و نژاد ظلمات نهاده خلعت زرد و زری روز نور و زری کیدردیلر
* بیت * سحر چون شه روزیات فراخت * بتیغ و تبر بر سر شام تاخت * یعنی
خواص دریای مغرب بر غوطه کرم ایله * ساحل بحر مشرق دن زوغا اولدوقده
اون بیکدن زیاده امر او اعیان و پاپاس و بانلری که عقبه کیرلر بنجه سنده گرفتار سی
واسیرا و لشرایدی پیرامن اوطاق کردون نطقده کله لری حباب جویبار تیغ
ابد اراولوب لاشه لری برله و حوش و طمیز ترتیب مائده ضیافت اولندی حقا که
بهرام خون اشام عرصه سپهر مینا فامده شمشیر یاز لعه افاز ایدلدن برو بومنوان
اوزره طرح اساس حرب و قتال اولندی بی ثبوت جریده اخبار و قایم نویسان
روزگار اولوب پای کیت خامه سحر اثار طی بیابان بیانده ند کلو فرسوده
قلنسه * سر منزل حق ادایه وصول محال و کمنده مشکند عبارت * کنکرة
قصر تعریفنه ایر شمل نه احتمالدر * صف ارای رشته انبیا قائد کتبه اصفیا
حضر تلی علیه من التحیات ائمه اواز کیه اوارواح مقدسه اصحاب سعادت
انتساب ایله * شعر * علی ارواحهم تحف الخایا * من الله الذی خلق البرایا *
بوغزای غرایه شرف حضور ارزانی بیوروب * روحانی امداد لری خصوصنده
اعزة کرام رخساره طراز خنجره تحقیق اولمشدر برومد عایه کواهد صادقده که
ضروقه مهاجره کتبه مسلماندن انجی یوزاللی نغز غازی * تاج خورشید رواج
شهادت ایله سربلند اولمشکن * صف مشرکین یوزاللی بیکدن زیاده سیری
سعادت چوکان تیغ سرتیز شمشیر یازان میدان ستیز برله * انداخته آتشدان
دوزخ اولدی بی رسیده نصاب محتردر * فله الحمد والمئه قرال خسران مالک
جبه خانه و اموالی مضبوط خدام درگاه عالی اولوب عساکر مجسته ماثر دخی کرایم
غنایم بی شمار برله تحصیل دستمایه بسیمار ایتدیلر * نظم * چوشده فوج دشمن
هزیمت پذیر * غنیمت گرفتند برنا و پیر * زرو نقره افزون و وزن و شمار * نهال زمانه
زراورده بار * بعونه تعالی پرچم ریات سلطانی دستیار مشاطه نماید صمدانی برله
اراسته اولوب الویه قرال مغوس سرنکون و منکوس اولیجی این دیرین ال
عثمانی اوزره تخت سلیمانی قوردیلر شهریار بلند اقتدار حضر تگری عز و ناموس برله
جلوس بیوردیلر تنهیه فتح و فیروزی ایچون ارکان دیوان تقصیل حاشیه بساط
جلالت مناسط برله استعساد ایدوب خلعت فاخره خسران و رفعت بخش قامت
استعداد لری اولدی * نظم * رخشان شد از سپهر امید اختر مراد * بشکفت

در ریاض امافی کل ظفر * اسلام کشت حزم و افاق بر سرور * چشم حسود
 کور شد و کوش خصم کر * منشیان خوشترقم مضمار فصاحت بردازیده عثمان
 جرده موزون خرام خامه به رخست جولان و یروب * فتنه نامه لرترقیم و اخبار
 بشارت انا را نکسار دشمن نکونساری اشاعت و تعمیم ایچون صبا سیرا ولا قله
 تسلیم ایندیله * نظم * کوش کردن بر بشارت شده که از نایم دحق * صبح فیروزی
 دمید از مطلع امن و امان * از نسیم کاشن دولت معطر کشت ملک * وز فروغ
 کور کب نصرت منور شد جهان * حصول امافی و مسرت و شادمانی برله
 تحریک اعلام سلطانی بیوروب ماه ذی الحجة الحرام امل اوچنجی کونی ماهیچه لوی
 سعادت التوابودین پیرامنده ثالث نیرین اولیجی اهل یسی دلالت قانداقبال برله
 رایت افراز عنر و استقبال اولوب * خاکبای عطر سایلرینه ایثار کرانمایه اعزاز
 و تکریم و خدام در کامعالی به اقلید حصار ی نسایم ایندیله بر عنایه الله تعالی
 الملک المعین کرسی ممالک انکروس اولان بودین مسخر فرمان داور داد کرا ولیجی
 تقدیم مراسم تحمید درب المجیددن صکره * اون کون مقدر ی قلعه بودین
 فرو وجود بهر دلی برله رشل حصار فیروزه کارجرخ دوار اولوب مدت
 اقامت لرنده کاه استماع غانی غوانی به میل و رغبت و کاه صید و شکار دره بسط
 جناح عزیمت بیوردیله * نظم * هر دم که توانی که به شربت گذرانی * فرصت
 شمرا ی خواجه درین عالم فانی * ماه من بوزل اون در دنجی کونی علم عالم ارا
 دلبر من رکش قبا کبی تجتر و اهتر ازه آغاز ایدوب حشمت و وفار برله پشته جان بنه
 گذار بیوردیله پس انگاه شهنشاه ستاره سپاه حضرت تلی قاپو خلقی و انا طولی
 شهباز لری برله طونه بالیسی نه تحریک قادمه عز و اقبال ایدوب سردار عدو
 شکاری روم ایلی غازی لری ایله جانب شماله ارسال بیوردیله دلالت رهبر توفیق برله
 عزم طریق اولنوب * باج نام قلعه حوالیسی مضرب سرادقات حشمت و کاه رانی
 اولد قده سکانی سرمست صهبای ضلالت اولمغین پستر غفلتدن باش قالدیروب
 تحریک حلقه در نیاز ایند کاه نندن ماعدا تیغ شقاق و خلاقی باز و هوای لاف
 و کذا فده پرواز ایند کلری جهنمدن * بیت * تو بد مکن که برین کشتزار
 زود زوال * بد اس دهر همان بد روی که می کاری * خواستجه باشیده دست سعی
 واجتهاد لری اولان تخم عنادله زمان حصادی ایروب * ارازا و اموال و اهل
 و عیال لاری * دست زده لشکر منصور * و کند لری طعمه مار و مور و اقمه جگر
 و عفر و اولدی * نظم * چشم جهان ندید و نبیند بهر خویش * این فخر کاه شاه

جهمی از امیر است * هر فتح کاسمان نمودش منتهای کار * چون بنگری مقدمه
 فتح دیگر است * ماهیچه علم عالم آرای سلطان آفاق دیار کفاره لامع الاشراف
 اولی حق اربابد کفر و شقاق شمشیر خورشید خورشید و قاره تاب نظاره
 کتور محبوب مناص خلاص اولی رجاسه شواحق جبهه اعتلا و مغارات
 و مدخله التجا بشمار اندی پس مانده لردن بر قاجیل لعین بی دین هم مله لری نه
 اقتدار اول گروهه اقتضا ایدوب بدرقه حیرت واضطراب برله میر منزل امن
 و سلامته ابرشکل ملاحظه سینه شتاب اندر لایکن ناکام سیلاب کوه انداز سیه
 او کلرین آلوب اول کمر اهل غم کز و قوفل زدن سر و حرقه قادر اولد بلر ناچار
 شعر * اذالم یکن الا الاسنة * مر کب * فلارای للمضطرب الارکوبها * بقوا سجد
 راه کز مسدود و سرمایه تدارک کاره فقود اولعین عرب لربن طابور ایدوب
 لشکر منصورایله شمشیر باز لقه آغاز ایدوب لرامر لمر کین نهجه باهر البهجه
 اطاعت و اتقاده عازم لولیموب کرویة لچ و عنادی یدش نم ادا ایدوب کاری جهت ندن
 سلطان المجاهدین حضرت تری کر میند جبین کین اولوب صرصر قیامت اثر غلط
 و غضب لری برله بحر هیچاها بیج لولدی بازار کار زارده متاع حیات مستعار دلال
 بد مهر تیغ زهر آبداد المده عرضة هل من مزید اولوب جوهر روح دست رب
 الموندید هیچه صا تلدی اشیاء دارو کیده یکجیری اغاشی شجاع اغاوصا مسوخی
 باشی و باش چاوش و نیجه یا باشی و بر قاج بوزنفر یکجیری مسافر خانه دنیادن
 دار بقا طر فنه محل بند غنیمت اولوب بادیه هول انکیر عدمه وضع قدم ایلدی
 آخر الامر عنایت ایزد متعال قرین حال سپاه ظفر دستکاه اولوب نیروی بازوی
 اقتدار برله مایه استظهار و کفار اولان عمر به لری بوزوب شخص ایدن کشتی لری
 دید بان قلعه دمار ایدوب عز و اقبال برله خط و تر حال بیوریلوب ماه من نورک
 یکجیری طقوزنجی کوفی واردین مقابله سنده نزول اجلال بیورلدی و خنده
 کلک بدایع نکار اولدیفی اوزره که سر دار نامد اوزوم ایل غازی لری ایل جانب
 شعله توجیه عزیمت ایتمش ایدی ماه مر قومل یکجیری کوفی
 سکندین نام حصار پیرامنی مر کز اعلام اسلام اولد قدس سکافی برقه فضلی
 نادانی علم افراز شقاق و تقاضای بخت نافر جام برله جاده خصامده قیام
 ایتمل اوزره کمر بند اتفاق * اولوب معامله بالجماله ایتمد کلری جهت ندن
 اول بدسکا لمرک شمع حیات بی ثباتی بار حله ابطال رجال برله کشته لولوب اردوی
 همایون هامون بوی * نظم * غلامان کلچهره قدر باه کینزان پاکو جان فدا

بره رشک آور نگارخانه چین * وحی و خراگ سپاه نفایس امتعه برله غیرت
 خراین سلاطین اولدی * حتی مشکین موی کابوی طغوزو اس اسیرد یوزه کر
 بر فقیرک هم آغوش تملکی اولدیغنی ثقاة رواة اخبارا بمشردر * مصرع * چشم
 بد دور که بالا نرا زین ممکن نسبت * اول مقلامدن صوب مر امه سوق کتاب
 نصرت مناقب اولیتوب ماه من یورک یکر می اوچنی کونی لوی زر مغفوق
 اسلامیان نمل نام حصا و فرینده سر بفلک کشیده اولدی خنجر استیلا ی ربع
 و بیم برله اهل یسئل زهره لری دونم اولوب قامت اقامتلی خیمه * و دل
 برهرا سلمی رعیده * اولغین سر عسکر نجسته مقدم اول کشوره وضع قدم
 اینزدن مقدم صمیم انشکده دلدن آه سرد چکرک مانند زلف بنفشه دیوان
 پریشان اولوب اول قلعہ ابری و نولانیس به ولا جانیس الا ایضا فیروالا العیس
 * مثلته مظہرا ویش ایدی بنابرین جلستہ استراحتدن صکره حرکت اولوب
 ماه مر قومل یکر می بشنی کونی شهر یار سلیمان و قار حضرت تلندن درت کون
 مقدم واردین قلعہ سی اوکنده ضرب طوبیلة اقامت اولندی صاوه صوی اوزره
 کو پری بناسنه شروع اولوب چیره دستان امر بنایی اهتمای ایلہ قرین اتمام
 اولیق عام نجسته انجم ثلث و ثلثین و تسعمائہ رشته سنده انتظام یولان ماه
 محرم الحرامل اوچنی کونی شهنشاه سعادت دستگاه حضرت نری اول جمر
 استواردن کذا بیوروب منزل من یورده انکروس قرانی استبان مخلصه الاقبال
 عبودیتی برله مستقیم و معبای اولان اردل بانی اوغلی یانوشه عنایت بیورلدی
 ماه من یورک خامسده محروسه باخراد خیام ثریا انتظام برله نمودار ارم ذات
 الهمماد اولد قده ممالک اناطولیده بر نیجه شتی مادر زاد اعلای لوی فتنه و فساد
 ابتد کیری خبر و حشت اثری و عروض رکاب سعادت انتساب اولغین ساحة
 ممالکتی جاروب شمشیر برله تطہیرا چون مجلا اناطولی عسکری ایلہ بیکلر
 بکبلری بهرام پاشا ارسال * و سمنده عزیمته تحریک رکاب سرعت و استعجال *
 بیورلوب ماد صفر الحیرک نامتده اول * شرسلاطین آل عثمانی ضیمان درک
 عون سبحانیده استانبوله تشریف قدوم بجعت لزوم ارزانی بیوردیلر * نظم *
 هزار شکر که یارد کرد صد اقبال * رسید رایت شاهی بمسقر جلال
 یومقاله ولایت اناطولی رعایاسنه دغدغه برشانی ویرن اشتیمال دست تعبدلری
 تیغ بی دروغ هیبت ساطعاتی برله دامن ملکدن کوناد اولدیغنی بیاتده در
 شرف افزای مہر سایمانی * ضم نلری بدرقه عون * جانی برله غزای بجعت

فته ای مهیا به عزم ظاهر جزم پیورده قلند. **ا** کرجه برمه قضای ملکداری
 و رعیت نوازی عمالت محروسه نل زمام حفظ و حراستی امور دیده و کار آزموده
 امر او حکام مکلف کف کفایت به تسلیم پیوریلوب زیردستان و عجزه برکشته حال
 پنجه تطاول ستم برد از ان اولمقی ایچون تقدیم مراعات شرایط خرم و احتیاط
 پیورمشلرایدی لکن سریر سعادت مصیر شاهنشاهی اولد روح عالمک وجود
 پر جود لرندن غالب بی جان کی تخی اولقی ایله اناطولیده بعضی ارانل و اوپاش
 کریسان عصبانندن جابجا باش چقاروب کوشه بکوشه اشغال اچند کاری آنتی
 فته و فساد آنا فانا اشتعال و از دیلار اولدی اول جلدن ذوالنون نام برشتی
 مادر زاد یوزا و قدن اعلای لویای ظلم و بیجا دادیوب راه شقاذه **ک** تدیوه همپا
 بر قاج یوز کشتی ایله سنه اثنتین و ثلاثین و تسعمیه ذی القعدة سنه اول ولایت
 حاجی اولان مصطفی بکی و اعیان ولایتدن نیجه کشته لری سر مست جمعی
 شهادت ایدوب صامت و فاطمه قدن بولد قلمی اموال و ارزاق دستر دة غارت ایلدی
 بوحال پر ملال فرمان بکام بکیمی خرم پاشانک معلومی اولیجی و خامت عاقبت
 کاردن اندیشه ناک اولوب هموزنبر لواسنده اولان ارباب تیمار و رعایا اجتماع
 ایچدن ایچق اتساع ایله مغرورانه اول جانبیه عنان انکیر عنایت اولدی قیصریه
 قیورنده کرم ساز هنر کامه حرب و قتال اولوب روز **ک** کار نادیر ست اطوار شیوه
 کارانه آغاز ایتمکین بارزاده الله تعالی خرم پاشا یزیم رنمده کریم کلو کبر مرط ایله
 عثمانیه و ایچ ایل سنجانی بکی علی بل و قیصریه بکی بهرام بل آغشته خون
 و خاک **ا** اولوب عسکر اسلام هدف سہلم انہزام اولدی ذوالنورین ملک بل
 و ساز جنگ اولیجی عتو و ظمانلری **ه** چندان اولوب بخارا باد و آرتق آباد
 طرفلورنده ایقباد آتش جو و رویدا مسله کنی پیش نهاد ایدیلر **ب** نظم **ب** زمانه بنیک
ب و باستان است **ب** ستاره کیمی دوست که دشمن است **ب** بویخبر و حشمت اثر آطنه
ح کامی اولان افتخار و دودمان رمضانیه پیری بکا کوش کذاری اولیجی
 طرسوس بکی حسین بل و بیس بکی مصطفی بل ایله همزبان اتفاق اولوب
 سیواس بکار بکیمی حسین پاشا و مرعش بکی محمود بل دخی آب آنتساب
 تیغ بی دریاغ ایله ارباب شقاقنک امیب فساد فی اجناد ایچون میواسده رشنة
 جمعیت تاب ویر و وکی خبری منتکمن اولمغین اول جانبیه شتاب ایدوب بعد
 الاجتماع شتی مر قو مل **ک** کیفیت احوالنه تفصیل اطلاق ایچون **ی** بل مغرور
 کمنه ایله ملاطنه بکی اسکندریه بل ارسال اولندی اول مرد در کین **ج** چند

استیصاله ارخای عنان ایدوب فتنه باغیه آرا مکانه یقین وارد قدح عسکرنیدن
بشوزنی کینه تعیین ایلدی باقی سیاه ایلده سردشن روسیاه آت صالوب
رخش آتش عنان شمیر خون نشانه رخصت جولان وردی بر مقدار مطارحه
فرعه ککار زاردن صکره اسکندر بل نعل باز کونه قریب کوس تر و ب اول
کمر اهلی کیم نگاهه چکدی مکر نایره جنل ویکار شراره بار اولوب علو
آتش دارو کیره مسر فلان اثر اولیجق مکین کمین اولان بی غیر تلک اشعه تبیخ
شفاف ولعان خنجر موش کاف برله دیده لری خیره اولوب * مصرع * کر برهنه کام
فیروزی است * فخر اسبجه آهنل راه فرار ایتمش لایدی تمهید ایدوکی مقدمات
منتج اولوب کاس امیددی صورت انعکاس کوسترد کندک اسکندر بکل قوه
الظهور مانسی شکست بولوب اول مهر که کاه رستخیز آیفندن انجق پوز آدم ایلده
سر منزل نجانه وضع قدم ایلدی حسین پاشا انهم زام سپاهدن آگاه اولیجق
تهوری هنگام اظهار ایدوب کمال عجله و شتاب برله اول طرفه عنایت اولدی
ماه ذی الحجه نل طقوزنجی کوفی هو بقلی نام مقامده ایکی فرقه دوچار اولوب
منور اکثر عسکر ایر شامش ایکن متهورانه فتنه انکیران بغا قوزینه جله ایلدی
کمیت تیر تاز تبیخ میخ رنل میدان جهنده آغاز جلوه سازی ایدوب برآنده
نیجه سرورل آغشته خون و خاک * ونیجه سرورل آیز فترال اولدی * نظم *
دگر باره بازار کین کرم شد * زخون دلیران زمین نرم شد * نرم رزمده ذوالقون
بر کشته بخت مست صهای مرل اولوب هوادار لر نل اکثری رخت حیاتی
سینه نماته تمجیل ایتمکین پس مانده تبیخ سر تیر اولانلر عزم راه کین ایدوب
طوفان بلادن مناص خلاص اولق رجاسنه بر کوهه التجایا قید لرلشکر منصور
غنایم ناحصو رفته سی اولوب حزم و احتیاط بساطی نور دیده دست اجمال
واطرانه پریشان اولان سر و شور شراره لر بی باله کله اطفا ایتمزدن مقدم غارت
و غنایم استیصال * ایتدی لر عجز دهر غدار چادر کلی قام شای بردوش ایدوب
پرده سرای نهانخانه خفادن رونما اولدیغی دم عزم راه فرار ایدن اشقیما بغات
النش کبی پریشان ایکن تیرامتل اجتماع ایدوب پستر غفلت آسوده لر بی
شعر * بار اقدالیل مسرور باب اوله * ان الحوادث قد یطرقن اسحار * تازیانه سیله
خواب حضوردن بیدار * واول شب تارده کوشه بکوشه اشغال مشاعل
کیدار * ایتدی لر درون شده بو کونه شکل بوالجب ظهوری حیرت ده عقل
و شعور اولمکن لشکر منصور ساعی اولد قری مساعی هبانه متهور اولوب ناچار

بیم بنان برله طرف انهمزاه یوزطوتندیلر بیت * دلا بنکر این بازی روز کاتر *
 که هر لحظه نقشی کند آشکار * کوی افکند مهره در بساط * که عالم پذیرد از
 صد نشاط * کیش بارموقوف نشد رکند * سکونش به کجاست در کند * کوی
 در قرارش دهد مهلتی * ~~بکوی~~ راستقامت دهد رجعتی * حسین پاشا دخی
 انشاء جنک ویکارده فخر دارا و لغین میدان کار زادن سیمواس جاننده آهنک
 فرار ایدوب بعد الوصول * مصرع * من اغفل الحزم ادمی کغه ندما * خواستجه
 کمال تأسف وندم برله جانب دیار عدمه * تخریل طوغ و علم ایلدی بویسام فی
 انتظام دیاربکر بکریکیسی خیمه پاشایه منعکس اولیق شیران آهوسوار برله
 ایلخار ایدوب باغیر ضرب طویله آرام ایتدو ~~وکی~~ مقام ارشدی التزام
 مالا یلزم شقاییدن اشقیانک روزنامه اعمال خسران آلری امضاء روز قبول
 ایچون حاکم خاسم شمشیر خواله اولنوب فزاسکه مع الباقی به مجال اولمغین
 خامه تبخ فی د ربخ برله رقبه لرینه راده کسر چکالد کد انصکره نصاب حیاندن
 فلاسلرینه حکم ایله تعامل ناسدن بجز اولندیلر شرف افزای تخت و تاج
 حضرتلری غزوه مهاجدن حصول آمال برله رجوع یوروب ماهجه رایات
 ظفرانات احتیاج اووه سنده لامع اولدقه بویسام سرور انجام واصل درگاه
 عز و احتشام اولوب لسان الحال اقبال * نظم * بر خاطر زدور فلک هیچ غم
 مباد * وز روز کار سایه عالیت کم مباد * نظم * بلاغت انتظای ایله ادای خدمت
 دها ایلدی کشته شمشیر بخت و ترکون ذوالنوندن ماعد امر کرد دایره کرامت
 قطب آسمان ولایت الحاج بکماش ولی قدس سره حضرتلرینک سلسله نسبه
 وابسته ایکن * انه لیس من الهلک * خواسته ماصدق اولان قلندر نام بداخر
 خرده کاری و سوسه شیطان برله اعزّه اجدادی طریقی پیش نهاد ایچیموب
 کریمه حصیان و فساد مسلول قدم اجتهاد ایلدی نسکاشته برعه بدایع نکار
 اولدیی اوزره شهریار سلیمان اعتبار حضرتلری عز و ناموس برله غزای
 انکرو سدن رجوع یوروب بحرای بلغراد مضربه اوطاق همایون خمیزوانی
 اولدقه شقی مزبور بویسام حصیان معروض رکاب شرف انتساب سلطانی
 اولوب اول فریق بی توقی شهرستان عدمه ~~کوندر~~ مل ایچون علی جناح
 الاستیصال اناطولی بکلز بکیسی ارسال بیولش ایدی سربرسعادت مصیر
 مقدم شرف تواملری برله رونق پذیر اولدقدنصکره بالذفات رفع غائله قلندریان
 امر نه اهتقام یورولوب لکن جاهره تعالی عنو و طغیانلری یوماق و ماصورت

از دیادده اولمغین سنه ثلث وثلثین و تسعمائه رجب المرجب بکرمی سکرزنجی
 کوئی وزیر اعظم ابراهیم پاشا ارسال یورلدی قصبه آتسرای قریبده ضرب
 حجه نزول اولندده صورت هول انکیز جنگ و سترمشاهده ایتردن مقدم
 جیش رعب وهراس استیلا سیله قلندربدا اختراک شاه کمر اهه التجار جاسیله آهنک
 مهت کر برایتل سودا سنده ایدوکی اخباری انتشار بولمغین اناطولی بکار
 بکبسی بهرام پاشا و قرمان بکار بکبسی محمود پاشا اول کمر اهله سدر اه عزیمت
 اولتی ایچون بروجه استیصال ارسال اولند یلر ماه رمضان سکرزنجی کوئی تقابل
 صفوف منتیج تقارع سیوف اولیجی بر حسب ارادت بی علت صورت ظفر
 مرآت مال حال قلندربدا اخترا و زره جلوه کرا ولوب منور محمود پاشا و علائیه
 و اماسیه و بیره جل بکاری و اناطولی تیمارد فتر داری فوج بل و نیجه مردان
 میدان هنر غنوده پستر شهادت اولماغین عسکر اسلام بی سپر راه انهمزام اولدی
 بواخبارنا هموار کوش گذار سر عسکر نامدار اولیجی بی توقف و آرام اول
 جانبه اماله بطام ایدوب البستانه وارلد قدده فقه باغیه اوتوز بیکدن افزون *
 و عسکر خسته اتر اون بیکدن دون * اولمغین * نظم * بکار خویش تا ملغمای کز
 تعبیل * زبان کنی و کسی رازبان ندارد سود * خواستجه جسارت موجب خسارت
 اولمق ایچون امراء کار آزار مایه عقد انجمن مشاوره و انوب بورای معقول
 سنجیده میزان قبول اولدی که اول فریق بی توقیف اکثری ذوالقدریه اشقیاسی
 اولوب مقدمه کشیده رشته ضبط و تحریر اولدیغی اوزره شهسوار اوغلی علی بل
 طعنه شیر شمشیر اولد قدده اتباع و اشیاغی زیر دستنده اولان اقطاع قبضه
 نصر فلندن انتزاع اولمغین سبب معاشلر ندن حرمان طایفه ترکانه باعث ترفیع
 رایت عصیان و اشایدی حالا لازمه احتیاط اولدر که قاندره اتباع دن صورت
 امتناع کو ستر دکاری تقدیرجه مقدمه متصرف اولد قلمری اقطاع ینه کند و ره
 ابقا و مقررا و لقی مواعید فی متضمن استمالات نامه لار ارسال اولند لاجرم بورای
 قراردادده اوزره مشاهیر ذوالقدریه دن بشانلو و قرجه لونام بوی بیکلر ینه نهانی
 خلع خسروانی ایله مناشیر سلطانی ارسال اولنوب خارستان منرعه آمال
 ترکمانان فیض سرچشمه عنایتدن نصارت پذیرا و ایجی سودای و سوسه
 فرسای عصیان حیم سویدای دلدن چتر ووب هریری قبایل و هشایری ایله
 ضحرای فسج الارجای سلامته سبل ساز عنان عزیمت اولد یلر بیت * آنچه
 از صاحب تدبیر آید * عقل نکشت تخیر خاید * بوندیر نتیجه پذیرا ولوب نظام

جمشتری پربشان اولاد بی استماع اولغین درگاه عالی چاشنکبر لزندن بلال محمد
 و دیوانه پروانه نامی خدمت سرعسکری اولوب ماه منی بولک بکری ایکنی
 کوفی سپاه طرفین ترتیب صف مصافایت دیر بر دم ایچره کشته لرقانی ایل
 هر صه جنل رونق شکن کان عتیق یمانی وغیرت شفق آسمانی اولوب خونین
 کله لرایله اول صحرا شقایق سنانه دوندی غزات ظفر پیشه تفریق فریق بی توفیق
 سبعة دست اندیشه ایدینوب شاهراه کوشش واقدا مده بذل نقدینه اهتمام
 ایندیلر آخر کار عون سبحانی قرین حال سپاه صاحب قرانی اولغین قلندر بد
 اختلک کوکب بختی متواری غیابه الجب افول اولوب سر سودازده سی آرایش
 نولک سنان اولق ایله لوی هزیمت التوای شوکت قائمدریان عصای بیوه زنان کبی
 شکست بولدی * نظم * زمین دولت صاحب قران دین پرور * که داشت حشمت
 جمشیدورای اسکندر * بدست یاری شمشیر اشکر منصور * ازان حد و دیکندند بیخ
 فتنه و شر مشاعه جیلده سی مقابله سنده منی بولبلال محمد قاپوچیلر کتخدانی
 خدمتی ایله تشریف اولنوب هر قوم پروانه یی بوی یوزاچیه وظیفه ایله متضرقه
 لک عنایت بیورلادی حصول آمال برله درد دولت نواله عود اولنوب ماه
 ذی القعدة نل اون اوچنی کوفی سردار ظفر شعباناب بتجیل برله کوشه دامان
 سعادت نشانی تعجیل ایتمکده حیاض ریاض انعام سلطان سی سرشار اولوب
 خاصلری بکری کره یوزیکه تکمل بیولق ایله مظهر ارام و تجیل اولدی
 یو. قاله تکرار رکاب همته وضع قدم بیوریلوب بیخ غراسنه تحریک طوع و علم
 بیوردقلری بیاتنده در

نقش جریده تحریر اولدی بی اوزده مشعل تبخ بی دربغ صاعقه تأثیر برله لاوش
 بد تدبیر عازم بنس المصیر اولوب مطمح انتظار سلاطین اولان حصین حصین
 بودین عنایت میسر الا مال برله مسخر فرمان سلطان محمد الاقبال اولیجی
 قراللی حسب الوعد اردل باقی اوغلی یانوشه احسان بیورلش ایدی المان
 ونمجه قرالی اولان فرندوش منی بوریانوش حقنده صدور ایدن بنده نوازانه
 احسانه حسد ایدوب لجام شیدیر شیرین حرکات خسرو ستوده صفات یت
 الشرف سلطنتلری طرفنه اماله بیورلده دایعه حسد واقضای نفس بد ایل
 بودین طرفنه پای جسارت دراز ایدوب یانوش بی عارده فرندوش بد کرداره
 طاق مقابله اولمق ایله بودین فرندوشلر پنجه استیلا سنه گرفتار اولدی بوخبر
 مکر و مخدیش سمع همایون سلطان باشکوه ایدیلر غیرت جهانبانی وجهت

صاحب قرانی اقتضایلدی که اعلام عالمستان خاقانی دست تأیید بجائی برله
 شیوه رفتار کوستروب شاهباز جتیهما پرواز تکرار اول طرفله سایه انداز اوله
 فرمان خدا یکانی اوزره مهمام کشورستانی حسب العاده مهیا و آماده
 اولدقدن صکره استعینوا من اهل القبور حکمته انقیاد سلطان عالی نژاد
 حضرت تلی مقرب درگاه باری حضرت ابی ایوب انصاری و ابوالفتح و المغازی
 سلطان محمد خان غازی و چابکسوار مضمار مغفرت ملا محمد سلطان بایزید
 و شنار حقه رحمت رب رحیم سلطان سلیم حضرت تلی نینل مشاهده تبر که لرین
 زیارت و ارواح مقدسه لرندن استدعای همت بیوروب هر برینک روح حلینه
 کادسته دعا تحاف و اهدایتدیلر نظم زیر کل آنان که پراکنده اند * کرچه بتن
 مرده بجهان زنده اند * زنده شوی از نظر پاکشان * آب حیاست سرخاکشان
 اول هنکامده جام انعام سلطانی لبریر * و بوستان احسانلری گلخیز * اولغین وزیر
 اعظم ابراهیم پاشا نل خاصلری اوئوز کره یوز بیل اولمق اوزره فرمان عالی اصدار
 بیوریلوب خلعت کران بهای صدارت عظمی طراز سرعسکری برله زین و بهما
 بولاش ایدی * نظم * فرازنده سقف کردان سپهر * فروزنده شمع رخشان مهر
 کسی را که از اهل جهان برکزد * ز رفعت بگردون تواند رسید * حسب الامر
 العالی سنه خمس و ثلثین و تسعمائه شعبانلک اوئنجی کونی کافه ارکان دولت و عمامه
 ایمان سلطنت دود پاشا چایرنده ضیافت و انوب اول محلدن لوی سرعسکری
 ایلر و کغل ایچون روم ایلی به کار بیکیسی قاسم پاشایه تسلیم اولندی سایر مهمام
 سفر طفرانجام قرین اقام اولوب ماه صیامل یوم نایسنده حلقه لوپکار مضرب
 سرادفات شصت و کامرانی * و مقر سایبان سپهر نشان سلیمانی * اولدی روز
 دیگر خرگاه کردون اشتباه فروجود بهم بودلری برله سر بفلان کشیده اولوب کثرت
 خیمه و بارگاه و تراجم سپاه برله اول صحرا ده کیفیت موهومه تداخل اجسام
 صورت ارتسام بولدی بدر منبر کبی قطع منازل بیوریلوب ماه منی بورتاون
 ایکنجی کونی محبه ادرنه آرامگاه بارگاه شصت و جاه اولدقدن اناطولی
 عسکری ایله بکار بکیلری رود آسادر بای سپاهه ورود ایلدی پی در پی نزول
 تکرار و باران * و طغیان انهار و غدران * قطع طریق ایدوب منازل و مرا حلقه
 سد مخارج و مداخل ایتمکین درنه و فلبه ده بر قاج کون جاسه استراحت
 اولوب ماه ذی القعدة نل بشنی کونی صوفیه صحرا سنده ضرب خیمام آرام
 اولندی دفعه الازدحام سرعسکر عالی مقام روم ایلی غازیلری ایله اول منزله

معسکر فپروزی اثر دن جدا اولوب بر مر حله ایلو و کتک یابنده فرمان سلطان
 جم جناب شرف صدور بولدی ماه ذی الحجة الحرام ان اوچنی کونی ماهجه
 رایات زین تاج خورشید رواج صحرای مهاجده طعنه زن مهر سپهر مینا قام
 اولد قده یانوش قرال شهنشاه عطا پاش و خطا پوش حضرت تلرینک پیرایه بخش
 افسر سلاطین اولان غبار سم سمند دایسند لرینه روی اعتذار مالیده قیلوب
 بودین محافظه سنده صدور ایدن اهمال و قصور ندن بسط معاذیر و روز جای عفو
 تقصیر ایلدی شهنشاه بنده پرور رقه نیاز نه دیده عاطفت برله نظیر یوروب سطرنا
 موزون جرم و خطا سنه ضرب قلم عفو و عطایا ورد قلدن ماعدار غما علی انف
 الاعداد رت رأس مرصع لحام وزیرینه زین اسب کزین و دیرت قطعه خلعت زین
 احسانی برله خانه قلب ویرانی عمارت و آبادانی بولدی شاهبازهما برولوا و
 سلطنت حضرت تلری اول آشیانه دین دخی تحریک فادمه عزیمت یوروب ماه
 مزبورک سلخنده قلعه بودین محصور مجاهدین دین اولدی فرند و شیرلر درقه قصور
 شعور برله طریق اطاعت و تسلیم دن دور و منظم کریمه بل جوافی عتور و نفور
 اولوب کریمه و خصامی مسلول قدم اهتمام ایتد کبری جهت دن اول بدسکالیر
 یرقچ کون طرح انداز خیال محال اولوب تعاطی معاملات حرب و قتاله
 اشتغال ایتد بلر آخر کار بیجه سیرغ ربای شهبازان اوج جلادت و هنروری برله
 دعوی زور آوری ممکن اولموب دستمایه تدارک مفقود و راه کبر مسدود
 اید و کی اول بد کیش محال اندیشلرک مشهود دیده بکت دیده لر اولغین
 ناچار سته ست و ثلثین و تسعمائه محرم الحرام نکل در دنجی کونی طالب زنهار
 اولوب تسلیم مفتاحی کند و ره وسیله نجات ایتد بلر بیجه عسکری خیت
 و خسار برله حصار دن چقوب بخت بد و طالع نافر جام لرینه دشنام ایدرک
 کیدر کن اول کروه مکر و هدن بری بر مقتضای تهور بی هنگام عسکر اسلام دن
 برینه سل شمشیر خون آشام ایدوب الصلح سید الاحکام رشته سته کوشه
 مقر اض خصام ابر کوردی خیس ظفر انیس اول دخی بهانه جوایدیلر فی الحال
 بر خجای قدحی الوطیس نایره حرب و قتال اشتغال بولوب سد ممانعت
 چکمل ایچون سران سپاه ابر شنبه شهر اذ انزل الوباء علی دیار سیهلاب
 کل ذی عز و بلایس اذ اوقع الشراة فی متاع سیحرق ذالک من رطب و یابس
 خوا سنبه دانی و قاصی مطیع و عاصی باشیلر کوی صولجان پای رخس
 غازیان اولوب اول فریق بی توفیق دن بر متعس بحال تنفس بولدی التزام جزیه

وخراج برله حکومت بودین بنه کندویه احسان بیورلیق رجاسنه یانوش قرال
 عتبه جاه و جلالت روی نیماز فرموده قلغین مسئولی قرین قبول اولوب بودین
 حکومتنده کافی الاول تمکین بیورلدی فرندوش بی عقل وهوش جمع اجتماع
 و برادر بد کهری اولان اسپانیه قرالندن دخی استمداد ایدوب شهریار بلند
 اقتدار حضرتلی ایله مهرکه افروز عرصه کارزار اولتی آرزو سنده ایدوکی
 اخباری انتشار بولغین اول کستاخی ادبی کوشمال ایچون تحریک رایت جاه
 و جلالت بیوریلوب ماه من بولک اون برنجی کونی حوالی استرغون مقرر اردوی
 همایون اولد قده زیبا کیرلک خدمتته نامزد اولان بیجی پاشا اوغلی محمد بلک
 طرفندن پیام آورخسته اثر وارد اولوب قرال من بوسر مرست صهیبای غرور
 اولما غله مستعد جنگ ویه کار اولمش ایکن کردن بسته طوق انقیادی اولان
 عسکر مخوس الاربیم شهنه هیبت صاحب قرانی برله دامن اطاعتندن ال
 چکوب ذیل فراهه تثبیت ایتد کیری جهتمدن قرال خسران مال تختگاه قدیمی
 اولان بیچ شهرندن رخت اقامت کورتوب افصای ممالکنه توجیه رایت عزیمت
 ایتدوکی اخبار ایلدی ماه من بولک بکرمی سکرنجی کونی استرغرانام قلعه
 سنکین بنیاده که حدفاصل ممالک انکروس و اقلیم المان اولوب اول زمانه دلک
 بازده مراکب مواکب اسلامی اولمش درخیم سپاه ظفر دستگاه اولد قده مسکانی
 دارالامن استیمانه پناه کتورب چهره امیدی فرسوده کالک نیماز ایتدیلر دلالت
 فائد توفیق برله قطع مراحل طریق بیوریلوب ماه من بولک بکرمی اوچنجی
 کونی قلعه فتح مقابله سنده خیام کردون قیام سلطانی غیرت چدر سبزارنک آسمانی
 اولیتی پردلان کماراظهار توان و تاب و ابراهه مقدحه کارزاره شباب ایدوب
 پیرامن دامن حصارده برمه دار آتش قتال اشغال ایتدیلر لکن بزم رزمده اکثری
 جرحه نوش مرلک اولغین بقایای شمشیر تابناک صورت هول انکیزه هلاک
 مشاهده سیه زهره ترالک اولوب میدان حرب وستیزدن عزم دهلیز کربان ایتدیلر
 ماه من بولک بکرمی بشنجی کونی فرندوش میرینه قلعه قاپوسن باز و عساکر خجسته
 مآثر برله اداره اقداح کفاحه آغاز ایدوب دامن زرین تار باعدن کریبان اولوب بار
 شاهه دل مجلس هیجا کرم اولغین میدان وفاده خونین کله رشکسته کدای
 شراب کپی غلطان اولدی ماه من بولک بکرمی سکرنجی کونی قلعه دن برکروه
 مکروه سمندره بیجی پاشا زاده محمد بلک اوزرینه حمله سکانه ایدوب شیران
 آهوسوار اول بد تبار لری شمشیر صاعقه کمر دار برله استیماله استیصال

و خرمکس روح بی قنوحلرن گرفتار نارهنناکب آجال * ایندی یرو لایت نهمه
 ایله مالک اسلامیه بنینده بعد مسافه اولدینی جهندن قلعه کوب طویلر همراه
 قیلیموب ضرر زن طاشی ایله دیوار حصار چندان رخنه دار اولمق ایله عموما
 زعمای و ارباب تجمار خدمت نقبه تعیین اولوب اناطولی عسکری خندق
 دولدر ماغه نامزد اولدیله ماه صفر الحیرک اوچنی کونی برکوه انبوه دستبرد
 مظفرانه کوسترملر جاسنه قلعه دن چقوت سپاه اسلام اوزره پردلان جمله
 یتدیله نریشیران ایمان تمنع و سنان برله استقباله استیصال ایدوب صف جلاد تلرینه
 رخنه لر و یردیلر تشنه جنگ و ستیز اولان قتنه انکییز لیر سیراب شمشیر سرتیر اولوب
 باره ادبازه ارخای عنان شتاب ایدیلر بجلر سپاه بهرام انتقام راند و دورباش قهر و کین
 اولان محاذیل مشرکین ایله دست و کربان اوله رق قلعه قاپوسنه واردیلر سربازان
 عسکر اسلام دخی قلعه یه کیرملر توهمیله دزدارلر ابواب حصاری درخزانه
 دولتمندان زمانه کبی سد و فرار یلری دخی حصاره دخولدن صد ایدوب اول
 بد کردار لیریکبار محافظه سرحد حیانتدن قصرید ایتدیله یرو منوال اوزره یگرچی
 برکونیکه سواران میدان جهاد و غزاشیمان ساز قلعه قاف قدر و قضا اولان
 شاهباز بلند پر راز فتح و ظفری شکار دام اقدام ایتلر جاسیله بی خواب و آرام
 اولوب اول حصار سربهمردارک جا بجاد رود یواری زیر و زبر * و روی دلجوی ظفر
 گوشه بکوشه جلوهر * اولماغه آغاز ایتدیکین ماه مریورک اون اوچنی کونی
 حصار یلرامد میددن بر وزیر دست قهر اسرده اولان احرار مسلمینی اطلاق
 ایدوب اول وسیله ایله استدعای عفو و عنایت سلطان ستوده اخلاق ایتدیله
 تیغ فرمانه تسلیم کردن رضا ایدوب نگاه مرحمت رجایه تدکلی جهندن
 بوماده تلر حسم و قطعی برخوای * مصراع * خون هر صید فرومایه نرزد
 شاهین * حکم شمشیره حواله اولیموب اراقة دملری روا کورلیدی ولایت
 نهمه ایله عمالک محروسه بنینده علاقه اتصال اولیموب ضبط نفوری متعسر
 و تسویه اموری متعذر * اولمغین تخلیه و تطهیر و ترمیم و تعمیر ایله تقید اولیموب
 اربابی یننده علی حاله ابقا یورلدی اثناء محاصره ده نهر طونه اوزره مخترع اسکندر
 اولمق ایله شهرت یافته اولان جشیره دلا نهمه و المان ایلاری قامم و یوده نام مرد
 ممتاز سربازانی ایله دستر دة غارتگران اولوب اول کشور معمور خاطر عاشق
 مهجور کبی سرحد عمارتدن صد مر حله دور اولمش ایدی اول جانبلر ده دخی
 زیاده مکث و آرام هجوم لشکر سرما ایله مستتب مع متاعب و آلام اولمق ایچون

مصحوب سلامت ممالک محروسه به عطف عنان مناجعت بیوریلوب مقابله
خدمتمند یکجهری به بیکراچه عنایت بیورلدی * نظم * چشم بد ازین دولت
بیوریلوادور * در رفتن و باز آمدن لشکر منصور * راهنمایی بهخت و اقبال برله
قطع مفاز و جبال بیوریلوب ماه من بورك یکرمی ایکنجی کونی ماهجه طوغ
خورشید ارتفاع بودین پیرامنده التماع ایدجکی روز فیروزده یانوش قرال
خطوات اجلال برله استقبال ایدوب اطلس مشکین تاریدده انتطاری پای
انداز شهر بار بلند اقتدار ایلدی اوطاق کیوان نطافه دل هم عنانلق شرفی احراز
ایدوب مظهر صنوف نوازش والتفات سلطان بنده نواز اولاد وغندن ماعدا مقدم
بودین خزینه سندن اخراج اولینان قورینه نام تاج مجوهر که زعم فاسد لرجمه
پاره پالان خر مسج علیه السلام اولوق اوزره ترصیع و تزینتده بی حد تکاف
اختیار ایتمش لیدی اول دخی کندویه احسان بیورلوق ایله کلا هکوشه
غیر و ابتهاجی هم سیرا کلیل نه کنکره آسمانی اولدی اول کل کلزار جها نمائی دماغ
عالم و عالمیائی نمودار ناجه مسلک تا تار ایدرک منازل نورد اولوب ماه ربیع الاول
اون دردنجی کونی تختگاه قدیم عثمانی قدوم بهجت لزوم سلیمانی برله شرف پذیر
ودیده اعیان شهر و دیار مشاهده دیدار مسرت شعار سلطانی ایله قریب * اولدی
نظم * باز تخت پادشاهی زینت دیکر گرفت * باز دیوان سلیمانی شکوه و فخر گرفت
تا تار آرد فلک بهر قدوم شهریار * کاسه پر کوهر افلاک را در بر گرفت
بومقاله وارث تخت و تکیه شهرزاده کزین سلطان سایم حضرت تلرینک سورموفور
الحبور ختان سعداقترانلری بیاننده در

آسمان ساخت در آفاق یکی سورچه سور * که ازان سور شد اطراف ممالک
مسرور * حیداسور سروری که اکر در نگیری * خانه زهره بود بر جی ازان عالی
سور * شهر یار جم جناب حضرت تلرینک آفتاب عالم تاب سلطنتلری پرتوانداز
صفحات کاینات اولوب دوات روز افزونلری بوماقیوم ترقی واز دیاد * و فرمان
همایونلرینه کهان و مهان اطاعت و انقیاد * اوزره اولاد وغندن ماعدا ذات ستوده
صفای تلری اجل نعماء نامتناهی الهی اولان اولاد امجاد احسان ایله معزز اولوب
قامت استعدادلری اول پیرایه ایله دخی معلم و مطرز اولمش ایدی * مصرع *
حمد المن من بعض آلائه الحمد * حقا که بوعطیه سینه بر موهبه بیبه در که
سلاطین پیشیندن نیچه پادشاه فلک تمکینه میسر اولادوغی جهتمدن * نظم *
عاقبت اولسه کرک پوشش تابوت فنا خلعت پادشاه و خرقة پشمین کدا

خواستجه کریبان جامه مستعار حیات بی ثباتی داین متقاضی اجل پنجه سته
 کیروب تخت سلطنتلرینه تخت تاپوب بش البدل اولدوقده خام ملک دست بیگانه به
 دوشوب صحیف روزکارده اسم و رسملری نایاب * وزمان خلافتلری مانند خیال
 خواب اولشد بر بنایه الله تعالی فروغ خورشید فروغ شجره نابت الاصل
 سلطنتل نهال قدموزون لطافت غمونی فیضان جویبار فضل ایزد متعال برله
 سرافراز اولوب سر و سدره سیبای قامت همایونلری کلشن مجدداقبالده
 بالاکشیده و ممتاز اولیجی رعایت سنت سنیه خمتانلری ایچون وزرای آصف
 شعور اعداد مهمام سور مورفور الحبور ایله مأمور اولوب اشاعت مرسم دعوت
 عام ایچون علی الاطلاق امر او حکام اتفاق سده سدره مقامی تقییل والتشام
 ایتملری باینده فرمان لازم الازمان شرف صدور بولدی * بیت * بفرمود سلطان
 صاحب قران * که ایمان عالم کران از کران * بیایندیکه سرسوی جشن سور * که
 همکام عیش است و وقت سرور * حسب الامر العالی آت میدانی حوالیسی خیام
 کردون قیام سلطانی برله مزین * وارکان بلند مکانه سیر و تماشا ایچون داکشاه
 گوشه لر معین * اولوب اول جای طرب افزایه ناظر اولان مهتر خانه حضرت
 سلطان سلیمان مکانه شرف اختصاص بولمغین عرش و فرشته ترتیب عجیب اوزره
 زینت وزیر ویرلای اسباب سور بر سر در مرتب اولیجی عام خسته انجام ست
 و ثلثین و تسعه صاته شوال المعظم ملک بکری برنجی کوفی میر علم و قوجی باشیار
 و سایر رکاب همایون خدمته مخصوص اولان اغار مطلع آفتاب آسمان خلافت
 اولان درد دولت مآبده اقبال مثال حاضر اولوب منتظر طلوع مهر سیمهر سلطنت
 اولدیلر اولدم شهریار چم چشم حضرتلری پرده ممرای عنبر کون شبدن
 خورشید جهان افروز ظهور و بروز ایتدو که کبی براسب مرصع لحام وزیرین
 سنام برله باب دولت مآبدن پر تو انداز اولوب هزار عز و ناز ایله آت میدانی جانبنه
 قصر یل رخس عزیمت ایتدیلر سر میدانده وزرای سعد اختر و بکچری اغایی
 و بلوک اغاری سایه آسا خاکبای عطر سایه رویال ایدوب سم سمند داپسند لرینه
 دامن دامن مهر و ایدو کمر انمایه تکریم و اعزاز ناز ایتدیلر نشیمنگاه سلطانی
 ذات سعادت سیمات سلیمانی برله رشک آوریمشت جاودانی ارایجی ارکان دیوان
 بلند ایوان تنیه سور سرور انجام ایچون حاشیه بساط دولت مناطی لب تجلیل
 و احترام ایله تقییل والتشام ایدوب هریری غلامان علیمان نژاد * و مر دم طبع
 صافنات جیاد * و مر صعات کران بها * واقشه رنگارنگ خوش غافلخاف و اهدا

ابتدا بپرس آنگاه دیوان همایون رسیده و وضع او اینسان خرمگاه فلک اشتباهه
 و اربابوب سعاد شاهی چکدی بر رسعه که کند مشکین بند عبارت کثرت قهصر
 آفریندن کوتاه اولوب کریمه فیها ما تشبهه الانفس و تلذ الا عین کویا آتک وصفه
 جمعی در کنار نشین سعاد حضرت شهریار اولان اعیان روزگار کجایش حوصله
 آرزوی قدر اول خوان مبدول الله مدنی زاله کیر و حصه مند اولوب کلسانک
 دعایی بلند ابتدا بیزات میدانی فضا سنده کویا کوب ساط و نشاط و انبساط بسط اولوب
 سو سود لکش نفسان خوش آواز صدای نای و چنگ آهنگ اولوق ایله غلبه
 سرور شعور اندازدن چپ عاشق بی باله کبی کریانلر چالک چالک اولوب طرف
 طرف تا تار غمزه دلبران ممتاز هزار عشوه و نلر برله کشور دل و جان تر کنانه آغاز
 ابتدا بیلر * نظم * زهر سومطربان زهره آهنگ * زده چمن طرب درد امن چنل
 نوا سازان نواها ساز کرده * سرود خرمی آغاز کرده * پیری پیکران جالباب شب
 برده سرای عنبر کون کرد و نده جلوه نما اولدغی دم سلطان فرشته شیم
 حضرت تری تخت دولت مدار اورزه قرار بیورب دهمه خروس زرین بال
 صبحه دلک انبازار اندازده مکنت و اقتدار لری قدر عرض صنعت و هنر ایلک ایله
 اول شام کلی قام صفا انجای غودار نهار بهار ابتدا بیلر * نظم * شه عالم آرا بعیش
 و طرب * زفر خنده فالی بسر بر دشب * چور روز دکر خسرو نیم روز * غودا ز نلک
 چتر کبی فروز * حضرت سلطان بنده نواز و عدو سوز استماع اغائی غوائی به
 اظهار میل و رعیت بیورمی ایله رامشگران خوش الحان و مطربان موسیقی دان
 آواز ضرب اصولی سمع زهره به ایر کورب غلغله سرور و شادمانی سر تکون
 طاس آسمانی به عکس اولدی * نظم * یابین بزمکاهی ساز کردند * کران فردوس
 رادرباز کردند * زبس عیش و نشاط و شادمانی * جهمان راتا زه شد رسم جوانی
 هر روز بر کونه سیر و تماشا و هر شب بر نوع ذوق و صفایله بزم عالمه دملر
 سور بلوب برغم اعدا استیغای لذات حیات اولندی * ماه ذی القعدة تلک ایکنی
 کونی وزارتدن متقاعد اولان پیری پاشا و زینل پاشا خدمت رفت و روب
 آستان بلند ایوانی عهده مژگان جان حواله ایدوب چشم یعقوب دیده لری
 مشاهده دیدار شهر یار یوسف لقابله قریر * و برک ذبول یافته خاطر لری شبنم
 التقات سلطانی ایله طراوت پذیر * اولدی پیرامن اقطار ممالکدن درگاه سعادت
 دستکاهه شعبده باز حاضر اولمش ایدی میدانه ناظر ایوانه غشاوه قلب عاشق
 کبی بر ستاره رفیق تعلیق اولیتوب حضرت شهریار عالی تبار درون سر پرده

خا ص د ن سیر و تماشای یورب رشحات کف محباب ادرار لری برله انصارت بخش
 حدایق آمال هنر مند ان روزگار اولد یلر * نظم * فرور بخت سلطان عالی تبار
 زرو کوه و لولوی شاهوار * زبس * کوه و زند که افشاند شد * زیر چید نش
 دستها مانده شد * طامضی بوزل در دنجی کوفی کروه بر شکوه یکجریان دعوت
 اولوب خوان نعمت بی ابتها دن سیر * واشتهایری قدر ناله گیر * اولد یلر اوج
 کوند صکره یکجری اغامی و بلول اغاری حسب العاده سور سمر ورا یچون مهیا
 و آماده اولان نخللری آت میداته کتروب خرده کاری استاد و نراکت صنعته
 دیده کشای غمنا اولانلر سنا به کزای حیرت اولد یلر اونجی کوفی پایه اربعین
 و مادونی اربابی اولان زمره مدرسین و قضاة و مستعدین و مشایخ خلوت کزین
 دعوت اولینوب مواید پرفوایدن حصه مند * و صنوف نوازش ملکانه ایله
 سربلند * اولد یلر اون در دنجی کوفی عمو مادرونی و بیرونی افالرد و حات روضه
 الصغای سلطنت حضرت سلطان سلیم خان و سلطان مصطفی و سلطان محمدی
 اسکی میرا دن آلوب با هزار توفیر و اجلال حضور همایونه ایصال ایتدی لراول
 کون دعوت هام اولوب ساکنان زوایای عالم سباط عنایت بی غایتلر نده فراهم
 قلندری روزدیکر علی السحر اقتاب عالم تاب اوج ظل الهی تشریف بخش دیهم
 شهنشاهی اولوب اول مجلس کزینده میر عسکر عالی کهر و خواجه خیرالدین
 افندی و یاس پاشا و قاشم پاشا و روم ایلی و اناتولی قاضی عسکر لری و بیگلر
 بیگلری و خان زاده لر داخل زمره اصحاب عین اولوب وزیر اعظم سابق پیری
 پاشا و زینل پاشا و دیار شرق امر اسندن فرحشاد بیل و امر اء باندیره دن مراد
 بیل و قانصو غوری اوغلی و امر اء ذوق قدریه دن لطیف یل جانب یسار سلطان
 کان عین و بحر یسارده محرز شرف جلوس و قرار اولد یلر اول مجلس خاصه ارکان
 و خواص کاه نم شهبه برله تکمیل حظوظ جسمانی * و کاه نواله التفات سلطانی ایله
 تحصیل ذوق روحانی * ایدوب هر برینک کیسه آمالی درهم نوسکه نوازش
 شهریار عالی تبار برله مالی اولدی ارتسی شهنشاه برجیس فطنت حضرت لری
 مباحثه علمیه به اظهار میل و رغبت بیور مق ایله عقد مجلس انس اولینوب عین
 شرف قریب لر نده فاضل عذیم المدانی ثانی سعد نقتارانی شیخ مشایخ الاسلام
 حلال مشکلات ا نام کمال پاشا زاده افندی حضرت لری ایله مستند آرای صدر
 اناتولی قادری افندی و یسار معیت شعار لر نده علماء روم سربلندی خواجه
 خیرالدین افندی و بالانشین صدر عالی قدر روم ایلی فناری زاده محی الدین

افندی قرارداد * و سایر علماء فضایل انما بحسب المراتب چپ و راسته
 زانوشاده * اولوب بر حسب فرمان محتّم الاذعان سرچشمه ماه الحیوة علم
 و عرفان اولان زبان مجزیا نلرندن سورة فاتحه الکتابه متعلق اول دکوزلال
 غریب الانسجال نکات و دقایق اجرا یتدیلر که عنکبوت مشکین لعاب قلم بدایع
 رقم طرح ایلدوکی تار عنبر بارقه بر مجموعه ضبط و قمر برنه شیرازه اولماغه کافی
 دکلد رسمد طبع ارجمندی حله الکیمیه قضایلدی سابق اولان ارباب استعداد
 حائز هینه مر ادا اولوب صنوف نوازش و اکرام برله مقضی المرام اولدی لر بواسطه
 مرغوب اوزره بکرمی سکر کون صبح وشام مجلس ذوق و سرور آراسته
 و مهمات شادمانی و جهورنا کاسته * اولوب ماه مر قومل اونسکر زنجی کونی
 ابراهیم پاشا سراینده سنت سنیه ختان مرعی اولدی

بومقاله فرندوش بی هوشل کستاخانه اطواری تکرار باعث اختیار کاغه اسفار

اولدغی بیاتده در

رقزده خامه عباسی عمامه اولدغی اوزره که مددکاری فضل ایزد متعال
 و دستیارئ همت سلطان مخلد الاقبال * برله قلعه بودین فرندوش لعین
 کاشته لرینل نیجه تغلبندن انتراع اولینوب بر موجب فرمان جهان مطاع
 اقلید کلیدی تکرار یافوشه تسایم بیورلش ایدی برمدندن صکره فرندوشل
 کانون دروننه یمه آتش سامان سوز غیرت دوشوب عسکر نحوست اثر برله بودیتی
 محاصره * و یافوشه لایله اللی کون مطارحه قرعه مشاجره * ایتش ایکن یحیی
 پاشا زاده محمد بل سر عسکر ابراهیم پاشا لشکر سبل سیرایله یافوش امدادنه
 ایرشل اوزره در تخمینا فلان کون واصل اولور آوازه سن فرندوشه عکس ایدوب
 یوم موعود معهوده سمندره غازیلری ایله اردوی عدویه هجوم ایتکین اول
 شوم مذمومه باعث تزلزل اقدام اولوب تسخیر حصار ایچون همراه
 اتدوکی طوب و تفنگ و سایر ادوات آشوب و جنگی ریزان * و غایت حیرت
 واضطراب و نهایت عجله و شتاب برله کیران * اولدی بوکونه حرکت منتج
 الحرمانی محرله سلسله غیرت صاحب قرانی اولوب اول بی ادبی تازیانه تیغ بی
 دربع برله تأدیب ایچون سنه ثمان و ثلثین و تسعمائه رمضان المبارک کئل اونسکر
 طقوزنجی کونی لوای ثریا ساسی نصرت التواست عشاق هوای وغار جاسنه تکرار
 عرض شیوه زرنار ایدوب آوازه کوس و تغیر نین انداز قبه فلال اثیر اولدی * نظم
 اسب دوات زیران چتر ظفر بالای سر * فتح و نصرت پیدش و پس عون آلهی راهبر

«شهریار بلند اقتدار حضرت تباریک ثقرر عزم ظفر جزملری فرزند و شل و اصل
 صبح شعوری اولیبق کشته تیغ حیرت واضطراب اولوب علی زعمه
 تسکین نایره قهر و کین رجاسنه متغافلانه شاتنه مناسب هدا یا ایله ایلمی
 ارسال ایلش ایدی درخش مرصع شقه شهر یاری دستارچه زر نازین همسر
 اکلیل نه کنکرة پیرد و اراید رله قطع منازل بیوریلوب ماه شوالک بکرمی
 یدغی کوفی صوفیه صحراسنه نازل اولد قلنده پیام آور فرندوش بد کهر مرحد
 ممالک محروسه بی کزایتد و کی خبری واصل اولغین شهریار ظفر کیش خالک درگاه
 مر احم دستکاه لرینه قصبه نیشده روی مال ایتمک ایچون چاوشلار ارسال اولندی
 ماه ذی القعدة نل طقوزنجی کوفی قصبه من بوره ده نامه رسانلر شهریار جشید
 غلام و فریدون احتشام حضرت نلری درگاهنه ایصال تحف و طرف و تقبیل
 حاشیه بساط پر شرف ایدوب قرال خسران مال طرفندن عرض تحیت
 نیازمندانه به آغازایتد بار بوی پیام دروغ کلام بی فروغ اولوب مستقر سر مر عزت
 مصیر طرفنه تحریک رایات فیروزی ایات بیورلد قده اول بد کردار تکرار تجددید
 عهد ستکاری ایتمک متعین اولغین نیازنامه فرندوش بد نامه القای صبح رضا
 بیورلمیوب پیشکش و نثارنه تعلیق نظر قبول بیورلمدی فرانسه حاکی اولان
 فرنجیه قونام قرال که حکام فرنکستان میاستده وسعت ملک و کثرت مال ایله
 استیاز یافته اولوب شهنشاه مکارم دستکاه درگاهنه صداقت و نیک خواهی
 شرفیله سراقرازایدی سوابق اخلاصی لواحق اختصاص برله تشید و مبانئ
 خلوص و عبودیتی تمهید ایچون سلطان سعید عتبة علیه سله ایلمی ارسال
 ایتش ایدی کلاله طوغ سعادت فروغ سلطانی دماغ عالمیانی عنبر آکین ایدرک
 طی مراحل اولنوب ماه ذی الحجة الحرامک اوچنجی کوفی سرم صحرایی مرکز
 اعلام عز و احتشام اولد قده ایلمی من بورشعشه رکاب ظفر انتساب شهریار
 عالی تباری ضمیمه انوار دیده افتخار قبول وسیله نواب کامیاب ایله ادای خدمت
 سفارت ایلدی چونکه نتیجه پیام مرسل طرفندن عرض عبودیت و جانشیاری
 و تقدیم مراسم رقت و خدمتکاری اولوب مرات ضمیمی پوشیده ژنکار نفاق
 دکل ایدی منظور لطافت عنایت شاهانه و مظهر نوازش و التفات ملکانه
 اولوب طیب خاطر و صفای بال ایله قرالک جانبینه ارسال بیورلدی سرحد
 انکرو سده نوبت زن کوس استقلال و استبداد اولان امر املت مسیحه دنی برنی
 پتری نام شقی مادرزاد که مقدم ما بردشمن جانی النده مطموره نشین بند و زندان

اولوب جبل المبین همت سلطان بنو سیله سیله ساحه سلامت بهانه داد و غندن
 ماعد او سادۀ حکومت به تکرار وضع قدم استقراری بخش ایکن بر مقتضای حجت
 طینت نهانی اعادی سلطنت قاهره برله اتحاد و احبابا مال ورجل ایله انلاره
 امداد و ایدرایدی بو خبر منکر و اصل مع همایون شهریار داد کراولحق اعتقادی
 ایله اول سل بد نژاد ماه من بورلک اون اوچنی کوفی صوری حسن اتباع و انقیاد نه
 اعتماد اوسل صحراندرایت افراز عز استقبالی اولیجی مجازات اعمال خسبران
 مالی ایچون حسب الامر العالی اتباع و اشباع ایله مقرنین فی الامتداد قلعه
 بلغراد ارسال اولندی * مصرع * بدی راهم بدی باید مکافات * ماه من قومل
 یکریمی برنجی کوفی ماهجه اعلام سلطان آفاق خاین من بورلک کوفی ملک
 اولان شقوش نام حصار سیمهر ممدار پیرامنده لامع الاشراق اولیجی اهل ایسی
 شهریار استودم اخلاق درگاهنه عرض اطاعت و انقیاد مراجمتی تقدیم ایچون
 قاعه مفتاح حربی خدام سینه بلند هضاه تسلیم ایندی لرعام غصه الحجام تسع
 وثلاثین و تسعمائه محرم الحرام مثل سکر زنی کوفی شمت و داران و ریات
 سعادت آیات برله کوسل نام حصار اوکندن گذار اولنورکن سکافی تحریک
 بخت ناخر جام ایله ارات صورت عناده اقدام ایتمکین اماطه اذی قصد یله اول
 بیوجود لری عرض نه هوددن نابودا تمل ایچون حسب الامر التاخذ سرع سکر
 فیروزی اثر قلعه جانینه سوق کتابت ایدوب اول حصن حصین فصل نکین کبی
 هنر طوفان اماطه اولنلای سینه خون آشام شمد بر سبل سیر همته شد ز برتل
 اقدام ایدوب بدی سکر کون کاه شمشیر بازی و رجاده اندازی و کاه تیشه کاوی
 و نقب سازی ایله حصار یلری انداز و ترهب * و اول دغلبازان بی ادبی نادیب
 ایتمکین گرفتار مجلس حصار اولان برکشته روز کارل ماه من بورلک یکریمی برنجی
 کوفی کاسه چشم تضرع و نیلای آب اشک نداعت ایله مهر و سار ایدوب گوشه
 دایمان خواهشگری و شفاعت سرع سکر و نیلایه نشبت ایندی لر نظم * چود سخن
 بدست آیدت تلخ کام * بود جرم بخشی به از انتقام * خواسته بنام نمل تنافوا به
 بخش حسن رضا اولوب تدبیر و استیصال لرندن اعراضی * و اول بسلا لرلک قبالة
 اعماله وضع مهر عفو و انعامی * یو و لدی مدلت محاصره ده یغما کران سپاه
 اون بش کونلک یردک قراوضیاع برانتهای خلک سپاه ایدوب سرتاسر اول
 کشورده سنل آسپادن غیری طاش اوسته طاش قوملایر * نظم * بخارت
 شتابند اشکر همه * چو کرکان دونه سوی ربه * ز بکل اولدیر یوزه ناجام زره *

ببردند زکان تاراج کرد زخیره پذیرفت یکسرفتور زانبارشه ناب و راج مور
 بدرقه فضل آله برله عزم راه اولوب ماه صفر الحیرله سکرینچی کوئی قلایش نام
 منزله نزول همایون واقع بود و ما هجده ربات ظفر آیات اول مقامده لامع اولد قده
 سپاه نصرت دستگاهدن بزفرقه دفع مشاقه از دحام طریق ملاحظه میله
 پیشروانه حرکت ایدوب نظم بمساید غنودن چنان بی خبر که ناکاه سیلی
 درآید بسریندن حصه مند اولد قله جهندن نیم شب از آله کوفت راه و تعب
 ایچون بر صحراده غنوده بستر خواب آسایش و حضوری اولمش برکوار اولد
 توره نام قلعه بانی اولان کشتی غیرت دینیه اقتضایله لشکر فیروزی اثره ایصال
 کردند و ضرر قدنه کینگاه کینده مکین اولوب زیر کیم خفاده فرصت بین ایدی
 اول حالد مست شراب خواب اولان مبارزان زور و راو دینه علی حین غفله
 یلک اجال کبی هجوم ایدوب نره شیرعدوشکار رفته غفلندن بیدار اولیچ
 تسویه سطور صفوف و مقابله ضعیف سیوف میسر اولوب دم حله متر بازان
 طرفین ایله اوج کیر اولان آتش بالا کش حرب و قتال آنفالیدی که ایکی عسکری
 دخی خاکستر اید اول شب تیره بوقیره اوزره گذار ایدوب صاحب قرال شرفی
 نژاد هم و جلوه کر هر صه سپهر اولوب شب ظلماتی نهاد دیو شهر آهنگل ده ایز کریر
 ایتدو کی دم کشته نیروش شیر بوسته بند و زنجیر اولسان شرمه شیر و فساد مضیق
 دشوار گذار عت فراری بیش نهاد ایدوب معموره سلامت وضع قدم اید بجه
 افلر دخی اکثری افتاد چاه عدم اولدی نظم هیچ دشمن بد دشمن این نکند
 که کند مرد بخیر دیا خود سردار بد کرداری گرفتار قید اسار اولمش ایدی یوم
 ناینده تفصیل احوال گذشته ایله اول بحث بر کشته عراضه خدمت سلطنت
 قاهره اولد قده پاداش عملی تیغ شیر تیز جلاده خواله اولوب دلالت مشرفی
 پولاد نژاد برله مضیق بنس المصیر سعیر کوندردی ماه مرقومل اوز برنجی
 کوئی اوطاق کردون التباس غرادر جاس نام حصار بیر امتده طعنه زن قبه سپهر
 دوار اولد قده فرندوش بد سکر دار هم آشیانه عت اولوب منزل و ما واسندن
 اثر هویدا کل ایدو کی معروض رکاب شرف انتساب اولدی چونکه قرال
 بر کشته اقبالک معموره نما ایکی زیر سم ستور لشکر منصوره ویران اولوب دست
 غارتگران اول کشورله هر گوشه سن جیب مفلسانه دوندرد کندن ما عدا
 لغوزن زیاده قلعه و حصار بند کند و تهمیز اولمش ایکن قناعت اولنیموب لشکر
 انبوه ستاره شکوه برله ذنباله دو خصیم غائب اولتی نامناسب و اوجین مستقر

سر رسد سعادتمند مصیر طرفه اماله السلام قفول اولنوب ماه من بورک اون آلتنجی
 کونی نهر طروه وصول در بای مکرمت و نوال برله غرق عرق خجالت و انفعال
 اولدی آسولین اولنکه سی بانی اولان مردد و راندیش ارشاد عقل سلیم ایله
 صورت انقیاد و تسامیم کویستروب اول منزله محرز شرف روی مال خال در دولت
 نوال اولمغین قبالة آمالی امضای رضا برله موشخ اولوب دست غمناک برات نجات
 ویرلدی منزل مر قومده روم ایلی عسکری ایله وزیر کشور کشا ابراهیم پاشا
 پوزاغه جانبینه توجیه اولنوب سلطان عالی نژاد حضرتلری باغراد طرفه
 تحریک رایت توجیه پیوریدلر سردار نامدار طی مر اهل ایدرک ماه من بورک
 یگری یدنجی کونی خربوتیه نام حصار پیرامنده ضرب مظله قرار اولند قدده
 سکائی مداخل شهری کوچه بند ایدوب فرمان متختم الاذغانی پیرایه کردن
 امثال ایتمد کاری جهتدن سر عسکر خجسته اثر اشارتی اوزره سر رشته نزاع
 حکم حاکم حاسم تیغ بی دروغ ایله آن غیر منقسه مد منقسم اولوب شهری و شهر
 طعمه نهنگ آتش قهر اولدی بو حال زاجیه نام حصار سکاکنه موجب تیغ
 و انبساط اولوب غبار عرصه دار و کبر تنق بند ایوان سرمه رنگ فلک انیر و المازدن
 مقدم ظل ظلیل سایبان استیما نه شتاب ایتدیلر ماه ربیع الاولک بشنجی کونی
 پوزاغه اهالیسی دخی رایت افراز عزراستقبال اولوب عرض پیشکش و تشار
 و درخواست زهار ایتدیلر * مصرع * دولت آنست که بی خون دل آید بکنار
 خواستجه شمشیر شقاق و خلاف غلافندن اخراج اولمازدن مقدم سکائی کال
 عجز و احتیاج برله التزام باج و خراج ایدوب مقام انقیادده قیام ایتمکین پوزاغه
 تابع اولان ضیاع و بقیاع - مر تاسر مسخر فرمان داورداد کر اولوب ضمایم ممالک
 محروسه دن اولدی ماه مر قومل طقوزنجی کونی وزیر ارسطوتد بیراوسل
 حوالیسی مرکز اعلام اسلام ایتدکنه جوارنده اولان نهجه و بودغراد نام
 قلعه لرک ضابطلری فرش بساط مهمانداری مر اسمن اقامته شد منطقه همت
 ایدوب اول قلعه لری خلیفه کیسه سندن سردار نامداره تحلیک ایله رقبه لر برقه
 رقندن تفکیک ایتدیلر اون برنجی کونی خسرو عالی مقام حضرتلری مقابله
 باغرادده عنانکش شبد بر آرام اولد قلری دم سر عسکر نصرت اثر عسکر
 همایون سلطانی به واصل اولوب تقدیم العیار خدمات شایسته سی سنجیده
 معیار نظر قبول صاحب قرانی اولمغین خلع خسروانی زینت بخش قامت
 استعدادی اولدی اول منزله سلطان در بادل حضرتلریک بحر مواج

احسانداری و تلاطم الامواج اولوب شناوران قلم موج انکیز حرب و ستیز فطوطه
خوار بخت نافر باب انصام شهنشاه بجم جناب اولدي پارس انکاه دفعه الازد حام
اناطولی و روم ایلی عسکرته ضابطلری ایله اذن انصراف ارزاقی بیوریلوب
انجی قاپو خلقی ایله رهوار سریع السیر عزیمته ارخای عنان اولندی حشمت انبوه
برله طی دشت و کوه اولوب ماه ربیع ثانیل بکری اوچینی کونی کرسی زرکش
حشمتکای آل عثمانی بر تو خورشید جمال جهان آرای سلطانی بر لهر رونق پذیر
و تورانی اولدی * نظم * از پی مقدم فرخنده پیش تاب سهر * کرد شب غالبه آمیزی
و * بریزی

دار الخلافه بغداد بهشت آباد مخیر خومه حکومت لولجه قطع معرکه گاه
روز کارده ظهر ویدن اطوار عجیبه الاتاریاتده در

چونکه بنیای الله تعالی فرمان فرمای ربیع مسکون حضرت تارینک دو حه اقبال روز
افزونلری متشعب الفصول اولوب منهل عذب باب دوات انتسابلری کثیر الزحام
* و درگاه سعادت دستگاهلری حقم ارزاق خاص و عام * اولمشدر نامیافتگان
روز کار بر وسیله ایله سده سدره سیالری خدمت فراشته طلبکار اولوب تحصیل
دستایه سر بلندی ایتمیشلر ایدی اول سعادت مند اندن بری دارالاسلام بغداد
اولکه سنده علی طریق التوارث برمد تدن بروفت زن حکومت اولوب کشور
عراق عربده اعلاى لواى عدل و داد ایدن امیر ذوالفقار ایدی که خارستان
من رعه آمالی فیمن سرچشته عنایت شهر یاری برله کلخیز اولیق رجاسنه عثبه
علیه جام و جلالتجا * و ظلم و حکومتده اولان قاهه لر لشمه قتلخیز عبودیت
نامه برله درگاه سلطان نامه ارسال ایدوب ملحوظ لحاظه قبول اولیق رجاء ایتمیش
ایدی بوجعامله آشنایی بیگانه روش شاه بد گیش بد کنش طمع مناسب مجمول النسب
کوشکداری او ایحق قرب جوار و ارا یکن کندویه سرفرو اولنجیوب درگاه
پادشاه مراحم دستگاهه التجا اولندی بختدن سوخته نار عار اولدی و عیروز و الفقار دین
اخذ نار رجاسنه سپاه کینه خواه ایله بغدادی محاصره ایدوب نیجه ایام علوانیره
حرب و قتالان قبه نقره کوب چرخ برین تنور باز کوفه انشین اولدی لکن بیم
هیت شمشیر امیر ذوالفقار دامن مخدیره صابره پنجه تغلب ایشدرمه که سد
مانعت حکمکنین اباهن بجه موروثی اولان شبکه مکر و احتیالی اجمال ایدوب
اول امیر نامداری صورت اخلاصده اولان بعض خونه خواصی و ساططیه
تسمیه اقدام * و بطور عجزانه ایله شاهد ظفری آغوش مخیر و ام * ایلدی

شعر * ومن لم یتم بالسیف مات بغيره * تنوعت الاسباب والاداء واحد * چونکه
 رافضی * محمد مشرب طهماسب بد مذہب استہانت او امر و نواہی آلمیدہ
 حددن تجا و زاید و ب پرده برانداز حرم احکام اسلام اولدیغی جہتدن همواره
 اول منتہک حرمت الہی نازیانہ تبسغ بی دریسغ برلہ تعزیر * و شاہراہ شرع
 مطہری خار و خس زندقہ و الحاددن تطہیر * سیمیر ضمیر سلطان بالہ اعتقاد ایدی
 بو خبر و حشت اثر و وصولی باعث امضای عزیمت اولوب اتقام مہام سفر ہمایون
 ایچون رکاب طغرانتسابدن مقدم وزیر اعظم جانب حلب شہبایہ توجہ ایلہ
 ما مور اولدی پاشای منور حسب الامر سنہ اربعین و تسعمائہ ربیع الآخر سنل
 ایکنجی کونی دعای پادشاہ کیتی پناہی بدرقہ راہ ایدوب ضمان درک عون الہمدہ
 رہ نور د صوب حلب اولدی خاقان سعید سلطان بایزید حضر تلی سنل ربیعہ چین
 سفر انعام لری اولان خدامدن ایکن احراز شرف خدمت درک اھدن امتناع
 و شیطان قوی نام محمد اتباع * ایدن اولامہ بل نام نعل حرام نیچہ مدت ایران
 و برانہ رندہ ہرزہ کرد ککوچہ بازار فلاکت اولدقد نصکرہ ہزار جانور نل
 و زحمت ایلہ ازربا بچمان سلطانی نامنہ اولمش ایکن ظاہر اغوای شیطانی ایلہ
 ارتکاب ایتدو کی اطوار زمیۃ آلا نارہ ندامت و پشیمانی کوسٹروب خالہ آستان
 مجلد الاقبالہ روحال ابتھکین جیب تمناسی نقود مواہب نامحدود برلہ مال مال
 اولمش ایدی اول اثناسدہ امراء اگر اددن بتلیس حاکمی اولان شرف مہمی
 بالقبض نقض عہد و میثاق * و تاسیس مبائی خلاف و شقاق * ایدوب کریان
 عصیانندن باش چقار دینی معروض آستان آسمان نشان سلجانی اولمغین مرقوم
 اولامہ بل مہر شرفی مطمورہ نشین تلف ایدوب کندوسی بش الخلف اولقی
 بابتدہ حکم مخم القبول سلطانی شرف صدور بولدی بنابرین اولامہ بل
 ترتیب طبل و علم و احضار خدم و حشم ایدوب طور محتمل شمانہ ایلہ اول صوبہ
 روانہ اولدی بتلیس قربندہ صف سپاہ طرفین روبرو اولوب زد و برد خلائندہ
 شرف بی شرفل سد سودازدہ می آرایش نولک سنان اولمغین ہوادار لری بادبہ
 هول انکیز کریرہ وضع قدم ایدوب قطرات ابرو بہار کبی اطرافہ طاعلیدلر
 سر عسکر یسندیدہ شمایل طی منازل ایدوب چنار لونام منزلدہ ضرب حیمہ
 نزول اولندقدہ اول کشتنیل باشی ایلہ متعلقات و حوا شیشل رشتہ انتظاملر نہ
 عقدہ نفرق و تلاشی دوشدکی خبر بہجت اثری و اصل اولوب روزی رسان
 عالمان جناب جلالت مابندن من بعد دخی فتح و فیروزی روزی اولغاغہ براعدہ

استلال اولغین باعث اینسام غنچه خاطر عا ~~ک~~ر نظر مائر اولدی * نظم *
هر سده که ازو بنیافت کردن * آورد برش زمانه بی تن * دلالت رهبر اقبال برله خط
وترحال اولنوب ماه جمادی الاخره نل اوننجی کوفی آب بوی کشور عرب
محرر و سه حلب محط رجال اولدی اینام رومدن اروج بل نام غازی ضرب شمشیر
صبا عقه تاثیر ایله جزایر غرب دیارین داخل قبضه تسخیر ایدوب کرسی نشین
سلطنت اولمش ایکن تخت خلافتدن تخت تالونه تنزل ایتمکین برادری
خیرالدین بل سرر حکومته ترفع ایتمش ایدی بوخلالده ارشاد بخت مادر زاد برله
نجه باهر البهجه عبودیتی پیش نهاد ایدوب اون سکز باره قادر غه و کونا
کون تخت و طرف ایله آستان کردن نشان طرفنه اماله سکان عزیمت ایلدی
استانبوله وصولی وزیر مشتری تدبیرک حلبه توجه منه مصادف اولوب زمام حل
و عقد امور جمهور آصف آصف شعورک کف کفایتنه مسلم اولغین مظهر صنوف
نوازش والتفات سلطانی اولدقد نصکره قامت استعدادنه سزاوار خاغت منصب
جلیل ایله تعجیل اولغنی ایچون حلبه ارسال اولندی بر موجب فرمان لازم
الاذعان عنان عزیزی طرف شهباه ثانی اولوب صوابد پادشای کشور کشا اوزره
سنه منبروره رمضان المبارک نکل بکری ایکنجی ~~ک~~کوفی اول نهنل درباری
وغا قیودانلق خدمتیه کامروا اولدی شرفات بروج بمنع العروجی کنکره
سپهر دواردن بالاتر اولان قلعه وان که سد سدید کشور آرزو پایجمن در سردار
فیروزی شعارک حاکمه اقامتلی هنگامده مددکاری حسن تدبیر اصابت
پذیرری برله تسخیر * و خدمت حکومتی ایله شام بیکاری کیسی خسرو پاشا توقیر
اولنوب اول ایامده اخلاط و عا دلجوا زنام حصارلک مفتاحلری دخی مسلم
دست استحقاق سلطان آفاق اولدی اول دم که فراش باد صبا بسط غبرایه بسط
بساط ازهار و ریاحین ایدوب روی زمینی غیرت خلد برین ایلدی * نظم * شد
آراسته جلوه کاه چن * کل از خلوت آمد سوی انجمن * بجنبش در آمد سپاه
کیاه * جهازا گرفت آن نجسته سپاه * سر عسکر نامور عقد انجمن مشاوره
ایدوب اول مجلسده شاه کمره طرفندن محافظه بغداد پایسته می اولان سرخ
سرانه تیغ سرتیز برله سد راه کر را ایچون ر ~~ک~~کاب ظفر انتساب سلطان جم
جنابیدن مقدم اول جانبیه تحریک طوغ و علم اولغنی اوزره حسم اولنوب
بورای رزین سفیده معیار قبول اولمش ایدی دفتر دار اسکندر جلای و اولامه
بلکن خلافت کبرایکی پادشای کشور کشایی بورای قراردادده دن تحویل ایدوب

ماهی القعه نل بکر منجی کوفی عنان انکیز طرف خطه دارالملک تبریز اولاد یار
 بی دربی منازل و مراحل قطع و طی اولنوب ماهی الحجه نل بکر منجی طقوزنجی
 کوفی سعد آباد تبریز تلاطم امواج افواج سپاه برله دریای موج انکیز اولادی
 کیلان حاکمی اولان مظفر خان غاشیه اخلاصی بردوش * وجواهر کراشهای
 عبودیتی پیراهه کردن و کوش * ایدوب اون بیل تیرانداز ییاده عسکر ایل
 که هر برینل بازوی زه کان کینائی زرتوزندن شاهباز خد نل مجلا ییکان
 دلوز آهنل پرواز ایلسه ادناشکاری مرغ روح عدوی فتنه جوی اولور ایدی
 واصل معسکر فیروزی اثر اولوب خارج دایره اوهام مظهر فوازش واکرام اولدی
 کتدم نما وجو فروش برقاج دغلبازان فتنه انکیز صواب دیدی اوزره تبریز
 فربنده شنب غازان نام مقامده برقلعه بناسیچون تضییع مال و اتعاب رجال
 اولنوب اول طرفلری ابادی اعادیدن حفظ و حراست ایتمل ملاحظه سیله بی
 فایده قدر حاجتدن زیاده طوب و تغفل و مردان آشوب و جنگل وضع اولندی
 فی قلوبهم مرض * کریمه سنه مظهر اولان بعض ارباب غرض القاسیله حومه
 هیاسر باز زندن اون بیل نفر کزیده عسکر افراز اولنوب قزلباش بد معاش
 باغیرینل دوراغی اولان قزلبه طاعی لوث وجود شقاوت آلود رفضه
 و ملحدیدن تطهیر خد متنه تعیین اولندی لکن بوکار عاقبت مذمومل نتیجه می
 سپاه اسلامه باعث ترتیب پریشانی و هزیمت اولوب سر عسکر طرفنه سبب حقوق
 شرمساری و خجالت اولدی مقدمه مجرد استماع خروش جیوش غزا کاره برله راحله
 سامان و سکنیه ساحه سینه شاه کراهدن رخت آرام و قرار کورتوب اول بی عار
 آذربایجاندن خراسانه فرار ایتمش ایکن قزلبه طاع و قعه می و بعض مفسدین
 تقویت و تلقینی ایله تکرار خراسان دن طرف تبریز رجوع * واحضار ادوات
 کارزاره شروع * ایدوکی کوش گذار سر عسکر بلند اقتدار اولغین اول فتنه
 انکیز ایله مظارحه قرعه حرب و ستیز اولتی ایچون ساحه امنیه ورجاکی فسج
 الارجال اولان اوجان بیلاغی مناسب فهم اولنوب اول جنبه سوق کنایب
 اولندی * نظم * طرازنده ابن خسته رقم * چنین راند در فتح نامه قلم * خسرو عالی
 هم حضر تلمی دخی سنه من بوره ذی القعه سنل بکر منجی سکر منجی کوفی رفضه
 و ملحدینه دستبردمظفرانه کوسرمل ایچون شصت و وقار و عساکر ظفر شهاب برله
 طرف اسکداره گذار بیوردیلر اشکرا نبوه ستاره شکوه ایل طی دشت و کوه
 بیوریلوب سنه احدى واربعمین و تسعمائه ربیع الاول اینل بکر منجی کوفی اوجان

بیلا غنده شبدر شیرین حرکات خمرو ستوده صفات کرد عنبر بیری عطرهای
 دماغ منتظران اولدی * نظم * سپه راهمه دست و دل شد قوی * به اقبال
 صاحب قرآن از نوی * آوازه شریف سلطان پاک مشرب طنین انداز کوش
 طهماسب اول یعنی تاب آفتاب رکاب شرف انقبایه تاب نظاره کتور میوب غبار
 عرصه کبر و دارتقی بند بام کلی قام سپهر دوار اولما زدن مقدم بر خوای اذ جاء
 نهر الله بطل نهر معقل * راه کریمه عنایتاب اولوب بخدره ملک دست تصرف
 نواب کامیاب تسلیم ایلدی بنابرین سلطان المجاهدین حضرت نوری هنوز جلوسه
 استراحت ایتمیدن باره ادباره سبک ساز عنان مسارعت اولان بی غیر تله جام
 شمشیر خون آشامین تیراب مرکه اشرا بایتمک ایچون اوجان بیلا غندن علم افزاز
 عزیمت اولوب سمند سبک سیره ارخای عنان اتقیدر عسکر نصرت اثر دن بعض
 دلا و درلر اوکار نیجه مناسن خلاص رجاسنه کریزان اولان برینلر سرخ مرانی
 پابسته دلم هلاله ایلدوب سرشقاوت اثرلرین دانه سنک آسیای عدم ایتمشیر ایدی
 ماه ربیع الاخر ایکنجی کونی سرچم خانی مرکز اعلام عالمستان خاقانی اولد قده
 ساغر الماس رنگ بیجاده فشان تیغ بی دروغ سرکرانلر تنک تکمه خلعت حیات
 اولان خونین کله لری پیرامن اوطاق آسمان نشانده غلطان اولوب کوی چوکان
 یای رخس غزات ظفر تعات اولدی طلیعه سپاه نصرت دستگاه اول کرا هلدن
 نیجه قورچی رخانی بندکنده سخت پیوند ایلدوب رابع ماه منبرورده یکنجی خانی
 مضرب سرادقات حشمت و کامرانی اولد قده گرفتار قید اسار اولان متعینان
 خراباش پیرامن اوطاق جو زانطیاقده تیغ خونپاش برله صفحه روزگار دن
 تراش اولندی سابعه عقبه علیه سلطانیه جابو یک کشلرندن ایکن بعض امور
 اجلاسله شاه بحمه التجا ایلدوب طارم و خلیخال خانی اولان شاه رخ بل اوغلی محمد
 خان ارشاد فطرت اسلامیه ایلد عازم طریق سعادت رفیق الطاعت و انقیاد
 اولوب سادس ماه مرقومده قاجه سلطانیه محط رحل اقبال اولد قده پایتخت
 سلیمانی به رویال ایلدی اول منزله اولامه بل و مرقوم محمد خان و بعض سباق
 بیکاری نامزد خدمت محافظه عادبلو از روان و تبریز اولوب طوغ ظفر فروغ عنبر
 بیر شاهفته انکیر آرد نیجه همیدان اوزدینه طوغر لدی اول هکامده تا بیر شدت
 برودتن غدران و انهار صفحه سیم خام * و پاشیده دست حکاک روز کار
 اولان سود الماس برله ساهر مغیرا کافور قام * اولغیز یک شت خاله ناخفه
 مسلک تا تار قدر قد و اعتبار اولوب کیا مسیز یاره زمر د آسا کران بها اولمش ایدی

نظم * چرخ پوشیده رخ خویش بسجباب سحاب * در پس پرده شده مهر
 جهات تاب مقیم * اثر آتش سوزنده چنان شد باطل * کاندرو کشت عیان معجزه
 ابراهیم * لاجرم متاعب سفر زمستانی پنجه تاب توان و تاب سپاه صاحب قرانی
 اولوب منازل و مرا حلد و خصوصاً قرقه قان در بندنده چکن محن و آلامی
 اعلام خارج عهده اقلام اولمغین ادهم موزون خرام خامه اول وادیده کشیده
 عنان اولدی داور کردون شکوه حضرت نلری حشمت انبویه برله خورشید آسمان
 کرد که منازل نور داولوب ماه منورک اون طقوزنجی کونی لعلین چن نام منزل
 مرکز ریات شهر یار دیر یادل اولوب یکری برنجی کونی شهر همدان پیرامنده
 نصب خیام کردون قیام اولند قدده شاه شیا طین سپاهل خرویه و آق کوه اوزرندن
 آشوب صعب المثال امام سهل علی طرفلرینه آهنل فرار ایتدو کی اخبار اولندی
 قطرات ابر بهار که بی حد و شمار عسکر جراریله دنباله دو خصم بی هار اولتی
 حد امکانندن گذران اولمغین لجام اشهب کبل خراملری اصل مراد اولان سمت
 بغداده اماله بیورلدی یکری سکرنجی کونی اوپس قرنی منار مغفرت مداری
 قریبه شرف نزول ارزانی بیوریلوب سایه سایان آسمان نشان غره شهر جمادی
 الاولی ده ماهی دشت نام مقامه و در دنجی کوتنده اصحاب کرامدن شمس علمدار
 منزلته دوشدی اول محله دار الخلافه بغداد محافظی اولان تکلی محمد خان
 طرفندن نامه رسان کلوب کنف مظله امن و امانده همخوا به اطمینان اولتی
 رجاسنه حلقه جنبان باب استیمان اولدیغنی عرض و اعلام ایلدی مسئولی قرین
 قبول اولوب خلغ فاخره و امان نامه ایل اول پیام آور برسیل تعجیل ینه کندوبه
 کوندردی سادس ماه منورده شاهین قلعه سنه وصول میسر اولوب طقوزنجی
 کونی قصر شیرین آرامگاه بارگاه خسرو خورشید تمکین اولدی شمران نام نهر
 عظیم که بین العوام طقوز اولم دیملکه شهرت یافته در زارین و خالص ارغی نام
 صولر مساعده باران برله طغیان ایدوب دزدان راهزن کی قطع طریقی ایتمکین
 حین عبورده بی حد اجمال و جمال سیلی خور تعاقب امواج اولوب دفع چشم
 بد ایچون بعض شناوران لجه مردانکی و شجاعت دخی غوطه خوردربای
 مغفرت اولدی * نظم * سپند اگر چه در آتش نهند رسم اینست * سپند لشکر
 صاحب قران در آب بسوخت * اول کون بغداد حاکمی محمد خان که مقدما قریع
 باب استیمان ایدوب در امید کک شاد بولمش ایدی کله بی دواق خرسنل
 بیابان فنا اولور اعتقاد یله سر رشته اختیار دست اقتدارندن ساقط اولوب

راه کبره عنان انکیز اولدیغی معروض رکاب مسطتاب سلطانی اولغین
 بموجب حکم همایون سلیمانی وزیر ستوده تدبیر بال استجالی بازیدوب ماه
 منور لیکر می ایکنی کوفی بغداد بهشت آبادده آشیان ساز اولدی ماه منور قومل
 یکر می التخی کوفی شفق علم عالم آرای صاحب قرانی دخی سواد عراق عرب به سایه
 انداز امن وامانی اولوب اهالی بغداد سم سمند شهنشاه عالی نژاده دامن دامن
 مهر و ارید کرانمایه تکریم نثار ایتدیله * نظم * چو مرغ مهر خیز قریاد کرد * علم
 بر سر شط بغداد کرد * زماه علم روی شط بهر یاب * شد از برج آبی همان آفتاب
 بنیروی بخت و بیازوی کین * عراق عرب آمدش در نکین * اوطاق کیوان نطق
 مقدم شرف تواملری برله همسر طاق نه رواق اولمازدن مقدم امام بزرگوار همام
 فردوس مدار بنوع علم و حکم امام اعظم حضرت لرینک منار لامع
 الانوار لرینی زیارت بیورب روح بر فتوح لرندن استمداد و استمدای همت
 بیوردیلر تحمل بار مشاق اسفار برله قامت اقامتلی خیده اولان امر اءکار دیده
 وعساکر محنت چشیده به مناسب جانب لر مشتتا تعیین بیوریلوب ماه جمادی
 الاخره نل بشخی کوفی سلطان سلیمان نکین حضرت لری نمونه نمای نگارستان چین
 اولان سرای سرور افزای تشریف قدوملری برله غیرت نزهتسرای خلد برین
 ایتدیله مرقد رحمت مرصد حضرت امام فردوس مقام اولان قبه نل مرور
 احوام و مشهور و تصادم صباود بورایله صفحات حیطان رفیع البیاننده صورت
 انهدام غمیان اولوب هر کوشه سنده جهد خرابه نشین آشیان ساز و ممکن
 اولمش ایدی فرمان سلطانی اوزره اول مرقد نورانی تعمیر * اطراف و اکسافی
 تطهیر * اولنوب کل غذاء و عشی واردین و صادرین تغدی و تعشی ایتل
 ایچون بر عمارت پر نعمت ترتیب و ایجاد * و ابادی متغلبه دن حراست ایچون
 اطرافنه بر حصار سپهر مدار بنیاد * اولندی کذلک مقبول درگاه محمدانی
 * مسیح عبدالقادر کینلانی * حضرت لرینک جمیع حجت رجائی اولان مضجع
 نورانیلری مانند قوای پیر فرقت بلکه او هن من بیت العنکبوت اولوب اول دنج
 شایکان مقیم کوشه و بران اولمش ایدی حسب الامر العالی منار مغفرت
 مدار لری اوزره قبه آسمان وش بر کنبد دلکش بنا اولنوب قرای اهالی شهر و قری
 و اطعام ارامل و فقر ایچون بردار الضیافه تمیه و احضار اولندی سلطان عالی
 نژاد حضرت لرینک بغدادده اقامتلی مدتده مددکاری همتلری برله مضافات
 بغداددن اولان هارونیه و حله و شهربان نام قاعه لر و لورستان و واسط و مشعشع

و جزایر و قطیف و بحرین مسخر فرمان سلطان البرین اولوب اول اماکن و بقاع
 قرالساب شهنشاه جم جناب برله شرفیاب اولدی * نظم * جهنم * حکام دل
 و کام دل بحسب مراد * زمانه تابع فرمان و آسمان منقاد * نشسته فارغ و فرمانبر
 آنش عالمگیر * عد و کریمت و بازماند کانش اسیر * خراسان خانی اولان قاضی خان
 آستان دولت آشیان سلیمان عبودی بی رأس المال سعادت دو جهانی * و وسیله
 حصول امنیه و امانی * اید و کن تعلیم عقل سلیم ایله ازغان ایتمکین شهر رجب
 المرجبل یدنجی کونی حائز شرف تعیل کوشه بساط سعادت مناسط اولوب
 خاطر خواهی اوزره لورستان بکرب کیلکی احسان بیورلدی کذلک بهمه
 جانبیرینک حاکم مطلق العنانی اولان راشد دخی ارشاد بخت مادر راد برله
 شرفیافته دامن بوس عزت مأفوس اولوب قرین توقیر و اعزاز شهنشاه بنده نواز
 اولادی دقتدار اسکندر چلبی حقنده حرف کیران کینکاه نفاق هم زبان اتفاق
 اولوب مقدم ماخس و خارا سند مال میکن ایلله سرچشمه خاطر الهام مظاهر
 شهر یاری متکدر اولغین خار عزل و نکبت بیس البدل نشوه رحیق دولت
 اولمش ایدی شهر رمضان المبارک سکرنجی کونی اول صدر نشین مجلس رفعت
 و اعتبار نشین سازبالای دار اولوب ماه سمریج السیر عمری گرفتار هفده محاق
 اولادی * مصرع * بی چاره آنکه از نظرش آفتاده دور * ماه مزبور کاون سکرنجی
 کونی شهر یار عالی تبار حضر تلی ارکان دیوان بلند ایوان برله سبک عنان عزیمت
 اولوب شرزه شیر محارب * اسد الله الغالب * همسر فاطمه زهرا * داماد جناب
 حضرت مصطفی * علی عالی قدر کرم الله وجهه و رضی الله عنه هر قدم مغفرت
 هر صد لری ایله شجر اخ خانواده نبوه * میوه نخل برومند باغ رسالت * وارث
 علوم خیر البشر * ثالث ائمه اثنی عشر * امام حسین شهید رضی الله عنه مزار
 رحمت مدار لری زیارتیله استسعاد بیوردی بر شاه فتنه انگیز کنج کیزده هم اشیانه
 عنقا ایکن پس پرده اختفاد رونما اولوب تبریر اوزرینه هجوم منتج الحرمانی
 محافظه به مأمور اولان نیل خواهان سلطنت آل عثمانی به باعث تفرق
 و پریشانی اولدیغندن ماعد الاولامه پاشا و انه تحصن ایتمکین انی علف تیغ تلف
 ایتمک ایچون قلعه وانی محاصره ایتدو کی مرفوع پایه پسین تحت سلیمان اولغین
 دیار بکرب بکرب کیسی مجلا اولامه به امداد ایدوب عومام شتاده اولان امر
 و عسا کردخی التون کوهری مقابله سنده کولنده نام مقامده معسکر فیروزی
 اثره ملتحق اولمالری ایچون اطرافه مؤکدا و امر شریفه ارسال بیوریلوب

ماه شوال سکر بنی کوفی سلطان آفاق کبر شرف افزای افسر و سریر حضرت تلی
 حاضر سپاه ایله متوکلا علی الله خطه دار السلام دن تبریز طرفه قهریک اعلام
 بیوردیلرشمربار بلند اقتدار حضرت تلی بنک اخبار حرکت منتیج البرکت تلی
 طم ماسب بی عارک کوش کذاری اولیجی * نظم * آمازین بخت و از کون که
 مراست * وای ازین طالع زبون که مراست * دیرک سر سودا زده سن برغبار
 انکسار * و دست غم برله چاک کریان اصطبار * ایدوب رهبریاس و حرمان برله
 هاضمه و اندن محافظه تبریزه روگردان اولدی اول کرک یاران دیده کنار سلامت
 وضع قدم ایدیلجک شیران یشه زار شجاعته خواب خرگوش ویرمک
 ملاحظه سیله ظاهر ارتکاب ایتدوکی کارنا هموار عصیان توبه ویشجانی یوزندن
 نظم * ازمن کنه آیدومن اینم * از تو کرم آید و توانی * مضبوطی اوزره استدعای
 عفو جرایمی متضمن عبودیت نامه ایله الیجی ارسال ایدوب ماه ذی الحجه نل
 یکریمی برنجی کوفی صاری قامش محل اسایش داور دیار دهش و دارامنش اولد قده
 پیام اورشاه بد اختر واصل معسکر فیروزی اثر اولوب وسیله نواب کامیاب ایله خط
 خوبان کچی اول من ورنامه بی سلطان انامه ایصال ایلدی طم ماسب برکشته
 اقبال اقوال و افعالنده عهد و نکث توانان * و وعد و خلف رضیعی ایسان
 ایدوکی دلائل عقلیه و براهین نقلیه ایله مثبت اولغین پیام دروغ و کلام
 بی فروغی سمع رضا برله اصفا بیورلدی و مثل مستحسن * فی الصیف ضیعت اللین
 برله اول فتنه فن جاننمه جواب یاس ابلاغ بیوریلوب * نظم * اگر مر دکاری
 نیفشاریای * من ایتل رسیدم نکه دار جای * تا که پس پرده نقد برده خنی و ستم
 اولان امور جلوه کرمنصه ظم وراوله دیونامه رسان شاه کمر اهه تلخاب تقرر حرب
 و قتال اشراب ایتدیلر بو خبر و حشت اثر خواجه بازار مکر و آل شاه بدفعاله
 تبریزه واصل اولیجی استیلای سپاه حیرت برله انده اقامته اقتداری اولوب
 اصفهان قاجدی رونق ده مسند شمشاهی حضرت تلی دخی رهبر توفیق آلهی
 برله منازل نور اولوب ماه مرقومل یکریمی طقوزنجی کوفی سعد آباد تبریز کلا له
 طوغ مشل بیبر برله عنبر اکین اولد قده جام مراحم سلطان جم آیین فیض شربت
 شفا سازانعام عام ایدوب یکجیری و سپاه مظهر ترقی و احسان شهنشاه مکارم
 دستگاه اولدیلر سنه اثنی و اربعین و تسعمائه محرم الحرام ایتل یکریمنجی کوفی
 فرمان فرمای کشور عجمی یاسبان شهرستان عدم ایتل ایچون نکرار رکاب
 همته وضع قدم بیوریلوب بعد طی المراحل ماه صفرک اوچنجی کوفی در کرین

قریبده ضرب سرادقات شهریار بر کزین اولند قدہ طهماسب بد کردار طرفند
 تکرار ایلی کلوب مژسلی جانبندن امید نجات ورستکاری برله سراغاز نشیده
 تضرع وزاری ایلدی * نظم * بعدر خطاها لب آراسته * کناهان بکذشته در
 خواسته * که کردامن عفو شاه جهان * شود سترپوش کناه کهان * بخند متکری
 جانسپاری کنم * بران رای نیل استواری کنم * ازین پس سرما و آن آستان * که
 هستش لقب قبله راستان * نیچه مدت دخی کشور ایران لکد کلوب سم ستور
 لشکر منصور اولسه شاه کمره بخار خمار ملاحظه عاقبتدن سرکران اولوب پای
 مقاصوتی لرزان اولغین کنج اختفادن رونما اولوب سر بازان میدان مغازی برله
 معرکه افراز عرصه شمشیر بازی اولق امر محال ایدوکی واصل سرحد علم
 الیقین اولغین العود اجد و فقهجه اسعد از مانده طرف رومه عطف عنان
 بیوردی رابع شهر ربیع الاولده قصبه خوی مقرر ادوی کهان پوی اولوب
 شمس تبریزی حضر تلخیز زیارت بیوردی بربتلیس حاکی شرف بی تیرک میدان
 حرب و ستیز ده سرب بی سعادت بیسته فترالهن بران فتال اولوب مجازات اعمال
 خسران مالنی استیفا ایدوکی که مقدمار قزده کال کهر ریز اولمشدر پس قلمرو
 حکومتده اولان طایفه اکراد بدنهاد سالک اولدقلری طریق بی توفیق
 عناددن جاده مستقیم اطاعت و انقیاده عطف عنان عنایت ایدوب بتلیس
 حکومتی شرف ناخلف اوغلی شمس الدینه ارزانی بیورلق باینده عمان بی کران
 رافت سلطانیدن قطره عنایت رجا بتکین تضرع وزیر لری محمدرک درباری
 عاطفت شهر باری اولوب مسئولری قرین قبول اولمش ایدی ماه مهر قومل
 اون دردنجی کوئی قلعه ارجیش قریبده صاحب قران ظفر کیش حضر تری
 نصب خیام عز و احتشام بیوردی قلرنده مزبور امیر شمس الدین موکب نصرت
 قرینی استقبال ایدوب زیر فرمانده اولان قلاع مفتاحلری برسم پیشکش عتبه
 جاه و جلال خدا منه تسلیم ایلدی امیر شمس الدینک دست آویز مستمندانه سی
 منظور نظر قبول سلطان فرزانه اولدقد نصکره ینه کندویه عنایت بیوردی بعقدن
 ماعدام نظم رصنوف نوازش ملاکانه اولدی * ماه ربیع الآخر لیکرمی اوچنجی
 کوئی شهر آمد مخیم شهریار کثیر المحامد اولوب بعض مهمام اقتضاسیله
 یکرمی کوندن و تجا و زاول مقامده آرام اولندی ماه جمادی الاولینک یکرمی
 سکرزنجی کوئی حلب شهباده ضرب خیمه و خرگاه اولنوب اول خطه دلکشاده
 سکرز کون ازاله کوفت راه بیوردی قد نصکره جانب تختگاه سوق مدینه عزیمت

یورلدی شهر رجب الحرام اولون دردنجی کونی ذات ستوده صفات سلیمانی
استانبول سکا ننه مایه بجهت وشادمانی اولوب مشاهده دیدار فرخنده انار
سلطان ارجند شکرانه سی ایچون نفس قسطنطنیه ومضافاتند بئش کون بئش
کیجه آیین بند اولدیلر کچه دستیارنی عنایت باری و همت شهر یاری برله
دارالسلام بغداد مضافات ممالک محروسه دن اولوب کشور عجم بایمال مطابای
سپاه ظفر و دستگاه اولدی لکن غایه الغایات امنیه وآمال * و نتیجه مقدمات
حط و تر حال * اولان اعدام و تدمیر شاه کمره صورت پذیر اولدیفی اجمال
و تقصیر و سوء تدبیر و زبردن ناشی ایدوکی بعضی دلایل وشواهد ایله ثابت الهی
اولدیفقدن ماعد اسودای وسوسه فرسای باطل اقتضاسیله اول نادان مرا سیم
ومنشیرده ممر عسکر سلطان عنوانن اختیار ایدوب بلسکه گرفتار دام خیال
محال شرکت سلطنت اولدیفی مرآت بال صفامآل سلطان مخلص الاقبال
اوزره منفکس اولغین ابراهیم پاشانل آفتاب دولت و اقبالی گرفتار عقد
زوال اولوب ماه صیامل یکرمی ایکنجی کیجه سی صبح حیاتی شام ماته مبدل
اولدی * ذلم * چنین است رسم قدیم سپهر * که بر تو کینش بود کاه مهر
* چنین است این این بی وفا * چونوشت دهدنیشش اندرقفا * زمانه بیل
رنل نبود مدام * کمی صبح پیش آورد کاه شام * فلاک چشم ازان صبح
روشن نکرد * که شام از شفق خون بدامن نکرد * نشد ممر خوش از جام عشرت
کسی * که ناخوش نه کشت از خارش بسی

بومقاله سلطان جوان بخت فیروز روز صاحب قران بنده نواز و دشمن سوز
حضر تری بدرقه تأییدات نامتناهی آلهی برله غزای غرای کور فوزه توجه
بیود قلمری بیاتنده در

وندیک قرالی اولان دغلبازفته ساز که ظاهرا خانواده عظیم الشان عثمانیان
عبودیتی طراز جامه مباهات و افتخاری اولوب صورت فرمانبری و اخلاص
اظهاری ایله همواره نوازش والتفات شهر یاری اوله کلش ایکن نهانی اعادی
دولت روز افزون سلیمانی برله اتحاد اوزره اولوب سرچشمه اخلاص و وفاقی
خس و خار غدر و شقاق برله متغیر ایدوکی غیر واحد سلطان کشیر الحامد
حضر تریلن رکاب سعادت انسا بلرینه رفع اولغین اقتضای ابدی که اول
مناقل لایق اولدیفی جزاء سوء صنعی ویریلوب عصبه بازوی غضبه فتور کلجه
تادی امر نده اهتمام اولنه بنا برین بره وجب فرمان سلطان جمشید نمکین

وزرای ستوده رای تدارک لوازم و مهمام سفر مقرر الظفر امیر تده شمشیر ساعد اتمام
ایدوب حسب العاده اسباب کشور کشایی حاضر و آماده اولاد قد نصکمه سنه ثلث
و اربعین و تسعمائه ذی الحجه سنک یدنجی کوفی حلقه لوپکار نام مقامده احضار
اولانان اوطاق کردن نطق شرف مقدم سلطان آفاق برله غیرت چادر نیلی رنک
فلان اطلس * و رشن آو رطاق بلند رواق سپهر مقرنس * اولوب برکیجه اول
مقامده بسط بساط آرام * و صبحدم صوب مرامه اماله لجام اشهب زرین سنام
بیورلدی ماه مر قومل اوانتخی کوفی صحرای ادرنه خیمام رنکارنک ارباب
حرب و جنگل برله نقش بوقلمون کوسترب اهالی شهر کران پهاطلس و دیبالی
پای انداز شهریار بنده نواز یتدیلر حشمت و کامرانی برله تحریک اعلام عالمستان
خاقانی بیوریلوب سنه جدیده محرم الحرامنک اوان دردننجی کوفی اسکوب
صحرایی سرادات سلطان برله طعنه زن ساحة پهنای آسمانی اولاد قد قبطیان
بکندن رفع رقعته شکایت اوانتخین اول ستمکار بردار اولدی ماه مر قومل یکرمی
طقوزنجی کوفی چتر همایون هما پروازا بلبل صان قرینده سایه انداز اولاد قد شهریار
عالی تبار حضرت تلی غماشای معرکه کیرودار شکارا یچون اسب صبار فتاره
سوار اولوب خدام بلند مقام اول صیدگاه نشاطان کیزده چرنده و برنده به سدره
کریا یتدیلر حسب الاشاره بر طرفدن دام پنجه بازان تیز جنگل برله کبل و تیهوی
کرفتار دام هلاک * و بر جانبیدن سکان شیر آهنل ایله شجیر و آهوی افکنده
روی خاک * ایدوب اول صحرایی رشاشه خون جانوران ایله لاله ستانه دوندردیلر
غره ماه صفر المظفرده اولونیه صحرایی مرکز ریایات فیروزی آیات اولاد قد رعایا
وزیردستان سده آسمان نشانه رفع رقعته نظم ایدوب اول طرفده بعض مظالم
پیشکان ستم پردازدن دادخواه لعه آغازا یتدیکین علم افراز جور و بیاد اولوب
دایما ابراه زناد فتنه و فساد اوزره اولان اشقیما فصل قاضی ماضی الحکم شمشیر
حواله اولنوب * مصرع * که مرک خبر بود سل راعروسی * خواسنجه لاشه لری
طعمه مرغان هوایی و خورش حشرات و وحوش صحرایی اولدی * شعر
سقی الله امننا تحت ظل وجوده * فصارت بهذا خیرارض و مسکن * فلازال
سلطانا علی الارض کلها * و منه الوری فی خصب عیش و مأمن * چونکه سلطان
سعید حضرت تلی همواره مزید تأیید ملک مجید ایله ممتاز * وقامت استعداد لری
همیشه خلعت والای کرانهای نصر من الله ایله سرافراز * اولوب مرآت
مجلای تیغ بی دریغ لری مجلای صور فتح و ظفر اولقی مقرر در بعض کتب

تواریخده محرر اولدیغی اوزره بوسفر جلیل الاثرده دخی و ندیک قرالک زیر
 فرمانده اولان دولته سبغاغی مسلم دست اسحقاق سلطان آفاق اولوب بی نزاع
 و خلاف * و تحمل مشاق قتال و مصاف * مسخر فرمان نه بر بار بلند اقتدار
 اولدی * نظم * بشاهی که اقبال رهبر شود * سواد جهانیش مسخر شود * بهر
 جا که روی آورد رأیتش * حصول ظفر میشو غایتش * بدرقه اقبال برله
 بوغزای غریبه توجیه رایات جاہ و جلال بیورلد قده لطیفی پاشا سر دار تعین
 بیوریلوب ایکی بوز سکیسان پاره قادر غه ایله طرف بچردن اول جانیه ارسال
 اولمش ایدی اولونه ده محرز شرف بساط بوس اولوب روم ایلی بکتریکیمی
 محمد پاشا دخی عمو ماروم ایلی عسکری ایله کبلره تحصیل اولنوب پویه بقه لرین
 سوخته آتش غارت ایتل ایچون ارسال اولند قدنصره پادشاه ظفر دستگاه
 حضرتلری تبدیل هوا ایچون قودس بیلاغی نام خوش هوا مقامده ضرب
 خیام آرام بیوروب وزیر ثالث مصطفی پاشا ناطولی عسکری و قاپوخلقی ایله
 عاصی ارناود عنود لرین تازیانه تیغ بی دروغ برله تعزیر * و اول کشوری لوت
 وجود لرندن تطهیر * ایتل ایچون صوب مزبوره توجه ایله مامور اولدی
 مساعدت باد مراد برله سفاین ظفر قراین پولیه طرف لرنده لنگر اقامت براغوب
 سپاه اسلام کفره ثامن مدار استظهار لری اولان نیچه حصاری تیشه همت برله
 توده خاک * و جاربو یغما و غارت ایله سکیسان پاره معمور قریه بی پالک
 ایتد کرند نصره بادبان عزیمت کشاد قیلوب ماه ربیع الاولک بشنجی کونی
 اولونه ده تکرار محرز شرف بساط بوس اولدی پلر اویه فتح و ظفر دخی دلیران نازر ورور
 کی بخت و اهترازه آغاز ایدوب ماه مزبورک یکرمی بدنجی کونی ماهیچه اعلام
 سلطان فیروز روز کورقوز مقابله سنده عالم افروز اولدی اگرچه قرق اوج کون
 عسکر اسلام جانب برو طرف بچردن مراعات شرایط قلعه ستانی خصوصنده
 صرف نقدینه اهتمام * و اول مدتده بوز قرق پاره معمور قریه بی ویران و اما الیسنی
 برده سیلاب تالان ایتل خدمت لازمه سفی اتمام * ایدوب مساعدت قضا
 و قدر ایله شاهد ظفری آغوش تسخیر آفاق شود اسیله بی خواب و آرام اولدی
 لکن فصلین خریف و شتاینلرینه کمال برودت دوشوب امتزاجدن قالدیدی
 جهتدن جمعیت دل مجاهدین دشمن کسل پریشانی خاطر مهول اولوب خاصه
 سفرد یازمانی مدت عمریدخواهان دولت روز افزون آل عثمانی کی منقضی
 اولغین طونقنای همایونه عوده رخصت و بریلوب * الامور مرهونه * خواستجه

اطهر و نتیجه کلی وقت آخره توقیف اولفق اوزره شهر ربيع الاخره اونی دینجی کوفی
 بیت الشرف سلطنت طرفنه تحریک رایات جاء و جلال بیورلدی طی طومار
 اسفار اولونوب ماه جمادی الاخره نیک اونی سکزینجی کوفی بیلک شمال اقبال
 استانبول سکانمه مرده درس قرب هنکام وصال اولمغین کیم ترومه ترطوغ ظفر
 فروغی استقبال ایدوب غبار قوتیا عیار سم سمند داپسند سلطان ارجندی کل
 روشنایی بخش دیده افخارایتدیلر * نظم * قضا زدره خالصم سمندش ساخت *
 ذرور دیده خوبان خیل رضوانی

بومقاله سلطان عالی نژاد حاضر تلی ترفیع رأیت جهاد بیوروب عون سبحانی
 برله ولایت بغدادی مسخر فرمان شمشیر تسخیرایتده کاری بیاننده در
 سلطان سعیدخان بایزید ایام سلطنت قاهره زننده ضرب شمشیر صاعقه تأثیر
 برله آب روی ولایت بغداد آق کرمائی مضافات ممالک آل عثمانی ایدلدن
 برو بغداد حاکم لری ابقای نکین و تاج ایچون التزام جزیه و خراج ایدوب آسوده
 حال ظل ظلیل امان * وغنوده پستراطمینان * اولمشلرایکن بطریق انتقال سریر
 حکومتده تکیه زن و سواده استقلال اولان پتره نام سل بی دین تحریک اشرا
 و مفسدین ایله اطهار آثار عجز و احتیاجدن عار ایدوب درگاه مخلص الاقباله سال
 بسال ارسال ایده کلد کمری مال خراجی ایصالده صورت احوال کوستردکندن
 ما عدا العادی دولت علیه برله زیر کلیم خفاده معامله آشنایی اوزره ایدی القای
 شیطانی برله منتج ندامت و بشیمانی اولور بویله کارنا صواب ارتکاب اولاندیجی
 معروف رکاب دولت انتساب او بیجی اول مغلوب خواب غرور و غفلتی مشیت
 درشت صاحب قرانی برله بیدارایتل ایچون سمند سبل سیر همته سوار اولوب
 عام خمس و اربعین و تسع مائه صفر اخیر نیک عاشورنده اول جانبیه توجیه لحام
 عزیمت بیور دیلر اعلام عالمستان سلطان فصیح اللهجه برله صحرائ ادرنه نمودار
 حدایتی ذات بهجه اولدقده بصره حاکمی راشد طرفندن مسافع نام فرزند
 دلبندی سده سدره مثاله رومال ایدوب خیول طریقیه و رماح خطیه دن عرض
 ایتدوکی پیشکش مشعول نظر قبول اولدقده نصکره عواطف علمیه سلطانیه برله
 مقضی المرام بمسرور القوادالدی طرفنه اماله لحام قغول ایلدی دلالت رهبر
 ظفر برله بوسفر فیروزی اثره عزم نصرت جزم بیورلدقده * نظم * سکندر که
 باشرفین حرب داشت * درخیمه از جانب غرب داشت * خنواى حکمت
 احتواسنجه ارشاد فیلسوف رأی رزین و فکر حصین برله وجهه توجهم لری تعین

بیورلمش ایدی محروسه ادرنه ده ضرب طوبله آرام اولندیغی هنکامده جلوه
 نمای مرآت ضمیر منبرلری اولان صورافکار اصابت شعاردن کشف حجاب
 احتجاب بیوروب وزیر اعظم ایاس پاشایه تهیه واحضار ادوات کارزار فرمان
 بیوردیلر نه طونه دن عبوره اساقجی اسکله سی مناسب اواغین ککری
 بناسیون بروجه استیصال سمندره وینکبولی و سلستره یه کیملر تدارکئی متضمن
 احکام شریفه ارسال اولنوب سایلر لوازیم و مهمای اتمام امر نده تشمیر ساعد
 اهتمام اولندی اخبار تقرر سفر همایون ظفر مقرون مساعده پیل نسیم خسته
 عیم برله نفخه مسل تا تارکی اقطار عمالکله انتشار بولوب حاکم بغداد دخی دسیسه
 احواله واقف اولیجی الخانین خایف خواستجه تند باد قهر و کین سلیمان برله
 برلخران کبی لر زان اولوب نوعا اطفا نایره غیظ و غضب سلطانی رجاسنه
 عبودیت نامه ارسالنه استیصال ایلدی بدرقه طالع مسعود برله صوب مقصوده
 توجیه رایات سعادت آیات بیوریلوب سلطان چاری نام منزلده اول مکتوب
 مزین و ورق من خرف که رضا جوی طبع کریم الاخلاق سلطان افاق اولوب
 متغافلانه سفر مختار الظفر قانغی جانبه ایسه اشارت بیوریله که سایه رکاب شرف
 اندساید دوان بیورد قلی طرفه پیل صبا یله هم عنان اولتی رجاسنده
 اید و کئی محتوی ایدی مرفوع بایه تخت دولت و بخت پیرایه اولوب ابلاغ نامه
 نیارایدن قاپوچی باشیسی و ترجمانی دخی شهادت زورایله تنور مد عاده اظهار
 نکاسل و فتور ایتمدیلر اگرچه بویام دروغ بر کلام بی فروغ اولوب انجق
 سر نکبت افسر نه سایه شمشیر صاعقه پیکر جانشین ظل بر همسای اقبال اولتی
 احتمالی دفع ملاحظه سیله حلیه صحتدن عاری بر فسانه و قسود اید و کی محتاج
 فحیره و آزمون دکل ایدی لکن ابلاء للعذر حسب الاشاره کتاب عطار دجناب
 میدان فصاحت پردا زیده کیت نیرتاز خامه اعجاز طرازی جلوه ساز ایدوب اول
 بد تدبیر کخدمت لازمه عبودیتده ایتدوکی تقصیر یکان یکان منتظم سلک
 تحریک اولدقدن صکره اطوار ذمیه الاناره توبه واستغفار و پناه سر بر شرف
 مصیره وضع جبهه اعتذار اولندیغی تقدیرجه جراید جرایم امضاء مضی
 ماضی ایله مضی اولتی و عدم مقرر الانجازی دخی تقریر اولنوب کفه امینی
 سنان چای و ترجمان ایله اول بر کشته اقباله ارسال اولندی ماه ربیع الاول
 یکرری ایکنجی کونی اساقجی اسکله سی ملتقی الایمیر سپاه ظفر دستگاه اولوب
 ساستره بکی سرکار لغی ایله اعداد اولنان جسر آهنین بنیاددن مسلسل متصل

الفتح برهفته ده گذارایتد بلی بکرمی طقوزنجی کوئی شهریار کامکار حضرت تلی
 دخی حشمت و وقار برله عبور بیوروب کیفیت و کیت سپاهه اطلاع اراده سنی
 اظهار بیورومغین بر موجب فرمان جهات طاع صفوف صفوف عسکره آرایش
 ویریلوب جانب میمنده سپاهی اوغلا نلری و صاغ علوفه جی و صاغ غربا و طرف
 بسارده سلحدار و وصول علوفه جی و وصول غربا مانند سد استوار قرارایتد بیلانلار
 منتهی اولدیغی محله ده ترتیب عجیب و کمال زینت و زیبایله وزیرای عظام خدای
 توقف و آرام ایدوب اول گروه پرشکوهد نصکره آیین دیرین اوزره ناطولی و روم
 ایلی عسکریمین و بسارده کشیده عنان اولد بیلر سلطان المجاهدین حضرت تلی
 اول ایکی سد آهنین میانندن اوکار نجه قائد اقبال * مصرع * طرقوا طرقوا که
 شاه رسید * آوازه سن عالمگیر ایدرک قامت موزون لطافت نمودلرینه رخصت
 رفتار و بیوروب نهال قدطوبیا مثالار نده تمایل سرور و شادمانی برله هر کره ه اشارت
 سلام ارزانی بیورد قلزنده هر طرفدن دردمدح و ثنائت سارسم سمندلری اولوب
 کند دعا کنکره عرش معلایه بند اولور ایدی * نظم * زمین بوسه دادند بکسر
 سپاه * که خالی مباد از تو تخت و کلاه * توی آن جهاندار کشور کشای * که ازداد
 و دین آفریدت خدای * سرو جان ما از سرانقیاد * فدای سم مر کب شاه باد
 چنان باد کیتی که کامت بود * فلک بنده اختر غلامت بود * بمان تا بماند زمین و زمان
 بکامت بود کردش آسمان * نامه هما یون سلطانی که * نظم * هر نکته او شکفته باغی
 * افروخته تر ز شجرای * لفظش چو طراوت جوانی * معنیش چو آب زندگانی
 نظم بدیع طرفه طرز نه ماصدق ایدی قرال بر کشته احواله باش بازاری نام
 شهرده واصل اولوب مطاویسنده مندرج اولان در رابدانصایح پراعتبار ویزه
 کوش هوش اولیجی و سوسه شیطانی برله اول هرزه خای یاوه درای سوراخ
 بدبوی دهانندن ثعبان زبان زهر افشان ایدوب سر نهفته سریمهر عصیانی
 اظهار * و کانون دروننده مضمر اولان آتش عناد و استکباری زبانه کش
 شراره باز ایدی * نظم * کسی را که شد تیره روزی * باد بار خود کوشد از ابلهی
 زبانش چو بوی طریق صواب * نکوید بجز هرزه و ناصواب * قاصد من بور
 صفوف لطایف الحیل برله رخصت انصراف بولوب محرز شرف تقبیل حاشیه
 بساط سعادت مناظر اولیجی اول سرمست صهبای ضلال لیل جواز فرض محال
 اوزره متصدی تدارک لوازم حرب و قتال ایدو کئی موقف جاه و جلایه ایصال
 ایلدی کمال قهر و کین ایله غم ظفر جزم بیوریلوب اول لعینک زیر نکیین فرماننده

اولان قلچین نام حصار سپهر مدار پیرامنده ضرب حیمه قرار یسور لاقده غلغل
 حشمت سلیمانی و دید به هیبت صاحب قرانی عنان ربای دست اصطبار اولوب
 سکائی بی اختیار آفتاب عالم تاب برج سلطنت او کندن زره ناچیز کی آهنگ راه
 کر را بتد کوری معروض پایه سر بر شرف مصیر اولمغین بر موجب فرمان قهرمان
 قهر سلطانی * نظم * چنان رفته دیوار او بر سپهر * که آسوده سایه اش ماه و مهر
 نظم بدیع النظامی و صف شانی اولان اول قلعه آسمان نشانی عسکر فیروزی
 اثر زبر و بر ایدوب هر گوشه سنده غراب الیمین وحشت جعد خرابه نشین ابله
 انس و الفت ابلدی حائر فضیلت غزو و جهاد * وفا تر شرف النفات سلطان عالی
 نژاد * اولقی رجاسنه خان دشت قبیاق صاحب کرای خان یوزیکدن زیاده
 لشکر تانار صبار قشایله پیشرو سمنده سبک سیر صبا اولرق صحرا کرد و بیابان نورد
 اولوب شهر ربیع الاخر لاون طقوزنجی کوفی نهر رود کنار نده دریای عسکره
 و رود ایدوب سلطان سراقراز طرفندن مظهر صنوف تکریم واعزاز اولدی
 رفعتده فلان اخضر بر له دعوی همراهی * و مناعتده سدا سکندر ایلده داعی
 انبازی ایدوب * نظم * از بلندش فرق نتوان کرد * آتش دید بان ز نور زحل
 مضاعفونه ماصدق اولان مارالد کر باش بازاری پیرامنده ضرب سر اوقات حشمت
 و کامکاری یسور لاقده اهل ایسی درگاه عالی به سرفروا یتیموب کریسان عصیانندن
 باش چقر دقری جهنمدن علو آتش خشم و کین سلطان ظفر قرین شررافشان
 اولوب دم حله مردان مدان هنر بر له میدار استظهار کفار اولان درود یوار
 حصار بر آنده توده خاکستر اولدی * نظم * جهان خرمن بسی داند چنین سوخت
 مشعبد را نباید بازی آموخت * تحریک مردم بد آموز بر له قرال بر کشته
 روزگار و تیره روز سکسان یکدن زیاده لشکر ققان ناخمس و مرده شیاطین انس
 حاضر و اماده ایدوب بو طشان نام صعب المرورد بر بندده منتظر قدوم ظفر لزوم
 سلطان سر باندایکن صورت باز مخیله ابراز اشکال او هام ایتمکین بر کجه تک
 و تنها معسکر محسوس اثرندن ناپیدا اولدی * نظم * هر کس که سر ز خدمت
 صاحب قران بتافت * ناچیز شد چنان که کس از وی نشان نیافت کلمات - کمیه
 دندر که * اللجاج اقل الاشیاء منفعة فی العاجل و اکثرها مضرة فی الاجل
 بوجیهه مقهر ازانده جایگیر * و صحایف اذهانده نقش پذیر اولان غریبند ندر که
 و خامت عاقبت لج و عناد قرال بد نهاده تمیل طریق اوزره ایراد اولندی * نظم *
 نگارنده داستان کهن * بدین گونه آراست روی سخن * خایفه سعید هارون الرشید

که نفعات انعام عامی دماغ عالمیانی غیر طایفه عطار * و رشحات کف * هاب
 ادراری ساحت طاهر حاجتمندان روز کردن ازاله غبارانده واکدار * ایدوب
 نشر صحایف لطف و کرمی افسانه جود حاتمى صدوقه * کطنی السجل للکتب *
 ایتمکین زمان خلافتی تاریخی روزنامه علوهم و عنوان دازنامه بذل و کرم * اولوب
 ایام حکومت هارونیده کنج درویشان رشل آور کنج فارونی اولمش ایدی * نظم
 ان خسروان که نام نکو ~~کسب~~ کرده اند * رفتند و یاد کارا زیشان جز آن نماند
 ایشان نهان شدند درین تیره ~~خاک~~ دان * لیکن شعار کرده ایشان نهان نماند
 بر کون ملکه * ملک و عقیده دولتی زبیده خاتون ایل حکم غالب مغلوبه نافذ
 اولقی شرطیله شطرنج باز لغه آغاز ایدوب اول امرده صورت ظفر طرف هارونده
 جلوه کراولجی نهال قدموزون زبیده سرو آسالاایش جامه و قبادن مبرا اولقی
 خاطر خواه رشید اولمغین اول نخل سرافرازیباغ عنوناز خطر مرمانه ضرب قلم
 بطلان اولتقی رجاسته بر قاج مرتبه عرض نیاز ایدوب طرف رشیدن درامید
 کشاد بولجی بر خوای * الشرط املک * ناچاردوش سنبل پوشیدن پوشش
 بالای سخن سیاستی ازاله ایدوب کویا که پس پرده * هابدن خورشید عالمکبر
 ساهره غبرایه فیض نور * یاخود چادر سر مه رنگ خسوفدن بد رمیر ظمهور ایلدی
 نظم * کلاه زرنشان از فرق نهاد * ز زرین بیضه خورزاغ شب زاد * مهیاساخت
 بهر صید خواهی * معبر دام از مه تاجماهی * کشید آنکه چنان پیراهن از فرق *
 که جیش غرب مه شد دامنش شرق * نمود آن دوش و بر از عطف دامن * چنان
 کرد و کردون صبح روشن * مره ثانیه ده شاهد حصول آمال مرآت مال حال
 زبیده ده بنید اولجی کثرت ضرایردن آینه خاطر عاطر نده اولان غبارانکساری
 ازاله به ساعی و ارشاد قصور عقل ایل زعججه هاروندن اخذ نار شریاطنی مرای
 * اولوب اسباب استماعدن بالکلیه عاری و کترین جواری اولان فائزه نام جاریه
 حبشیه به وقاع * و بوسعدا کبر اول نخس پیکر برله بر بر جده قران واجتماع اتمل
 تکلیف عنیقته اقدام ایلدی فائزه نلسماحت خلقت و زمانهت صورتی جهتمندن
 تعدد معشوش وجود کثافت الودی محل اعتبارده کم عیار اولوب صاحب التیمیز
 دارالضرب اقبال نامزد سکه رغبت ایتمکین اول عزیمتدن زبیده بی صرف
 رجاسته طرف هاروندن استغفار و غنا اولد قبحه زبیده قمر باب الحاحی تیر زایلدی
 بالضروره هارون عدم نقص میثاق جانبته منساق اولوب جمال حالی خطوخال
 و فایله آراسته * و گالکونه محافظه عهد ایل بهراسته * اولدی * نظم * کلید حقه

افریقوت تر ساخت * کشادش قفل و دروی کوهر انداخت * خواستجه فاروقه
 صلب هاروندن مادماستبقای نسل بنی ادم اولان بر قاج قطره مقرر رحم فائزه به
 فایضه اولوب قوت ماسکه اول نطفه بی محافظه به قیام * وحسن تدبیر تقریر آنا
 فانایمه و تربیه سنده مقام * ایدوب میعاد مقرر و زمان منتظر ده طالع مسعود
 و نوید اقبال موعود یرله عبدالله المامون زینت ساز کهواره شهود اولدی * نظم
 کدام باد بهاری و زید در افاق * که باز در عقبش افت خرافانیست * دوام پرورش
 اندر کنار مادر در * طمع مکن که در او بوی مهربانی نیست * خواهی
 اقتضا سبیلهارون الرشید کرسی زرکش متکای ملک مجازیدن صورت استغنا
 کوسرتوب ارزوی مشاهده ربات الخجال دارالسلام ایله مقصد صدقه خرام
 اید بچل ولی عهدی اولان محمد امین که زبیده خاتونل فرزند ارجندی و حدیقه
 وجود بیل نخل برومندی در مریم نشین چاربالش خلافت * وزینت ساز
 اورنل فرمان فرمای و حکومت اولدی * نظم * چنین است رسم سنجی مرای
 یکی چون رود دیگر اید بجای * اول شیفته باز بچکا اقبال وجاه بر مقتضای
 حدانت سن پستراستراحت و حضور ده الوده خواب خود کاهی و غرور اولوب
 نظم * گذشت عمر و غمی یارم از شراب گذشتن * که هست خواهم ازین عالم خراب
 گذشتن * خواستجه عمر نازنینی الحقی ساعد سمین غوانیدن نوش باده ارغوانی به
 صرف اینکین اعمام خلافت نندن بشنجی سنه ده اول سرمست جام غفلت برادری
 مامون الندن تجرع صهبای شهادت ایدوب خورشید بختی متواری حجاب
 مصحاب اقول * واول غنچه نوجیز کلزار خلافت آزمده برك كل كبی
 گرفتار خار خار بول اولدی * نظم * دریغا که پزمرده شد ناکهانی * کل باغ
 دولت و بروز جوانی * دریغا که خورشید اوج خلافت * چو صبح دوم بود کم
 زندگانی * قسام روز ازل عمر و جل تعیینی اوزره ایکی برادر تخت و تخته نابونی
 بینرنده تقسیم ایدوب فایده اقبال روز افزون زمام نظم و انتظام امور جمهوری
 کف کفایت مامونه تسلیم اید بچل صرصر قیامت اثر مصیبت فرزند دلبند ایله
 زبیده نل کبوسوی خم پنجم مشکبار بیل هر نار غیر تشاری پر شکن آزار
 * و تا تیر سوزش نار حسرت نور دیده می ایله کلبرل رخسار تابداری زل شکسته
 وی اعتبار اولوب * نظم * درد که دل از حادثه غمناک افتاد * دردیده سیلبار
 خاشاک افتاد * خواسته باغ عمر از شاخ امید * بی آنکه رسیده بود بر خط افتاد
 زمره سبیله کنده آوانینی روزن بالا خانه چرخ برینه پیوسته ایتمد بکه گذارش

پذیرا و لدیغی اوزره فائزه خصوصنده صدورایدن قصور تدبیرا یجون * ما اعد فی
 هذا اليوم الا يوم قیامی بالبحاج مع الرشید * کلامی ایله نفسنه عذاب ایدوب * نظم
 فانی استحق و ذاك حق * دیرک صفحه روی کلمه فی سله ازار برله چهره ماه کبی
 سپاه ایدر ایدی * مصرع * ما بر سر قصه خود ایم * نکاشته قلم طرفه رقم اولدیغی
 اوزره قرال خسران مال بکه سوار مسلک فراره آهنل اید بجل نظام جمعیت
 سپاهی یوز بلوب عثمان انکی زاه کرزا ولد بلر موکب همایون طی دشت
 و هامون ایدوب ماه من بوزک دگر می یدنجی کوفی ماهجه چتر آسمان ارتفاع
 گرمی کشور بغداد اولان سما و نام حصار سپهر مردار پیر امتده التماع اید بجل
 * مصرع * بی درد سر نریزه و آمد شد شمشیر * امان همایون احسانی ایله تسخیر
 و سکاکی برلور رنده تقریر یوز بلوب سپاه ظفر دستگاه طرفند اول عنایت
 خواهرک رشته انظام حالرینه شکن ازار بر شمدی * نظم * تو بهر شهر و بهر منزل
 و هر ره که روی * خرم ان شهر و خوش ان منزل و آبادان ده * مراحم و اشفاق که
 زان ملک الصغات سلطان ستوده اخلاقه خاصه لازمه اولوب پناه ارندۀ
 زیر سایمان استیمان اولانر هم خوابه امن و امان ارلد قلری سایر لر ده دخی باعث
 اطمینان اولمغین بی تحمل اعباء مصاف اول کشور سرتاسر ممالک محروسه
 اسلامیه به مضاف اولدی * شعر * سعد الزمان و ساعد الاقبال * و دنی المنی
 واجابت الامال * سابقا بغداد و یوده سی ایکن غلطیده خالک هلاک اولان
 استیفان و یوده اوغلی چنته و یوده که آستانه علیه سلطانیه خدمتده اولوب
 خزانۀ عامره جان بندن تعین رواتب اولمش ایدی * نظم * مهمان توام در صف
 ارباب ارادت * بنشسته بهر چیز که اید ز تو راضی * بنهاده بخوان کرم دیده امید
 * انعام ترا منظر م نه متقاضی مضمر فی ایله حلقه جنبان باب نیاز اولوب بغداد
 و یوده لغی ایله تشریف و اعزاز بیور لقی رجاسنه تضرع وزاری به اغاز ایتکین
 برود صوبنک افکرمان جانبیدن سالف الذکر قلچین شهری مقابله سنده طورلی
 صوبنه کلنج بر سجا قاتی بر ممالک محروسه به الحاق اولوب باقیسی ایکی سنه ده
 بر خراج موظفی بنفسه عتبه علیه جاه و جلالة ایصال ایدوب حدود مر قومه نل
 ایکی جانبنه ایکی قلعه بنا ایتل شرطیله من بور چنته و یوده به احسان بیور لدی
 * نظم * همش دست کرم چون برکشاید روز بزم * خیره ماند اعطایش دیده
 و هم و قیاس * هیبتش چون برکشید تیغ کین هنگام رزم * تیره باشد چشمه
 خورشید رخشان ازهراس * ولایت بغداد محاط حیطه تصرف کاشته کان ظفر

نشان اولوب تنظيم امور وسد نفورده اهتمام تام * بيوزلد قدنصكره ماه جادى
 الانحره نك اوچنجى كوفى مصرت وشادمانى وحصول امانى برله مستقر سر بر
 شرف مصر طرفنه امانه لجام اشهب زرین سناسم بيوزيلوب صاحب كراى خان
 وسائر ميرزاوسلطانلره دخی بذل نوال صنوف نوازش والطاق واذن انصراف
 بيوزيدلر * نظم * هرا نكس را كه نأيد آلهى * خرد بخشيد و دانش داد و مقدار
 اكرا و طالب دولت نباشد * بناچارش بود دولت طلبكار * خواصى اقتضا سيله
 شهر يار بلند افتد ار حضر تيرينك دولت روز افزونلرى مساعده بخت خدا داد ايله
 ترقى وازدياد اوزره اولوب همواره قائد عنايت ايرزمه تعال رهبر سر منزل
 حصول امال اولمخين داعيه حقد و حسد و تقاضاى نفس بدايله كفار بر كشته
 روزكار اهل اسلامه اذيت وازار * وعمالك محروسه به تعدى واضرار * ايجون
 متصدى اشغال آتش حرب و قتال اولد قلر نجه يك قطره خون ناحق غناظفر
 معافى آب حيات اكين لب تشمك ان بريه كفرو ضلال سرچشمه تبغ زهر ايداردن
 سيراب تيراب هلاك اولوب تجرع كاس حيم ايجون عزم دار البوار حيم ايدر لر
 ايكن محافظه بغيرت وناموس ملاحظه سيله اول منحوسلر انده دور باش شمشير
 خونباش اولد قلر نيه باقميوب بر خواى * مصرع * شايد كه بجوى رفته باز
 ايداب * تكرر تهيه ادوات كارزار * وديار روم بخت رسوم طرفنه سوق لشكر
 انجم شمار * ايدر لر ايدى بود فعه دخی ونديك و فرانسه واسپانيه وپا پا و برتقال
 يك دست و هموار مستعد جنگ وپيكار اولوب اوج يوز ياره قادر غه و يوز ياره
 قليون احضار * وپردلان متغيمان كفاردن اندريه طورى نام شقى بد كردارى
 سردار ايدوب عمالك محروسه سلطاني به ايصال تفرق وپرشانى ايجون بلای
 ونا كه مانى كې روى دريا به ارسال ايندكارى موقف جاه و جلالة عرض
 اعلام اولمخين ستمه خمس واربعين و تسعمائه صفر المظفرينك اوچنجى كوفى
 شعر * جمال وليكن سيرها كالواصف * هجاب وليكن وقعها كالصواعق
 مضعونته ما صدق يوزاللى ياره قادر غه ايله خير الدين باشا محافظه سواحل
 خدمته تعيين بيورلش ايدى مساعده عنايت مى سل الرياح برله سفاين ظفر
 قران دريا پيا اولوب ونديك مضافاتندن اندره واستندين واسكره نام جزيره
 وارلد قدده سكافى ذيل استيمانه تشبث ايدوب دامن انتظام حاللرى پنجه
 غارتكرانندن خلاص بولدى حتى اهالى استندين كمال اطاعت و انقياد لرينه
 باعث اعتماد ولى ايجون ونديك قرالى طرفندن كند و له حاكم ارلان سل

مرداری گرفتار غل ذل و اسار ایدوب خدام و الا مقامه تسلیم ابتدا یلر و بطریق
 الخراج رسماً بالماسانه درگاه مخلصه سال بسال بش بیل سکه افرنجیه
 ایصالی کردن مجزواحتیاج لرینه التزام ایدوب شمشیر خونپاشدن باش
 قورتر دیر بدهد کریت نام جزیره و اریلوب سکر زیاره قلعه و درت یوزدن زیاده
 معمور قریه تخریب (وسکافی آتش تیغ بی دروغ ایله تعذیب) اولوب اون بش
 بیکدن زیاده اسیر علاوه سائر غنائم اولدی کرپه نام جزیره ده دخی اوج باره قلعه
 و یوزدن زیاده آبادان قریه بی عسکر تالانکر توده خاکستر ایدوب بریان و حیردن
 کلیم و حصیره دله دسترزه غارتگران اولدی بوموال اوزره و ندیک قرانلق
 بکرمی بش بار جزیره سی داخل حوزة تاراج اولوب غزات نصرت سمات سالم
 و غانم انواع غنائم ایله ساحل اغر یوزده القاء مرسات اقامت ابتدا یلر نظم
 مدام این سپاه خجسته مال * غنیمت کشد یا سربد سکا * اخذ انقام قصده
 نفیر عام صداسنی بلند ایدن کفره هزیمت انجم اهل اسلامه ایصال خسارت
 و پروزه جانبری غارت ایچون اول طرفه عزیمت مستتبع الهزیمه ابتدا کاری
 باشای نظیر شعارک کوش کزاری اولیجی * نظم * درین دریای خونخوار
 قضا ساز از رضا کشتی * درین کشتی قدم در نه که بسم الله هجر یها
 جبل المتین فرمانده تسلیم کردن رضا ایدوب اول سکان کر سنه چشم اوزرینه اماله
 سکان کین و خشم ایلدی (نظم) بر کنه کوره عرش زند دست تصرف * آن کس که
 ز همت بودش جبل متینی مساعده باد مراد ایله کفالونیه جزیره سنه و اریلوب
 یوز بکرمی باره ضیاع پرانتهاف غارتزده دست تخریب و ضیاع اولد قدن صکره
 ماه جمادی الاولینک ایکنجی کونی پروزه واصل اولد یلر مکر مقدمه ماخیرال دین
 باشا لک جزیره ده حرکات شیرانه و کورلر اوزرینه هجوم بردلانه می
 بیدلان کفارک معلومی اولیجی اقدام اقدام لرینه ترزل کلوب کورفور جانینه
 آهنگل فرار ایتملر ایش اغواء بخت تیره روز ایله تکرار مقام لج و خصامده قیام
 ایدوب پروزه جانینه اغراق بادبان هزیمت ابتدا کاری قیودان باشایه منعکس
 اولمغین سمران سپاه اسلام ایله عقد انجمن مشاوره ایدوب استعمال سررضیر
 برنا و برایتد کند نصکره طرف دشمن بد آینه کورین کثرت جهتمندن مرآت
 خاطر مجاهدین دینده اولان غبار دغدغه و افکاری گوشه دستارچه کلام دری
 النظام * کم من فئته قلیله غلبت فئته کثیره باذن الله ایله ازاله ایدوب میدان کارزار ده
 کفار خاکساره قرش و ثبات قدم کوسرمل ایچون فراید نصایح براعتبار ایله توشیح

گردن و کوش عسا کرد بر خروش ایلدی غزاة ظفر سمات دخی کوهر پند پاشای
 هوشمندی قرطه بنا کوش قبول ایدوب شاهرا غزو و جهادده صرف نقدینه
 اجتهاد ایتل ایله متاع سعادت روز معاده اطهار طلبکاری ایتدیلر لکن اخشام
 یقین اولغین اشرا بی دین و اشراء مشرکین ایله معرکه افروز عرصه
 دارو کیر اولق صباح مشر افلاحه تاخیر اولندی پاشای نصرت انجام اول شام
 غیر فامده دمدمه خروس زرین بال صبحه دل طرف اسلامیه فتح و فیروزی
 روزی اولق رجا سنه چشمه چشمندن شورا به فشان اشل مقله سوزا ولوب سیلاب
 سرشل تضرع و نیاز و باد آه جانکداز برله عمان بی پایان رجعت نامتناهی آلهی بی
 جوش و خروشه کتوردی * نظم * دریای رحمتی طائر رمو جیخیز ایدر * سیلاب
 اشل نیم شب آه صبحکاه * ماه مر قومن آلتنجی کونی که روز جمعه و عید المؤمنین
 اولوب رؤس منابر ده غزاة دین ایچون فتح و نصرت تمناسی مصحوب پیل دعا
 اولور ایدی صبحدم سفاین ظفر قراین سلطانیه طرز عجیب اوزره ترتیب
 وزین سر سنجاق ایله زینت وزیا * ویریلوب آواز و صورنا و نفیر و غلغله تکبیر فلک
 اثیر پیوسته اولدی اول حالمده شرطه شوق انگیز آرزوی ظفر موجر محیط
 جلادت اولوب شنا و ران لجه حرب ووغابی بال و بی پروا کروه دعا اوزرینه توجیه
 وجه عزیمت ایتدیلر کفار خاکسار ایهه پروزه بوغازینه لنگر بر اقلایکن دبیده
 هیبت عسکر اسلام برله اساس مشرف الاندرا س قتلدرینه زلزله رعب و هرس
 مستولی اولماغین پرده کلی رنل شب تاری جیوش دریا خروشه دیده پوش
 ایدوب (اللیل جنة الهارب) مثلی اوزره (مصرع) بی آنکه در نبرد فروزنده شد
 حسام * بدرقه بخت ناهموار ایله تکرار و برهه قرار اولمشل ایدی طوئهای
 همایون پروزه بوغازندن چقوب کافر کملرندن اثر ظاهر اولیجق متوکلا
 علی الله دنباله دوعدوی فتنه جوی اولوب مهلب مهلب شمال اقبالدن هبوب نسیم
 فضل ایزدمه حال ایله اینه بختی به قریب انجیر اچمانی نام محله کافر طونما سنل
 اردلرندن ایرشدیلر جنود مسلمین نوید بشارت بخش * فضل الله المجاهدین * ایله
 استبشار انهره الله الله ایله کوش کوشه کزینان خلوتخانه ملکوتیه طمین انداز
 اولوب سر رشته عقود اشل نیاز دست عصر فلرندن کتمکین میراب چشم فلرندن
 قطرات تیزاب غیرت دین بران ایدر لئوزا للی پاره قادر غه ایله دشمن بد آینل
 درتیز پاره کیسنه شیرانه هجوم اینه دبلر فرقه اهل اسلام تکمیل شرایط نام
 و ناموسن * و زمزه کفره لثام تحصیل رضای صلیب و ناقوس * ایچون صفحه

آب اوزره آتش حرب و قتل اشغال ایدوب دانه طوب و تفنن برله بربرلرینه
 ایصال پیام جنگل ایتدی لرخلال جنگل و جدالده صدمات قوارع آتش فشان ایله
 نیجه سل بی دین روبراه اسفل سافلین اولوب * نظم * بی زخم تیغ عشق زعالم
 غیرویم * بیرون شدن زمرکه بی زخم عازماست * مضمونی افسردم باهات ایدن
 غزاتدن دخی نیجه سی مجروح * و نیجه لدخی * مصرع * شیر مردان جان فدای
 نام نیکو می کنند * خواستجه * شاهراه جهادده باذل روح * اولدی آنا فانا
 لشکر منصور طرفندن برهمزن طاقت بشریه اولان امور مده شه ظهوری
 پریشانی ده عقل و شعور کفارتبه روز کارا اولوب * نظم * مه کیفی فروز بختش
 کاست * روبا و کرد نکبت از چپ و راست * هرچه می کرد آن زبان میشد * آنچه
 میخواست غیر آن میشد * خواستجه ساعی اولد قلمی مساعی انتاج حصول
 مامول ایتمیجکی سردار نکبت شعارلرینک معلومی اولیجی کنار دریای امن
 و سلامته ایرتمک رجا سنه سبک سیرو تیز روا اولان قادرغه لایله میدان حرب
 و ستیزدن عزم راه گیر ایلدی * نظم * جهان شد بچشم جهان بینش تنک * بکر
 دید و بگزاشت میدان جنگل (فرمان قادر بیچون ایله اول کون روز کار کمال سکون
 اوزره اولوب قلم و نلره پای گیر نمشدود * و راه خلاص مسدود * اولمغین * نظم *
 چو از لب بگذرد سیل خطر مند * نه دماد برزیر پای فرزند * مصداقچه قادرغه لر
 سپر انداز حیات اولوب دامن محافظه لرندن قصر ید ایتد کلری پارچه لده
 اولان ملائمه باعث اشتعال آتش خشم و کین اولمغین نهایت غیظ و غضب لرندن
 کند و قادرغه لر بی نشانه دانه طوب ایدوب مسلک فرار اختیار ایدن لری هدف
 سهام امن و دشنام ایتل ایله جان و جگر لر پر خون * و ناچار اظهار شعار انقیاد
 ایچون سنجاق لرین سر نکون * ایتدی لر سبک پا اولان قادرغه لر دن ماعد اعموما
 بارچه راه بسته روا اولان یوز قدر قادرغه نصیب غزاة دین اولوب مجاهدین دین
 بو گونه فتح مبین ایله کامیین اولدی پاشای نصرت قرین تقدیم مراسم شکر
 و سپاسدن صکره بواخبار مسرت آثاری درگاه سعادت دستگاه شهر یاری به
 عرض و اعلام ایچون اوغلنی ارسال ایدوب فتح و ظفر برله بغداد سفر لرندن
 عودده ماه جادای الاخره نل اون برنجی کوئی یا نبولی سیرانی مقر خیام کردن
 قیام سلطانی اولد قدده بو خبر بخت اثر اصل سمع هماپون اولوب باعث تضاعف
 اسباب مسرت و شادمانی اولدی * نظم * شه عالم از مرده این خبر * بگوینده
 بخشید تاج و کمر * والی بوسنه خسرویل کدمایه ایتسام مغور اسلام اولان

غراب مائرو آناری زینت ساز صحایف روزگار اولوب صور اخبار عجیبه الامار
 مساعی جمیله سی رونق بخش صفحات کاینات اولشد بر بود فعه دخی شمشیر غیرتی
 میان همه بندایدوب عده حرب واسباب جنگ ایله و تدبیر قرالتک زیر
 فرمانده اولان نین نام حصار دشوارگیری محاصره ایلدی نیجه ایام تیغ انتقام
 همخوانه نیام اولیموب سربازان طرفین پست آرامه وضع زانوی استراحت ایتدیلر
 آخر کار نیری بازوی اقتدار ایله اول حصار ی تسخیر و جاروب شمشیر برله وجود
 خیمات آلود کفره و مشرکیندن و تطمیر و ایتد کد نصکره درود یار و چارسو
 و بازارنی آتش سوزان ایله ویران ایدوب و شعر و سل الدیار فمل بیکی بها احد
 ام الدیار بکت من حال اهلها و خوی عبرت احتواسی رونما اولدی ماه منی بورتک
 اون طقوزنجی کوفی صحرای ادرنه آرامگاه بارگاه شمت و جاه اولد قده برید
 بخسته نوید بو پیام مسرت انجناهی ایصال ایدوب سبب کشادگی غنچه خاطر
 عاطر سلطان ظفر نشان اولدی نکاشته خامه عباسی عمامه اولدی اونی اوزره اینه
 بخنی اوکنده کفره هزیمت انجام سپر اولانم زام اولوب پس مانده طوب و تنق
 و آزاد کرده ناول و خدنگ و اولان ایکی یوز قدر قادریه ساحل بله سلامته
 ایریجک زعم فاسد لر فجه اهل اسلامدن اخذ انتقام رجاسنه نوه نام قلعه بی
 محاصره ایدوب شاهد ظفری در اغوش و جام مرایی نوش ایتل ایچون اول
 بد مستلریم رزی کرما کریم ایتدیلر گرفتار مجاس حصار اولان رعایا و سپاه دخی
 متوکلا علی الله راه جهاده اجتهادی پیش نهاد ایدوب درددل صدپاره لرینه
 چاره اولقی ملاحظه سیله اوج کون اوج کیجه طیب حازق تیغ بی دریغه
 مراجعت ایتدیلر اسکن و شعر و اذالم یعنک الجده فالجده باطل و وسعیل فیالم
 بقدر مضیع و خواستجه قاید تقدیر مرمزل مقصوده دلالتده صورت تقصیر
 کو سترمکین اول حصار دشوارگیر اغوش تسخیر عدوی بد کرداره دوشدی و نظم
 نمکین مشو که ساقی قدرت ز جام دهر که صاف لطف میدهد و گاه زهر قهر
 ماه رجب الحرامک بشنجی کوفی استانبوله شرف وصول میسر اولد قده بو خبر
 و حشت اثر معروض خدمت د اورداد کراولوب مرآت مجلای خاطر انور لری
 پذیرای غبار انکسار اولدی تغیر هوا سدر راه سفر دریا اولوب مهمه استرداد حصار
 قدوم ربیع بدیع الاناره تاخیر افضال تمکین صاحب قران کشور گیر
 حضر تری و نظم و ای کل چه شد که در پی آزار بیدلان و چون غنچه شریب
 تغافل کشیده و مضمونی ایله نشر بف سلطان بهاره آرزو مندی و انتظار اوزره

اولوب * نظم * اگر مهمانی یافت حصصت بین * و امی لهم ان کیدی متین * نظم
 بدیع التظاسی ایلہ قلب پاکارین تسلیہ * و آینه خاطر الہام مظاہر لرین زین
 نغمن تجلیہ * پیوردیلسنہ ست وارہ بین و نسہ مائہ صفر المظفرینل اون ایکنی
 کوفی اولدم کہ * بیت * ابرنوروزی علم رکوشہ اغلال زرد * ازخروش فاختہ
 کل جامہ برتن جال زرد) یوزنخس بارہ قادر غہ ایلہ خیرالدین پاشا ارسال پیوردیلوب
 ریسع الاولک اون برنجی کوفی فوہ قلعه سی محصور بچاہدین دین اولدی کثرت
 اسباب کارزار و متاعب حصار با بسته می ازلد قلری جہم تدن کفار خاکسار مقام
 اطاعت و تسلیعہ قیام ایتموب نمر دو استکبار اوزرنا صہر ارایندیلر فرمان پاشای
 قلعه کشامو جہنجه کیملدن قرہ جاننہ او تو زیدی عدد قلعه کوب طوب
 چقار یلوب طرف برو بچردن دیوار حصاری سنکسار ایندی لرنجه ایام صچ و شام
 ہر ادہ و خدنل و دانہ طوب و تغفل طرفیندن نامزد خدمت سفارت اولوب
 اصلاح ذات البینہ مساعی اولغین ماہ مزبور لیکرمی سکرنجی کوفی مجلس
 حصار کفتاری اولان کفار تہ روز کارلک نغدر انلری دخی سم سہند غازیانده
 ظطمان ازلتی اوزرہ مبائی صلحہ استحکام ویر یلوب بعناہ اللہ تعالی لوی فلک
 فرسای * واللہ یؤید بنصرہ من بشاء * ممکن غیبیدن ہوید اور و نمون اولوب
 اعلام کفرہ مرنکون اولدی * مصرع * ای بخت نجستہ احسن اللہ جزاک *
 بومقالہ فرندوش بد کردار لک بکربا بودینہ هجوم منجحرمانی رونق دہ سریر
 سلجانی اولان شہر بار بلند اقتدارہ تکرار باعث ارتکاب عشاق اسفار اولدینی

بیانندہ در

انکروس قرالی یانوش کہ درکاہ عالی صداقت کار زدن اولوب هموارہ پرکار وار
 سرکرا خلاصہ پابرجا اولغین ہمیشہ نغمہ نوازش ملکائہ اولوب درامیدی
 دست ہمت سلطان سعید برلہ کشاد بولورایدی عام سبع وارہ بین خلانندہ قاید
 اجل کربان کیرامل اولوب تخت انکرومی تختہ نابوتہ تبدیل * و محل وجود
 ضلالت آلودنی شترکردنکش فزایہ تحویل * ایتمکین سلطان بندہ نواز حضر تلی
 استفان نام اوغلنہ تشریف بخش عنایت اولوب انکروس قرالنی احسانی ایلہ
 سراقرازا بتدبیر استفانل مزرعہ آمالنہ فیض مرچشمہ انعام سلطانی نصارت
 بخش اولدینی فرندوش بد تبارک کوش کگذاری اولیجی برخوای البغض
 متواتر عداوت دیرینہ دروازہ سنی باز * و لشکر جمعی آغا * ایدوب سکستان
 بیکدن زیادہ سوار و پیادہ عسکر مھوس الانزایلہ بودینی محاصرہ ابلدی

فرزند و شد بد فرجامش بکارنا همواره اقدامی معروض خدام والا مقام عتبة
لازم لا احتیاج اولیجق بر حسب فرمان لازم الاذعان روم ایلی بکامریکیسی خسرو
باشا عند نیر کام عزمته حواله تازیانه سوق استیصال ایدوب در عقب اوچ یل
بکجری و اشانغی بلوکار اوایی ایله وزیر محمد پاشا دخی * مصرع * سیرا السحاب
یخته ریح الجنوب * اول جانبه ارخای عنان مبارعت ایلدی سنه ثمان و اربعین
و تسعمائه حضرت الخیر یل اون بشنجی کوئی اعلام عالمستان خاقانی دخی که فلم
بخسته رقم عون بیجانی برله شقه لرینه * شعر * اذ انشرت فی الحرب لاحف
هضاج * علین عنوان من النهر مکتوب * هضموی مر سوم دردست نماید
ملک مجید ایله افراخته اولوب خسرو نصف نهاد حضرتلری اصب کلک کوئی
تترادی صوب عز او جهاده تاخته ایتدیلم * نظم * زیر رکابش نکر حلقه بکوش
آفتاب * پیش عنانش بین عاشیه کنس روز کار * رقص مقامه عنبرین نقاب
اولدینی اوزره که رکاب طغرانتسابدن مقدم عساکر نصرت ماثربودین طرفینه
هنانقاب اولمشلر ایدی ماهربیع الاولن بکری بشنجی کوئی بودین مقابله سنده
نصب خیام کردون قیام ایدوب بیکه سوار هر صه جنل و ستر تیغ سرتیزی
در کار * و فرندوشلر ایله آغاز مطارحه فرعه کارزار * ایتدیلم * نظم * روی
صحرایه کلکون شده از خون عدو * شسته شمشیر بخون جگر دشمن رو * اول
کروه مکرده طابور یل بر جانی دامن کوه متصل * و بر طرفی نر طونه به اصل
اولوب اوکارنده خود قلعه کوب طوبه لرمانند سدا هنین حصن حصین اولغین
برایدن زیاده بازار کارزار ثبات و برقرار اولوب تند باد هجوم شهبازان روم
پریشانی ده اوراق جمعیت و اتفاق کفار تبه روز کار ایلدی شهنشاه طغر دستگاه
حضرتلری دخی دلالت رهبر نماید آله ایله طی منازل ییوروب موکب همایون
و همیاری مانند باد بهاری نهر صاوه و طروه دن گزارا بیدوکی اخباری پیشرو
موکب جامو جلال اولان پیل شمال اقبال ایله دوست و دشمنه واصل اولیجق
بجود اوازه قرب و وصول رابات صاحب قرانی که کفار دوزخ مدار نیست
صدای دهشت فزای صور قیامت نشانی * و عساکر نصرت شعاره ~~مکوره~~
نم البدل اغائی غوانی * ایدی مرده دلان که ارمه سکره غفلتدن سبب هتباری
اولوب دست یاس و خرمان برله در امیدی سد * و ماهربیع الاخرک بکری القبی
کیجه سی دامن ارزوی تهخیر حصار دن قصرید * ایدوب نشب ذیل فرار ایتدیلم
نظم * بهر جا که صاحب قران رو نهاد * مثل زد خرد پشه و تند باد ~~که~~

پیش از وصول شه کاهیباب * کریران شود دشمن از اضطراب * بیم شمشیر
 تابناک ایله فرند و شیر زهره ترک اولوب عرم دهلیز کر برایتدکاری مردان میدان
 حرب و ستیزک معلومی اولیجق اول شب تارده مشعله تیغ تابدار برله نهر طونه
 کینارنده کروه اشرا ره ایرشوب اکثری جسم راستوار شمشیر آبداردن کچر دیلر * نظم
 زپس تیغ و از پیش دریای آب * روان در نیمب و اجل در شتاب * شب تیره
 بود و کدر کاه تنک * دلبران صوی جنگ بازیده جنگ * در خستیدن تیغ
 افراشته * چراغی بر اه اجل داشته * بودین تسخیری هوا سنده بسط جناح خیال
 محال ایدن بدسکال لر بر خوای * کا طلب قرین فضیع اذنین * نصاب ظفر دین
 بی نصیب اولد قلرندن ما عدا مخیر خومه قلمکاری اولان نغایس اموالی
 واستحباب ایتد و کاری ادوات حرب و قتالی * دست غارتگرانه تسلیم ایدوب
 اقل قلیل کسسته شهبازان اوج جلادت پنجه سیندن تخلص مرغ روح بی فتوح
 ایتد یلر ماه جادی الاولینل دردنجی کوفی صحرای بودین فرزول اجلال سلطان
 باهر الاقبال بزه غیرت خلد برین اولد قدده از شادنا قدرای رزین * و صوابدید
 خرد خرد بین * اوزره رشته طمع خام فرندوش نافرجای قطع ایچون خدمت
 محافظه بودین سلیمان پاشایه تعین بیوریلوب اکابدل استغانه اردل ولایتنده
 بر سنجاق احسان بیورلدی متوطنان بودیندن مظهر کریمه * فهی کا تجارت
 او اشد قسوه * اولان قلوب قاسیه اربابندن نیچه لرینه پرتو خورشید توفیق
 زهمنای سر منزل تحقیق اولوب قفس اعلین دهانلرنده عندایب نغمه پرداز
 زبانلری کلمه طلیعه توحید ایله ترخم ساز اولدی تأثیر اشعه آفتاب هدایت برله مستعد
 قبول نور اسلام اولیوب باج و خراج دخی التزام ایتمیلر مالک محروسه دن اخراج
 اولمیدیلر * شهر * واعظم شی فی الوجود تمنعا * تناج مر ام من عقیم زمان * قلعه
 بودین چرک ارباب شرکدن تطهیر * و محتاج اولان برلری تعمیر *
 اولند قد نصکره ماه من یورک بکرمی آلتنجی کوفی بدرقه اقبال روز افزون برله
 عوده مایون بیوریلوب ماه شعبان المعظم سکرتنجی کوفی مشاهد شمایل
 نظاره قریب سلطان فرخنده فال استانبول سکاننه باعث کشادگی غنچه گلزار
 آمال اولدی

بومقاله دستیار عون خالق بیچون ایله شاهد فتح استونی بلغراددا سترغون
 مرآت تیغ بی در یخ اوزره روغون اولدی بیچیناننده در
 نایید فضل یزدانی و امداد عنایت صمدانی برله حارس ملک عثمانی حضر تلی

مجلس اور نیکو جهان بینی اولدین برو * ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا
 کانهم بنیان مخصوص سماط مکرمتندن حصه مند اولمق دجاسنه همواره رونق
 بخش کتیبه مسلمین اولوب انرا مشرکین ايله طرح انداز نقش حرب و قتال
 اولماغی اعز آمال ملاحظه بیورمغین دست نایدر ب مجید برله درامید لری
 کشاده * وجوه رتابد ارفع وظفر کنکرة تاج افتخار لرینه نهاده * اولوب مناص
 خلاص اولمق اعتقاد یله دشمن بد نهاد تحصن ایتد کاری قلاع کیوان ارتفاع
 تند باد هجوم شیران رومه بیت عنکبوت آسائیل اولما زایدی (نظم) اجل چون
 دراید زدیوار و بام * بدر وازه بستن چه سودا هتام * فرود اید از آسمان چون کزند
 چه حاصل که دیوار باشد بلند * چمنه سیحانه اعا دی دین و دولت کند سخت پیوند
 هم تیری ایله سقف بالا خانه چاه و رفعتدن افتاده چاه نکبت اولوب لوی فلک
 فرسای شوکت سلطان افاق برافراشته نه طاق مقرنس رواق اولمغین علم افراز
 اشفاق اولانلردخی خواه و ناخواه سرفرو برده خاله عجز و نیل از اولوب کریمان
 عصیانندن باش کوستر غی اولما لرایدی الا که فرزندوش بیوش که آنا فانا اسباب
 عداوتی مؤکد * و صرح عمر دشق اوقی یوما فیوما میشد * اولوب * نظم * زید بائل
 آن لحظه روبه دلیر * که بیشه تنی کرد داز نره شیر * خوا سنجه میدانی خالی بولد چه
 بمالک محروسه به قصد تعدی و اضرای * و اهل اسلامه اذیت و آزاری * مقرر
 اولوب * شعر * وللا مور موافقت مقدره * وکل امر له حد و میزان * مؤداسی
 اوزره پیمانه عمری هنوز ناتمام اولمغین اول بد پیمانه جام زمر دقام شمشیردن تیراب
 مر لک اشراب اولمغش ایدی لاجرم پیرایه مرسله تقریر اولان جواهر افکار
 همیشه شهر بار بلند اقتداره سجه دست اندیشه اولوب قبله نمای خاطر الهام
 مظاهر لری همواره اول طرفه پیر زده اولمغین سنه تسع و اربعین و تسعمائه
 شعبان المعظم منک سکرنجی کوفی وسیله نظام عالم (وزریعه انتظام مهمام ام) اولمق
 ایچون سلطان عالیجناب حضر تلی * نظم * خرم زینت خویش بتا میدد و المن
 کیتی زمین معدنش فارغ از محن * رکاب دولت انتسابه وضع قدم بیورب وجهه
 غز و جهاده توجیه توغ و علم بیوردیلر هر جانندن کند دعا کنکرة چرخ
 معلا به بند اولوب روی تضرع و زاری سوده درگاه حضرت باری اولدی * نظم
 که حفظ آلهی نکم بان تست * جهان از کران تا کران زان تست * بزن کوی
 دولت که میدان تراست (خدای جهانرا چنین است خواست) سعادت و اقبال
 برله حظ و تر حال بیور بوب ماه منی بوزل اون یلنجی کوفی سرای دلارای ادر نه

شرف قدوم باهر المینه لری ایله محسودیت المعمور اولدی چونکه طلیعه
 چند شنا کشور کزازه آغاز ترکنازایدوب ساطان لشکر دی دخی در پی اولغین
 سهره نکامی سرحد اختتامه ایرمش ایدی لاجرم بش آی شهنشاه مکارم دستگاه
 حضر تلی اول جای بهجت فزاده بسط بساط نشاط و انبساط بیورب هجوم
 عسکر فیروزی اثر بهار ایله لشکر سرمایه انکسار کد کده سایه سعادت برایه
 رایات خجسته آیات پیرامنی جمعیتگاه سپاه اولق باینده فرمان جهان طاع شرف
 صدور ببولوب ممالک محروسه یه یومنونال اوزره احکام لازم الاتباع ارسال
 بیورلدی وقت موعود معهودده عساکر ظفر مانر شمع رایت فیروزی آیت
 پیرامنده پروانه وار جمع اولوب سنه حسین و تسعیناته محرم الحرامنک اون
 سکرنجی کوفی ماهجه توغ سعادت فروغ سلطان المجاهدین اعدای دینک خرمن
 عمرنی غارتزده دست قهر و کین ایتمک ایچون چرمن صحراننده طعنه زن آفتاب
 عالمتاب اولدی قطع منازل بیوریلوب ماه ربیع الاولک ایکنجی کوفی بلغراد قبر بنده
 نازل اولد قلنده روم ایلی بکلم بکیسی احمد پاشا و اناطولی امیرالامراسی ابراهیم
 پاشا ابالتلی عسکری ایله معسکر خجسته مأثره واصل اولوب محرز شرف تقبیل
 پایه سریر سعادت مصیر اولد یلر ماه مرقومل طقوزنجی کوفی نهر صاوه دن
 کدار بیوریلوب سرم صحراسی مرکز رایت حشمت و اقتدار اولد قدده و البوه نام
 حصار که سابقا نیروی بازوی همت شهریار عالی تبار ایله فتح و تسخیر اولمش ایکن
 بر حسب اقتضای تقدیر تکرار گرفتار پنجه استیلای کهار اولمش ایدی ابادی
 متغلبه دن انتزاع اولمق باینده حکم همایون عالم مطاع صادر اولغین بوسنه
 سنجانی دلاور لری داور لری خسرو بل ایله ارسال بیوریلوب بعده روم ایلی
 عسکری بکلم بکیاری ایله نامر د خدمت مزبوره اولدی سکان قلعه اگرچه
 بادی الرای احسان امان رجاسنه چهره سالی خالک نی ساز اولموب شمشیر خلافی
 غلافدن باز ایندیلر لکن آخر اول جرعه کشان جام غفلت بزم رزمده رطل
 کران تیغ خون نشان ایله سرمست اولوب تأثیر بخار خمار ملا حظة عاقبت کار ایله
 ناچار ماه مزبورلک اون طقوزنجی کوفی طالب زنه ار اولدیلر * نظم * چوشاهین
 بر کبوتر حله آرد * بجز افتاد کی چاره ندارد * شقاوش نام حصار سپهر مدار که
 نکاشته کال بدایع نکار اولد یغی اوزره مقدمات داخل قبضه اقتدار اولمش ایکن
 جبل المین فرمان سلیمانیدن باش چکوب فرندوش بد تدبیرک زنجیر تسخیر نه
 سر فروایتش ایدی اول سرکشی تکرار گرفتار قید ضبط و تمک ایتمک سر زده خاطر

الهام مظاهر سلطانی اولمغین ماه من قومل یکریمی یدنجی کوفی شخص ورجیوش
 دریا خروش اولوب حسب العاده سپاه صاحب قرانی طوب و عراده اسبابی
 آماده ایتدیلا و اوج کون عسکر نصرت اثرشام و هر رفع موانع ایچون اعمال
 مکاحل و مدافع ایدوب یوم رابعه میاه من نایید صمدانی و فردوات صاحب
 قرانی برله خورشید ظفر * نصر من الله * اشراقا کاهندن ریمده * و شمال اقبال
 مهیب عون ایرد متعالدن وزیده * اولوب و اروش حصار کند تسخیر بند اولدی
 کند سخت پیوند تیغ بی دریغدن تخلص سرب سی سامان ایدنلرایج قلعه به
 تحصن ایدوب مظهر عفو سلطان بنده نواز اولتی رجاسنه زمره کش نیماز
 اولمغین آوازه مرده امان راحت رسان دل و جانلری اولوب آسوده سایبان
 اطمینان اولدیلا بدرقه اقبال ایله قطع فیانی و جبال بیوریلوب ماه ربیع الاخر
 اون سکرینجی کوفی صحرای بودینده نصب سرادقات حشمت و تمکین بیورلدی
 اقتضای تدارک بعض مهام ایچون برقاج کون اول مقامده جلسه استراحت
 اولندقدن صکره شاهباز همت هماسایه لری کنکرة بروج تمتع العروجی
 شرفات حصار چرخ دواردن بالا تراولوب ملاحظه ارتقا عنده دیده زرقا خیره
 و غرایب اطوار و عجایب آناری محتوی اولوب مطالعه صحایف اعاجیب
 معالمندن سرچشمه فهم عاقل تیره * اولان قلعه استرغون طرفنه بسط جناح
 ایدوب ماه من یورک یکریمی یدنجی کوفی سایبان عرش نشان سلیمانی اول حصار
 پیرامنده غیرت چادر نیل رنگ آسمانی اولدی اهلای حصار استحکام درود یوار
 و بسیاری ادوات کارزاره اغترار قبول طوق اطاعت و اتباعدن امتناع ایدوب
 سلطان سرافراز جنبه روی عجز و نیاز پای اندازا ایتدیلا بدیندن قلعه کوپ
 طوبلراخراج اولنوب کیلرایله طونه دن ارسال اولمش ایدی معجوب سلامت
 واصل اولیجی مناسب جانبیره وضع اولنوب مردان میدان دار و کبر و عروس
 نظری آغوش تسخیر کنورمل رجاسنه طوب و نهفل دانه لرینی برسم مهر مجهل
 ارسالده اهمال ایتدیلا رنجه ایام صبح و شام نقدینه اهتمام صرف اولنوب صدمه
 قوارخ آتشبار برله بعض شرفات و بروجی سرخلت زدکان کبی افکنده روی
 خاله اولمغین ماه جادی الا ولینک طقوزنجی کوفی شیران روم قلعه به هجوم ایدوب
 کهار خاکسارک دست عناد واستکبار ایله تاب و برد کلری رشته جلالت واقنداره
 عقده حیرت واضطراب دوشردیلا مخدرة رزین برقع آفتاب پرده کلی فام
 شامدن عالم تاب اولوب منصه صبحدن ینه جلیباب شبستان عدم طرفنه خرام

اندنجه تنور باز کونه فلک مینا قام آتش کیرودار برله تابدار اولوب اول زدو خورد
 اننا سنده نیجه سل ناپاک غلطیده حاله هلاک اولدی طرف سپاه ظفر دستکاهده
 دخی بولی سنجانی بکی جندی سنان بل وروم ایلی امراسندن زهر مار محمد بل
 باده جام شهادت نوش ایدوب فدای شهریار عطا پاش و خطا پوش اولدی لر صدمه
 حمله هنروران عرصه دین برله مخاذیل مشر کینل قصرنا استوار شوکت
 واقندار لری پست و بازوی نیروی زور آوران سپاه برله اول کراهلک پنجه تجلد
 واصطبار لری شکست * اولوب خصوصاً مایه اعتضاد لری اولان شدادی
 حصارک صفحات دیواری سینه عاشق دلفکار کبی رخنه دار اولغین * مصرع
 در مانده رارضاً بقضادانست و بس * فغوا سی اقتضایه سر نهاده و ساده عجز
 و ناتوانی اولوب امان همایون احسانی رجاسنه سده سدره سیای سلطان بنده نواز
 رفع رفته نیاز ایدیلر تا نا نام قلعه سکائی دبدبه صاحب قرانی ایله زهره ترال
 اولغین اول بی ادرا کلر (لا یحطمنکم سایان و جنوده) مؤداسنجه یکقدمه طبل
 رحیل چالوب رخت اقامتی شاهراه سپاهدن کورتمش لرایدی ماه من بورل
 یکر منجی کوفی اول خالی حصار قر بنده ضرب طویل آ آرام و قرار اولنوب
 اها ایسی مجرد درگاه عالی به صورت تسلیم کوستر حمل ایچون مسک فرار اختیار
 ایتد کلری معروض رکاب شرف انتساب اولیحق شرطه غیرت صاحب قرانی
 موج بر بر محیه طقهر سلطانی اولوب بر حسب فرمان سلیمانی تیشه کوه کن و خارا
 شکن ایله هم سر سداسکندر اولان بروج کیران عروجی خاطر محنت زدکان کبی
 زیر وزیر) و خانه و کاشانه لری خاکه برابر اولدی (نظم) حصار یان استواری که
 بود * که تسخیر آن ممتنع می نمود (دایران لشکر فرمان شاه) گرفتند و کیندندش
 ارشاهراه * استونی بلغراد که اقلیم انکروسه قرالی اولان بدنزاد لری کتاسوار
 بجازه ملک اولوب قاید خزلان ایله سرگردان بیابان فنا اولد قلزنده جیفه
 کیمفه لری اول قلعه ده کوشه کیرمطموره لحد اولق معتاد لری * اولغین
 تمهید و احکامی خصوصنده تشعیر ساعد اهتمام اولنوب امر فتح و کشادی امکان
 عادی دایره سندن بیرون ایدی * نظم * بغایتی زباندی که عقل نتوانست
 کند فکر فکندن بطرف بام حصار * ز محکم بی بطریق که منجیق فلک * بسنل
 حادثه کاهش نکندی اددیوار * ماه مر قومل یکر می دردنی کوفی حصن
 من بور مقابله سنده ترتیب صفوف مقاتله * واعداد صفوف ادوات مقاتله
 اولنوب وزرای ستوده رای و امرای کار آزمای اول حصارک برر کوشه سنی

اختیار و عدوی فتنه جوایله سو بسو آغا ز مطارحه قرعه کارزار * ابتدا بیلر قریب
 بی توفیق زیاده تضییق ایچون دخی طوب لازم اولمغین انا طولی بکار بکیسی
 ابراهیم پاشا بروجه استیجمال بودینه ارسال اولینوب کفایت مقداری طوب
 احضار اولندی مناسب جانبیره مترساق وریلوب نیجه ایام نایره کیرودار شعله دار
 و کیمت دین تاز شمشیر خونبار جلوه ساز عرصه جنگ ویکار اولدی * زمان محاصره
 اون ککوندن زیاده ممتد * و دروازه فتح منسد * اولوب شاه مظفر چله نازدن
 روغوا جلوه کراولما دغندن نایره حمیت سلطان سراقرازان فروزان اولوب
 ماه جادی الاخره نلیدنچی کیجه سی معسکر خسته اثرده بیر برمنادیلر بلطفه
 تعالی یارین شهر یغماسار دیوندا ایتدیلر اول شب سلطان صافی مشرب * شعر
 اذا ضاق امر او تعذر مطلب * فعند آله العالمین طرائق * خفای صدق
 احتواسنه اعتماد افش محراب نیازه روی مسکنت سورب کابک رخسار
 پرانوار لینه زاله مرسل برله طراوت بخش اولدیلر اول هنگام صفایا نجامده
 * نظم * یاری از حق بیجوکه جز فضلش * عقده مشکلات نکشاید * هر چه
 خواهی ازو طلب که جزا * ره بکنج مراد نماید * ارشاد فی پیش نهادندوب
 حضرت سلطان غیب دان جل جلاله درگاه رافت پناه منه عرض تحیت نیاز
 مندانه ایله فتح و ظفر تیسری در خواست ایتدیلر * نظم * سحر که که این ترک کیتی
 فروز * در قلعه بکشاد بر روی روز * یعنی ترک یکسو اعرصه چرخ دروازه
 افق شرقی خاور اندن ظهور و روزایت دوکی دم عسکر فیروز روزا سباب حرب
 و قتال برله ککندولرینه زینت وزیب * واسلوب مرغوب اوزره آرایش
 و ترتیب * و یروب سیل کوه انداز کی قلعه جانمنه سبک ساز عنان مسارعت
 اولدیلر فرمان خالق الا صباح ایله ازل صباح مثمر الفلاح * نظم * فلات نیل کون
 وجهان تیره نل * زمین سربسر کشته اقلیم نل * مصداق اوزره غایت پوس
 اولوب نامزد خدمت محافظه اولان ناخفا نظر دهیده پوش اولمغین خروش جیوش
 دریا جوشدن اول بی هوشلر غافل اولوب هریران شیردل دامن حصاره ایرشدیلر
 سپه عون سبحانی جنود مجنده صاحب قرانی به وقایت الحفظ اولمغین صفوف
 سپاه نظردستگاه حصاره قریب اولدقلرینه وقوفد نصکره اجناد نصرت
 اعتیادی ابعاد ایچون بالای قلعه دن آتیلان سنل و خندل و طوب و تفنل برله
 عسکر فیروزی اثره کزند و ضررا صابت ایتمیوب سلم صد پایانه همت ایله دعای ابرار
 کبی قل و بروج حصاره عروج ایتدیلر * نظم * با جله شمال چه تاب اورد چراغ

بادولت همای چه پهلوزند زغن * خواستجه روز آرمایان مجاهدین دینه بیدلان
 کفره و مشرکین تاب مقاومت کنور میوب عرصه حرب و ستیزدن آهنگ
 دهلیر کیزا تخمین واروش حصار مسخر فرمان شهریار بلند اقتدار اولوب
 روز دیگر ایچ قلعه به تحصن ایدنلر دخی * نظم * زبان درنهای شه آراستند *
 بچیان آمدند و امان خواستند * اول حصارک صدمه دانه طوب آتشبار برله
 رخنه دارا ولان گوشه ری تشید و احکام اولنوب سائر لوازم و مهمام دخی اتمام
 اولدقدنصکره ماه من بورل اون بشنجی کوفی تیسر آمال ایلله سریرجاه و جلال
 طرفنه اماله بخام بیورلدی * نظم * چنین است این این کهنه کاخ * که که
 برتوتنکست و کاهی فراخ * نغندید در طرف کاشن کلی * که نکریست در ماتش
 بلبلی * دیرن لا جور دی سرای دودر * زدنبال مطرب رسد فوحه کر خواستجه
 کلزار عالمده هر کل شادمانی که صجدم زینت ساز شاخ امانی اوله شهنکام
 بادخران احزان ایلله پریشان اولتی آیین دیرین سپهر بد مهر در لا جرم بوفتح جمیل
 عدیم العدیل باعث کشادگی غنچه خاطر دریا مقاطر سلطانی اولدقدنصکره
 حصول امانی برله مهر آسمانی کبی قطع منازل بیوریلوب ماه شعبان المعظم
 اون بشنجی کوفی صحرای ادرنه آرامگاه بارگاه شمت و جاه اولدقدنسیایه
 سعادت پیرایه لوی حکومتی صاروخان سنجاغنه نعم البدل نعل شهبال همای
 اوج اقبال اولان شهزاده سلطان محمد ارزومند سپهر استان جنان اولوب
 بوسرای سپنج وحشت آییندن دارالانس خلد برینه خرام ایتدو کی خبر
 ملالت اثری قرع سمع ایلدی * نظم * برخاک و بخت آن کل دولت که باغ ملک
 باصدهزار ناز بپرورد در برش * بکریست تخت زار بر آن شاهزاده * کاورد
 غراف سرشاهی بکوه رش * بویام آتش خیر زقت انکیز گوش گذار شهریار عالی
 تبار و لیج بی اختیار زبان آه سدره سوزلری محفل نشینان ملاء اعلا به شاره
 قشان اندوه اولوب نخل بالا کش قامت طوبانمودلری دست غم برله خم اولدی
 و بنفشه زار رخسار لرینه * مصرع * کمارش قطر المزن وجه الشقایق * خونابه
 قطرات اشک پریشان اولوب تاثیر تاب سوزش واضطراب برله روی کابویلری
 هم کونه زعفران اولدی سلطان المجاهدین حضرت تلمی بدرقه امانین برله
 منازل نورد اولوب ماه من بورل دیگر می اوچنی کوفی مستقر سریر شرف مصیر
 فر وجود به بودلری ایلله رونق پذیر اولدقدن سلطان بایزید جامه منده مستغرق
 دریای رحمت رب مجید شهزاده سلطان محمد نمازی ادا اولدقدنصکره اول

کوه رناباب کان سلطنت امکی او طه لر باشند دفين زیر زمین اولوب ترویج روح
 پرفتوحلری ایچون برجامع و مدرسه و عمارت و معلم خانه یه طرح اساس اولندی
 * نظم * انکه قرارش نکر فنی و خواب * تا کل و نسیرین نقش انداخت * کردش
 کیتی کل رویش برینخت * خارضا بر سر خاکش برست
 بومقاله دعلمازی ادب طهماسبک برادر که تری القاص میرزا بعض امور
 الجاسا درگاه مکارم دستگاه التجا ایدوب تکرار دبار شرقه اماله الجام اشهب
 برق کام بیورلدی بیساننده در

عنایت سبحانی همواره قرین حال بنجسته مال سلطان اولوب * بنه تعالی
 اعدای دولت مطموره * نشین چاه ذات اولغین اگر چه طرف سلطنت قاهره یه
 چشم * احولدن اوز که کچ نظرایدرا اولوب ممالک محروسه یه شاخ چناردن
 غیرى ال اوزادر قالمش ایدی لکن کشورایران سایه نخوست پیرایه سیله
 ظلمت آباد * ورعایه همیشه تمهیل بارکران جو رویداد * ایدن طهماسب
 بدنه سادی و سادۀ حکومتدن طرد و ابعاد ایدوب بلکه منصب حیاتدن دخی
 عزل ایتل مقتضای صاحب قرائی * اولغین اگر چه اول اقام عظیمی ملوت
 وجود شقاوت الود در نضه و ملحدیندن نظم بر ایدوب این باطلاری ایله عاقل
 اولان مساجد و جوامع زیور جماعت موحدین و مدح چاربار کزین برله
 رونق پذیر اولتی سمیر ضمیر منیر لری ایدی اما که برخوای حال الجریض دون
 القریض ظهور بعض موانع و عوایق بومهم خطیر کتوتدن فعله کلمنه مانع
 وعایق اولغین بوا مهال محض اهمال اولتی ملاحظه سیله شاه کراهل نابره
 سامان سوز تعدیسی بیکنانه واجانبیدن خویشاوند و اقارب دخی شراره فشان
 اولغنه باشلیوب حتی برادر که تری القاص میرزا الندن حاکم اولدیغی شروان
 اولکه سنی انتزاع ایچون لشکر هزیمت اثر ارسال ایدوب تراجع کوب
 اقبال اقتضای سیله نمودار روز سختیز اولان میدان حرب و ستیزه صورت هول
 انکیز * یوم یفر المراء من اخیه * مشهود دیده نکبت دیده سی اوازدن مقدم
 متعینان خواصی ایله القاص مناص خلاص اولتی رجاسنه اهنک دهلیز کربز
 ایلدی * شعر * الم تر ان الدهر یوم وایله * یکران من سبت جدید الی سبت *
 فقل لجدید الثوب لا بد من بلی * وقل لا اجتماع الشمل لایده من شت * اول بیچاره
 داعیه تقلبات زمان ایله اواره دستبرد روز کار اولوب نیجه ایام بر کشته حال بنجه
 ستم و قهر سپهر بد مهر اولد قد نصکره خورشید بنجی پرده برانداز کسوف

نکبت اولوب ره بر اقبال برله * مطلع الانوار افتاب جاه و جلال اولان عقبه
 دولت منال روعمال ایلدی * نظم * زهی سعادت ان بنده خجسته مآل *
 که راه داد درین استانه اش اقبال * محرز شرف تقمیل حاشیه بساط جلالت
 مناسط اولاده صمیم اشکده دلن آه سر دچکوب عقود اشل خونینی دانه
 سبجه مر جان کبی روی زمینه غلطان اولدی و شعیق غیر شفیقندن جیب
 صبح و دامن شفق کبی چاک کریمان شکایت ایدوب اول بدنهادک لهیب فتنه
 و فسادنی اخلاصه لازمه ذات ستوده صفات لرندن اولان ریاست عامه
 مهامندن ایدوکنی برداشته پدشگاه دولت ایلدی شهنشاه مکارم دستگاه
 حضر تلی حقه لعل کون دهان اچوب فراید کلمات فصاحت سمات برله
 کوش هوشنی تشنیف * و صنف نوازش و التفات ایله خاطر ناشادنی تلطیف
 بیوروب مز رعه امنیه و آمانه فیض سرچشمه افضل سلطان کردون رخس
 نصارت بخش اولدی * نظم * شه مر حمت کیش بنواختش * بشیرین زبانی
 سرافراختش * با فراع دجری و احترام * باز کرد رسم مر و ت تمام * اول غریب
 دریشل مر هم شفا ساز عنایت شهنشاه مر حمت کیش رجاسنه درگاه مر و ت
 دستگاهه انجا ایدوب شاه کمر اهدن داد خواه لغه اغازی محرک دریای همت
 دیه متای سلطان غازی اولمغین عسکر فیروزی اثر میعاد مقرر روزمان منته نظر ده
 صدور فرمانه منته نظر اولملری باینده امر و احکام اطرافه تا کید اکیدی متضمن
 یرلیغ بلنغ ارسال و تبلیغ اولندی دستیارئی حسن توجه سلطان بلند همت برله
 از مدتده عده سفر معر الظفر قرین اتمام اولوب یوم موعودده که عام خنس و خسین
 و تسعمائه صفر المظفرینل اون سکرزنجی کوفی ایدی بدرقه طالع مسعود برله
 اسکداره کنار اولنوب بعد ایام صوب مر امه خرام بیورلدی شهر یار داد کر
 و عسکر فیروزی اثر اصابت عین الکمال روز کردن مصون الساحه اولملری
 ایچون آیت وان یکا داد و قنوب بر نای پیر غنی و فقیر (شعر) الله یحرس مجدک العالی
 فسر * فی حفظه فاته خیر حافظا * دعا سیه تشییع موکب ظفر قرین سلطان
 المجاهدین ابتدیلدر درگاه مکارم اختصاصه عرض رقیه و اخلاص ایدن
 القاص میرزادنجی بوسفر خجسته اثرده ظفر منال ملازم عقبه جاه و جلال اولقی
 سنجیده میران حسن تدبیر اصابت پذیر اولمغین حسب الامر میرزای مزبور
 غاشیه خدمتی پیرایه دوش مفارقت ایدوب رکاب سعادت انسابده پیل نسیم
 غنبر ششم برله برزده دامان عزیمت اولدی نورس نهال باغ مجد و اقبال * غنچه

کلزار جاه و جلال * شهزاده کریم سلطان سلیم مغنیسادن طوغ سعادت فروغی
 استقبال ایچون تحریک خطوات اجلال بیورم شلایدی بدرقه پخت فیروز برله
 روز بروز خورشید جهان افروز کی قطع منازل بیوریلوب ماه ربیع الاول
 ایکنجی کوفی ماهجه علم عالم ارای سلطان افاق قصبه سید بطال غازی قربنده
 لامع الاشراق اولیجق قران سعدین واقع اولوب سلطان ارجند حضرتلری
 مشاهده دیدار بهجت شمار فرزند سعادتند ایله قمر العین مسرت اولدیلر
 صنوف نوازش و اکرام برله توقیر و احترام نصکره روم ایلی محافظه سی خدمتینه
 نامر دا ولوب ادرنه به ارسال بیورلدی در درج سلطنت * دردی برج خلافت
 شهزاده سعید سلطان بایزید اسکندر دارا حشم استقبالنه قونیه دن تحریک
 طوغ و علم ایتش ایدی ماه مرقومل ارنجی کوفی آق شهرده تقبیل رکاب
 سعادت انتساب ایله کامیاب اولوب بر قاج کون محرز شرف خدمت ملازمت
 آستان مجد و رفعت اولدی نور حدقه کامکاری * نور حدقه تاجداری * شهزاد
 با صفا سلطان مصطفی غبار سم * محمد دایمند شهریار بلند اقتداری درور دیده
 افتخار ایتمل رجاسنه اما سیمه دن سبک ساز عنان مسارعت اولوب سیواسده
 چهره سای پای فلک فرسای سلطانی اولدی شهزاده لر منظور عین عوطف
 خسروانی اولوب ایالت کاهلری طرفنه عزیمتلرینه رخصت بیورلدی
 شروانلردن برهان علی سلطان که اسعاد استمداد و امداد پخت مادر زاد برله
 مقدم مادر گاه رفت پناهه التجا ایتکیکن منظور لحظات انعام و التفات اولوب
 کشور عجم صوبه سوق مطبیه عزیمت بیورلدی هیکامده شروانیان دن
 دارالامان استیمانه پناه کتور مکله چاره جوی خلاص اولانلری تلطف * و قدم
 لج و عناده قالمقوب طریق مخالفق پیش نهاد اید نلری تخویف * ایچون
 ملطفه کراهی برله شروان طرفنه عطف عنان ایتش ایدی مزبور برهان علی
 سلطان انذار عشرت ایچون صبادن استعاره مرعت ایدوب شروانیان
 یا قومنا جیبوداعی الله ندا سیله ایصال نامه نامی اید یجل بینلرینه مناقشه در
 وقبول دوشونب مقدمات مشاوره و مکالمه لری منسج مشاجره و محاصره اولدی
 * نظام * قضا چون ز کردون فروهشت بر * همه زیرکان کور کشتند و کر * خواسی
 اقتضا سنجه بصیرت نلری غشاوه غفلت ایله پوشیده اولدینی جهنمدن منج
 قویم شرع مستقیمه مهتدی اولوب بیابان عصیان وضع قدم ایدنلر باطفه
 تعالی محاصان صد اقتکار شمیر خونباری توسطی ایله بذل تقدینه حیات

اینگل اوزره برات نجات ویریلوب ولایت شروان بی معارض و منازع فرمان
 منتهم الازعانه تابع اولدی چوبان کوپریسی قریبده نزول همایون بیورلد قده
 شاه منجوسل درت نفر جاسوسی اخذ اوله نوب الیورنده رئیس ملا حده دن اما سیه
 سکانندن علی حده بر قاج هم مذهبلرینه نامه لر بولمغین امر لری قاضی ماضی
 الحکم شمشیر حواله اولی نوب اول منشور شقاده ناملری مذکور اولانلر
 جزالری ویرال ایچون شهرزاده سلطان مصطفی به جامه نامه اوچر دیلمه
 جمادی الاخره نل اوچنچی کونی قصبه خوی مقرر دوی همایون هامون
 پوی اولد قده مقدمه مضبوط خدام سده سدره مقام اولمش ایکن بر طریق ایله
 تکرار فریق بی توفیق ملا حده پنجه سنه کرفتار اولان قلعه وانل مداخل
 و مخارجنی سد * و شاه کمره طرفندن امداد احتمالی سد * ایچون حسب
 الامر عالی قرمان و ارض روم بکلر بیکلری تحت ایالتلرنده اولان عسکر ایله اول
 جانبه عزیمت ایتدی لر کاب نظمرانتسابلری دخی و انظر فنه تحریک بیورلق مقرر
 ایکن شاه کمره اهل تبریزده ایدوکی خبری استماع اولمغین زمام اشهب کمل
 خراملری اول صوبه معطوف اولوب ماه من بورلک اونچی کونی سعید اباد تبریز
 فیض سرچشمه شرف قدوم بهجت لزوملری ایله کلخیز اولد قده صرصر قیامت
 اثر هجوم شیران روم برله شاه شیاطین سپاهل مباحی صبر و آرا می مشرف انهدام
 اولوب * مصرع * خنک کمی که گرفتست ازین میانه کنمار (نظم) بدیع النظامی
 ورد زبان عجز و انکسار ایدو رک بر قاج کون مقدم راه کریمه وضع قدم ایتمکین
 تبریزده ازین کون بسط بساط استراحت و آسایش * و وضع وساده حضور
 و آرامش * اولد قده نصکره و ان استخلاصنه توجیه اعلام عالمستان بیوریلوب
 ماه رجب الحرامل در دینچی کونی پیرامن قلعه وانی مضرب اوطاق خسروانی
 ایتدی لر محافظه خدمتقه مأمور اولان بی شعور لر طقوز کون طریق مدافعه
 و خصامی مسلول قدم اهتمام ایدوب منهج مستقیم تسلیم روکردان
 اولد قده نصکره تاثیر تاب تب بی تاب برله و انی لر سر نهاده وساده ناتوانی اولوب
 ماه من بورلک اون اوچنچی کونی القاص میرزا و ساطیله قرع باب استیمانه شتاب
 ایتدی لر * نظم * هر یکا عزم جهانگیرش کران سازد رکاب * فتح و نصرت رابدان
 جانب سبل کردد عنان * رخ دولت پرورش راملک و مات در پناه * تیغ نصرت
 کسترش رادین و دنیا در ضمان * بوائناده طهماسب بد نژادک عاد لجواز و موش
 آباد طرفلری غارت جاسارت ایدوب قارص تعمیرنه مأمور اولان بحار

و مردوری اهلانک و تدمیرایله اول بد تدبیرک زعججه اخذا انتقام * وقصبة
 اخلاط سکانی بی کناه قتل عام * اتجسی اول جانبه سوق ککنایب اولامش
 اقتضا ایتمکین شهنشاه ستاره سپاه حضرتلری * نظم * روان شد سوی
 دشمن کینه خواه * بنیروی اقبال و عون آله * اوازه خروش جیوش دریا جوش
 طنین انداز ککوش هوش اولجیق شاه کمره اقطار ممالک محروسه دن
 غارت ایتدکاری مواشی و دوابی پابند فرار اولمق ایچون مرعای حیاتدن رانده
 زربیه هلاک ایدوب اول روپاه فتنه انکیز کین ساز و راخ کیر اولدی * نظم
 غبار موکب منصورش ازدور شکست آرد بخصم ارهست فغفور شیران
 پیشه زار و غادرنده کرک اجل کبی کروه مکروه سرخ سرائی تعقیب ایدوب
 اول سکان بدعل بقایا سنده هوش اره سنده ایرشد بلر شاه کاشته لری پنجه شیرزبان
 دو شمش کربه ناتوانه دو تمکین اکثری مسافر خانه دنیای بی بقادن جانب اقلیم
 فدایه محمل بند عزیمت اولوب تنهار و بادیه هول انکیز عدم اولدی * نظم * مدق
 وحش و طیر راپس ازین * فلک از کاشته دیزبانی کرد * اول هنگامده لشکر
 از هار بهار انکسار کوب فیروزی اثری غارتگری طلیعه الحیل شنادن کناره
 سلامتیه چقارمق مناسب فہم اولمغین دیار بکر جانبنه اماله الجام نهضت
 بیوریلوب ماه شعبان المعظمک اون دردنجی کوئی صحرای آمد مقر سرادقات
 شہر یار باهر المحامده اولدی فرمان فرمای ربیع مسکون - حضرتلری نیک المصلحة
 عودہ مایونلری ایله رئیس ملاحد ککوشه انزوا وسکوئدن تکرار و عون
 اولوب اول مجنونک * مضرع * چون کربه است و خنده اهل جنون * اطوار
 ذمیة الانار اظہاری * و تحریک بخت و اثر ککون ایله ممالک محروسه دن
 نرجان وارزنجیان سکاته قصداذیت و اضرائی * معروض نواب کامیاب
 اولمغین بروجہ استعجال وزیر ستوده تدبیر احمد پاشا ارسال اولینوب ماه صیامک
 طقوزنجی کوئی سلطان نظر نشان حضرتلری دخی * نظم * دع التکاسل تغم فقد
 جری مثل * کہ زاد راه روان جست نیست وچ لاک * پندی ایله کار بند اولوب اول
 وجه به توجیه عنان ستمد دلپسند بیورد بلر خبر برد حکمرانی مرکز ریات فیروزی
 آیات اولد قده احمد پاشا طر فدن اخبار مسرت آنا انکسار دشمن نکون و سحر
 وارد اولمغین بخت و شادمانی برلہ ینہ آمد طر فتنه عنان عنری ثانی اولوب
 ماه شوالک اوجنی ککونی دیار بکره شرف نزول اجلال ارزانی بیورلدی
 عسکر سرمانجزه خوبان کبی غارتگر متاع ناب و توان اولد یغندن ماعدا

زاد و زاده ده زیاده مضایقه اولمغین لشکر منصور سور ت شنا به فتور کالج به بالین
استراحت به اتکا ایچون روم ایلی عسکرینه ماردین و اناطولی عسکرینه رفقه
و سایر بکلیر بکلیره دخی مناسب جانبلمشتا تعین بیوریلوب سلطان المجاهدین
حضر تلی قاپو خلق ایله طرف شهبایه تحریک علم عالم آرا بیوردیلر مقدمه آمده
اقامتلی هنکامنده القاص میرزا طما سب نکبت المجاهدین اخذاته مقام
ملاحظه سیه کشور ایرانی ویران ایدوب اها ایسنی گرفتار مضیق دشواری و مبتلای
خار خار خواری * ایتمل باینده اذن همایون سلطان ارجند صدورنه آرزو مند
اولوب برخوای * مصرع * زهر طرف که شود کشته سودا سلامت ملتجی
امضای قبول ایله مطر زاولمغین آتشیاره طعن و ضرب بر بلوک جرة الحرب اراذل
واشقیایله دیار عجمه قضاء مبرم کی و رود ایدوب اول کشور میسر تا سر بر آتش
و دود ایلدی * نظم * بدست دیگران دشمن بدست آر * که دست و دل نبیند هیچ
آزار * شاه کراهل و خان و سلطانلر سیرا بلری که هر طاق زرکاری برنکار خانه
چین * و هر صفحه دیواری نمونه نمای کارنامه صورتگران ماجین * اولوب
هر نقش عجیبی حیرت فزای ارژنل و مانی * و هر قصر دلفری غیرت زهت سرای
بهشت جاودانی ایدی * نظم * سربانی که درد دنیا بهشتی * زفرش ماه خشتی
مهر خشتی * صفای صفهایش صبح اقبال * فضای خانهایش کج آمال * محمد
فرش مر مر در عمر هاش * موصل زآبنوس و عاج در هاش * بیکبار خانه
بخت اعدای بد تبار کی ویران ایدوب قم و کاشان و اصفهانی حدود فارسه دل
تخریب * و سکانه آتش شمشیر ایله ایصال انواع اذیت و تعذیب * ایلدی
اول بد کهر کشور عجمه اندازه مکنت بشریه سی قدر ایصال کرتند و ضرر
ایند کد نصره تحریک بخت ستیزه کار برله طوق امتثال فرمان جهات طماعی
دخی کردن اتباعدن انزع ایدوب طرف کردستانه فرارایتمکین بعد اعوام برادر
غداری النند جام شمشیر زهر ابدار تجرع ایلدی * نظم * زهر کس ناید این
کزا بر همت * نهال عهد را سر سبز دارد * شاه شیاطین سپاه که همواره
فکر و اندیشه می ایقاد آتش فتنه و فساد اولوب خرد خرده دان اول نادانه
مصرع * ممکن ممکن که بشیمان شوی و سود ندارد * بخواسیله نصیح و پند ایتد بکه
سودمند اولوب * مصرع * من کوش استماع ندارم لمن تقول * مضنونیه
رد جواب و فرصت دوشد کعبه بر کوشیدن ممالک محروسه به کزند ایرشدر مکه
شباب * ایدرایدی بود فعه دخی اول فتنه ساز استخلاص وان هوا سنده پرواز

ایستگین بر قاج بیل اشرا بی دین ملا حده بد آیین ایله دنبوالی حاجی نام بر عده
خانی نامزد خدمت قاهه ستانی ایدوب انتها ز فرصت رجاسنه اول دغلبازلوان
قربنده مکین سازایدوکی وان بکار بکیسی اسکندر پاشا تلک معلومی اولیجی
محافظه خدمتده اولان مر بازان روم ایله * مصرع * کالریج عاصفه واسیل
منهدر اوزلرینه هجوم ایدوب اشتعال آتش حرب و جنگ برله تنور باز کونه
فلک بی در تلک بر تاب * و آبشخور سر خسران جام شمشیر خون نشاندن
تجرع زهر ناب اولدی * یعنی جمله خاتمه النعالمه اول بد حال ترک باره کج رفتار
اقتدار لرلی تلک * و عرصه عالم شهود وجود شقاوت آلود لرینه تلک * اولوب
بر خوای ~~کرمه~~ من بعمل سوای جزیه جزاء سوء ضیعیلین دیوان قضادن
استیفا ایلدیلر * نظم * مکن بد که از بد نیایی امان * مکن چاه تا خود نیفتی دران
شهریار عالی تبار حضرت تری اول قیش کزیده کشور عرب مدینه حلبده بسط بساط
رام و قرار بیوروب اول دم که * نظم * ریاحین ز تحریک باد بهار * برقص آمده
بر لب جویبار * ز عدل بهاری و اطف شمال * چمن کشت در غایت اعتدال
بر موجب فرمان فرمان ده مصر و شام عساکر فیروزی انجام حلبده عقد انجمن
ایدوب میدان ازرق خیام نریا تظلم برله پر رونق اولدی * نظم * سپاه انجمن
شد بدرگاه شاه * نبرد آزمایان نصرت پناه * زیر ملک بیابان فزون در شمار * برزم
اندرون شیر دشمن شکار * سنه ست و خستین و تسعمانه جادی الا و ایسنلک اونجی
کوفی تادیب و ~~کوشمال~~ طهماسب الحاد مشرب ایچون لوای فلک فرسای
سلطانی دست ناید سجمانی برله صوب همراه خرام ایدوب ماه ضربورک
اون سکرنجی کوفی بیرجک قرینده نصب خیام قرار * و بکره نجی کوفی نهر
فراندن گذار بیورلادی مادجادی الاخره نلیدنجی کوفی الما لوزام منزل محط رحل
سلطان دریادل اولد قده مزاج انطاف امتزاج شه شاه ظفر دستگاه بر خوای
اذا احب الله عبد البتلاء منهج مستقیم اعتدال دن کریمه تغیر و انفعاله یوز طووب
جوهر ذات ستوده صفات لرینه عرض مرض طاری اولدی * نظم * از بیم
تکمرش جهان می لرزید * و زافه ملا تش زبان می لرزید * اوجان جهان بود دران
دم از خوف * بر جانش دوصده هزار جان می لرزید * سلطان ظفر شعاع حضرت تری
مر نهاده و ساده فتور و انکسار اولیجی زبان الحال روزگار * نظم * کرتیغ توپل دم
زمیان پر خیزد * عصمت همه راز خاتمان بر خیزد * از بستر غم که جای بد خواد تو بود
بر خیز نبلک ورنه جهان بر خیزد * مضمون لایزمی نه نیاز چکه مکین سلطان بنده

نواز حضرت تلی سافر و انصحو کلام دری النظامنه اعتماد افتور مزاج ایله مشاق
 اسفار اختیار بی وروب قرجه طاع دیمکله شهره آفاق اولان بیلای که هوای
 جانقزاسی شمیم زلف خم بخم خوبان آساراحت رسان خسته دلان * آب
 خوشکوار یلب جانان کی شربت شفا سازتقسیمده لبان وادی هجران * اولوب
 مشاطه روز کارشانه نسیم سخن برله * سنبلارینه تاب * و باغبان ابرنوبهار قطرات
 بردر و کهرایله کلرینه آب و برمشدر * نظم * لطیف و دلکش آب و هوایی * مبارک
 منزلی فرخنده جایی * ریاحین برکنار جوی رسته * باب زاله دست و روی شسته
 درختان چون بتان قد برکشیده * زین دیکر بخوبی سرکشیده * اول جای
 فرح فزماضرب اوطاق کردون نطاق اولدقد سلطان آفاق حضرت تلی نه
 و نزل من القران ماهو شفاء درجه المؤمنین * داروخانه سندن شربت عافیت
 ابرشوب آفتاب عالمتاب سمهر سلطنت و اقبال دستیاری عون ایزدمتعال برله
 پرده برانداز محاب تکدر واضطراب اولدی * نظم * نکویم مزاجش
 گرفت اعتدال * که عالم شداین زبیم زوال * اول مهر برج شرف کسوف انحرافی
 برطرف ایتمکین خانه تاریک کهنه سقف جهان پرتوشادمانی برله
 غیرت کلزار ارم اولوب خلق عالم * شعر * المجد عوفی اذا عوفیت والاکرم
 وزال عنک الی اعدائک الالم * وما تخصل فی برءیهتمیه * اذا سلبت فکل الناس
 قد سلما * نظم * اعجاز طرازی برله ترانه پرداز اولدیله وحدایت آمال خلیق ازهار
 بهجت و نشاط * و آثار مسرت و انبساط * ایله رونق پذیر اولوب اعتدال نسیم
 بهار باعث اعتدال مزاج روز کار اولد یقه زینت باغ مجد و اقبال اولان نهال
 قامت طوبامثالری تند باد خزان احزاندن مصون اولمق ایچون عامه عالمیان (نظم
 همواره تابود سبب سخت بدن * بیماری نسیم روان بخش روز کار * کلزار عرشاه
 جوان بخت و کامران * محروس باد در کنف عون کرد کار * دعاسیله رطب اللسان
 اولدیله * نظم * شکر ایزد را که دات خسرو کیتی پناه * حله صحت ز نو پوشیدز
 لطاف آله * شهنشاه فیروز روز حضرت تلی عزم غزای کور فوزیه و ورد قلی
 عام نجسته انجماده ارض روم بکار بکیسی اولان موسی پاشا تسخیر کور
 جستان امرنده اتمام ایدوب اول دیارده نیچه زرده دهی مائرو آتاری زینت ساز
 قلاده کردن روز کار اولد قدن صکره اقتضای تقدیر ایلله اول شیر دلیرسکان کورج
 لندن تجرع زهراب هلاک ایتش ایدی * شعر * ولا عار للاثراف ان ظفرت
 بهم * کلاب الاعادی من فصیح و اعجم * خربة وحشی سقت حمزة الردی * و حنف

علی من حسام ابن ملجم * اگر چه عام ماضیده ارض روم بکار بکیمی محمد پاشا
 ارسال اولینوب کور جیان خسران مال نوعا کوشمال بیورلمش ایدی بوسال
 میمنت اتصالده دخی غره ماه شعبانده وزیر آصف تدبیر احمد پاشا ناهن خدمت
 سر عسکری اولوب ارض روم و قرمان و مرعش بکار بکیلری و بر قاج سنجاق
 بکاری بیل نفر بکچیری و اشاغی بلوکلر اربابی ایل اول شردمه قننه و فساد اوزرینه
 توجیه رایات غزا و جهم ادا بیلدی عسکر نصرت اثر عدوی قننه جوی او اسک سه
 وضع قدم ایدوب فرقدن منجا و ز قننه بی خاکه برابر اول کشور ی بروجهله زیر
 وزیر ایتد بلکه بچوز مر دم کش دنیا بنیاد نوحه کری ایدوب دم بدم * شعر
 باد هر این احبابی و ما صنعوا * یادار کیف هم یادار یادار * زمزمه سیله کلبائل
 فریاد چکر ایدی بو حال نجسته مأل * صرع * مصایب قوم عند قوم فواید
 خواستجه کروه پرشکوه عسکر اسلامه سبب اعتنام و شادمانی * وزمره کفره
 ثنامه موجب انهمزام و پریشانی * اولوب سپاه صاحب قرانی حصول امنیه
 و امانی برله ماه شوال المکرمل ایکنجی کوفی آمد صحراننده معسکر همایون
 سلطانی به واصل * و صنوف نوازش و التفات خسروانی به نائل * اولدیلر * نظم
 لب آراسته شاه عالم پناه * بدلداری سروران سپاه * کردار و شمشیر و تشریف خاص
 بدلویش یافتند اختصاص * شاه کمره طرفدن جاسوسلر کلوب اول بی عار
 و ناموس کوشه اختفاده انزوا ایتد و کنی اخبار ایتد کلرندن ماعدا * نظم
 تاب سرما که بردز آتش تاب * آب را تیغ و تیغ را کرد آب * خواستجه مزاج
 روز کارده برودت غالب اولغین دشمن غاییدن مقابله امیدله سفر زمستانی
 متاع بنه تحمل نامناسب اولغین ماه میر قومل اون اوچنی کوفی طرف روم
 بهجت رسومه عود بیوریلوب بعد طی المنازل ماه ذی الحجه نل غره سنده اول غره
 غرای برج جاه و جلال مطلع مهر سپهر مجد و اقبال اولان میر بر شرف مصیر آل
 عثمان بر توجولوس سعادت مانوس ارزانی بیوردیلر * نظم * زمزمه دختخته چقد قجه
 شاه لشکر انجم * جه سانی افسر زرین ایل قلد قجه نورانی * سرافراز اول سریر
 سلطنتنده کون کبی دایم * منور قلسون اقبالک بونه فیروزه ایوانی * ضیا بنم
 اول رکابل شعله سندن ماه و خورشیده * محمد بختل ایتسون عرصه عالمده
 جولانی * بومقاله بعض امور اقتضاسیله اولار روم ایلی بکار بکیمی محمد پاشا
 و تانیا وزیر آصف نظیر احمد پاشا دیار کفاره سوق کتاب فیروزی عواقب ایدوب
 طمشوار و دخی نیجه قلعه و حصار ضعیف مالک محروسه دن اولدیغی بیاننده در

نکاشته خامه مشکین مداد اولدیغی اوزره مقدمایانوش دوزخ معاد عازم درکات
 سچین اولدقده جانشین اولان استفان فام اوغلی سن دون البلوغده اولوب
 آیین مله کداری محافظه سنه اقتداری اولدیغی جهتدن گاه و بیگاه فرندوش
 بی دینک بودینه اطاله دست نمدی به تصدیی اولمغین اول بدآیینک رشته
 طمعنی مقراض یأس برله قطع ایچون منیوراستفانه اردل ولایتنده سنجاق
 عنایت بیوریلوب بودین ممالک اسلامیه به الحاق اولغش ایدی استفانک
 مدیردوایر حکومتی اولان براته نام اعین بدکردار بوضع حکمت شعاردن
 عارایدوب زعم فاسد نجه اخذ ناررجاسنه نهانی اناره ماده فساد ساعی
 وفرندوش ایله تمهید اساس دوستی واتحاد شرایطی مراعی اولدی *
 اول بد نهاده فساد درونی مرفوع رکاب همایون اولیجی استکشاف دسیسه
 ضعیف ایچون سکدین واطرافنده اولان قلاعه سمندره وبلغراددن نهر تپسه ایله
 زاد و زواده ارسالنه اردل حاکمی زیر دستنده اولان پچوی نام قلاعه جانبی مناسب
 اولمغین استفانه نامه همایون کوند ریلوب زمام ضبط حصار منیور مسلم قبضه
 استحقاق لری اواق خاطر خواه لری اید وکنی اشعار بیورد قلند اول شوم مذموم
 استغانی بوقدر امر جزوی به مساعدده دن مباعده به تحریص ایدوب اسباب
 فتنه وفسادی مؤکد * وصرح بمرد عنادی هشید * ایلدی * نظم * کزندی که
 بر شهر باران رسد * زند بیدستور نادان رسد * کسی را که دولت رود ز آستان
 شود بافر و مایه همدستان * اول لهین بدآیینک بویله بروضع نافرجامه اقدای
 علاوه موجبات غضب وکین اولوب اوزر لرینه روم ایلی بکلیر بکیسی محمد پاشا
 سردار تعین بیورلدی سنه ثمان وخنسین و تسعمائه رجب الحرام نکل النجی
 کونی امواج افواج عسکر صوفیه حصار سنده متلاطم اولوب ماده منیورک
 بکرمی سکرنجی کونی قلاعه پچوی محصور لشکر منصور اولیجی حصار بلر
 قبول طوق فرمانبردن باش چکوب اوج کون اوج کیجه بنیادستیز کری
 ایستد بلردرنجی کون حصار مرقوم شیران روم پنجه تسخیرنه دوشوب دست غار
 تکران هر گوشه سنی جیب مفلس کبی تهی ایلدی اردل ولایتنک ممتاز قلاعه
 لزند لپوه نام سرافراز حصارک حاکمی اولان اعین بی دین میدان خشم وکیننده
 هنوز زور بازوی اقتدار غنا دین پنجه تاب توان وتابی اولمق ایله بکرمی بیکدن
 زیاده عسکر ایله قلاعه مقابله سنده طیاره قوروب برای رسم تهیت القدوم
 سپاه رومه طوب و تغلک دانه لری آماده ایتدوکی استماع اولمغین حقیقت حاله

تخصیص اطلاع ایچون اول جانبہ بر مقدار عسکر ارسال اولنوب یقین وارلدقد
 طلیعه کفار ایله کتیبہ سپاہ ظفر شعار دوچار اولدیلر ناچار سر بازان طرفین
 تیغ تیزی نیام انتقامدن بازیدوب اشغال آتش قذاله آغا زایتدیلر * نظم * زیاد حله
 چنان برفروخت آتش کین * که سوخت از شر نوار حرب چرخ برین * برآنده
 عرصه دارو کیرد ربای خون وعکس * خون کشتکان ایله دامن شفق لاله کون
 اولوب میدان جنگ صفدر لرینک اللرنده تیغ زمردینک اجر قافی ونبرد کا هد
 اولان هر ریزه سنک برعل بدخشان اولدی * آخر کار مهابت عسکر فیروزی
 شعار عنان ربای صبر و سامان کفار اولوب مانند اوارق خزان اطرافه بریشان
 اولدیلر * نظم * زیم هلاک و زهول ستیز * دویندن آخر براه کیریز * چرخه خیل لرینک
 انهرای ایله طابورده اولانلرک دخی نظام جبهتی بوزیلوب رخت قراری
 باره فراره تحمیل ایدیلر قلعه سکافی کمال عجز و ناتوانی برله ذیل استیجانه
 تثبت ایدوب خدمت سر عسکره تحفه نیاز مندی تقدیم * و بر صبح
 مفتاحلری تسلیم ایتدیلر بونلاردن ماعد ارواح و بچکرک نام قلعه لر دخی نیجه
 حصار لر داخل قبضه تصرف مردار ظفر شعار اولوب **ا**کر چه اردل
 مملکتنک آب روی اولان طم شواردخی بر قاج کون محصور عساکر جزا نامدار
 اولدی لکن * نظم * دانی که حساب کار چونست * سر رشته زدست ما برونست
 * چون کار باختیار ما نیست * به کردن کار کار ما نیست * خواستجه کوهر
 ظفر دست رس میسر اولوب اول ریسع بدیع آلا ناردن تکرار طم شوارد
 رجوع وانغی اوزره بلغراده عود اولندی بواننداده سکدین سکافی اغوای
 شیطانی ایله رقبه لرندن ربه اطاعت فرمان لازم الادعائی اخراج ایدوب
 واروش حصاری اعدای دینه تسلیم ایتد کبری اخباری انتشار بولغین میخال
 اوغلی بالی بل شیران اهو سوار برله ایرشوب بر طریق ایله باب السردن ایچ قلعه به
 داخل اولدی واروشده اولان کافر عسکری اون بیکدن افزون اولوب پنجه
 استیلا لرندن دامن حصاری تخلیص * امکان عادی دایره سندن بیرون اولغین
 ایچ قلعه محافظه سی اعز آمال اولوب بر خوای کریمه تسلیمت آمیز لعل الله یحدث
 بعد ذلک امر اشکاف سردقات الطاف آلهیه دن بر لطیفه غیبیه ظهورنه
 ترقب وانتظار اوزره اولدی تا که سکان بی دین سکان سکدین اقدام ایتد کبری
 کار مذموم بودین بکابر بکپی علی پاشانک معلومی اولوب عجله و شتاب برله
 اول جانبہ عنایت اولدی بعنایه الله تعالی کفار تبه روز کارک پاشیده

دست اضرار لری ارلان تخم فسادله زمان حصادی ایرشوب مجاهدین ظفر قرین
شمشیر صاعقه تأثیر برله خرمن هستی اعدای دینی خاکستر ایتدیلر * بیت * بهر
جا که رایت برافراختند * علمهای دشمن نکون ساختند * بهر سو چراغی که
افروختند چو پروانه بدخواه را سوختند * اول قیش روم ایلی بکبر بکیسی محمد
پاشا بلغر اددو ضرب طوبیله قرار ایتدو کمدن طمشواریلر استعمار سر ضحیر ایدوب
اول حصن حصینی زیاده تشید و تحصینه سعی و اقدام و قتل و بروجنی ترفیع
و خند قنی تعمیق و توسیع امر نده بذل نقدینه اهتمام * ایتدیلر * نظم * کردون
چو خال و خال چو کردون همی نمود * از پستی و بلندئ آن قلعه و حصار
طمشواریلر برقاج کون ساعده روز کار مغرور اولد قلری جهنم تسلیم
و اطاعت دایره سندن صدمر حله دور اولوب تشید و احکام حصار امر نده
اهتمام اوزره اولد قلری معروض پایه سر بر سلیمانی اولیجق بر موجب فرمان
خدا بکافی سنه تسع و خمسين و تسعمائه ربیع ثانی سنک بکرمی یدنجی کونی
وزیر احمد پاشا سپاه صاحب قرانی ایله سمند عزیمت ارخای * عنان مسارعت
ایدوب ماه رجبل بشنجی کونی بیر امن قلعه طمشوارده نصب خیام آرام ایلدی
محمد پاشا دخی باغرا دده جمع سپاه ایدوب متوکلا علی الله روم ایلی غازیلری ایله
تکرار طمشوار طرفنه تحریک رایت کشور کشایی و سرافرازی ایلدی تنباده هجوم
سربازان روم ایله حاکم طمشوار اولان سل نکبت مدار برلر خزان کبی لرزان اولوب
حصار قابوسنی دیوار * و پس پرده دیوار دن ترتیب ادوات کارزار * ایلدی * نظم
زدهشت در قلعه بر خود بیست * فروهشت از دوات و ملک دست * زبان آتش
دارو کیر هم سرفلاک اثیر اولوب ولوله طوب و تنمل و غاغله مردان جنل برله
بر آیه قریب کره خالک نمودار جنبش افلاک اولدو نصکره طوب طاشی ایله
دیوار حصار کثرا حجاری متلاشی اولوب طمشواریلر دریای سپاه اوکنه
سد ممانعت چکمه کدن مجزری متعین اولیجق بر غفوی * مصرع * و جاد
بوصل حین لم یففع الوصل اظهار صورت استعطاف و نیازه آغاز ایدوب سپر انداز
مخاطفه حصار اولدیلر لیکن بومر تبه ده استیمنانسد ادباب توبه دن صکره
استغفار قطار نده شمارا و لغین حلقه جنبان نیازا و لقی ایله اول بد نهادلر
درامیدلری ککشاد بولوب ماه شعبانل غره سنده زور بازوی اقتدار برله
حصار طمشوار داخل قبضه تحذیر و مقام عناده قیام ایدن کفره ائام
علف شمشیر اولدی * نظم * هران کاری که آغازش بود سخت * سرانجامش

بشکی آورد بخت * طمشواری محاصره و تضییق ایدن فریق نصرت رفیق تفریق
 و عصابه جمع تلرین تمزیق * ایچون شیخون قیصده یله بیگدن زیاده کافر بی دین
 حصاره قریب برکوشه ده مکی کین اولوب اختلاس زمان فرصت ایدر لر ایش
 آقنجی بکارندن طور خان بک معسکر خسته اثره کلورکن واقف احوال اولوب
 خخانه کفر و ضلال سرمستلری جام زهر ایدر تیغ خونبار یله سرباب تیراب
 هلاک ایتدی لر * مصرع * پیچیده شود بیای هر کس علمش * عون آله همواره رهبر
 سپاه ظفر دستکاه اولمق ايله بوسفر جلیل الاثرده بکرمیدن زیاده قلعه و حصار
 کی احسان امان و کی تیغ خون نشان ايله محاط حیطه ضبط و تصرف خدام
 بلند مقام اولوب تحریک براسامیسی تطویل بلاظایل اولمغین اول وادیده ادهم
 موزون خرام خامه کشیده عنان اولدی اگر چه ریایات فیروزی شعارا کری
 نام حصار اوز زینه طوغری بولوب فرق کون مقداری عساکر خسته مائثر سر رشته
 کیروداری الدن برافند بلر لکن زمام فتح و تسخیری بر حسب اقتضاء تقدیر احقاد
 امجد عالی نژاد لرندن فردوس معاد سلطان محمد بن سلطان مراد خان
 حضرت تلرینک پنجه شمشیر کشور کبرنه مسلم اولمغین صورتا هجوم چند شت اول
 مامولی سرمئزل - صوله و صولدن عایق اولوب ماضو الکا و نیدن یغنی کوفی
 شا کر الانعم الله در کاه مکارم دستکاهه ماله لجام قتل اولندی * بودقاله داعیه
 حقد و حسد و تقاضای نفس بد ايله شاه شیده نک حرکات شبنمه سی تکرار دیار
 شرقه سفر محرم الطفر اقتضای دلب کشور ابران زیر رسم ستور اشکر منصوبه ویران
 اولدیغی بیاننده در * چونکه حکیم خلاق و حاکم علی الاطلاق بر حسب ارادت
 بی علت وقوع هر حادثه و حدوث هر واقعه بی وجود و سبب حصول روابطه
 منوط ایدوب اذا اراد الله شیئا هیاء اسبابه مؤثرا سببه مشیت علیه بعض امورک
 ظهور نه تعلق ایتد کده اسباب عادی آماده اولمق مقتضای حکمت الهیه در
 نظم * هر آن کار کار ایدر زمان * مهیا شود جله اسباب ان * بنابرین چون
 مشیت بی علت مسبب الاسباب * و ارادت علیه رب الالباب * عزایمه قلمرو
 شاه عجم خراب اولوب اول کشورده نکباء نکبت متناوب * و ایران ویرانه لرنده
 غراب الدین وحشت منجاوب * اولمغه متعلق اولدی لاجرم شاه کمر * که
 همواره کاری تحریرک سلسله فتنه و فساد اولوب همیشه شیعه زمیحه سی تخریب
 بلاد و تعذیب عباد ایدی میدانی خالی بولمغین بنه گوشه نژادان روغن اولوب
 اول بد کیش محال اندیش سکان قلعه ارجیشی گرفتار دام حصار ایلدی

درگاه عالی طرفندن ازل قلعه ده والی اولان ابراهیم بک دخی شاهیلری دامن
 حصاردن ابعاد امر نده صرف نقدینه اجتهادایدوب طوب و تفننک دانه لری
 ایله قزلباشلرده ورباش قهر و کین حواله ایتمکین سرخ سران بداین اطراف
 حصاری خانه بخت ناهموارلری کبی خراب ایتد ککدنصکره عادیلجوازی
 محاصره یه شتاب ایتدیله قلعه حاکی اولان مصطفی بک متوکلا علی الله
 حاضر سپاه ایله قزلباشلرده ورو اولوب لشکر عدو ایله مطارحه قرعه جنگ
 و پرخاش ایلدی عنایت میسر الا مال برله شاهد اقبال مرآت شمشر غزاة دین
 اوزره عرض جمال ایتمکین رفضه و ملحدین خیت و خسار ایله آهنگ راه
 ادبار ایدوب اخلاط ردیه کبی اخلاط اوزرینه هجوم ایلدی بر قاج کون شیران
 نیز جنگ میدان جنگی و سرخ سران قانی ایله نمودار طشت فساد ایدوب ارباب
 فساد کله لری آویرتفتراک هنر بران فتاک اولدقدنصکره شاهیلر ککسه
 سر بهم رفته بی باز و مکر و خدیعه آغاز ایدوب انواع مواعید برله متعینان
 اخلاطی کندولر طرفنه امله ایتدیله اول بدین انزل ایمانه باور ایدوب طهماسب
 بد کهر کاشته لرینه اسایم زمام حصار ایتد کاری دم بدرقه تیغ بی دریغ ایله
 بیگبار لا حق ره روان عدم اولدیله نظم کسی که سر بکش دین در سپهر آسا
 حواله اش نکند چرخ جز تیغ جفا بوائنداده ارجیش بکی ابراهیم بک بعض
 خونه حواشی و ساطیله باده جام حیات ابدی نوش و نفس مطمئنه می سروش
 غمیدن ارجی الی ربک راضیه مر ضیه نداسنی کوش ایدوب اول امیر دلیر
 ملاحظه پاسبائی قلعه تن و محافظه شهرستان بدنندن قصر ید ایتمکین
 قلعه ارجیش دخی طهماسب بد اندیش پنجه استیلا سنه گرفتار اولدی نظم
 باتیر قضا سپر نجوید هشیار با جمله تقدیر چه صحر اچه حصار بوخبر وحشت
 اثر محرک سلسله غیرت صاحب قرانی اولوب نوروز سلطانیده سفر ظفر اثر
 تقررنی مشعر اوامر علیه ترقیم و اطراف ممالک ابلاغ اولغی ایچون
 صبا سرعت اولدله تسلیم اولندی اول هنرکامده ارض روم بکلمه بکیسی
 اسکندر پاشا مصرع و باله اقصه فی شرحها طول شاهیلر ایله آهنگ آشوب
 و جنگ ایدوب اقتضای تقدیر آلهی ایله عسکر اسلام پی سپر راه انهرام اولدیغی
 دخی معروض عتبه جاه و جلال اولغین با وجود صورت سرما و شدت شنا
 محافظه سرحد و سیل فتنه بی سد ایچون وزیر اعظم رستم پاشا کایب ظفر
 انتسابدن مقدم بوجه استیصال ارسال بیوریلوب لکن متاعب و مشاق سفر

از مستانی عساکر خسته مآثره مایه محنت و پریشانی اولغین بر موجب حکم هما یون
سلطانی قصبه آتسرایدن سده سدره سیما به رجوع * و اول بهارده سفر جلیل الاثر
مهاضی احضاره شروع * اولندی افتاب اوج اقبال حضرت تلمیذی نکرار دیار
شرقه بر تواند از اجلال اولجائی آوازه سی پیل شمال ایله اقطار محال که انتشار
بولوب طم ماسب بد کردار لدخی کوش **ک** گذاری اولجیق اول ستاره سوخته
تراجم کوکب بختنه جازم اولوب لکن مهمما ممکن زبانه آتشان غضب شهریار
عالی تباری کشته آب اشک تضرع وزاری ایتمک رجاسنه درگاه مکارم دستگاه
ایلمی ایله رفع رفته نیاز بلدی امر سفر مقرر اولغین * مصرع * السیف اصدق
انباء من الکتب * فحوا سنجه جواب نامه زبان شمشیر خون آشامه حواله
اولوب سنه ستین و تسعمائه رمضان المبارک کنک اون سکر نجی کونی حشت
و وفار برله طرف اسکداره گذار یورلدی * نظم * چو سلطان دین شاه کردون وفار
* پناه جهان ظل پروردگار * که یک چند بر تخت مسکن گرفت * جهنان کیش
باز دامن گرفت * در آورد باد رکاب * سمند * مسیحا بر آمد بپرخ بلند * سرچتر
شاهی با ختر کشید * بفتح عجم سازش کر کشید * قیامت نمودند پیرو جوان * که
خورشید شد سوی مشرق روان * ماه منور لاله دگر می طقوزنجی کونی یکیشهر
صحر اسنده شهرزاده سعید سلطان بایرنید اب تجیل ایله حاشیه بساط جلالت مناطی
تقیل ایدوب روم ایل محافظه سی ایچون ادرنه به ارسال یورلدی اول منزله
شرطه میکرمت انکیر همت بیهمتای خسروانی موج بر محیط انعام عام سلطانی
اولوب عساکر نصرت مآثر نواله **ک** کیر خوان احسانلری اولدی * نظم
سایمان زمان سلطان عادل شاه در یادل * چو بر نوبهاری عالمی راتازه می سازد
زانعام وعطا و مکرمت نزدیک آن آمد * که رسم احتیاج از عرصه عالم براندازد
ماه شوالک اون ایکنجی کونی بولودین صحر اسنده شرف افزای افسر و تخت
شهرزاده جوان بخت سلطان سلیم شفاء تعظیم برله تقبیل انامل دریا شایل ایدوب
سلطان ارچند حضرت تلمیذی فرزند دلمندنی * نظم * بی توصفانداشت گلستان
سلطنت * ای عندلیب **ک** کلشن دولت خوش آمدی * نوازشیله تلمطیف
بیورد قلند نصکره خلعت شرف رفاقت لایله شریف بیوردیلر شهرزاده سلطان
مصطفی حقه طر ح انداز نقش خیال * محال * و متصدی **د** دعوای استقلال
اولوب حالیه با تو صورت درجه تصدیقه ایرشمان دلخواه سپاه در یوبعض ارباب
غرض افک و افترایه اجتر ایدوب سلطان صافی نهاد حضرت تلمیذی بر خوائی

من سمع یخل کلام دروغ آمیز اهل فساد توجیه جمع قبول یورمشایدی
 ماه مرقومل یکرمی التجی کونی ارکلی قربنده آغ تبه نام مقامده اول شهزاده
 آ زاده بوسه جای سلاطین روی زمین اولان دامن اجلال سلطان محمد الاقباله
 رویال ایدی یجل رسام قضاغا زخا کیرزایدوب طومار عمر عزیزی پیچیده دست
 روزگار غدار اولدی فسحان القادر انقهار شهزاده مر حومل شمع حبائی کشته
 صرصر معات اولوب اول مروسرافرا زباغ عزرناز برکنده سیلاب عدم اولیجی
 ارکیده غازی ادا اولوند قد نص کره جنازه سی بروسه به ارسال اولنوب اجداد
 بهشت معادلرندن سلطان مر ادغازی مزاری جوارنده دفن اولندی * مصرع
 نه یکی بار که هر لحظه دو صد بارد ریغ * اول بی کناهل عتاب جانشکار اجل کی
 شا خسار عمر نه قونوب شمشیر آسا فائنه کبر مکه باعث و باد رستم پاشانل مکر
 و افسادی اولتی احتمالیه سپاه بیننده اولان قیل و قالی دفع ایچون وزیر من بور
 مسند صدر تندن مهجور اولوب مهر وزارت عظمی زینت بخش صدر افتخار
 احمد پاشا اولدی * نظم کس براسب ستم سوار نشد * که نه افتاد خوار و زار نشد
 مهر سیمه رجا و جلال حضر تلی بدرقه اقبال برله خورشید ایمان کی *
 منازل نور داولوب مادی الجله الحرامل غره سنده حلب دارال سعاده سنده
 بسط سحاط اقامت اولندی اقتضاء اقتضاء مدت سفر برله حایده قیشلق مقرر
 اولوب رونق بخش افسرو نکین شهزاده کزن سلطان ساهم حضر تلی ابله عموما
 اناطولی عسکرینه مر عش طرفلری و روم ایل عسکرینه توقات چانبلری مشتاق
 تمین بیورلدی شهزاده بی نظیر سلطان جهانگیر که بوسه فرط فرائده غاشیه
 بردوش خدمت ملازمت ایدی حایده اقامت لری هنکامنده باراده اند تعالی
 زجاج مزاج لری سنل ناخوشی برله انکسار بولوب صفحه روی کابو بلری تاب
 اضطراب ایله رنک شکسته اولدی * نظم * هر آنکهی که مرض بر مزاج غالب
 شد * سکنجین اطبا کجا بکار آید * خوا سنجیه معالجه مهره اطبا منج شفا اولوب
 ماه من بورل یکرمی کونی نهال قد طوبایمانی کلزار عالمدن برکنده پنجه خفت
 کبر مرکه اولدی برمه تضای حکم تعلق طبعی و محبت جبلی اسکندر دار احشم
 حضر تلی قطرات اشک دما دم ابله مژگان چشم آهوانه حور افریه لرین رشن
 رشته در آید ارایدوب صفحات رخسار لعل کونلری که دیده دین ودوات انکله
 روشن و برضیاد مرصع غیول محن و آلام * وقامت موزونلری که بوستان
 سلطنتده بر مروسهی سیماد بار احزان را کدار برله لام اولدی * چونکه موسم

عزولونیاساح اولیوب بلسکه هنکام تدارک مهمام غزاو کفاح ایدی شهریار عدیم
 العدیل حضر تلری * شعر * واعده دته ذخرا الکل مله * و سهم الرزایا بالذخایر مولع
 حبیل المیننه توسل برله احراز اجر جزیل بیو و رب مرحوم مر قومل جننازه می
 شهزاده سلطان محمد جامی خطیره سنده دفن اولتی ایچون استانبوله ارسال
 بیورلدی (نظم) کرم و رفت اختری از آسمان سلطنت (اقتاب اوج شاهی جاودان
 تابنده باد * و رکلی از شاخسار ملک برخال افتاد * کلین اقبال سلطنت جهان
 پاینده باد * اول قیش حلبده توقف و آرام بیو و یلوب سلطان بلند جناب اقبال
 پرتوما هجه رایت فیروزی آیتی برله برج جل برانوار اولوب خسرو بیع بدیع آلا نادر
 اقلیم کلزاری عسکر از هارایله زیر فرمان اقتدار ایتدو کی دم بر موجب حکم
 همایون شهریار جم ششم عساکر خسته مأثر درگاه فلک اشتباهده اجتماع ایدوب
 سنه احدی و سنین و تسعمائه جمادی الاول سنل اون التخی کوفی کشور بجم
 مصوبنه تحریک طوغ و علم بیورلدی پی در پی منازل و مراحل طی اولوب ماه
 جمادی الاخره نل طقوزنجی کوفی اوطاق همایون امدد صحراننده طعنه زن سرا
 پرده زمرد کون کردون اولدقده سران صنوف سپاهی حضور همایونلرینه دعوت
 بیو و رب تدبیر فضایل غزا و جهاد * و تعین مشویات محاربه ارباب رفص و الحاد
 پاینده برداخته حکاکه ادرالک اولان جواهر جلیل القدر فصاحتیه رشته کش
 حسن انتظام اولدیلر شرف خطاب ارزانی بیوریلن متعینان سپاه صاحب
 قرانی تحصیل کالای کرانهای رضای سعادت اقتضای سلطانی ایچون شاهراه
 صداقت کاریده نقدینه سربازی و جاسازی صرف ایدوب زیشتکر کریبان حیات
 اولان تکه سرلرین غلظه خاله هلاک ایتل اوزره میان همه شدن طاق اتفاق
 ایتدیلر * نظم * همه کوش ازان کوهر آراستند * زهین بوسه دادند برخواستند
 * بگفتند ای شاه فرخنده فال * بعهدت مرفتنه شد پایمال * سراسر سرو جان
 مابند کان * فدای سم اسب صاحب قران * شاه باز اوج سلطنت حضر تلری
 تحریک قادمه عزیمت ایدوب ماه مزبورلر بکرمی برنجی کوفی هزار زجت و زور برله
 چپا خورده ریندن عبور اولندی هنکام مرورده عکس انداز مرآت ظهور اولان
 متاعب و آلام دستیار اقلام ایله قابل افهام اولیوب ناچار ادهم طاق العنان
 خامه یه اول وادیده میدان ویرلدی ماه مزبورلر بکرمی طقوزنجی کوفی فارغه
 بازاری نام منزله دل نشنه جام انعاملری اولان خدام باند مقام فیض مرچشمه
 عنایتلری برله سیراب اولوب باغ امید ورجاری منبت نهال حصول آمال اولدی

* نظم * عقد مرواید باشد قطره باران اگر * از کف دریا فوالش بخشش آموزد
 محاب * ماه رجب الحرام ل او چنی کوفی طویل چایری نام مقامده ضرب خیام
 ارام اولند قدومه امر اء اگر دادن زینل بل نوکر لری قزلباش بد معاشدن یرارد بللر
 طو توب شاه کراهل کیفیت احوالنه تحصیل اطلاع اولند قدن صکره اول
 کشنیلر بقیه حکم جهان مطاع شمشیره تسلیم کردن اتباع ایتدیلمه ماه می قومل
 اون یدنچی کوفی سرحد مملکت آذربایجان اولان پاسین اوه سی محط رحل قرار
 اولد قده ممالک محروسه دن جمعی فرمان اولنان نزل هنوز معسکر قیروزی اثره
 واصل اولمغین اول منزلده اون ایکی کون توقف اولینوب نزل امینی اولان
 آیدین سنجانی بکی موسی بل خدمت لازمه سنده اھمال و تقصیری سببیله
 مظہر غضب سلطان کردون وقار * وارض روم قلعه سنده مضیق حبسه گرفتار
 اولدی ماه شعبانل اون بشنی کوفی روان صحرا سنده نصب سایبان امن وامان
 عالم و عالمیان یورلد قده شاه کراہ و خان و سلطانلک سرای و باعچه لری تیشہ
 قہر ایلہ زیر و زبر اولوب سرحد ممالک اسلامیہ یه ایصال ایتدکاری کزند و ضرر
 مقابله سنده جزا بمثل حکمی اجر یورلدی ماه می یورلک یکر می دردنچی کوفی
 ماہیہ رایات مینت آیات بحر ای تحجوانده درخشان اولد قده دغلبازی ادب
 طہم ماسبل و سایر عمدہ ارکان سلطنتی اولان تیرہ بختان الحاد مشربل خانہ
 وکاشانہ لری جمع خرابہ نشینہ آشیانہ اولوب کریبان عصیاندن باش کوسترین
 قزلباشلرک سر هوا پرستلری کوی چوکان شمشیر خون نشان اولدی بر موجب
 فرمان شہنشاہ سعادت دستکاه یغما کران سپاہ پنچہ غارتی بازایدوب * نظم
 نازک بدنان سرو قامت * در شوخی و دلبری قیامت * هر یل صغنی مہی نکاری
 سرو معنی کل بہاری * از چشمہ فتنہ آب خورده * بابا یلیان شراب خورده
 نظم اعجاز طراز نہ مظہر بحم پری پیہ کر لری ایلہ معسکر قیروزی اثر غیرت
 نکارستان چین * و حیرت ده صورت کران ماچین * اولدی مہمہ ماظمہ ماسب
 خسران انجاء نامہ عنبرین جامہ ارسال اولینوب میدان حرب وقتالہ دعوت
 اولمش ایدی بومضعون شرف مقرون ایلہ کہ * نظم * سہرنامہ نام خداوند پاک
 برآرنده کوہ راز تیرہ خالک * خدایی کہ زینت دہد خالک را * منور کند شمع افلاک را
 بعنبر فروشی فرستد نسیم * صدف رادہد فیض در بتم * چراغ ہدایت زاجد
 فروخت * از مؤمن آسود و می تد بسوخت * علیہ الصلوٰۃ و علیہ السلام
 واصحابہ الطیبین الکرام * چون بروفق حکمت علیہ ملک خلاق و ارادت ازلیہ

مالک الملک علی الاطلاق جل جلاله وعم نواله زمام حکومت عرصه عالم مسلم
 دست استحقاقم اولوب نوع بنی آدم واولی الامر منکم * مدلول لازم القبولی
 اوزره کردن بسته طوق فرمان لازم الاذعانم اولشدر * نظم * زدریابد ریاسپاه
 منست * جهان زیر پر کلاه منست * ملوک زمان صف زده بردرم * بسیمت زمین
 تنک بر اشکرم * صف آرای میدان شاهی منم * سزاوارطل آلهی منم * منم
 آن بلند آفتاب ستیز * که عالم گرفتم بشمشیر تیز * کلید جهان تبخ نیز منست *
 فلک منهرم از ستیز منست * فلاله الحمد والمئه بنا برین بر حسب اقتضای فرمان
 جاهدوا الکفار والمنافقین * همواره کار من کفره و مشرکین ایله کارزار
 و همیشه شعار من رفقه و ملحدین برله جنگ و بیکار * اولوب تأیید ملک مجید برله
 بازوی نیروی مجاهدین تعویذ انهم لهم المتصورون * ایله مزین * و منشور
 اقبال حامیان حومه اسلام و دین عنوانان جندنا هم الغالبون برله دعون
 اولمغین کردن کشان عالم خواه و ناخواه ربه انقیاد و انبعاثی بپایه رقبه
 اطاعت و تسلیم * و فرمان جهان مطاع می تلقی بالقبول والتکرم * ایتمشدر در
 الحمد لله علی ذلك ولا زال كذلك * بوطریقه سلوکه مر ضیه اوزره اضلال و افساد
 شقای مادر زاد برله پرده برانداز حد و دالله اولوب خصوصاً * نظم * رسول عرب
 شاه بنرب حرم * طفیل رهش هم عرب هم عجم * صلی الله تعالی علیه وسلم
 حضرت تلینک شرفیافته صحبتمتری اولان اشراف صحابه کرام لازم الاحترام
 حقارنده حاشا نام اودان دهان هذیان فشان کردن چرکاب سب و دشنام اساله
 و اول هداة دین بیدنه رضوان الله تعالی علیهم اجمعین زبان قذف و بیعتان اطاله
 اینتمکه بی باله اقدام و جسارتک علاوه حیثیات استعداد تدمیر و اهلاک اولوب
 بر مقتضای غیرت دینیه شمشیر تابناک زهره شکاف برله وجود شقاوت آلودگی
 صفحه شهوددن نابودایتک ایچون نیچه دفعه لشکر انبوه ستاره شکوه برله
 لجام انهب کبل خرام شرق فتنه غرق طرفنه اماله * و کیت سعی و همتی حابه
 جلادنده اجاله * ایدوب معموره و لاینک زیر رسم ستور اشکرم منصورده ویران
 و خراب * و هر گوشه سی آرامگاه بوم و غراب * اولشدر * نظم * بدان ای که
 دعوی شاهمی کنی * که عالم خراب از تنباهی کنی * بتخت آمدی از سر زاویه
 جهان کردی از ظلم چون هاویه * بسب صحابه کشادی زبان * بیداد و بدعت
 سپردی جهان * چو تو رایت ظلم افراختی * خداداده را قدر نشناختی
 خدایی که خورشید را تاب داد * بدفع تو تبخ مر آب داد * شاه نامه اولانله

بیم تسخیر نیز برله دهلیز گیرنده اختفا ناسزا ایکن الی الان برگره سندن
 نام و نشان هویدا اولمایوب زنان بیغوله نشین کبی گوشه انزوا ده مکین اولدی بطل
 جهنم دن منکوحه کما مقامنده اولان مملکت ایران زمین مردان عرصه قهر و کین
 تحت حکمده اولوب اول مختدرة نازنینی آغوش تصرفه آلمشدر * مصرع
 بارک الله خوشاشرم وزهی غیرت و عار * وما کنام عذبین حتی نبعت رسولا
 مضعون شرف مقرونی اوزره یونامه مسکی الحتام تحمیرا و انوب سنی خواب
 غفلتمدن ایقناط ایچون ارسال اولمشدر * نظم * ترابان این سرکشی از کجاست
 ندانم که افکندت از راه راست * چه سودای خامست آخر ترا * شهاب از کجا آفتاب
 از کجا * اگر پشه را تاب عتقا بود * سر دگر ترا کینه با ما بود * کبوتر که پهلوزند با عتقا
 بقصد سرخویش دارد شتاب * شغال ارسکند پنجه بازه شیر * سر بخت
 خود را در آرد بزیر * مضی ماضی الحاله هذه اگر شویله که رعایت ارکان ایمان ایلله
 چاره جوی خلاص * و کشف سایبان امن را مانده * و نحو ابه اطمینان اولقی
 رجاسنه خالک نیازه چهره سای اخلاص * اولوب قائد عنایت ازلی رهبر سر منزل
 سعادت اولقی ایلله درگاه رافت پناه همده کبر خدمتی میانه * و حلقه عبودیتی
 کوش جان * بنده ایدرک هنوز باب توبه و استغفار منسد اولمشدر در امیدلسد
 و سینه ملتسمکه حواله دست رد * اولمشوب سر رشته حکومتی مسلم قبضه
 تصرف اولان کشور ایران کما کان بدعادی بکده ابقا و مقریر سورلدیغندن ما عدا
 صنوف نوازش و اکرام برله مقضی المرام اولوب فیما بعد طر فکه چشم احولدن
 غیر کیج نگاه ایدر کور من سن * نظم * ره شرع کیر و جهان تازه ساز * ز قانون
 احمد پرا و آزه ساز * صحابه که در راه دین هادی شد * همه ره نمایان این وادیند *
 بادشان کن از راستی اقتدا * که یابی هدایت ز نور هدی * کسانی که سر د فترید عتند
 بکش خط برایشان که بی دولتند * مبادا که این پند من فشنوی * که بی شل در
 آخری شیما شوی * منه پای از اندازه خود برون * که افقی بچاه بلا سر نکون
 اما شویله که سودای و سوسه فرسای عناد و مخالفتی صمیم سویدای دلدن
 چقار میوب رشل در عدن اولان لالی کلمات نصایح سمائی زیور کردن و کوش
 هوش ایتیمه سن وقتکه حاضر اوله سن که اگر موربی تاب و فرا اولوب تحت التزایه
 ولوج و مرغ تیز پرا اولوب فوق التزایه عروج * ایتسل دخی شهبازان جانشکار مرز
 و بوم روم پنجه سندن تحلیص مرغ شکسته بال جان ناتوان ایتمکه امدکان یوقدر
 نظم * اگر سر نه پیچی ز فرمان بری * ز ما تحت یابی و انکشتی * و کر غیر ازین در دل

آری ستیز * نه بدنی جز از خنجر و تیغ تیز * سراز پاندانی و بالا ز زیر * شوی روبه
 آسا گرفتار شیر * بنم با نمرده طرفی رد و قبول خط استوا کی برادر * مصرع
 و سیان عندی نخل ایلی وجودها * امدی سن دخی کنایه و تصریح برله اشارت
 و تلمیح اولند بیغی اوزره سبب نجات اخروی و باعث حصول مرادات دنیوی از بلای
 طرفی ترجیح و تقدیم * و طوق فرمان متحکم الاذعانه کردن رضا تسلیم * اخیوب
 طریق بی توفیق رفض و الحاد و لجاج و عنادده اصرار ایدرسل فصل سر رشته نزاع
 حکم شمشیر صادق العزمه حواله اولنور * مصرع * چو مردی بمیدان مردان
 در آئی * تا که برده سرای نهانخانه خفاده اولان صور امور غیبیه جلوه غای
 منصبه ظهور اوله ولله عاقبه الامور * نظم * منت آنچه حقست دادم پیام
 تودانی و تدبیر خود و السلام * نامه همایون هما سابه شاد شایطین سپاهه و اصل
 اولوب مفهومی معلومی اولیحق وجود شقاوت آلودنده عرق بددلی نابض اولوب
 ساری الی جبل * مدلولیله علامه ساعی * واکرچه لر نام کوه آسمان شکوهه
 صعود ایله شرایط خرم و احتیاطی مراعی اولدی * صحرای فنجخوانده نصب
 سایبان سپهر نشان اولدیغی ایامده شهر یار باهر المحامد درگاهنه جاسوسلر
 وارد اولوب شاه بی عار و ناموس رسم مأنوسی اوزره اول خیل زحل محلی پناه
 ایدنوب سوراخ اختفاده انزوا اختیار ایتد و کنی اخبار ایتدیلر عسکر ظفر اثر
 کنجایش حوصله تعداد و شمار اولمقدن افزون اولوب خرمن کهم کسان انجی خرج
 بکروزه اردوی همایون اولور ایکن ایران و برانه لرنده توقف و آرام موجب
 متاعب و آلام اولمغین عسکر تالانکر هر طرفدن یکر میشر کونلک یوله دلک
 دست غارت دراز ایدوب لشکر منصور تحصیل غنائیم نا محصور ایتد کارند نصکره
 سرحد ممالک محروسه ده قشلقوب اول بهار بدیع آلا ناردده تکرار دیار بحمه
 رجوع اولمق اوزر اعلام میمنت رسوم طرف ارض رومه منعطف اولدی * نظم
 امید نازه و دولت قوی و بخت جوان * مراد حاصل و دشمن زبیم در غم جان
 مقدمه حسب الامر النافذ دام منفذ اعماد به حاکی حسین بل تحت لوا سنده
 اولان عساکر نصرت التوائله سل شمشیر سرنیزه ایدوب عدوی فتنه جوی
 اولکه سنه عنان انکیز اولمش ایدی مراغه و سهند جانبلرنده توطن و آرام ایدن
 اشراء رفضه و اشراز ملحدی انش زبانه ککش قهر و کین ایله تعذیب * و اول
 کشوری سرتاسر تخریب * ایتد کد نصکره تحت سایمانی عنوانیله شهرت یافته
 اولان محله جزه سلطان و سیف بل و علی سلطان و ابوالفتح سلطان و ابراهیم

قوی سلطان نام متعینان سرخ سران عقد جمعیت ایدوب بر طریق ایله ایراء زناده
 فتنه و فساد رجا سنده اید کلری من بور حسین بکک معلومی اولمغین هنر بران
 اردر شکار ایله اوزر لرینه ایله غار ایدوب دام شمشیر خونبار ودانه تغفل جان شکار دین
 اول کشته یلر تخلیص مرغ جان ناتوان ایتمدی لر قطع منازل بیور یلوب ماه رمضان
 المبارکک اون سکونچی کونی حسن قلعه سی مقابله سنده نازل اولد قلرنده وان
 و دیار بکر بکار بکلمری و کردستان بکلری مظہر نواز ش واکرام اولوب بر موجب
 فرمان سلطان یکانه حکومت کاهلرینه روانه اولد یلر * نظم * برایشان در لطف شه
 باز کرد * بتشریفهاشان سرافراز کرد * منزل من بورده مشارالیه حسین بک محرم
 شرف تقییل پایه سررسلیمانی اولوب مساعی جمیله سی مقابله سنده مظہر
 عواطف جلیلہ خسروانی اولدی مادشوالک بشنچی کونی ارض روم قرینده
 سازاقی نام مقام مرکز اعلام اولد و قد تحریک بخت نافر جام برله شاه شیعہ حرکات
 شیعہ به اقدام ایدوب ضمایم ممالک محروسه دن کورجستان جانبنه سوق کتاب
 ایتمد و کی خبری فرع سمع ایتمکین درت بیل نفیر بکچری وروم ایلی و فرمان و شام
 عسکری و سپاهی و سلحدار بلوکلری ایله وزیر اعظم احمد پاشا بروجه استبحال
 ارسال اولنوب سردار ظفر شاعر ماه من بورک اون برنجی کونی اوتاقی نام حصار
 برامنده ضرب طویله قرا ایتد کده عدوی فتنه جوی اخبار نه تحصیل اطلاع
 اولندی که شاه شیاطین سپاه قلمرو حکومتده سوراخ موردن غیر یرده
 زاد و زواده بولمق ایله ناچار سد تهیکاه جوع ایچون دریوزه کرا که شروع
 ایدوب کورجستانه کلش ایکن سپاه رومل شیرانه هجومی معلومی اولیجی اول
 برکشنه اقبال * نظم * منم چو کوی بمیدان فسحت ده وسال * ز صولجان
 قضا منقلب ز حال بحال * دیرلر رج نجفی حنین * مثلنه مضرب اولمش ایش
 لاجرم بر موجب فرمان سلطان جم حشم معسکر فیروزی اثر طرفته عود
 اولنوب ماه من بورک بکرمی اوچنچی کونی رکاب آفتاب اشراق سلطان آفاق
 ضمیمه انوار دیده افتخار ایتد یلر * نظم * هر که با پولاد بازو پنجه کرد * ساعد سیمین
 خود را رنجه کرد * خواستجه طم مناسب بی ادب شهریار بلند اقتدار
 حضر تری ایله مقام لج و خصامده قیام ایتد که نتیجه مقدمات سعی واقدا می
 شیرازة مجموعہ انتظام حالته تطرق پریشانی اولوب آرزوالمش ایدی که سر رشته
 دولتی مقرض انقراض برله کسسته اوله آخر کار صورت باز تخیله ابراز اشکال او هام
 ایتمکین اول بی ابتداء رفته غفلتدن بیدار اولوب خجالت و شرمساری ایله درگاه

مراحم دستگاه شهر یاری به شاه قوی بک نام بر عده خانی ایله ضراعت نامه
 ارسال ایلمش ایش ماه مرقومل یکر می سکر بنی کونی صحرای ارض رومده
 عتبه دولت انتساب ترابنه رومال ایدوب وسیله ثواب کامیاب ایله سده سنه
 سلطان بنده نوازه ایصال رقعہ نیما زایلدی * نظم * فرستاده آمد بدرگاه شاه
 پژگان برفت آن دربارگاه * زمین را بلب نقش بندی نمود * ثنا کسترید و ستایش
 فرود * چنین بود در نامه اونکار * که هسم زجان بنده شهریار * سری کز رکاب
 تو کردم در بخت * بصد عذری آورم زیر تیغ * کنم در مقام سدا فکندگی * بجان
 پیکان ترابندی * اگر چه کنه کارم و تیره روز * بعمو تو امیدوارم هنوز * همیشه
 تراباد کیتی بکام * سر برت مکان باد و دولت غلام * بکام تو باد از بین وزمان
 نکمبان جانت خدای جهان * بسط اولنان معاذیر صورتا مقبول شهریار پوزش
 پذیر اولوب * نظم * ای آن که لاف میرنی از دل که عاشق است * طوبالاک ارزبان
 تو بادل موافق است * مضمونی اوزره جواب نامه ترقیم * و پیام آور شاه بد اختره
 تسلیم * اولوب ماه ذی القعدة الحرام غره سنده ارض رومدن اما سیه طرفنه
 اماله بلام کیت خوش خرام بیورلای ماه من بورلک یکر می برنجی کونی سیواسده
 نصب خیام کردن قیام * و یکر می بشنجی کونی صحرای تو فاته بسط سادات
 عزرا احتشام * بیوریلوب ماه ذی الحجه نل اوچنجی کونی اما سیه مقر اعلام
 عالمستان سلطان الیریه اولوب اول قیش اما سیه ده حضور و آسایش بیورلای اوزره
 قطع انداز قرار اولدی بوضع حکمت شعاردن که اول بهارده تکرار دیار بحمه
 سفر متمر لظفر تقرینی اشعار ایدر ایددی سر رشته جان ناتوان شاه بی انتباهه عقده
 اضطراب دوشوب عنان شبدر بصر و قرار دست اقتدارندن سا قطا و اغین خارستان
 من رعه آمالی فیض سرچشمه عنایت ایله نصارت تحصیل ایدوب مقدم موضع
 اساس اولسان مبائی صلی تکمیل ایتمل رجاسنه فرخ زاد بک نام مقرب خانی
 نامزد خدمت سفارت ایدوب سنه اثنین و ستین و تسع بانه جادی آلاخره سنل
 یکر منجی کونی اول پیام آور اسکندر دارادر درگاهنه وضع جبین ابجلال
 و تعظیم * و وساطت خدام والا مقام ایله عبودیت نامه بی تسلیم * ایدلدی * نظم *
 فرستاده از نطق بکشاد بند (دعا کرد بر تخت و تاج بلند) بجا روبرو مژگان زمین را
 برفت * برون کرد کاغذ که بود از نهفت * منشیان عجم دستیاری بنان قلم ستوده
 رقم برله کشیده رشته تحریر ایتدکاری عقود الجواهر که پرورده کان فصاحت
 بردازی (و برآورده عمان سحر سازی) در معرض ناقد رای جهان آرای سلطانی

اولیجی * نظم * چودشمن بهژاندرآمدزدر * نیباید که برخاش جویی دکر *
 مؤدای اوزره قمرین قبول طبع سلیمانی اولوب ترفیه رعایای طرفین * واصلخوا
 ذات بینکم (فرمانته امتنالا اصلاح ذات البین) ایچون نهال نورس تمنای نوباره
 بخش حسن رضا اولدی * نظم * بروز کارهما یون او محقق شد * که چیست معنی *
 لفظ مکارم اخلاق * فرمان لازم الادعان اوزره کتاب عطار دجناب کیت
 تیر تازخامه بی جلوه ساز صفحه حریر ایدوب خوش آئنده تعبیر وادی دلپذیر ایل
 بلیغانه برصلح نامه تحسیر اولندی * نظم * بغیر ما نبری منشئ خوش رقم * ز تارک
 قدم کرد همچون قلم * اشارت چنان شد که از نول کل * عقود جواهر در آرد بسلاک
 خدام سده سپهر متقدمین بعضی مدخی شاه ایلجیسی ایله همراه قلیعوب ماه شعبان
 المعظم غره سنده رهبر فضل آله برله عازم تختگاه اولدی * نظم * نادئ اقبال
 درین کهنه دیر * غلغله انداخت که الصلح خیر * جزایر غرب امیرالامرای
 صالح پاشا عام ماضیده اعمال صنوف حسن تدبیر * و دیار فارسی تسخیر ایتدوکی
 خبر بهجت اثری واصل اردوی همایون * و برداشته پای تخت پادشاه ربیع
 مسکون * اولوب باعث تضاعف شکر کذاری لطف باری اولدی
 یوسف رجایل الاثر تقریبی ایله سلطان سعید حضرت نوری مسند زرکش منکای
 سلطنتدن تبعید اولوب قالب سریر و افسر اول روح مصور دن بر قاج کون
 د وراولتی ایله هر گوشه ده اشقیاعلم افرازشقا اولدی جمله دن بر شخص مجبور
 الذنب مقه ما اقتضای تقدیر سبحانی برله منظم غضب سلطانی اولوب عزم اقلیم
 بقا ایدن سلطان مصطفی نامیله دوریجه ده شعله آتش کبی زبانه کش ظهور اولوب
 سلسله ونیمه کبولی طرفلرنده ده دکلواشقیای مادر زاد وازایسه اول بد نزاده اتباع
 و انقیاد ایتمکین * مصرع * واول النار جرم تشتعل * خوا سنجیه نایره فتنه
 و فساد لری دم بدم اشتعال واز دیاد بولوب اول بد کیش محال اندیش هوا دار لرینه
 وزارت و امارت احسان * وز عجبیه ترتیب آیین دیوان * ایلدی روم محافظی
 اولان شهزاده سلطان بایزید واقف احوال اولیجی خافوده ذوالقدر به دن
 نیک بولی سنجانی بکی محمد خانی سرعسکر تعیین ایدوب اول بدنهاد لرکله لیب
 فسادنی اتحاد ایچون شیران بیشه زار حرب و قتال برله ارسال ایلدی * نظم *
 چودربابوچ اندر آیا * ندرادم آتش تیر پای * مصداق عجبیه خروش
 جیوش دریا جوش برله فتنه باغیه نل اساس تجلید و اصطباری مشرف اندراس
 اولوب قطرات ابرو بهار کبی بریشا نلغه یوز طوطغین اول کستخانی ادب ادبه

وزیری نامنه اولان یلدا کارالنده کرفتار اولوب محمدخان و ساطیحله سلطان بایزیده
واصل اولدی سلطان باشکوه حضرتلری طی دشت و کوه یوروب استانبوله
قریب اولد قلمزده بو خبر عیب مسجوع خدام والامقام اولوب وزیر نائب
محمد پاشا مهجلا ارسال یوریش لیدی قارشدران نام منزله اول بد کردارک کرفتار
دوئانه اسلر اولد یغی خبر ساری محمد پاشای استقبالی انجکین حصول آمال
برله استانبول و اماله لجم قفول ایلدی مادیه ضامن شریف اولون ایکنجی کونی
کلا ل طوغ ظفر فروغ سلطان فی دماغ منتظرانه عطر افشان اولوب سایه سعادت
پیرایه علم عالم آرای صاحب قرانی استانبول سکا نه سر مایه بهجت و شادمانی
اولد قدح اول شقی بد کردار بر دار اولوب عبرت نمای اشقیاء اولدی نظم کسی که
کردن ازا مرش کشید کردوش باستان وی اکون کشاکش کشانی آورده
* بومقاله شعبده باز تیز دست قضا و قدر قونیه صحرا سنده ایکی برادر میانده قطع
اندازمحرکه قتال اولوب دست مشاطه عون سحیانی کلا ل طراز شاه آمال
سایم خانی اولد یغی بیاننده در حضرت صانع بیچون و فرمان فرمای خطبه
کاف و نون تعالی جناب کبریائه عن شایسته الشبهات والظنون بر حسب اتراد
بی علت مرآت مجلای شهود و مجلای ترکیب عیب الترتیب وجودده
اگرچه چندین هزار امم مخالفه الاطوار جلوه ساز ایدوب * و رفع بعضکم
فوق بعض درجات * خفای صدق احتواسیجه بعض بنی آدمی بعضندن
اختلاف مراتب و درجات ایله عنانزا بتشدر * لکن عین اعتبار ایله ناظر اولان
اولوالابصار فاتحه نوع بنی آدم تقسیم عقلی ایله درت قسمه منقسم اولوب
قسم اول بر موجب کلام ذوی الانتظام * جعلناکم خلایف فی الارض * امداد
خالق العباد و اسعاده استعداد برله شرف افزای افسر و سریر اولد قدح * قسم ثانی
قسم روزازل عزوجل حضرتنک قسمت عادلله سنه راضی اولوب و اولی الامر
منکم حکم جهان مطاعنه انبا عا فرمان پذیر اولغین اوقات و ساعاتی بی درد سر
گذرایدوب * قسم ثالث اگرچه کردن و کوش هوش زیورادیر لایله مخلی
اولمغین حصه معینه سیله متسلل اولیوب سودای حکومت صمیم سوبدای
قائده جایگیر در لکن اظهار نه دخی اقتداری اولیوب انین و آه و ناله جانکاه ایله
روز و شب دست مشقت و تعبیدن تخلص کریسانه امکان اولمز * اما قسم رابع نقد
مغشوش وجودی قابل قبول سکه اقبال دکل ایکن صیرقیان دارالضرب
شهرستان امکان حضورنده قصورده و روندن کنندوبی کامل الیمار اعتبار

ایتمکین غرم متقاضی اجل کریم با نیکر طول امل اولنجه هرزه کرد کوچه بازار
خیال محال از لوب نتیجه مقدمات کوشش و اهتمامی خیمیت و خسران * واضاعت
رأس المال سروجان * اولور * مصرع * کس رانده خدای دولت بغلط
بومد عایه شاهد صاد قد رکه شهریار عالی تبار حضرت تلرینک زمره اولاد اجمادندن
اولوب بحسب الروایة والد رایه قسم اثیر وادیسند ترفیع رایه ایدن سلطان بایزید که
پذیرز کواری سخن سرای عالمده مترفل حله حیات اولوب برادر مهتری
وراثت ملکه استحقاق نام برله مسلم خاص و عام ایکن من استجمل شیاء
قبل ارانه عوقب بحرمانه وعیدندن خایف اولموب شاهد مرای زور بازوی
اهتمام ایله کندویه رام ایتمک امید یله حضور و آرای کندویه حرام ایتمک ایدی
مصرع * زهی تصور باطل زهی خیال محال * اول هنکامده سلطان بایزید
کوتاهیه ده اعلای لوی حکومت ایدرکن مسئله اموز عقل کل اولان رای
جهان آرای سلطانی اقتضایه ماسیه سنجاغنه نقل و تحویل * و مغنیساده
سایه شرف پیرایه سی مایه امن و امان اولان سلطان سلیم حضرت تلری دارالملک
یونان قونیه به تبدیل * بیوریلوب طرفینی تعدیل و تسویه و جانبینی تسلیه ایچون
سلطان سلیم حضرت تلرینک فرزند ارچندلری سلطان مراد حضرت تلری آفشهر
سنجاغی ایله تطفیف * و سلطان بایزید اوغلی سلطان اورخان چورم سنجاغی ایله
تشریف * بیورلادی * نظم * فتنه برانکینت چو چرخ دخی * کردم همیاسب
بودی * نامه عنبرین جامه واسطه واسطی عباسی عمامه برله تمامه ایروب
درگاه معلا قاپوچی باشیلردن محمود انما واسطیه سال ستوده فال خمس وستین
و تسعمائه ذی القعدة سنل بکرمی بشنجی کوفی مرفوع پایه سیر سلطان سلیم
الطبع اولیجی اول برات همایون شرف مقرونی تقبیل و التئام * ورعایت
مراسم اکرام ایچون سرو آساقیام * ایدوب * شعر * لک الحکم فی امری
فانت ولیه * فلم یلک الا فیل لا عنل رغبتی * مؤداسنجه طوق فرمان جهان مطاعی
پیرایه کردن اتباع ایتد کربخی اشعار ایچون حضرت شهریار کردون و قاردرگاه
مکارم دستکاهنه * نظم * رسید باشرف آن طائر همایون فال * خسته نامه
اقبال بسته بر پروبال * نه نامه نافه از مثل خالص آمده پر * نه نامه طبله از عطر
ناب مالامال * مضمونی اوزر خامه تعظیم واجلال برله جواب نامه تحسیر
وارسال بیوریدلر اما سیه ایچون اولان یربلغ بایغی دخی قاپوچی باشیلردن
سمندر اغا سلطان بایزیده ایصال و تبلیغ ایتد کده کوتاهیه تختگاه قریب و اما سیه

بعد اولدنی جهتدن بوقتل و تدریلدن استشمام بوی تبعید اینکین اول
 خود کام * تلافی اذاقیمه ضیری * کریمه سنی زبانزد حریف خیال خام ایدوب
 نظم * وصال دوست طلب میکنی بلاکش باش * که خار و کل همه بایکدگر تواند بود
 کسی بکردن مقصود دست حلقه کند * که پیش تیر بلاها سپر تواند بود
 فحواستجه صورت جورده کوربان معامله یی صبر جیل ایله مقابله دن
 استکبار * و حکم همایونی عدم قبول اوزره اصرار ایلدی * بوکارنا هموار
 برداشته پیشگاه سریر دولت و جاه اولد قده سلطان بایزید ملطفه دلنواز و مقاضه
 غم برداز ایله تشریف و اعزاز بیوریلوب تعبیرات شکر بر خاطر ربایله سنجاغنه
 توجیه ایچون وزیر رابع بر توپاشا رسال اولندی * وزیر منی بورنیجه لالی کلمات
 نصایح معانی تعویذ کریبان قبول شهزاده مرقوم * و خامه زبان ایله * و بالوالدین
 احسانا * مفهوم منی صفحه سینه پر کینه سینه مر سوم * اینکین ناچار * نظم
 دورباشیم و نیایشیم بر منزل تو * تا تسلی شود از مادوسه روزی دل تو * دیرلبد رقه
 آه و انین و همراهی در ددل خزین برله اما سیه به عازم اولدی * لدی الوصول قلب
 و قالبنه و سادس شیطانیه و هو احس نفسانیه حلول ایدوب دایره اطاعتدن
 خروج و اوج عصیان و عروجه عازم * و برادر عالی کهرلری ایله حرب وقتاله جازم
 اولدی * نظم * بوسواس شیطان چهل و غرور * ز راه سعادت بیفتاد دور * اگر چه
 سلطان سلیم حضرت تلی غبار فتنه و فساد آت ناب تدبیر اصابت پذیر برله
 تسکین ایچون * ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة * فرماننه امتثال
 بالدفعات * یا قومنا اجیبوا داعی الله * پیامنی ارسال و تبلیغ * و کریمه
 انما المؤمنون اخوة فاصلمو این اخویکم * حکمنه اتباعا اصلاح ذات البین
 امرنده سعی تبلیغ * ایدوب رجای مجامله و استدعای حسن معامله میانینسی
 تمهیده ساعی اولدی * لکن سلطان بایزید منصوبه بازی مشعبد قضا دن غافل
 اولدنی جهتدن بادخانه غرور اولان قبه دماغی دود عنبر آلود پند برله مشل
 آندود اولوب سنه ست و ستین و تسعمائه رجب المر جیمک اوخرنده اون بش
 بیکنن زیاده سوار و پیاده ایله سلطان سلیم حضرت تلی طرف قرین الشرفلرینه
 اما له لجام عزیمت منتج الهزیمه ایلدی * نظم * ای بکوشش فساد در پی نخت
 بخت و دولت بکار دانی نیست * هر که اقدر جاه و حشمت هست * جز بتا پیدا آسمانی
 نیست * گروه مکر و انبوه ایله طی دشت و کوه ایدوب انقره صحراننده
 ضرب حیمه قرار ایتد کده اراذل و اشقیاعلوفه ایچون هجوم ایدوب اما سیه

و توقات و اسکلیب و انقره و صوینا و نکسار خلقندن قرض نامنه مصادره به
 آغاز * و سایه سعادت پیرایه جناح حمایت سلطانیده سر نهاده و سادۀ امن و امان
 اولان رعایایه ابواب جور و بیدادی باز ایلدی * نظم * از رعیت شهری که مایه
 ربود * بن دیوار کند و بام اندود * سلطان بایزیدک بو گونه وضع ناهمواری
 شهر بار کردن و قارک کوش گذاری اولیجی اناطولی و قرمان و ذوالقدریه بکلی
 بکلیزیه و اطنه حاکمی پیری بکه سلطان سلیم حضرت تلی رکاب شرف
 انسابلری خدمتده اولقی موافق رضای سعادت اقتضای سلطانی اید و کنی
 متضمن اوامر جلیل القدر سلیمانی ایصال اولنوب سر حد امر او حکامنه بنادر
 و ثغوری سد * و سلطان بایزیدی بر جانبه فراردن صد * ایچون احکام شریفه
 ارسال اولندی * سلطان سلیم حضرت تلیزیه دخی جیوش دریاخروش ایله قونییه
 صحرانده عقد رشته جمعیت ایدوب سلطان بایزید طرفنه چشم و کوش اولقی
 ایچون خط همایون شرف صدور بولمغین ماه شعبانل اوندی نجی کونی اوطاق
 کیوان نطاقلری خارج قونییه ده جم باغی اوکنده طعنه زن اجرام مستدیره افلاک
 اولوب آیین دیرین آل عثمانی اوزریمین و یسارنده سپاه صاحب قرانی نصب خیام
 ثریا انتظام ایتدی بکر * سلطان بایزید دخی بدرقه بخت ناسعید برله قطع منازل ایدوب
 ماه مزبورک بکرمی برنجی کونی قونییه قرینده کیمقوش نام محله نازل اولدیغی
 خبری واصل اولیجی سلطان سلیم حضرت تلی در خزانه انعامی باز * و باد بهاری
 کبی کف صحاب ادراری شکوفه ریزلکه آغاز * ایدوب عموما امر او عسکری
 تلطیف * و قلبلرینی جالب و تالیف * ایلدی * نظم * تاییاموزند شاهانی که
 زربخشند و سیم * رسم زربخشیدن از سلطان اعظم خان سلیم * طرف خصمندن
 شبحون احتمالی دفع ایچون مرعش بکلیزیه کیسی علی پاشا قراول تعیین اولنوب
 ظهیر طلیعه الخیر صبحه انتظار اوزره آرام و قرار اولندی * نظم * سحر که که
 خورشید انجم حشم * بیالای چرخ برین زد علم * مخمور جام غرور اولان سلطان
 بایزید عنیدک کوش هوشنه * شهر * یاراقدانی لیل غفله انتبه * فالصیج
 اسفر من وراء حجاب * نداسی ایریجیل اول بی انتباه خواب غفلتدن بیدار اولوب
 عسکر منخوس الاثری ایله عزم میدان کیرودار ایلدی * نظم * کمی را که
 روز بد آید به پیش * پیچید سراز راه به بود خویش * فواسخه چونکه سلطان
 بایزید نصیح و پند ایله سودمند اولوب فیما بعد احتمال به بود صبر عاشق و وفای
 معشوق کبی منفور ایدی * لاجرم سلطان سلیم حضرت تلی دخی * نظم * بر باره که

چون بشنابد چو آسمان * از غرّه اش طلوع کند کوب ظفر * حشمت
 و وقار بر له سوار اولوب اوطاق بلند رو اقدن آفتاب عالمتاب کبی لامع الاشراق
 اولیجق علمر ماتند لبران نازنین قهای دیباود ستارچه زرین ایله بتخت واهترازه
 وکوس و نغیر سوز و کدازه * آغاز ایدوب شهرزاده کامکار خنک رهوار لرین
 آهسته آهسته نبرد کاهه سور دیلر * نظم * برآمد خروشیدن طبل وکوش * شد از
 کرد لشکر سپهر آنوس * ماهجه رایت ظفر آیتلری عرصه جنگده درخشان
 اولیجق رسم پیشین اوزره اناطولی بکبر بکیسی احمد پاشا و مرعش بکبر بکیسی
 علی پاشا صاغ قوله وقرمان بکبر بکیسی فرهاد پاشا و آطنه حاکی پیری ییل
 صول قوله تعیین اولنوب پیشگاه سپاه طوب عرب له لوی ایله ترین اولندی * نظم
 چولشکر در آمد بمبعاد کاه * شد آراسته هر دو صف سپاه * جنگ آزمایان
 برخاش جو و لشکر عدو رو بر و اولوب باد حله ابطال بر له آتش قتال فروزان
 اولیجق مزاج عالم غلبه دم ایله متغیر اولوب سودای خام عصیان زبون لرینک
 صفرا سی بولغین اول مجروح لرک بلغم کلو کبر روح بی فتوح لرین ازاله ایچون
 طبیب حاذق تیغ بی دریغ المدن شربت شفا ساز مرک اشراب اولنوب مبتلا
 اولد قلری مرض یرقان و علت خفقانه علاج بره الساعه اولدی * نظم * از نف
 خنجر و زخون عدو * روزیکار آن شه صفدر * موج بحر محیط کردد خشل
 اوج چرخ بسیط باشد تر * بومنه وال اوزره شهنکامه دلک علونایره کارزار ایله قبه
 نقره کوب چرخ دوار تابدار اولوب غبار عرصه جنگ بر له کنبد کردن آسمان تیره
 و تنک اولدی * نظم * گذشت از فلک کرد میدان کین زمین آسمان آسمان شد زمین
 غبار انچنسان در هوا شد حجاب * که ره بست بردعوت مستحجاب * سرا پرده
 لا جور دی قام شام عالمه آغاز سایه کستری ایتدو کی دم آوازه طبل آسایش عسکر
 جانینه مایه حضور و آرامش اولدی * نظم * شب تیره کین شاه خورشید چهر
 فرود آمد از سبز خنک سپهر * ندیدند در شب صلاح نبرد * که نتوان زهم نیل
 و بد فرق کرد * فرود آمدند از دو جانب سپاه * چو شیر زبان سر بر کینه خواه
 هنگام سحر که چهره ظفر بهره روز کیتی فروز افق شرقیدن اظهار صورت تبسم
 و نسیم ان لر بکم فی ایام دهر کم نفحات مهیب شمال اقبالدن آغاز تنسم * ایدوب شاه
 انجم سپاه آسمان چهارم تیغ تابدار شعه و انوار بر له دامن سپهری پر خون
 و سلطان مغرب زمینک لوی هنیمت التواسنی سر نکون * ایلدی * نظم * چون
 بر فراخت خسرو سیار کان علم * در خالک پست کرد مر ابرده ظلم * وارث تخت

و تاج حضرت نری شادمانی و ابتهاج ایلہ * مصرع * مانند طلوع غرۃ صبح * خرگاه
 فلک اشبا هدن طالع اولوب عنان انکیز میدان جنگ و ستیز اولدیله * امر اوسپاه
 هر طرفدن * نظم * شهابجهان مطیع و فلک یاور توباد * نصرت دواسبه پیش
 رواشکر توباد * دعاسی کوش سپهره ایرکوردیلر کاب نصرت اتلسا بلری عرصه
 کارزاره ضیابخش اولدقده شهرزاده جم جناب دعاء مستجاب کی زیر علم عالم
 اراده قدبالا کوستروب طرف یمین و جانب یسار نام یافتنکان روزگار برله سداستوار
 اولدی * سلطان بایرید کندونلک بادجمله سی ایلہ * مصرع * آن نه کوهست که
 از باد ترزل کیرد * غوا سنجہ سلطان سلیم حضرت نری نلک قصر مشیدالاساس
 ثبت و جلاد نری دترزل اولوبوب خصوص صاهوای لاف و کذا فده پروازیدن
 متعلقات و حواشیسئلک اولکی کون ترتیب ساز اولدیغی مصافده اضطراب
 و تلاشسی کورمل ایلہ بالکوزباشی ایلہ خلاص اولماغه یئل جان ایلہ
 راضی ایدی لکن * نظم * بجست مرغ زدست و برنت تیر زشت * چه سود
 اگر تو کنون پشت دست خواهی خست * غوا سنجہ بومر تبه دنصکره باب
 قبول توبه و استغفار مسدود * و سرمایہ تدارک کارمفقود * اولمغین ناچار بین
 اقدام و اجبار آلا یلرین ترتیب ایدوب مضمار کارزاره تحریک سمند ایلدی * نظم
 برآراسته هر دو صف سپاه * رسیدند هر یلک بمعاد کاه * ایکی دریای عسکر مانند
 بحر اخضر جوش و خروشه آغاز ایدیلجل شمشیر لر مجلس هیجاده دائر * و تیر لر
 هوای وغاده عقاب جانشکار کی طائر * اولمق ایلہ نیچه غالب تن بی جان اولوب
 نیچه مرغ جان کوشه بام قصر عدمده آشیان طوندی عسا کر ظفر مأثرک اوراق
 اتفاقلرینی پریشان ایدوب صف سپاه نصرت دستگاهه رخنه تفرق ایرشد رمل
 رجاسنه سلطان بایرید هوادارلری بیکبار فرمان عسکری اوزرینه اماله لجام
 ایدوب سربازان طرفین موی زنیکی کی بر برینه کیردی * نظم * دولشکر رو برو
 خنجر کشیدند * جناح و قلب راصف برکشیدند * بجوشیدند از هر سو سواران
 * دلیران نبرد و نامداران * ذکر دان سپردار و کمان کش * جهان پر شد چنان
 کز تیر تر کش (فضای دشت پهناور شده تنل * زانواع سلاح و آلات جنگ *
 خلال حرب و قتالده اطنه حاکی پیری بل ایکی برده مجروح * و فرمان بکلر
 بکیسی طعنه ستان جانستان ایلہ بالای زینده روی زمینه مطروح * اولوب
 انقره سنجانی بکی یحیی بک و طرسوس بکی فرخ بل غلطیده خالک هلاک و نیچه
 افسر بی سرو نیچه سراویرة قتال * اولدی * نظم * زهی توفیق آن فرخنده

چاکر که در باز در راه خدمتش سر * فرمان عسکرانده نفع فتور مشاهده اولغین
 لالا مصطفی پاشا سپاهی اوغلانلری و بر مقدار سبکبان و بر قاج ضرر زن ایله
 فرماندهانه امداد خدمتته نامزد اولوب اول فارس الحیل میدان شجاعت تکاور
 تیز تازغینه ارخای عنان مسارعت ایله دی * فرمان بکری بکیسی دخی باوجود
 زخم دانشین تکرار سوار اولوب غزاة دین عداة هزیمت قرین ایله بر مر تبه
 آشوب و جنگل ایتدیله که سقف بالا خانه سپهر بریندن بهرام خون آشام کلانلک
 تحسین و زمزمه آفرین چکدی * نظم * برآمد فغان ز آسمان وزمین * که بردست
 و بازوت باد آفرین * اول مخموسلر فرمان عسکرینه ایصال کزنددن مأیوس
 اولیحق اناطولی عسکری اوزرینه عنان تاب اولوب بزم رزمده سرمست صهبای
 مغازی نیچه غازی * مصرع * شهادت جامنی نوش ایتدی کندی بزم عالمدن *
 بیر کوهسار و غالا مصطفی پاشا غزنده شیر کی ابر شوب شمشیر صاعقه
 تأثیر برله چار ترکیب وجود اعدایه تفرقه بخش اولدی * اول کیرودار انناسنده
 تحریک و افسادی سلطان بایریدلک عصیانته باعث و پادی اولان میرا خور حسن
 اغا اجازه می که سوار اولوب بادیه هول انکی عده ضربه طویل قرار ایله دی
 وقت نصف النهار دله بازار کارزار کرما کرم اولوب نیراعظم خط اعتدال دن
 انحراف ایتدی و کی دم مشاطة خرده کار عون سبحانی شانه زن طرہ شاهد آمال
 سلیم خانی اولقی ایله موی ژولیده کی بر برینه کبرن ایکی عسکر آریابوب سلطان
 بایریدلک کاشته لری راه کرینه وضع قدم ایتدیله * نظم * کربای مری
 بلغزد ز جای * نه مری کند پای مری نه رای * اول شهزاده بر کشته روزگار
 هوادار لرینل قطرات ابر نو بهار کی اطرافه تار مار اولدیغنی کور یجل ناچار * نظم
 نه از سپهر و فاونه از زمانه امید * چه طالعست می الا اله الا الله * دیرلک معرکه
 کا هدن چقماغه جان آتوب اول کستاخ بی ادب خایفایترقب هزار محنت و نصب
 و بیشمار کوشش و تعب * برله کرداب حیرت واضطرار بدن کناره بحر سلامته
 چقدی * نظم * ز سیرنجوی و کشت سپهر * نکردد بروقرعه ماه و مهر *
 در شهر یاری وزیرنه کاخ * براوتن و بردی بگری شد فراخ * بسی کرد اندیشه
 در کار صرف * کناری ندید اوزد ریای ژرف * نیاورد ازان بحر کوه بر بدست
 که کشتی اندیشه در روی شکست * بشاهی فرس راند با صد نشاط * که کپر بساط
 از مران بساط * فلک چون بمنصوبه دم ساز کشت * چو فرزین بر جعت روان
 باز کشت * عنان بارة تیرتک را سپرد * بصد حیل زان رزمکه جان سپرد *

خورشید بخت واقعی حجاب حجاب ادبار ایل نهفته اولان اول شهرزاده ستاره
 سوخته * یوم یفر المرء من اخیه * نموداری اولان عرصه جنگ و پیکار دین
 روبراه فرار اولوب * شعر * حافر البئر فی طریق اخیه * واقع فیه لاحماله فیه
 * فحوا سنجه افتاده چاه انهم از لیبی عقبه کبر لر میل راه هزیمت * و کراهی
 ایدن جمع پریشان حال اردنجه پروبال استبحال اولوب شهپازان جانشکار
 پنجه سندن آرمکنه تخلیص مرغ روح ایلدی * رمیت و ما صبت * فحوا سنجه
 سلطان بایزیدک تیر تدبیری نشانه مقصوده اصابت ایتیموب کمان غدر دین
 کشاد و یردوکی خندک جور و یداد انقلب المهم علی الراحمی مثلی اوزره هدف
 وجود نه حواله اولغین مرغ دل و جانی مدد کاری شکسته جناح حیرت و پریشانی
 برله اما سیه طرفنه پرواز ایدوب آرامگاهنه واصل اولیجی خیر مایه فتنه و فساد
 اولان دفتر داری ایله قاپوچی باشیسی شهنه سیاسته تسلیم ایلدی * شهرزاده
 برکشته روزگار * نظم * آن بود امید ما که یوسیم پای تو * لیکن زمانه این شرف
 از ما دریغ داشت * مضحونی ایله ارتکاب و اختیار ایتدوکی وضع ناهمواردن
 اعتذار ایدوب (نظم) اگر هلاک پسندی و کربقا بختی * بهر چه حکم کنی نافذست
 فرمانت * مؤداسی اوزره مقام تسلیم و انقیادده قیامنی اظهار ایتل ایل * نظم
 بنسایمیدی ازین درم و وزن فانی * بود که قرعه دولت بنسام ما افتد * نویدندن
 حصه مند اولق رجاسه اما سیه مفتیسی مولانا محی الدین جرجانی و شیخ خیر الدین
 ایجاد و متعینان شهر دین نیچه کسسه لری نیاز نامه ایله درگاه مراحم دستگاه
 سلطان انامه ارسال ایتش ایکن کلام غرض اندزان اهل فساد تو جیمه
 سمع قبول و انقیاد ایتکین آستان دولت اشیاندن جواب نامه کلزدن مقدم
 نظم * ما آزموده ایم دین ملک بخت خویش * بیرون کشید باید ازین ورطه رخت
 خویش * دیوب ماه شوال غره سنده درت اوغلنی همراه * وعزم درگاه شاه
 کمره ایلدی * شهرزاده عالی کهر سلطان سلیم حضرت نوری تأیید ملک اکبر برله
 شاهد ظفری درکنار اید بجل حقیقه الحالی درگاه عالی به عرض و اعلام
 ایدوب دامن ملکدن خارا غباری ازاله ایتل ایچون اما سیه طرفنه تحریک
 اعلام بیوردیلر * سلطان بایزیدک تکرار تجدید عهد ستمکاری ایدوب * مصراع
 کالمستحیر من الرضا بالنار * شاهد فراری اخباری انتشار بولغین بروجه
 استبحال قرمان دیاربکر و سیواس بکیر بکیر ارض روم بکیر بکیرسی ایاس
 پاشایه الحاق ایدوب بالا تفاق علم افزا شقاق اولان سلطان بایزیده سدره

کریمایک باینده حکم مقرر الطاعه صادر اولدی * سلطان بایزید لغتو
 و طغیان * و برادر سعدا ختری اوزرینه هجوم منجحرمانی * مرفوع بایه
 سریر سلیمانی اولیجی اولان وزیر ثالث محمد پاشا و ثانیای روم ابلی بکدر یکیمی
 مصطفی پاشا شهزاده عالی نژاد سلطان سلیم حضرت تلیزه امداد ایچون ارسنال
 بیورلش ایش * غوغای و غابر طرف اولدقدن صکره مقبول درگاهرب جلی
 الحجاج بکتاش ولی حراری جوارنده محرز شرف تقبیل رکاب شهزاده بلند
 جناب اولوب سایه آساول سرور سرافراز باغ عز و نازیا نجه تعقب شهزاده
 هزیمت نصیب ایچون دوان اولدیلر * رهبر عز و اقبال ایله حظ و تر حال اولنوب
 اواسط ماه شوالده سیواس مشیدالاساس صحراننده نصب خیمای ثریا انتظام
 اولندی * سلطان بایزید تیره روز که تحریک مردم شیربرد آموز برله شاه کمر اه
 فرار عاری اختیار ایتش ایدی اقمهر اوه سمنه وارد قد پیل شمالدن استخبار احوال
 ایتل ایچون بر قاج کون اول مقامده آرام ایدوب نسیم عنبر شمعین سلطان
 سلیم کلاله طوغ ظفر فروغلی رایحه فایحه سنی استشمام ایدیلجبار
 ادبار هار خای عمان مساعت ایدوب بایبرد صحرانندن ارض رومه وارد قد
 مأمورا اولان بکدر یکیلر هنوز ارض رومده اجتماع ایتدکری جهندن یاس پاشا
 موجود عسکر ایله سیل فتنه بی سده قادر اولوب سلطان بایزید سلامت ایله
 باسین اوه سندن وجوبان کوپرسندن گذار ایلدی قرمان و سیواس بکدر یکیلری
 ارض رومه وارد قلزده فرصت فوت اولش بولنه تین مظهر غضب سیم خانی
 اولق خوفیه کیت سریع السیر همته حواله تازیانه غیرت ایدوب قره دره دیگله
 شهرت یافته اولان آب ارس کنارانده بایزید یلر ایرشیدیلر * سپاه ظفر دستگاه
 ظرفندن مرغ جان عدوی شکار ایچون صالینان شهباز تیر مجلا سیکان فرار یلر
 کلام بدیع الانسجام * قل ان الموت الذی تقرون منه فانه ملائیککم * مؤداسنی
 اشکار ایدوب شمشیر خون نفسان * این ینفعکم الفرار ان فررتن من الموت والقتل
 سخواسنی تفسیر و بیان ایلدی * نظم * این چرخ جفا پیشه محنت بنیاد * هرگز
 کره بسته کس رانک شاد * آنجا که دلی دید که داغی دارد * داغ دگرش بر سر آن
 داغ نهاد مفهوم منجه سلطان بایزید عسکری بود فعه دخی سپر ناولک لثمزام
 اولوب آواره دستیر دستمهر عذار اولان اول شهزاده بر کشته روز کارک مرآت
 اقیسالی سنبل ادبار برله تکرار انکسار بولیجی * نظم * دارم امید که هرگز
 چرادی نرمی * ای غمنا که مراد بر راند خننه مضجونه بخت ناقر جامه ناولک

انداز سب و دشنام اولوب دیده محنت دیده سندن خونابه فشان اشل حیرت
 و پریشانی اولرق تأسف و حیف و بقایای سبف ایله قاغزمان یولندن ظرف
 روانه روانه اولدی * نظم * هر آنکه گردش کیتی بکین او برخواست * بغیر مصلحتش
 رهبری کند ایام * کبوتری که در آشیان نخواهد دید * قضا همی بردش تابسوی
 دانه و دام بوشعر رقت انکیز هنگام کربزده اول شاعر فصیح اللهجه بحر آثار رسته
 کش نظم اولدیغی عقود الجواهر اشعار آبدار دندر * نظم * درد و بلا و غم شد
 حاصل مر از کردون * یارب چه چاره سازم شد حال من در کون * اشعار زنده
 شاهی مخلصنی اختیاراید و بآخر کار شاهه التجا و فراری زینت ساز صفحه افاق
 اولان غریب اتفاقا تندر * ممالک مصونة المسالك ایله کشور ایران سرحدی
 اولان بحر ای قاغزماندن گذار رخنه افکن سداستوار مهاده و مهاده
 اولمغین ناچار عسا کر طفر شعار شمیر خون اشاملین گرفته ر مجبس نیام ایدوب
 اول محملدن شهرزاده جم جناب طرفه عنایتاب اولدیلر * سلطان سلیم حضر تلی
 دخی نقل و ارتحالده استیصال ایدوب قوج حصار و قوبلی حصار و اوشهر و صوشهری
 یول لایطی مراحل اولندقدن صکره ماه ذی القعدة و اسطنده جنس نام صکره
 نصب سرادقات جاه و جلال بیورلدقه سلطان بایزید دست بسته و خاطر شکسته
 درگاه سعادت دستگاه سلطانی به ایصال اولتی ایچون روزه خامه منشیان
 دیوان سلیم خانی اولان نامه نای و ملطفه کرامی میر آخور طور اقا ایله شاه
 طرفه ارسال اولنوب * ماه ذی الحجه غره سنده دست تاید ایزد متعال برله دیار
 بکر جانبنه توجیه ریات فرخنده فال بیورلدی * ماه منی بولر طقوزنجی کونی
 فضای فرح فزای امدده ضرب حیه نزول اولنوب مساعی جمیله سی مقابله
 سنده که تر متبر سپاه صنوف انعام ایله شاد کام اولدیلر * نظم * در برابر کر ز دست
 تو یل خاصیت نهند * دست تهی برون نشود هرگز از چنار * ارض روم بکبر بکیسی
 ایاس پاشا سلطان بایزیده پابند فرار اولمادیغی جهتمدن مقدمه مظهر رقم و کین
 اولوب نکین حکومت ارض روم دست تصرفدن انتزاع اولنش ایدی * بسط
 سعادت بر ایله شهرزاده پوزش پذیر حضر تلی نلک مرآت خاطر عاطر لر نده اولان
 غبار رنجش و آزاری ازاله ایدوب ابقای منصب حیات رجاسته دیار بکرده
 احراز شرف تقبیل انامل بحر شمایل ایتد کده سلطان سلیم الطبع حضر تلی نلک
 کانون درون لر نده مضمر اولان آتش غیظ و غضب اب نای تدبیر ایله انظافا پذیر
 اولمیبوز کزلک شمیر صاعقه تاثیر برله نقطه وجودی صفحه شهوددن نابود

اولدی * نظم * زمانه کوهر یختی بدامن که نهاد * که کردنش بر بن بست چون
 کوهر * کرا بزم صفاداد ساغری زمراد * که هم دران چکرش خون
 نکرد چون ساغر * شهزاده کسری غلام و فریدون احتشام حضر تلی ایکی آیه
 قریب اول مقامده نصب خیام ارام نیوزد قلزند نصکره سنه سبع وستین و تسع مایه
 صفر المظفر سنل اوایلنده آوازه طبل رحیل عالمگیر اولوب ماه ربیع الآخر کدردنجی
 کوفی مسرت و شادمانی برله قونیه به عز نزول اجلال ارزانی بیورلدی مال حال
 سلطان بایزید اولدر که شاه کمرام اول شهزاده پریشان روز کار کت تلاطم امواج جلّه
 قعر نایاب حیرت واضطراب برله افتتان و خیرتان صحرا کرد و سیابان نورد اوله رق
 کشور ایرانه دوشوب قرب و وصولندن آگاه اولیجی استقباله استیصال ایدوب
 لالجب علی صنوف نوازش و اکرام و انواع توقیر و احترام ایله مقدمتی تلقی ایلدی
 مروی در که حین استقباله طهماسب قننه ساز ایله غایت آرز کسینه همراه
 اولغین شیران درمل بر هجوی ایله شاه و سپاهی استیصال ایدوب شهزاده بی
 کشور ایرانه حاکم مطلق العنان ایتمک خدام کاندیده ایدی * شهزاده نک خواص
 خدامندن قدوز فرهاد که روز و غاده جمله کرا زانه سی رعب افکن قلب اعدا
 بر مر دد لیر شیر نظیر ایدی بوفر صت محض فضل سبحانی اولوب * شعر * ولانجم
 من بعد النجوم استقامه * وللشمس من بعد الغروب طلوع * شهزاده نک کوکب
 یختی آغاز مهربانی ایندو و کینه قوی بر هاند در رخس آتش عنان شمشیر
 خونفشانه رخصت جولان و برلسون دیو سلطان بایزید دن استیذان ایدیچکن
 اول جبانک نهادنده اولان عروق خوف و خشیت حرکت ایدوب * مصرع *
 معاذ الله چه جای این حدیث است * بوسودای باطلی سویدای دل کدن
 زایل ایله دیوملنغ اولوب زمام فرصتی الدن چقاردی * شعر * و اذا اراد الله رحله
 دولته * من دار قوم اخطا والتدبیرا * القصه شاه کمرام ظاهر مراسم مهمانداری
 رعایتنده دقیقه فوت ایتیموب * نظم * اگرنا که از دور این سبز نطق * کرفتار
 کشت اخترت در محاق * مه و خور که نور بست یموستان * کرفتاری عاقبت
 هستشان * جفا کر چه بی سیر افلاک نیست * چو آخرنیکی رسد بالک نیست *
 مضمونی اوزره دستارچه تسلیمت ایله اول شهزاده عجمکنک آینه دل خزینی
 غبار انکساردن تجلیه ایدوب مقالات ملاطفت اساس ایله اتمام مهمام استیناس
 ایلدی * سلطان سلیم حضر تلی طرفندن سلطان بایزید شکار ایچون صالینان
 شهباز نامه فصاحت پرداز طوراق اغایدندن سایه انداز ساعد شاه بی انتباه

او ایچق بومقدماک انتاجی سلطان باهر الایتهاج درگاه سعادت دستگاهندن
 استخارزه محتاج دردیو استمهال ایدوب دلخواه سلطان سلیم الطبعه مساعدندن
 صورت مباعده کوستردی * اشتعال آتش فتنه احتمالی دفع ایچون شهریار بلند
 اقتدار حضرتلری طرف قرین الشرفلندن دخی فرزند ارچندلری باریزید خانی
 عتبه جاه و جلالة ارسال ایچون نامه همایون سعادت مقزون شرف صدور
 بولدیجه کونا کون مسالک جبله سالک اولوب شجره خبیثه خدعه و تمعل
 منشعب الغصون اولدی * درد حسرت احبه و خلان ویم جان ایله کشورا برانده
 اول شهرزاده غریب اوج سنه به قریب معتکف کنج غم و بیغوله نشین درد والم
 اولوب هر آن * نظم * بروزغم کسی جز سایه من نیست یار من * ولی اوهم ندارد
 طاقت شهای تار من * نظم * عجز طرازی ورد زبان عجز وینازی اولدقد نصکره
 سنه تسع وستین و تسعمایه ذی القعدة سنک یکر می برنجی کوفی اولادی ایله
 طهما سب الحساد مشرب النذن شربت شهادت نوش ایدوب اجساد مغفرت
 نهادلری خارج سیواسده دفین زیر زمین اولدی * نظم * کدام سروسپی راسپهر
 آبی داد * که باز خشل ذکر دش باتش بیداد * کنهاد فلک تاج سروری برمر *
 که بند حادثه بردست و پای اوتهاد * بومقاله سفر جلیل الاثر سکتواره توجیه
 ریات حشمت و اقتدار پیوریلوب اثناء محاصره حصارده اول آفتاب عالمتاب برج
 سلطنت و اقبال گرفتار کسوف زوال اولدینی بیاتنده در کریمه (ان الله اشتری
 من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله) معانی
 هدایت مبانیسی مطاعندن ساحه ادرالذواقهان اسرار تنزیل * و آینه تابناک
 قلب پال عارفان دقایق تاویل * اوزره ماتد پرتو خورشید انور ضیا کستر در که
 مسرح انظار سعی و اهتمامی اعلاى لوی سنت سنیه سلطان رسل * و مطرح
 انوار مقصد و مراعی احیای شریعت شریفة حضرت هادی السبیل * اولتی ایله
 هر سعادت مند که ارتکاب رکوب غارب اغتراب ایدوب طریق با توفیق
 غزو و وجهاده صرف تقدر و ان * و بذل رأس المال سروجان ایلیم * بر موجب
 نص کریم مختم التکریم (ومن یماجر فی سبیل الله یمجد فی الارض مرانما کثیرا
 وسعة) غنائم فتوحات دنیویه و کرام مشویات اخروییه نائل اولوب صدر نشین
 دار النعیم تکریم اولور * نظم * هر کرا کوشش از برای خداست * سر بسر گام
 او همیشه رواست * شهریار بلند اقتدار حضرتلری مریم نشین چاربالش سلطنت
 اولدن بروبوکاری سرمایه افتخار روزگار ایدینوب اقتلوا المشرکین فرماتنه انقبادا

همیشه پیشه می تند میر کفره و مشرکین * و توسع حومه اسلام و دین * اولی
ایله میغ تیغ بی دریغ لری دیار کفار خاکساره قانلریاغدرب بوجریده پسندیده ده
زینت ده اطباق اوراق اولدیغی اوزره اول بد مستلک زیر دستنده اولان نیچه
قلاع و بقاع و ضیاع پرانتفاع فرمان جهان مطاعه اتباع ایتدوکنندن ماعدا
بی شمار قلعه و حصار دخی زور بازوی اقتدار برله خراب * و آرامگاه بوم و غراب *
اولوب هر گوشه سنده جعد ویرانه نشین صبحه و فریاد * و اول طرفلری انجی
صبا و دبور یاد ایدر ایدی * نظم * کهساره ایرسه شعله شمیر هیبتی * دیار له
آتردی اوزین خوفدن پلنک * دریایه دوشسه سایه تیغ مهافتی * پرتاب ایدردی
کندوبی صحرالزه نهنک * لاجرم تقلبات سجه ادوار ایله قابل تعداد و شمار اولمیان
مائروانار مظهری اولان صاحب قران جم چشم حضرت تباریک بسم شهنه
سیاستلری صفحه قلوب قاسیه مشرکینده منتعش اولوب تند باد قهر و کینلری
ایله اشرا بی دین برلرخزان کبی لرزان اولمغین ممالک محروسه اسلامیه حدودنده
اولان قراللر جوهر تابدار فرمان جهانتطاعی زیور افسر اتباع ایدوب شمیر
الماس کون میجاده فشانندن تخلیص کردن جان ایتشیر ایدی حتی بسیاری خرینه
وسپاه و کثرت اسباب شمت و جاه برله جمله دن ممتاز اولان فرندوش دخی خواه
وناخواه درگاه مکارم دستگاهه عرض عبودیت و انقیاد مبانیستی تمهید ایدوب
بطریق الخراج رسماً بالمسائنه نیچه یوز بیل غروش ارسالی ایله ابقای تخت
و تاج ایلش ایدی * بو حال اوزره بر قاج سال مرور ایدوب سنه سبعین و تسعمایه
حدودنده مزبور فرندوشل آرامگاهی مغالک هلاک اولمغین رسم دیرین اوزره
اوغلی جانشین اولدی * اول بدنهاد برایکی سنه فرندوش دوزخ معاد طریق سی
اوزره صورت انقیاد کوسترد کدن صکره تحریک و فساد و ارباب فتنه و فساد ایله
خزان عامر یه سال بسال ارسال ایده کلدوکی مال خراج موظفی ایصالده تاخیر
واهمال ایتدوکنندن ماعدا عتبه جاه و جلال خدامندن اولوب میانی اخلاص
و عبودیتی بانی اولان اردل بانی زیر دستنده کی نیچه قلاعی بند کند تسخیر ایدوب
اول بد تدبیرک القاسی ایله حاید و داشقیامی دخی جابجا ممالک محیه دامننه دست
تهدی بی درازا بتمکه آغاز ایلدی * هر چند که پیر خرد اول مغرور بی شعوره
شعر * دخت غاب اسود غاب عنل حیی * و انت تحسبها دهناء غزلان *
مضمونی ایله نصیح و پند ایلدی * لالی کلمات نصایح سمائی پیرایه بنا کوش قبول
ایتوب مطروح طاقه رد ایلدی * نظم * اگر خواهی که ماند کله برجای * منه

برتر ز حد خویش تن پای * اول مجنون بی شعور که عرق جاهلیتی نابض و دماغنه
 اخنلال عارض * اولهین گرفتار زنجیر غرور و اولوب تیراب جگر سوز عنادی
 شربت شفا سازان قیاده ترجیع ایندو کی جهندن ماده سودای خام از لاله سیچون
 علاجه محتاج اولدیغی طبیب حاذق تدبیر اصابت پذیر سلطان فی به عرض و اعلام
 اولند قدده قانون حکمت اوزره ضرب تازیانه تأدیب دن مقدم نبض کیرلک
 ایدوب حبیب عصمت می پرستان کبی رخنه افکن کریمان صلح و امان اولمغه
 نه باعث اولمشدردیو استخمار اولغی ایچون برچاوش ایله نامه همایون ارسال
 اولنوب اول درج جواهر معانی بدیع البیانده * نظم * چوسر بایدت سرمتاب
 از خراج * و کر نه نه سر با تو ماندنه تاج * مضمونی دخی درج اولندی حمامه نامه
 همای اوج اقبال کبی سایه کستر سر سودا زده قرال اولیجی اول بی دولت
 نهایت غرور و غوایتندن اظهار تجبر و استکبار ایچون زیر حکم نمده اولان
 اسارای مسلمین طعمه شیر شمشیر قهر و کین ایدوب چاوش نامه بری بو خبر وحشت
 اثر برله د اورداد کر طرفنه کوندردی چاوش منور شهنشاه سعادت دستگاه
 درگاهنه اقبال مثال رویمال ایدوب اول نادانک طبق عصیانندن از لاله سرپوش
 کتمان ایندو کئی موضوع بیشگاه دولت و جاه ایدو بجل * نظم * شهنشاه عالم ازان
 بدخبر * زمانی زغیرت بچمناند سر * پس آنکاه سلطان عالی حسب * باحضار
 لشکر بغیر موداب * باندک زمان لشکری جمع شد * شهنشاه آن جمع را شمع شد
 سفر جلیل الاثر مهامی تمام اولد قد نصکره سنه ثلث و سبعین و تسعمائه شوال
 المعظم منک طقه وزنجی کونی اوج جلالت و مغازی نیک شاه بازلند پروازی
 سلطان غازی حضر تری با وجود ضعف پیری و قوت عوارض جسمانیه ترفیع
 رایت سرافرازی بیوروب عرصه جهاده تحویل سمند شیرین حرکات شبدرین
 نژاد بیورد بلهر جاتبدن * شعر * علوت من الدنیا با علی مراتب * و قانددک
 الاقبال من کل جانب * ولیم منصور و ربیل ناصر * عدولک مقهور بایدی النوائب
 دعاسی کوش خلوت کزینان ملاء اعلا یه ایروب آوازه طبل و کوس ولوله انداز
 کنبند آبنوس اولدی * نظم * راوازه عزم صاحب قران * بچنید بکسر زمین
 و زمان * بغرید کوس و بیجو شید دشت * خروش سپاه از فلک در گذشت * علمهای
 و الافلاک سای شد * زهر گوشه فتنه برپای شد * زسم ستوران زمین لرزه ناک *
 فلاک شیشه ساعت از کر دخلک * روز بروز بدرقه طالع فیروز برله خور شید
 جهان افروز کبی طی منازل بیوریلوب ماه ذی الحجه نل اون برنجی کونی پیرامن

قلعه باغراده ضرب حیمه نزول اولندی * نهر صاوه اشک مظلوم کبی خروش *
 و مانند سینه عاشق مه موم جوش * ایدوب عبور و مرور دایره امکاندن دور
 اولغین عنان بکران برق نشان بکوردن طرفنه امله بیورلدی * موی زولیده
 زنی کبی تراکم اشجار ملته الغصون اول طریق زیاده نصیق ایتمکین هزار زجت
 وزور برله انحق درت کونده عبور اولنوب بشنی کون بکوردن قربنده نصب
 خیام آرام اولندی * بکچیری اغاسی علی اغا اهماخی ایله قرین انمام اولان جسر
 استواردن گذار بیوریلوب قلعه زمون مقرر ادوی همایون اولدقه اردل
 و یوده سی طوغ سعادت فروغی استقبال ایدوب فضاله نواله انعام عاملری ایله
 شاد کام اولدی * اگرچه کفار خاکسار اگری نام حصار قربنده ترفیع لوای اجتماع
 ایتدکاری استماع اولغین دست شقا برله تاب و برد کلری رشته جمعیته عده
 تفرق واضطراب * دوشرمل ایچون اول جانبه سوق کتائب بولغنی اوزره
 قرار و برلش ایدی * لکن بودین بکبر بکیسی ارسلان پاشا پولاته نام حصاری
 محاصره ایتش ایکن قرال خسران مالک مجرد آوازه هجوم منبج الحرمانی باعث
 روگردانی اولوب * اول بی غیرت و عار دامن حصار دنال چکدیکي خبری قرع
 سمع شهریار بلند اقتدار ایتدکین فسخ عزیمت بیوریلوب معظمات قلاع کفاردن
 سکتوار طرفنه توجیه رایات شمت و وفار بیورلدی * وزیر احمد پاشا و بکچیری
 اغاسی سرکارلغی ایله اوسل اوکندن نهر طروه اوزره اون درت کوند بهار اعلیه
 طولی آلتی ییک و عرضی اون درت ذراع برجسر بلند بی مانند طرح اولنوب شهر
 یارار چمند حضرتلری مرور و عساکر نصرت ماثر کدار ایدنجه اوج کون بسط بساط
 استراحت و حضور * بیوز دیلر * شقلوش نام حصار قربنده ارسلان پاشا محرز
 شرف تقیلر کاب سعادت انتساب اولوب پولاته دن خیمت و خسار برله
 رجوعنه تمهید مقدمات اعتذاره شروع ایدیلر سایر له موجب عبرت
 اولغی ایچون اول بی غیرت کردن بسته طوق فرمان شمشیر سیاست اولدی *
 مصراع * این چنین اهل معقل لایق آن کوردنست * رهبر عون سبحانی ایله
 صوب مراره توجیه اعلام عالمستان خاقانی بیوریلوب سنه اربعه و سبعین
 و تسعمائه محرم الحرام نمل بکرمی ایکنجی کوفی اوطاق کیوان نطق خسروانی
 سکتوارک جانب شمالی سنده همسر طاق بلند رواق آسمانی اولدی جاسوس حاسه
 باصره رخست تجسس و بریلوب قلعه جانننه کند نظاره اعتبار پر تاب اولدقه
 بردر باچه میبائنده مانند عناصر اربعه بر بریله امتزاج ایتش درت حصار

استوار مشاهده اولندی که جبال را سیاه سلاک اندازم باهات اولان بروج
ممنوع العروجی کمال ارتفاعندن نه تاب آفتابیدن متأثر * و نه رشحات سحاب
ایله متغیر * اولوب دیده دور بین ایله نگاه اید نلریاب معلما جنباننده اولانلر حلقه
سیمینی هلال آسمانی * و کله یخ زریخی خورشید نورانی * خیال ایدر ایدی *
* نظم * نشد بامش از ابر بر رفته تر * که شد بامش از ابر بر رفته تر * حسب الامر
العالی وزیر فرهاد پاشا و اناطولی بک بکریسی زال محمود پاشا صاغ قوله نصب
خیام وزیر مصطفی پاشا و شفیق رفیق روم ایلی بک بکریسی شمس الدین احمد پاشا
صول قوله ضرب طوبله آرام * ایدوب مناسب جانبلرده مترسلا حضار
اولندی * ماه منور کبرجی التخی کونی جنکه آهنگ اولینوب طوبله اتش
وبرلده (فیومذ وقعت الواقعة مضمون عبرت مکنونی و رموز اولوب میدان
حرب و ستیز نمودار عرصه رستخیز اولدی * کربسان زرین زه بامدن دامن
کاکون شامه دل طرفیندن سربازان عرصه خلاف اداره پیمانه قبل وقال
معانده و اختلاف ایدوب اندازه مکنش بشمیه لری قدر صرف نقدینه اهتمام
ایتد کارند نصکره شهنکام ظهور طبعه الخیل سلطان اقلیم شام برله شیران
حومه هیجا عرصه و غادن آرا مگاهلرینه اماله لیسام ایتدیلر * نظم * لشکر
از جنگ دست باز کشید * تاز مشرق سپیده دم بد مید * باز چون آفتاب سر برزد *
بر سرش افسر مجوهر زد * لشکر آراست شاه عالم کیر * بفلاک بر شده خروش بغیر *
هر جانب اناطولی و روم ایلی شیر زلری و یکپیری دلاور لری تکاور غیره شد
زیر تنک اقدام ایدوب مضمار جلادنده اسب همه ارخای عنان ایتدیلر مغروران
میدان کین کفره بد آیین دخی غزاة دین شمشیر فرماننه سرفروا بتیوب طرف
اسلامیاندن آتیلان سنک و تبره طبله سینک پر کینه لرین سپر ایتدیلر نیچه لری
آماج ناولد دلدوز مرل اولوب خاکستر وجود شقاوت آلودلری نشانه شاه راه عدم
اولدی * نظم * زهر سوکشته چندانی بیبوست * که راه جنگ بر لشکر فرو بست *
خلال جنگ وقتا لده هزاران زردشکاردن نیچه مرد نامدارک دخی قهرمان
روحی تدبیر کشور بدندن قصر ید ایدوب ملک جاودانی تسخیری آرزو سیله مسافر
اقلیم فنا اولدیلر * مصراع * زهی حیات نکونام و مردنی بشهادت * بواسلوب
اوزره درت کون لشکر فیروزی اثر زبان تبغ اهتمام ایله بیان مبهم ظفر ایتل ایچون
کوشش و اقدام ایدوب و دست یاری قوارع آتش فشان ایله اول حصارک حیطان
رفیع البیاننده جایجا سپاه ظفر دستگاه طرفنه دریچه اقبال کبی رخنه لر

آجلد یغندن ما عدا طوب طاشندن بعض ابنیه چوپین حصاره آتش اصابت
 ایتمکین مقام مدافعه ده قیام ایدن کفار بر کشته روز کارلر رشته جلادت واقندار
 لرینه عده تلاشی دوشوب میدان وغاده شحرلک دست و پاییه قادر اولمیلر * روی
 عزیمت لرینه راه کبرن مسدود * و دست اقتدار لرنده سرمایه تدارک کار مفقود *
 اولان پس مانند کان طریق فلاکنک کی بدرقه شمشیر آبدار برله غوطه خوار
 دریای عدم اولوب کئی زبانه نارایله آنشکده سعیر وضع قدم اید یجل مردان
 میدان کارزار بر قاج کوندن برو طلبکار مشاهده دیداری اولد قلری اولکی حصار
 ماه مزبورک سلخنده بند کند تسخیر اولدی * شیران بیسه زارد لاوری وهرایکینی
 حصاری دخی مسخر ایتل ایچون شمیر ساعد اتمام ایدوب سرمست جام خود
 کای اولان کفره لئامه یدی کون علی التوالی ساغر زهر ایدارتیغ خونباردن
 جرعه فنا یچردیلر * ارباب کفر و ضلالت مرآت جالارنده ضعف و فتور مارانی
 نمایان اولوب اول ناحق ظاهرک محافظه امرنده بحز و قصور لرلی ظهور ایتمکین
 ماه صفرک سکر نجی کوفی دامن ضبطندن ال چکوب اوچینی قلعه جانبیه
 سبک ساز عنان عزیمت اولدیلر * شهبازان اوج مغازی نا طولی و روم ایلی غازیلری
 دمدمه تکبیری مقهر فلک ائیره ایر کوروب اول حصار دخی استخلاص هوا سنده
 بسط جناح همت ایتدیلر * نظم * برآمد برین سبز کاخ بلند * غروب کبر و خروش
 بیند * دلبران لشکر بسودای جنک * کهی تیغ دردست و کاهی خدنگ * سپاه
 طرفین اشعال نوایر قتاله اشتغال ایدوب هوای وغاده پرواز ایدن عقاب جانسکار
 تیغ خونبار سیمرخ زرین بال افتاب عزم آشیانه مغرب ایدنجه آرامگیر اشیان
 قرار اولدی * شهنکام آواز طبل آرام سپاه اسلامه باعث تحویل لجام اولوب
 نازک اندامان قاصرات الطرف تماشا سانه عازم اولان شهدای خونین کئی
 متواری حجاب تراب ایتدیلر * بومنوال اوزره * بر قاج کون دخی بازار حرب و قتال
 کرم اولوب متاع جانه دانه طوب و تفننک و تیر و شمشیر و نیزه و خدنگ مشتری
 اولمغین دلال بدمهر روز کارالندن قاپشمر لرایدی * اول قلعه نک کردا کردنی محیط
 اولان خندق عمیق مخدره حصاری آغوش تصرفه آلغیه مانع اولوب یوریش
 اولدجه نیچه نهنگ دریای شجاعت غریق لجه شهادت اولدیغی جهندن رشته
 تسخیری رتبه بنان تاخیر اولدی لاجرم بر موجب حکم همایون عساکر نصرت
 ماژدورت کونده اول خندق مانند چشمه افلاطون یمانی چواللری ایله
 طول و روبرو موجر بر دریا یکن غبار تکبیر بر صفحه ملسا اولدی * ماه مزبورک

اون بشنخی کوفی جنگ آزمایان کشور روم قلعه یه هجوم ایدوب زیر وبالای
حصارده کفار ایله عاشقانه جنگ * وصفه دیواری رشحات خون عدو ایله
نمونه نمای نقش ارژنگ * ایتدیله * نظم * زیاریدن تیر همچون تکرک * بهر کوشه
برخاست طوفان مرک * زمین آسمان شد ز کرد کبود * چوانجم درو برق شمشیر
و خود * غزاة ظفر سمات شمشیر صاعقه تاثیر ایله نیستان وجود اعدایه شراره
فشان اولوب خرمن هستی دشمنه آتش صالوده ایکن حکم تقدیر ممتنع التعمیر
ملک قدیر اقمضا سیله شهریار عالی تبار حضر تیرینک قامت طوبیامنا للری دستبرد
روزگار زور کار برله دو تا اولوب تاب آفتاب ضعف واضطراب کابلک
رخسار تابدار لرین نمودار وراق خزان * و صرصر قیامت اثر مرض برک و بار
عافیتی پریشان * ایلدی * نظم * درین شش جهت کارگاه خیال * مزاجش
فنا داز حد اعتدال * بیالین سر آورد سر و سهی * مرض شد مسلط بپشاهنشهی *
بیست تنهال کرم کرد میل * ز تابندگی ماند نجم سهیل * لاجرم بالین و پستر
بدس البدل سر بر و افسر اولوب اول مهر سپهر جهانبانی خورشید نورانی کبی
بر برجدن برج آخره تحویل ایتکین تسخیر حصار سکتوار اموری ایله تقیددن
قصرید ایدوب تدبیر مهمام کشور بدن * و اصلاح احوال قلعه تن * ایله اشتغال
ایتدیله * اثناء حرب و قتالده عقل و شعوری پریشان ایدوب ایله بر حال متمر الملال
ظهوری مدبران امور سلطنت و مدبران دوا برخلاف قتل معلومی اولیجی اظهار
اندوه و کسل محلی اولیوب بهر حال اشعار قوت قلب * و ایراث طنون و شبهات
ایدراطواری سائب لازم اولمغین وزیر اعظم محمد پاشا بوسری اخفا امر نده اهتمام
تام ایدوب محفظه مهمام حرب و قتالی موضوع طایفه اهمال ایلدی بر قاج کون
دخی کماکان وزیر دشمن کش هر سحر دشمن کش اولوب سپاه صاحب قرانی ایله
مرامات شرایط قلعه ستانی میداننده جواد سعی و اجتهاده ارخای عنان ایلدی
مطموره نشین مجلس حصار اولان کفار خاکسار و رای دیوارده بر چاه حفر
ایدوب انده بی نهایت باروت تعبیه ایتشار ایدی بو ملاحظه ایله که سپاه ظفر
دستگاه بروج صعب العروج حصاره کند انداز تسخیر اولوب اول محله قریب
اولد قلمنده کند ولری نعل باز کوننه قریب کوس تروب اظهار صورت فرار ایتل ایله
سپاه اسلاحی چاه طرفنه چکه لر عسا کرفیر و زی ماثرانلاری تعقیب ایدرک
سرچاهه وضع قدم ایتدکاری دم فیلنه آتش و یروب غزاة نصرت شعاری
میتلای نارد مار ایتل ایله زحمر نجه اخذ نار ایدوب بو یوزدن آتش درون لرین

نوعاً تسکین ایدہ لر * ماہ منی بولک بکر منجی کوئی سپاہ ظفر کارہ تکرار حصارہ
 هجوم ایدوب بلنکان اژدرشکار روم سلم صد پایہ ہمت برلہ بالای قلعه یہ اعتلا
 ایتند کلرنده بریکجیری دلوری درون حصارہ برخنبرہ پرتاب ایلدی * تقدیر
 ملاک قدیر برلہ برشرارہ سندن قتل نقب آتش الوب طرف آسمانہ علور زبانہ کش
 اولدی * مکر اول چاہہ قریب برقلده حددن افزون باروت مخزون ایمش اکہ
 دخی تاثیر ایدوب اول قلعه ہماہمسر طرفہ العین ایچرہ تودہ خاص کستر *
 ونصاعد اجزاء ارضی برلہ خوای (یوم تبدل الارض غیر الارض) منصہ
 ظہور دہ جلوہ کر * اولوب کفار دوزخ مدار (ولایحیی المکر السئی الاباہلہ)
 وعبد نہ مظهر اولدی لر * ثقاہ روا تندن مسعودر کہ اثناء محاصرہ دہ اشوب و معرکہ
 اشتداد * وزمان مقاتلہ امتداد * بولوب روضہ امیددہ حصول مامول غنچہ
 لری شکفتہ و خندان اولدی بغندن کلدستہ خاطر عاطر سلطانی دستردہ خزان
 احزان پزیشانی اولوب بلبل نغمہ سنج ناطقہ صاحب قرانی بووا جاغہ یا نجی
 دخی آلتادی می دیو کفارہ کلدو کی دم * مدمر ع * لب زدعاسیر نکشتہ ہنوز *
 ناولد عاری نشانہ اجابتہ اصابت ایدوب و رای سرادفات غیبند بوس کونہ
 بر صورت غریب دلفریب ظہور ایلدی * بولطیفہ غیبیہ مساعدہ بخت و طالع
 فیروز برلہ تنق احتجابدن بروز اید یجل کفار تہ روز کارل اول جصار دخی
 باشلرینہ تنک * و پای مقاومت لری شکستہ ولنک * اولوب ادرالہ دقایق فتحندہ
 افکار عقلہ برہمزدہ حیرت اولان درد نجی حصارہ فرار ایتند لر * اما پنچہ شمشیر
 تابدار کربانگیر فرار اولوب اکثری افتادہ خالہ لاولدی * نظم * تسکاور
 بران دشمنان ناختمند * بنای مخالف برانداختند * سپاہ بہرام انتقام بی حد
 نفایس اموال داخل حوزہ اغتنام ایدوب دست غیرت برلہ کندہ می پیچ و تاب
 و درد نجی حصارک شرفات بروج سپہر عروجنہ پرتاب ایتند لر * سکتوار
 قربندہ چونقرہ نام حصارک طکی اولان شقی مادزادکہ سکتوار بکنل
 تنور باز کونہ صلب ناپاکندن ظہور ایتمش برشرارہ شر و فساد ایدی * اول
 بد نرا کردن بستہ طوق اتباعی * اولان اشباع و اتباعندن برقاج ییل اشعبا
 انتخاب ایدوب فرصت ہنکامندہ عسکر اسلامہ کین کیندن کزند و ضرر ایصال
 ایتل ملا حظہ سیلہ اول جانبہ ارسال ایتمش ایمش معسکر بختستہ اثرہ قریب
 اولد قلرنده تقدیر بردانی برلہ سپاہ صاحب قرانیدن برفرقہ طریق ضلالت کچ رو
 لرینہ راست کلوب شمشیر کین ایلہ اوکارینہ سد آہنین چکدہ لر * سربازان طرفین

الذرنده اولان نيزه لر نيزه و نيزه سر لر فتراك هلاكه آويزه * اولد قد نصكره
 نسيم خسته شميم ظفر كلاله طراز شاهد آمال لشكر فيروزي اثر اولوب
 مجاهد دين دين (فريقه قتلون و تاسرون فريقا) كريمه سي خواي مسرت
 احتواسنه مظهر اولدي لر * نظم * دركشن ملاك باردي بكر * طاوس ظفر كشاد
 شهر * افكنده ماي فتح سايه * برچشمه آفتاب خنجر * نيم خونباش برله كسلان
 باشلر و كفتار قيداسار اولان ناتراش لر * ادوات داروكير و طبل و نفير لري ايله
 حصار سكتنوار مقابله سنه كتريلوب هم ملتيرينه جفا و اذيت ايچون شمشير صاعقه
 تايير پس مانده لري * سكتنواريلر كوزلرينه قارشو ضيوف سيوف اولدي
 * نظم * سرای كهنه دنيا كه خانه دورست * درو اساس اقامت منه كه در كدرست
 اگر چه عيش جهانست چون شكر شيرين * وليك زهر هلاهل سرشته در شكرست
 اختر و الا كه ركي عالي نظر اولوب هر دم اطوار عجميه الانار عالمه كند انداز نظاره
 اعتبار اولان اولوالابصاره آشكار در كه بر حسب اقتضاي حكيم نامتناهي *
 و افضاي تقابل آثار اسماء الهی * سلطان روزازل عز و جل حضرتك كلزار
 لطف عالم افروزي بي خار قهر دل و زاولمديغي جهته دن روضه الصغای اقبالده
 نشو و نما بولان هر نهال خوش نما آخر كار برل و ياري دستر ده عواصف ديوراد بار
 اولوب چنزار عز و نازده بخت رواه ترازايدن هر سر و سرافراز البته بركون بر كننده
 پنجه قهر روزگار اولور * نظم * اجل اندر زمانه صيادست * از بي صيد جله
 افتادست * همه قيد كنند كيدوي اند * تا نظر ميكنند صيدوي اند * حضرت
 فرمان فرماي کشور ملكوت درگاه كهريانه هاندن كه نقش كتابه طاق
 الوهيتي (هو الحى الذى لا يموت در كل مولود سيموت) نداسي هر دم قرع سمع
 بن آدم ايدوب اول خوان يغما ده شاه و كدا بر ابر * و اول شارع اعظم خون
 قتيلي هدر در * نظم *

برين طبقه چرخي و قرص كرم ملرز * وزين سراچه خاك اميد مهر مدار
 مباح غره بدن پنج روزه تقد حيات * كه عمر بر سر بابت و چرخ بر سر كار *
 جلاد خون بر چرخ پرستير تنغ سرتيز ستمى ايله مجروح اولانله صورتاروي دل
 كوستروب زخم سينه لرينه نمك پاش اولسه دخی حقيقته صاحبدغي سوده الماس
 و شربت شفا ساز ديور و يوركي طاس سم هلاهل ايله طولش كاس * در * نظم *
 سپهر تندره است اين چنين كيش غايد راحت و رنج اورديش * مهندس كارخانه
 (لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم كاشانه مشرف الاندرا س بن آدمه وادئ)

عدمه وضع اساس ايدوب عرصه **كاه زخارفه** ساخت سراي دنياسميه *
 وهر كوشه سنده اسباب رنج و عنائيهه **ايتشدر** * نظم * بود عاقل آن كس كه
 در روزگار * كند كوش **كفتار آموزگار** * بنند ددل اندر سراي سنج * كه حاصل
 ندارد بجز درد و رنج * مصداق همه طريق رشد و سدادی پيش نهاد ايدن عاقل
 لببیه لازم در كه كن في الدنيا كائن غريب پند في كار بند ايدوب قصر ناستوار
 دنياده طرح بساط اقامت رجا سنده اوليه * نظم * همان منزلست اين منقش رباط
 كه كستر دآنجافريدون بساط * همانست اين نزد تو نوعروس * كه زد در عرويسش
 كاوس كوس * همانست اين بر كشيده رواق * كه بنشست داراش در زير طاق
 و بويكانه دن معامله آشنایی به چشم دوخته اوليوب بو عروس هزار داماد دن
 زلك و بوي وفا اميد بن قلبه * نظم * منه بر جهان دل كه بيكانه ايت *
 چو مطرب **كه هر روز در خانه ايت** * نه لايق بود عشق باد لبري * كه هر
 بامدادش بود شوهری * سليمان وفائي زدوران نديد * كه بيند وفا چون سليمان
 نديد * كيت سيمه زانوي قلم پريشان رقم بو واديد سبلك عنان اولغه بادی اولدر كه
 شهر يار عالی تبار سلطان بلند اقدار حضرتلری كه زرده دهی مأثر و آثاری بو
 مجموعه مطبوعه به زينت بخش اولشدر * نچه مدت ماهچه رايات سلطنتلری روی
 آفاقده لامع الاحراق اولوب شاهراه غزو و جهادده صرف راس المال اجتهاد
 بيورمالی مایه ابتسام ثغور اسلام ايكن نكاشته خامه اعجاز طر از اولديني اوزره
كشور وجودلرينه استيلا ايدن سپاه رنج و عنا كه طليعه الخيل عدم ایدی
 * مصرع * داعياد واء الموت كل طيب * خوا سنجه مدد كاری تدبير اصابت
 پذیر اطبايله مندفع اوليوب ماه صفر المظفر كيكري برنجی كجه سی سكرنجی
 ساعتده اول سلطان جم چشم حضرتلری بو خطيره فسادن دار السعادة بقا
 طرفنه خرامان اولوب مربع نشين سر بر سر و افزای روضه رضوان اولدی
 زبردان درود و زما آفرین * بدین شاه روشن دل و پاك دين * كه مثلش ز شاهان
 فرخنده فر * نبودست ازین پدش و نبود دكر * شهر يار مغفرت مدار حضرتلرينل
 طوطی كبی گویا ايكن سوسن آسالا اولان زبان بدیع الیائی لسان الحال ايله نظم
 بزخم تیغ جهان كیرو كز قلعه كشای * جهان مخمر من شد چومن مسخر رای *
 بسی بلاد كوفتم بیل اشارت دست * بسی حصار كشودم بیل فشمردن پای *
 چومرك تاخن اورده چ سودنداشت * بقای خدایست و ملك ملك خدای
 مضنون عبرت مكنونی ادا ایدوب اول سلطان مرافراز بو كارگاه كون و فساد

دن قطع رشته تعلق ایندوکی وزیر اصنی التدبیرک معلومی اولیحق آرقالیدی که
 رهن پرستیزمات انتزاع جامه حیات بی ثبات ایدوب مرغ روحی قفس کهنه
 سقف بندن آهنگ پرواز ایلیمه لکن چونکه بو خبر وحشت اثرک شوموع و انتشاری
 اوزره * مصرع * مضی سلیمان و انخل الشیاطین * خواستجه اراذل و اشقیما
 کریمان شقادن باش چقاروب من بعد بقیه فرمانه تسلیم رقبه انقیاد و ازغان
 ایتیمچیکاری متعین * و طاسم مشکل بند حصار کشاد بولمیاغی امرین * ایدی
 بنا برین بهر حال مددکاری اعمال افکار اصابت شعار ایلیمه جمع عقل پریشان *
 و نقدینه اسراری انداخته همیان کتمان ایدوب عیار سریع الاتقال و هم و خیال
 دخی واقف دسیسه احوال اولمق ایچون محرمان سرائر و سلطنته تنبیه و تاکید
 ایلدی و حصه تجیهیز و تکفیند نص کره اول کوهرکان سلطنتی برسم و دیعت دفین
 زیر زمین ایدوب وارث تخت سلیمانی * سلطان سلیم ثانی حضرت تلی طرف قرین
 الشرفلرینه نهانی جامه نامه اوچردی * سحرگاه سمران سپاه وزیر خسته تدبیر
 بارگاهنده عقد مجلس مشاوره ایدوب تسخیر حصار سکتوار خصو و صنده تمهید
 مقدمات کفت و شنید و انورکن اشارت صدر اعظم ایلیمه قابو جیمه کتخداسی داخل
 حلقه جمعیت اولوب بوانه دل سر رشته فتح و تسخیر * عقده تاخیر دوشد کنی
 شهنشاه سعادت دستگاه حضرت تلی اهماال و تقصیر سپاه جل بیوروب جلیه کره
 بند جبین کین اولمشدر * شویله که برایکی کونده وصال عزیزالمانل شاهدمیسر
 اولوب شاهبازهما پرواز طفر بفضلہ تعالی ساعد اقبال روز افزون سلیمانی اوزره
 سایه کستر و ایلیمه شمدیه دل ریزه خوار سفره احسان سلطانی اولانلر من بعد نوازش
 ملاکانه لرینه مظهر اولمق مقرر اولدیغندن ماعدا حسب الاستحقاق سلطان
 ستوده اخلاق طرف باهر الشرفلرندن کوشمال دخی کوورلدیجک جمله وزرا
 و امر اوعسا کرنصرت اتما امثال فرمان لازم الازعانه استجمال ایدوب فی الحال
 صدای جنگ حربی فلک اثیره پیوسته اولدی * نظم * غریوکوس بانک نای
 برخاست * زمین چون آسمان از جای برخاست * دریای معسکر جوش و خروش
 ایدوب کویاکه * مصرع * کوستر رموجلرین لجه عثمان صف صف فوج فوج قلعه
 جانبنه موجر بر اولیحق که تار تبه روز کار زعم فاسد لری اوزره اول سیدل کوه انداز
 و کمنه حائل اولمق فکر باطلی ایلیمه قلل و بروج حصاره عروج ایدوب مردان آشوب
 و جنگ اوزرینه طوب و تغفل دانه لرندن تکررک مرک یا غدر دیرلر عون سبحانی سپاه
 صاحب قرانی به وقایه الحفظ و المغان که طر فرندن آتیلان طوب و تغفل و غراده

و خدنگ برله اسباب عزتترینه تفرق و پریشانی نظر قایم بویب یکدست و هموار
 دامن حصاره ایرشدیلر * نظم * نهنگان چوشن تبا فوج فوج * بهم متصل کشته
 مانده موج * بار حمله سربازان ایله بله شورانگیر حرب و ستیز کبدلک محیطه تراکم
 الموج اولوب طوفان بلا باشند آشفته کله لر حباب جو بسیار فنا اولوب نیجه
 کافر لکس پاره وجودی ساحل نشین بحر عدم اولدی * اول زد و خورد
 اثنا شنده نیجه مر دغانی دخی غوطه خوانز کرداب شهادت اولوب غریق دریای
 باقریاب رجت اولدی * نظم * شهباز رو حشان چو برداشیان تن * جولان کتان
 بروضة قدمی کند وطن * وزیر نامدار عرصه کبر و دارده مقالات مشجعه
 برله تقویت قلوب سپاه ایدوب میدان سربازیده جانبسارلق اطواری اظهار
 ایدن غازیلرک مز رعه آمالنه فیض سرجشده عنایت برله نصارت بخش اولغین
 عساکر نصرت ماثر چو کان تیغ خونپاش ایله نیجه باشلر الوب خرسنگ بیابان عدم
 اولان اول خونین کله لری سم * چند پاشای کشور کشایه غلطان ایتدیلر * نظم *
 شدند آن هر بران آهوسوار * برزخوش دل از و عده امیدوار * کبرچه
 سکتو ایدوب دخی شیران غاب مردانکی پنجه سندن قتلین کریبان جان ایدوب
 دامن حصاردن انلاری انجاد سعی بلع دریغ ایتدیلر * لکن اول حصارک قتل
 و بروچی فی زمانه قدر ارباب فضل و عرفان کبی پست * و آهین قاپور لری جام
 توبه باده برستان آساشکست * اولغین ساعی اولد قاری مساعی وسیله نل کجینه
 مراد اولوب اول قلعه ابر پیوند کند نسخیره بند اولدی * سکتو ایدوب لدن کردن
 نهاده قید اسارا ولبانلر ضرب کویال تیغ پی دریغ سیاسته سرفرو ایدوب قلعه
 حاکی اولان زدنمقی اوغلی دخی محکوم شمشیر غازیان اولغین سرفرو ایدوب
 زینت بولستان جانستان اولدی * نظم * هر کس که ز خدمتش کشد جبر * جز تیغ
 جزای آن نباشد * تأیید ایزد متعال برله صورت ظفر مرآت مال حال
 اسلامیان اوزره جلوه کراولیحق پاشای قلعه کشا میدان مقاتله و کفاحده
 کسبلوب ارایش استه ورماج اولان باشلری ظاهرا بارگاه جاه و جلالت ارسال
 ایدوب عرصه چنکده سپاه اسلام کیفیت سعی و اهتمام و چگونگی حرکت
 و آرا مریض عرض و اعلام ایلدی * نظم * در ریغ توانبافت برزکی و بلندی *
 ترکس شرف تاج زدا ز ریغ شهر یافت خواستجه ایام محاصره خواب حضور
 و آرای کند و له حرام ایدوب بزم رزمده صهیای ضلالت سرمستترینه جام
 زهر ابدار تیغ خونباردن جرعه فنا ایچرن میدان و غاهنرور لپنه صواب دید

وزیر ستوده تدبیر اوزره بحسب المراتب توجیه مناصب و تعیین رواتب اولدوب
هر برینک نهال آمالی نوباه و بخش حصول مأمول اولدی * خشت و کامرانی برله
سکتوار اوزرینه تحریک ریات صاحب قرانی بیورلد قده ایکی بیک نفر یکجری
و علوبخیان عین و یسار و عسکر تاتار و میر میران طمشوار و اول ایالتده اولان زعما
و ارباب تیمارایله وزیر ثانی بر تو پاشا کوله نام قلعه یی ایادی اعادیدن انتزاع ایتل
بابنده فرمان جهان مطاع شرف صدور بولمغین اول حصار سپهر مدار محصور
لشکر منصور اولمش ایدی * نیچه ایام باهدن شامه دك اسباب حرب و قتال مطروح
کوشه اهل مال اولموب ادوات کیر و دارد رکار اولدی * نظم * زهر سو هز بران
هنگامه کیر * کشاند بازو بشمشیر و تیر * آخر کار پنجه سخت کیر همت غزاة دین
بازو تاق توان و تاب مشرکین اولوب اول بیچاره لر درد دل صد پاره لرینه استیمانندن
غیری درمان بولمقد قلمی جهتدن کشتی وجود لری ککشته دریای فنا اولمازدن
مقدم مساعدت نسیم انقیاد و تسلیم برله ساحل اطمینانه ایرشوب کنار سلامتیه
وضع قدم ایتدیلر * نظم * آن کس که پند عقل بسمع رضاشنید * پل پیش آزان
بیست که سیلاب در رسید * نوندن ما عدا با کوه ولا غوش نام قلعه لر دخی جیوش
دربا خروش اهتجاجی ایله عمالک محروسه دن معدود اولوب اول مقام ملرده اهل
اسلام وضع آشیانه آرام ایلدی * تسخیر حصار سکتوار دنصکر دفعه لالازدحام
ورفعه لالاهام اوج بیک نفر یکجری و بیک بشیوز سپاه روم ایلی عساکریمه
وزیر خامس مصطفی پاشا و روم ایلی بکلر بکیسی شمس احمد پاشا بویغچه نام قلعه یی
استخلاص خدمتیه نامزد اولمشلر ایدی * پیرامن حصار مرقوم آرامگاه شیران
روم اولد قده هجوم لرینه اهانسی طاقت کنور میجکری معلوم اولمغین مال
جان لرینه امان و برملک اوزره تسلیم حصاره اظهار صورت رضا ایتدیلر * سران سپاه
طرفندن دلخواه لرینه مساعده مشاهده ایدیجک مقدمه احوال و ائتمال و اهل
و عیال لرین دیار کفاره ارسال ایدوب برکیجه کوشه بکوشه شهره آتش و بریدیلر
و بجله و شتاب برله قلعه دن چقوب عنان انکیز را کیر را اولدیلر * اول یدنه ادرلک
ایقادات بکبری آتش فتنه و فساد ایلله خراب اولان برلر تعمیر اوانوب دزدار
و مستحفظین تعیین اولندی * بفضلہ تعالی سکتوار دست قنداره کیروب عون
سجانی برله شاهد مانی آغوش تسخیر کار کدنص کره اول مقامده طرح اساس
آرام اولتیق منهج رای سدیددن بهمد اولمغین لجام اشهب کبل خراملری مستقر
سر بر شرف مصر طر فنه اماله بیورلمق رجاسنه سپاه صاحب قرانی درگاه رافت

پناه سلطانی به رفع رقعۀ نیاز یافتند بلی* لکن تختگاه قدیم آل عثمانی قدوم بهجت
 لزوم سایم خانی ایل به مستسعد اولوب وارث افسر و نکیین حضرت تازی چاربالش
 سلطنتده مربع نشین اولد قری خبر بهجت اثری واصل اولماد بچه حرکت جسارت
 موجب خسارت اولمغین وزیر مشتری تدبیر ظاهر شهر بار مغفرت مدار
 طرفندن عساکر نصرت مأثره کاه بعض حصارلری فتح و تسخیر و کاه مسخر تیغ
 ظفر بیکر اولان قلعه لری تعمیر تکلیف و بگونه اشغال اشتغال ایل امر رجوعی
 تعویق و تسویف* ایدوب سلطان سلیم الطبع حضرت تارینک کرد عنبر بیرا شهب
 شبد بر نژاد لری عطر سالی دماغ جان اولق رجاسنه شاه راه انتظار ده دیدۀ امید
 دوچار ایلدی* قرال بر کشته اقبال کوشۀ اختفاده انزوا و زره ایکن اغوای مردم
 شیر بد آموزی سمع رضا ایل اصفا ایدوب سلطان فیروز و وزیر حضرت تازی ایل
 معرکه افروز اولق ایچون ظهور و روزایتدو کی خبری منتشر اولمغین اول فتنه
 اندوز عبرت نما اولق ایچون زرنسقی اوغلیمنک سرشقاوت افسری کمدوبه
 ارسال اولنوب بوقیش بودینده نطع انداز آرام و قرار اولمز مقرر در* اول بهار
 بخسته آنارده وقتکه حاضر اوله سن دیو حکم همایون دخی تخریر اولندی
 بو پیام دهشت انجام قرال خسران ماله باعث اندراس اساس جلادت و اقدام
 اولوب سطر ناموزون افکار فاسده سنه ضرب قلم ابطال ایلدی* و کشور وجود
 شقاوت آلودنه استیلایدن لشکر انبوه حیرت و اندوه سبیلده کرسی ملککنده قرايه
 اقتداری اولوب اول بوم شوم اقصابی قتل و حکومتده وضع بیضۀ آرام ایلدی
 بواننده زیر فرمان قرا لده کفر و ضلال اوزره پیوده گذار عمر ناپاید اراولان
 بل زاده اردن بر سر و آزاده ارشاد استعداد مادر زاد ایل منهج مستقیم دین
 قومه مهتدی اولوب لب تشنه بریه جاهلیت ایکن ماء الحیوة هدایت ابرشدی
 منهل عذب کثیر الزحام انعام سلطانیدن جام امید سرشار اولوب قامت
 استعدادنه مناسب تشریف اطیف منصب اوزانی بیورلی* تمام قصه زمان
 شرف افترا ن سلیم خانیده اولوب وقایع دور سلیمانی سباقنده نقش صقعات
 اوراق اولق مطابق واقع الحال اولمغین بو محله طوطی خامۀ اعجاز طرازه
 رخصت تکلم ویرلیوب ان شاء الله تعالی وقتی کلد کده بلبل نغمه سنج ناطقه سخن
 پرداز اول کلشنده نوا ساز اولوب استماع اید نلر تفصیلنه تحصیل اطلاع اید لر عامه
 مورخین بر خوای ان الله تعالی بیعت علی رأس کل مائة سنه الهذه الامه
 من یجدد لها دینها محمد دین مبین اولق ایچون اول سلطان جشید تمکین

حضرت تهرینک حسن سرای عالمه وضع قدم بیورمالرخی عام فیروزی المبحام
 تسعماائه تعیین ایتمشلدردر کذارش پذیرا ولدینی اوزره سریرشرف مصیر اول
 مظهر تابدات نامتناهی الهی ایله مبتهج ومباهی اولدینی سال فرخنده
 فال ست و عشرین وتسعماائه اولوب بونقدیرجه مدت سلطنتلری قرق سکزیدل
 وعمر عزیزی یتیم درت سنه اولور اول شهنشاہ معارف دستکاد حضرت تهری
 اشغال اشغال حل وعقد امور جهور برله احیانافرصت بولند قبحه پرورده بلجه
 فصاحت فارسی وترکی نیچه درشاهوار اشعارا بداری کشیده رشتنه * نظم *
 ایدوب دیوان بلاغت عنوانرند محبی مخاصنی شعرا اختیار بیورمشلدرد * نظم *
 خطنظم پاکی چنزار جنت * النده قلم چشمه آب کوثر * سلاطینه دیوان اولور
 چونکه لازم * نوله قلمسه ترتیب دیوان و دفتر * پرداخته حکالطبع چالا کلری
 اولوب جید زمانه تقلید بیوردقلری بعض جواهر کران به ایله بوجعوه مطبوعه
 رشل عقودالجمان وغیرت قلاید العقیان قلنقی مناسب کورلدی * نظم * ای از
 نظاره توخجل افتاب صبح * لغات بخنده تمکین برده آب صبح * تابان زجیمبر
 پیر هنت سینه چوسیم * چون روشنی روز سپید از نقاب صبح * دل رافراغ
 میدهد و دیده رافروغ * دیدلد آفتاب و شان و شراب صبح * طراوت سمعت
 در قرغی بام * حلاوت دهنف درشکر غمی بام * شبی حکایت زلفت شنید و شد
 بخود * هنوز از دل مسکین خبر غمی بام * باز آشفته ام از حیرت عنبر بوی * بسته
 شد جان ردلم در کره ابروی * آه ازین دل که شد آلفته زلف سیاهی * داد ازین دیده
 که اموخته شد باروی * قدیاره کیمی خلق سرواقور کیمی الف * جله نل
 مقصودی برام روایت مختلف * زار اولسه دل عجیبی شوقله یاره قرشو * بلبل
 نرم ایلر اول بهاره قرشو * زندل بر مننده ساقی بر عجب نام ابلدم * مسجدک
 قند بلنی میخانه به جام ابلدم * غارت ابتدایا قدی دل ملاکینی برنامهربان *
 کیمه لر آهم شعاعی کورینور کوند زرخان * بومقاله سلطان علین مکان
 حضرت تهری بهتساری سعی و اهتمام معمار طبع سحر آتارلری ایله تاسیس واحکام
 بیوردقلری جوامع و صوامع ودخی بعض مبائی خیرات حسان بیاتنده در
 حسبه الله تعالی و طلبا لمرضاته روزمه ادا یچون اعداد بیوردقلری معظمات
 مبرات جلبله دن بری استانبولده کمال شهرتی تقدید و توصیفدن دغنی اولان
 جامع شریفدر که سنه سبع و خمسن وتسعماائه جمادی الاول سنک یکرری برنجی
 کوئی که یوم مبارک خمیس ایدی استناد علماء روم * ملک الاعراب بندرگاه علوم *

مشکل کشای خاص و عام * شیخ مشایخ الاسلام * ابوالسعود افندی حضرت تبری
 ید مؤید لر پله محراب مستطابنه وضع اساس ایدوب سنه اربعه و ستمین و تسعمائه
 شوال المعظم منل طقوزنجی کونی درجه انعام و سرحد اختتامه واصل اولدی *

* نظم * حبذا جامع میون مبارک آثار * که شد آباد بسی شه فرخنده تبار * تیره در
 صنعت او فکر ت ارباب خرد * خیره در رفعت او دیده اهل انظار * اول جامع فیض
 مجامع پیشگاه محرابنده تمهید مبانی تدریس و تحدیث ایچون بردار الحدیث
 و یسار و عیننده تشیید اساس علم دین ایچون درت مدرسه مؤسسه بنای یوروب
 قرای اهالی شهر و قری و اطعام ارا مل و فقر ایچون تاجخانه و رباط و عمارت بمسوط
 السمات ایجاد یورلدی * اول سلطان عیم البرکات سراسر * الذین یسارعون
 فی الخیرات جامع لامع الذور قرینده مداوات مر ضا ایچون بردار الشفا و تعالیم
 صبیان ایچون بر معل خانه بنای یوروب ابناء سبیل عبور و مر ورده زحمت و زور
 چکه مل ایچون ممالک محروسه نیجه قناطر و جسور احداثه ذهب و فضه دن
 قناطر مقنطره خرج * و دفتر اعمال حسنه لرینه درج * اتیشلدر اول آثار خیردن
 بری فرزند فروزنده اختر لری سلطان سلیم انعام ییور دقیری ییوک چکهجه
 کو پر یسی در که فلک هزار دیده مثلینی کور منوب کوش زمین اکه معادل جسر
 استوار و متین اشتمشدر * شهر * ان اثاره الغربیه عمت * فهی تبقی و تنفذ الایمار *

اقالیم محمیه ده خصوصاً مستقر سیر بر سعادت مصیر قسطنطنیه ده کوشه بکوشه
 بر خوی و من الماء کل شیء حی) سبب امتداد حیات انسانی * و باعث امداد روح
 حیوانی * اولان آب ناب اجرا یوروب اول صدقه جاریه لری یوم النشور و سبله
 نیل شراب طهور اولور پدر بر زر کوار عالی تبار لری مر جوم سلطان سلیم
 حضرت تبری نل روح پر فتوح لرینی ترویج ایچون جامع و عمارت و مدرسه و معل خانه
 و حلیله جلیله لری خاصکی سلطان نامنه عورت بازاری نام مقامه جامع و مدرسه
 و عمارت و دار الشفا و معل خانه و فرزند ارچند لری شهرزاده سلطان محمد رو حیچون
 حاق وسط شهر ده جامع و مدرسه و عمارت و معل خانه وینه فرزند دلبند لری
 سلطان جهانگیر رو حیچون طوبیخانه حوالیسنده بر تل عالی اوزره جامع بنا
 ایدوب دار السلام بغداد ده جنت معاد حضرت امام اعظم و قطب صمدانی شیخ
 عبدالقادر کیلانی و قونییه ده محرم اسرار قیومی مولانا جلال الدین رومی
 ارواح شریفه لری ایچون نیجه بقاع خیر احداث اولمشدر * قیله کاه خاص و عام
 بیت الله الحرامل حرم ارم مثالی اطرافنده بر عالی مناره و درت مدرسه بناسنه

موفق اولوب تاسیس یوردقلری مدارسل برنده خدمت تدریسی مکة
مکرمة ده اجرای زلال احکام شرع سیدالانام ایدن حکامه شرط بیورمشلدر
قدس شریفده حجره مبارکه نل ایچی وطاشی سرنابا گاشی ایله ترین اولنوب
وشام جنت مشامده برجامع وبرمدرسه و عمارت وادرنه قریبده جسر مصطفی نام
قصبه ده برجامع زیبا و عمارت برنعماء واردین وصادرین استراحت و آرام ایتمک
ایچون برعالی کاربان سربان بیوردیلر * خلیفه سعید هارون الرشید هنگام
خلافتمده مکة مکرمة به اجرا بندوکی آب ناب که داعیه تقلبات دهر برقهیر
ایله مجراسی خراب اولغین نیچه یوزیلدن برومتواری غیابة الحب عدم اولوب
حقیقت حاله انجق بعض رسوم واطلالندن استدلال اولنورایدی * فرمان متحم
الازمان سلیمان اوزره سنه ثلثین وتسعمائه ده تعمیر مجرا * وینه کعبه معظمه به
اجرا * اولنوب اول وادی غیردی زرع غمونه نمای حدائق ذات بجه اولدی * مسخر
نبح ظفر پیکر لری اولان مدن و قلاعده حکم جهات غطا علری ایله اختراع اولسان
آحاد خیرات خارج نصاب عشرات و مآت اولوب ممالک اسلامیه ده برکوشه
یوقدر که انده اثر خیر لری اولمه * نظم * آلدی هزار بتکده هی مسجد ایلدی * ناقوس
برلنده اوقتدی اذان لری * آخر چالندی کوس رحیل اتدی ارتحال * اول قولونانی
اولدی جنان بستان لری * چونکه اول شهر یارعالی بنار حضر تلی بنل مجموعه
ذات ستوده صفات لری حاوی اولدیغی ماثرو آثار بونکم مایه بی اعتبار لربنان قلم
پریشان رفی ایله پیرایه بخش صکیفه تقریب و تحویر اولتی دکل اوراق دورنل
لیل ونهاره دخی کنجایش پذیرا و لماق دائره سندن بیروندر * نظم * چه کویم آزان
خسر و کار او که بیش از شمارست آثار او * لاجرم شاهباز نیز پرواز خامه بلاغت
پرداز اول هوا ده زیاده بسط جناح ایتمیوب بو محله آشیانسا اولدی * شعر *
ان یبلغ الواصف المطری خصایصه * وان یکن بالغاً فی کل ما وصفنا * بو مقاله
صدف لجه سلطنتده پرورش یافته اولان درر شاهوار لرشته وجوده کیفیت
انتظامی بیاننده در * اول گروه پرشکوه ده اول خیمه زن صحرای دلارای شهود
اولان شهزاده با صفا سلطان مصطفی در که سنه احدی و عشرين وتسعمائه ده
پیرایه بخش کهواره وجود اولوب سنه ستین وتسعمائه ده بر موجب حکم تقدیر
ممتنع التغیر سبانی هدف ناولقهر سلطانی اولدی ایکنجی شهزاده امجد سلطان
محمد در که سنه ثمان و عشرين وتسعمائه ده فخل خوش روش قامت ممتازی
صحن سمرای عالمده جلوه عز و ناز کو ستروب سنه خستین وتسعمائه ده اول نهال باغ

اقبال صدمه ریح عاصف مرثیایه سایه سرو کبی نقش صفحه خال اولدی
 اوچنچی وارث تخت سلجانی سلطان سلیم ثانی حضرت تلیدر که بدرقه طالع مسعود
 و اقبال موعود برله سنه ثلثین و تسعمائه رجب الحرامنک یکریمی آلتنجی کوفی
 خورشید جهان افروز کبی مطامع انوار سلطنتدن طلوع و پروزایدوب بر توانداز
 ساهره غبر اولدی * دردنچی شهرزاده شهید سلطان بایزید در که سنه اربعه و ثلثین
 و تسعمائه ده شبستان عدمدن کزاز عالمه وضع قدم ایدوب سنه تسع و ستین
 و تسعمائه ده بدرقه سیف حیف طهماسب برله عازم سیر سرباستان جنان
 اولدی * بشنچی شهرزاده بی نظیر سلطان جهانگیر در که سنه سبع و ثلثین
 و تسعمائه ده اول بلبل خوش الحان باغ سلطنت و اقبال دوحه وجود اوزره
 نغمه سنج اولوب سنه ستین و تسعمائه ده مرغ روحی شاخسار روضه رضوانده
 ملائکه اولی اجنحه برله هم آشیان اولدی * بونلاردن ماعداسلطان مراد
 و سلطان محمود و سلطان عبدالله نام اوج شهرزاده دخی مهمانخانه دنیایه نزول
 ایدوب لیکن سرحد بلوغه وصولدن مقدم لاحق ره روان عدم اولدیلر *
 بومقاله بر تو خورشید عنایت بی غایت سلطانی برله ستاره بختلری طعنه زن
 مهر آسمانی اولوب سلم صدیایه همت همتاری ایله صدر صدارت عظمایه
 ارتقا ایدن خدام عالی مقاملری بیانده در * شهریار مغفرت مدار حضرت تلی *
 فضل سبحانی ایله سریر آرای ملکیت آل عثمانی اولد قلرنده مسند صدارت عظماده
 پیری پاشا فرمان روا ایدی * سنه تسعه و عشرين و تسعمائه ده افساد حساد بد نهاد
 ایله بعد العزل کش مکش تفتیشه مبتلا اولوب اول وزیر نکو کیش خیر اندیشک
 دفترا عیالنده وضع انکشت اعتراض اولنجق ماده بولیمغین تعیین خواص
 تقاعد ایله نوعا تطیب بیورلدی * سنه تسعه و ثلثینده منصب حیادتدن دخی
 منقصل اولوب کنج رجت رحمانیده عزت کزین اولدی * شعر * لکل ولایه
 لا بد عزل * و شان الدهر عده دم حل * خلعت والای کران بهای و کالت کبری
 طراز فرماندهی ابالت روم ایلی ایله مطرزا اولوب ایچ طوغانچی باشی اولان
 ابراهیم اغایه عنایت بیورلدی * شعر * الدهر دولاب یدور فیه السرو مع
 الشرو * بینا الفتی فوق السماء و اذابه تحت العنور * خواستجه اتنی و اربعین
 و تسعمائه ده اول بدمست صهبای اقبال ده روزه ساغر تیغ زهر ابدار دن جرعه
 فنا فوش ایدوب نشو و ریحیق وزارت عظمی نصیب ایام پاشا اولدی * عام اربع
 و اربعینده اول دخی ریاضتخانه دنیادن رخت اقامت فالدروب عزم طربسرای

عقباید بچون لطیفی باشا مکین مسند وزارت عظمی اولوب سنه سبعة واربعمینده
اول معزول * و منصب محلوله فاتح بن خادم سلیمان پاشا موصول * اولدی
سال احدی و خستینده مهر سلیمانی توفیق یزدانی ایله پیرایه بخش صدر
وسم پاشا اولوب شه نشاه سعادت دستگاه حضرت تلیزلن دختر سدر اختر لری
مهر و ماه سلطانی دخی اکا ارزانی بیوردیلر * سنه ستین و تسعمائه ده صداع عزله
مبتلا اولوب اول درد سر فاتح طممشوار احمد پاشایه میسر اولدی * سنه اثنی و ستین
و تسعمائه ده بی ایجاب موجب احمد پاشا دخی پنجه سیاسته گرفتار اولوب تکرار
رستم پاشا صدر عالی قدر وزارتیه اعتلا بلدی * شعر * علی انہا الایام شتی
صروفها * تذلل عزیرا و تعز ذلیلا * سنه ثمان و ستین و تسعمائه ده دست اجل
رستم پاشایه کریبان کیر طول امل اولوب سمن علی پاشا اکا بدل اولدی * سنه اثنین
و سبعین و تسعمائه ده اول دخی مسافر خانه دنیای بی بقادن محمل بند عزیمت
اولوب تنهار و بادیه هول انکیر فنا اولجیق تاج خورشید رواج وزارت ایله وزیر
جلیل محمد پاشای طویل سربلند اولدی * سلطان غازی حضرت تلی ترلماک
مجازی ایدوب عازم تسخیر اقلیم بقا اولد قلی * اول وزیر بنجسته تدبیرک زمان
وزارتنده اولدیغی گذارش پذیر اولمشدر * شعر * سجان من لم یزل علیا * ایس له
فی العلوانی * قضی علی عباده المنايا * فکل شیء سواه فانی * بومقاله فیض سر
چشمه افصال آل عثمانی ایله درخت بختلری نوباه بخش تیسرامانی اولوب
هنکام سلطنت سلیمان خائیده نازل راتبه رحمت رحمانی اولان علماء فضایل انتمادن
بعضری بیاننده درکه تبرک اول فضل کرامت ذکر مناقبی ایله بوجوه مطبوعه
مسکی الختام قلندی * منهم * العالم الفاضل واسطة عقد الافاضل مولانا خیر
الدین نخل قامت موزونی خاک قسطنطنییدن سرزده اولمشدر * ارشاد بخت
خداداد برله طریق اکتساب فضایل و علومی پیش نهاد ایدوب تحصیل کمال
استعداد دد نص کره مولانا بر مکی مصحف الدیندن ملازم اولدی * مرات ذات ملک
الصفائی مجلای صور علوم و معارف اولمغین اول مر دعارف سلطان سلیمان
مکان حضرت تلیزلن خواجه لکری پایه رفیع الشافی ایله تحصیل سربلندی *
وکامرانی ایدوب درگاه فضایل دستگاهی من دحم جباه ارباب انبال و جاه اولدی *
مع ذلك تواضع و مسکنت دایره سندن طشره وضع قدم ایتمیوب مدد العمر عجب
و تکبر مسکنه سالک اولمشدر * شعر * حمدا السجایا کلها ازاد رفعة * تواضع
حتی قیل ما ذا التواضع * اعز آملی بر مستحقه نفع ایصالی اولوب راه نمایی نظر کیما

الزری ایله ارباب استعداد سر منزل مراد ایرشملردر * خواجه ملازمیننه ابتداء
 یگریمی بش اچمه مدرسه ویرلن انلارک نتیجه همت بهم جناسیدر سنه خمین
 وده همت ده حضرت ابی ایوب انصاری من ارامع الانواری جوارنده گوشه کبر
 لحد اولدی * ومنهم * العالم العلامه والفاضل الفهامه علاء الدین علی بن احمد بن
 محمد الجمالی مولانا ی مرقوم کزیده موالی روم منلاخسر و حضرت تریبنک نخل
 برومند فضا یل افاضل پسندندن اقتطاف ثمار علوم ایدوب تارو بود قماش
 استعدادی اول معلم دستکاه معارفک دست همتی ایله تافته * و بوماه اوج کمال
 اول مهر سپهر فضل و افضال دین تربیت یافته * اولمشدر قامت با استقامت لری
 خلعت کران بهای فضیلت ایله ذیب وزینت بولیجی سلطانیه بروسه ده مباحث
 خدمت تدریس اولان مولانا مصلح الدین ککند و کریمه سنی انلاره تزویج *
 و خدمت اعاده دن ملازم ایتمک ایله طریق علمی تزویج * ایدوب بعده یومی اوز اچمه
 وظیفه ایله ادرنه ده حجره مدرسی اولدیله * تقدیر سبحانی ایله محمد پاشای قرمانی
 مسند وزارت اعتلا ایدیلجک اول عصر وزیر اسندن منان پاشا ایله مولانا ی
 منور بدینلرنده اولان محبت و وفاق * وزیرین میاتنده اولان عدوت و شقاق *
 مدرسه سنی تبدیل و وظیفه یی تقلیل سبب اولوب یومی یگریمی بش اچمه ایله بر آخر
 مدرسه یه بعده یگریمی ایله مدرسه اخرا یه تبدیل ایدوب زعم فاسد فحجه اهانت
 و تذلیل ایلدی * لاجرم اول ذوفنون عالم بحکم بشریت ترک میر اسم حبه
 و دستار * و شیخ و فزاده مصطفی چلبی حضرت تری آستانه سنده خرقه و کلاه
 اختیار * ایدوب گوشه استغنیایه چکیدی تا که ابوالفتح و المغازی سلطان
 محمد خان غازی ترک ملاک مجازی ایدوب خاقان سعید سلطان بایزید مسند زرکش
 متکای سلطنته جلوس ایلدی * بر کیمه زینت سرای عالم رویاده مولانا ی مرقوم
 تمنای بصیر بصیرت سلطانی به عرض اولنوب بوضو و تک صاحبی مولانا علاء
 الدین علی الجمالی منظور نظر عالی اولتی لازم دردیواشارت اولنغین قه نشاه دل
 آگاه حضرت تری خوابدن بیدار اولیجی اول اعلیٰ مسماسنی تحقیق قدن صکره
 جله و زبانی مولانا ی منور حجره درویشانه سنه ارسال ایدوب سرای سرور
 افزایه بشریف قدوملرنی استعداد یوردیلر رغبت ترک دنیا و اختیار از و اسعاف
 ملتسمه مانع اولوب نهایت یومی اوز اچمه وظیفه ایله اما سیته ده مباحث خدمت
 اقتا و لطفه صورت رضا کوس تردیلر عده بحکم اقتضای رضا مرادیه بروسه و ازینق
 و سلطانیه بروسه ده اولی سرخوان فضل و عرفان بذل نوال علم و کمال ایدوب

اما سینه مدرسه جدید بایزیده قرین اتمام اولاد قدم اول ذات ملکی الصفاته
توجیه بیوریلوب بعد زمان مدارس ثماندن برینه نقل ایله ترفیع شان اولندی *
صورت امتثال فرمان (واتموا الحج والعمرة لله) مرآت دل آگاهلرینه منعکس
اولغین اسقاط فریضه حج ایچون سنه ثمان ونسعمائه ده مبان جانہ احرام بند
عزیمت اولوب مطیع توجیهی وجهه ام القرایه توجیه ایلمدی * اول سنه شیخ
الاسلام مولانا حمید الدین بن افضل الدین عازم دارالسلام اولوب صدر عالی
قدر افتا فرمان فرمادن خالی اولیچق یومی یوزانچه وظیفه ایله مولانای مرقوم
جناب لرینه نامزد اولوب قدوم شرف لزوم لری مایه بهجت دیار روم اولنجه سخن
مدرس لری اول فاضل عظیم المدانی به نائب مناب اولوق باینده فرمان متحکم
الاذعان سلطان شرف صدور بولدی * دارالسلطنة السنیة قسطنطنیه محیه ده
مشیخت اسلامیه مسند نده مرید نشین اولان علماء دین جناب لرینه شرط تعیین
اولنان مدرسه شریفة بایزیده حلیه اتمام ایله زینت وزینت تام بوللیچق یومی
اللی ایچله وظیفه ایله ابتدا اول عالم ربانی به ارزانی بیوریلوب هنگام سلطنت
سلیمان خانیده وظیفه لرینه اللی ایچله دخی ترقی اولندی * مختارات المسائل نام
کتاب اول تحریر فضایل انتسابل رثحه قلم ستوده رفیق رالحق مولانای
مرقوم طرفی فتوی و تقوایی جامع * وامورد نیویه ده شیء بسیرایله قانع * اولوب
مرآت دل بی غلاری زینل تکلف و تصافدن عاری * وهر امرده منهج مستقیم
شرع قویم اوزره جاری ایدی * وضع و شریقی توقیرده تسویه * و عرض حاجت
ایدن لری بای طریق کان تطیب و تسلیه * ایدوب حتی مستغنیلر خار خار انتظار ایله
آزده اولمسورلردیو کتابخانه لری روزنه سندن ادلاء زنبیل ایتمش لرایدی مستغنیلر
صورت فتوایی اول زنبیلد انقا ایدوب زنجیر عدل آساقحر یلک ایند کارنده بالذات
ید مؤید لری ایله زنبیلی چکوب فی الحال جواب باصواب ترقیم * و بی مزید
واجب نیند زنبیل و ساطتیلده صاحب نه تسلیم * ایدر لرایدی * مطرح اشعه خورشید
تجلیات آلمیه اولان نه هتسرای دل بی غلاری لمعات آفتاب فیض اقدس دن
مستفیض اولوب خانه قلب پاک لری انوار مشاهدات برله تابانک اولغین اول
عارف معارف ربانیه و نهظهر جذبات رحمانیه حنجر تلرینک همواره کلشن امید
ورج لرینه قبول قبول رزان اولوب همیشه کمان نیازدن کشاد بولان سهم صائب
دعاری هدف اجابته اصابت ایدر لرایدی * مرویدر که معاصر زندن حمیدی مولانا
فرسیدی تقاضای نفس بدایله مولانای مرقومه حسد ایدوب دستیاری همت

مشاطی کُلّ محارری ایله زینت یافته اولان بر قاج صور قنای شرعی بی
 قصور فهم و نقصان شعور دن خال اسناد فساد ایله داغدار ایدوب دیوان
 سهر ایوانه ارسال ایلدی * قره سیدین بو گونه وضع نامناسب صدوری
 مولانای مزبور له معلومی و ایچق میراب چشمندن قطرات تیراب غیرت بران
 ایدوب معتبرات کتب فقهیه دن تعجج نقول ایلله اول صور نلردن حجاب
 احتجابی رفع ایتد کدنصکره اکبر اولاد اجمادی مولانا محمد شاهه خطاب ایدوب
 بلطفه تعالی * حج مبرور میسر اولد قده روی امید مزملی ابواب مکاشفات کشاده *
 اولوب جذبات رحمانیه ایلله انس حاصل اولمشدر * سر چشمه خاطر مزنی خسر
 و خارستم و از ارایله تغییر ایدنلر جام زند کائیدن آب ناب تمتع نوش ایدنلر حال
 شیشه عر ضمری سنک غرض ایلله کسره ساعی اولان قره سیدینک
 مجازات سوء صنیعنی حضرت جبار منتقمه حواله ایلدم دیو یوردیلر * او چنجی
 کونده آتاران کسار خاطر لری ظواهر اولوب قره سیدی بجاء فوت
 اولدی * سلطان سلیم خان علین مکان حضرت تریینک ایام سلطنت قاهره زنده
 تهور و غضب استیلا سیله خلاف فرموده رب بعض امور ظهور ایتک احتمال
 اولدجه مولانای مزبور نهی منکر قصدیله الماس سر تیر زبانه آب و تاب
 نکلم و ربوب اول شهریار چم جنباه تلخاب قهر و عتاب اشراب ایدر لرایدی
 اما چونکه اول شاهباز همایون و اواج تقوی و دیانت هر کز جبهه
 دنیایه سایه انداز اولوبوب دامن عهقی آلایش اغراض فاسیده دن پاک
 ایتدو کی مرآت تابانک بال صفامال سلطانی به منعکس ایدی * آینه تاملر زنده
 صورت رنجش و تغییر مشاهده و لثیموب بلکه باعث ترقی و از یاد راتبه انعام لری
 اولور ایدی * پیرایه بخش صفحات شقایق نعمانیه اولان واقعه مطابق بعض
 احوال نجسته مالی مدعا به کواه صادق در حق بر دفعه متصرف اولدقلری *
 منصب جلیل الشان قنویه قاضی عسکر لک رتبه و الاسنی دخی ضم و الحاق
 بیوروب استحقاق لری اوزر رعایت و اکرام امرنده اهتمام بیوردیلر * لکن علی الذات
 معنی جناب صدر صدارته اعتلادن اجتناب ایدوب مذت العمر بندن لفظ
 حکمت صادر اولمق اوزر بیینی و بین الله بر عهد سبق ایتمدر حاشا که رخساره
 نامه اعمالی کردنقض عهد ایلله آلوده ایلیم دیوب قبولدن صورت استغنا
 کوسزدی * نتیجه کلام نیچه مدتدن برومادرایامدن انلاره معادل بر وجود قبولد
 ایدوب پیرایه بخش کهواره شهود اولد یغنی مشهود دیده انام اولمشدر * مصراع *

ان الزمان لله الخليل * سنه اثنين وثلاثين وثلثمائة دهر روح برفتو حاری مقعد
 صدقه خرام ایدوب جسد مطهر لری زیر کجامعی قربنده اولان معلم خانه خطیر
 سنه دقین زیر زمین اولدی * ومنهم * العالم الخیر بر صاحب التقریر و الخیر بر شمس
 الدین احمد بن سلیمان بن کمال الوزير جدا مجد لری کمال پاشا امر اید دولت عثمانیه
 دن اولمغین مولانا ی مرقوم دخی تحصیل مبانئ علوم دن صکوه مضیق طریق
 امارته سلوک ایش ایکن راهنمائی توفیق الهی ایله جاده مستقیم اکساب
 علوم عالییه وضع قدم همت ایدوب آرمند تده فضلی شرف فزای فضیلتیه
 واصل اولدی * مریدر که مولانا ی مزبور زمان امارت تده سلطان بایزید
 حضر تلی ایله بر سفر ظفر اثره عزیمت ایدوب اثناء طریقده بر کون وزیر اعظم
 ابراهیم پاشا حیمه سنه واردیلر * ناکاه لباس درویشانیه ایله بر منلا داخل حلقه
 مجلس اولوب اول عصر کجامی اسندن کمال حشمت واقید ایله اشتیاق بولان
 اورفوس زاده احمد بکه بی تکلف تصدیق ایدوب * تعجب کتان حضار مجلسدن
 برینه بومعمانک طریق فتحی سوال ایدوب اول کسسه بومنلا یوی اوتوزاچه
 ایله قلبه ده شهاب الدین پاشا مدرسی مولانا لطیفی در * مظهر تشریف همایون
 (هل يستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون) اولان علماء فضایل اتقان
 مناشیر توفیر و اعزازی طراز یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات
 ایله مطر زاولمغین اول گروه بر شکوه هر رده معزز در درجک بوجواهر معنی
 مولانا یه سحیح دست اندیشه اولدی که منہج امارت تده نه د کاو صرف نقدینه همت
 اولنسه * اورفوس زاده احمد بک رتبه سنه یل محالدر * اما طریق سعادت رفیق
 علمه عزیمت اولنسه منلا لطیفی درجه سنه ابر شمل احتمالدر * لاجرم بر فزای
 (ان الله یحب معالی الهمم) تکرار طریق تحصیل علومه عزمه جزم ایدوب اول
 سفر دن عود میسر اولد قد قبله غمائی خاطر ی منلا لطیفی آستانه سنه طوغر لدی
 اول تاریخده منلا لطیفی یوی قرقاچه وظیفه ایله ادرنه ده دار الحدیث مدرسه
 بینده علم افراز تدریس و تحدیث اولش لرایدی * فتمیلہ استعداد خدادادی
 اول شمع بزم آرای فضل و کمال دن اشغال ایتمک ایچون طلاب انجم حساب لری
 قطار تده شمار اولوب نیجه مدت مشکوۃ الانوار افاده لرن دن اقتباس علم و عرفان
 ایتمکین فنون عالییه الشئونه مومی وارید بیضا اظهار ایدوب جمیع علوم سامیه
 الرسومده مانند تشخیص تعین بولدی * ادرنه ده طاشلق واسکوبده * اسحق پاشا
 و منه ادرنه حلیه و اوج شرفه لی و یمن و بایزیدیه ادرنه مدارس بنده فراید

عیمة الغواید فضل و عرفان ایله توشیح کردن و کوش عالم و عالمیان ایند کلرند نصکره
 مسند آرای قضای ادرنه اولوب بعده صدر صدارت اناطولی اول ذات سعادت
 سمائه انتساب ایله شرف اکتساب ایلدی * سلطان سلیم سپهر استان حضرت تری
 عنایت رب ایله تسخیر دیار عربدن اماله بنجام ققول بیورد قلرند نصکره مولای
 من یورجقنده دروغ بی فروغ ارباب غرضه توجیه سمع قبول بیوروب بعد العزل
 اول سلطان ممالک علم و فضلی تغنیش ایله آزرده و دلریش ایندی لیر * دفتر محاسبه
 اعماله نظر اولوب جمع و تفریق افعال اولند قدقه فذلک کلام برات ذمترینه
 حکم اوزره اختتام بولجیق شهریار بلند اقتدار حضرت تری مرهم شفا ساز
 احسان لری ایله جبر خاطر قصد ایدوب بحالة الوقت یومی یوزانجه وظیفه ایله
 ادرنه ده دار الحدیث بعده سلطان بایزید مدرسه سنی توجیه بیورد لیر * سنه
 اثنتین و ثلاثین و تسعمائه ده شیخ الاسلام مفتی الانام مولانا علاء الدین علی
 الجمالی حضرت تری حظایر قدسه ارتحال بیورد قلرند قلم فتوی مسلم دست
 استحقاق لری اولوب زلال جواب باصواب لرندن انسدن ماعد اطایفه جن دخی
 مستغنی اولمچین صفحه روز کارده مفتی الثقلین عنوانیله شهرت شعار اولدی لیر
 حقا که مولای مر قوم بحر فضایل و لجنة علوم اولوب نقد عمر عزیزی کسب
 لطیف تالیفه صارف اولتی ایله فنون عریده ده آثار اقام غنیر فاملری اولان
 مؤلفات جلیله ایله کتب خانه لوط و لشدیر * شعر * جوی کل فن فیه بغاب اهل *
 کصاحب فن بقلب المتقنا * رشته کش تالیف اولدقلری درنضید تفسیر کلام
 مجید که احترام سنیه اول امنیه بی واصل بر منزل اتمام اولقدن عایق اولشدیر
 اول مرد فایق سلطان عظیم الشان کشور فضل و عرفان ایند کارینه قوی
 برهان در * علم اصولده تعمیر و تمجیع و فقهده اصلاح و ابضاح و کلامده تجوید
 التجرید نام کتب اطیفه و فرائضده متن و شرح بر کتاب رقم زده کال بدایع نکار لری
 اولوب تفسیر کشافه و اوایل هدایه به وسید شریف شرح مفتاحه و تلویحه
 و تمافته زیاده تجر و تفنن دن ناشی مقبول حقول حواشی تعلیق بیورمشلدیر
 جمال الدین مغربینل فن تاریخده نجوم زاهره نام کتابی و رجوع الشیخالی صباه
 نام کتابی و روبان لباس ایله جلوه ساز اطباق اوراق ایدوب فارسیده نکارستان
 و حقایق الدقایق نام کتابلر دخی رشاشه خامه کوه رنار لیردر * رخس چالال
 قریحه با کربنه یوزدن زیاده رساله ده رخصت جولان بیوروب هر بنده عرصه
 دانشوری چابک سوار لینه صنوف هنر کوستر مشلدیر * اول سلطان ملک معنی

احیاناً جلوه ساز و روضه الصغای مخمّله لری اولان عرایس التفایس افکاره نساج
 قلم مجز رقلمی صورت نظم و ترتیب و بر دو کی حریر تحریر الباس ایدوب آرایش بیت
 الشرف * دیوان بلاغت عنوان لری ایدر لر ایدی * ایام فراغ و هنگام کاکشت
 باغ و راغده کیمت خامه سحر آثار لرینه وادی انشاده رخصت رفتار و یروب
 تواریخ سلاطین آل عثمانی سلامت الفاظ و دقت معانی ایله ثبت جریده ضبط
 ایشلردر سنه اربعین و تسعمائه ده ماه سربع السیر عمر عزیز لری گرفتار عقده
 محاق اولوب خارج قسطنطنیه ده امیر بخاری زاویه سی قبر بنده متواری حجاب
 تراب اولدیلر * مصرع * قبر احمد مدام اوله بر نور * و منهم * العلامة العلی الشان
 والفهامه الجلی البرهان سعد الله بن عیسی بن امیر خان اول کوهر تابدار کاف
 و اول در شاه وارک عثمانی دیار قسطنطنیه نیندر تمیز کاسد و نمیند نصکره خواجکیان
 بندر کاه معارف و علوم دن تحصیل دستمایه منطوق و مفهوم ایدوب حسب العاده
 مولانا محمد صامسو نیدن بطریق الاعاده ملازم اولدقلرنند نصکره ابراهیم رواس
 و جبریه * ادرنه و محمود پاشا و سلطانیته بروسه و صحن مدرسه لرنده مستشفان
 رواج فوایع علوم عالییه بجمعه کردان افاده اولوب * بعده اون بر سنه قضاء
 استانبولده اجرای زلال احکام شریعت حضرت سید الانام ایشلردر * بعد تخلل
 العزل یومی یوزاتقه و وظیفه ایله تکرار صحن مدرسه سی اختیار یوروب سنه
 اربعین و تسعمائه ده کمال پاشا زاده افندی حضرت لرینه عین السکال روز کار
 اصابت ایتکین مولانای مزبور حیمه زن صحرای فسج الار جای افتا اولوب
 کوس اشتهار لری و لوله انداز قبه سپهر دوار اولدی * شعر * اذامضی احدی بتلوله
 احدی * و هکذا کان حکم اللہ یطرد * الدهر بسط یوما ثم ینقبض * والا مری نخل
 یوما ثم ینعقد * اول قاضی محکمه اتقان و تدقیق تفسیر بیضاوی به نکت لطیفه فی
 حوای حوائی تعلیق ایدوب موارد اشکالده کلک عنبر بیز لری ایله مشل ریز
 صفحه بیضای تحقیق اولمشلرد و هدایه و عنایه نل اکثر مواضعنده بنان خامه اعجاز
 طراز برله عقده کشای نکت و معانی اولوب بعض عوایق تنقیح و ترتیب دن عائق
 اولمغین خدمت جمع و تلفیق ایله صهر مکرملری قاضی عسکر عبدالرحمن افندی
 شرف اختصاص بولمشلدر * احیاناً آزمایش طبع چالا کلری ایچون رخس براعه
 سبل عنان لرین جولانکر میدان نظم ایدوب مضمار فصاحت کستریده حائر نصب
 السبق معانی پروری اولور لر ایدی * سنه خمس و اربعین و تسعمائه ده دغدغه
 مشاغل لاطایل دیادن رها بولوب ابوالفتح جامعی قبر بنده بنا یوردر قلمی

دارالقر احرمنده غنوده پستراحت اولديلر * تاريخ بقاءه بجدي سعدالدين
ثاني * ومنهم غرارباب التدقيق والافاده مولانا شيخ محمد المشتهر بجوى زاده
مسقط الرأسى ولايت منتشادر * اول مهر سپهر فضل وافضالك هلال ماهبقي
شموس مطالع علم وعرفان دن استغاضه انوار فضائل ايتلك ايله درجه كماله
ايرشد كدنصكره بين الموالى اتمام مر اسم حركت ايدوب مولانا قهره بالدين ملازم
اولشدر * ادرنه ده بكار بكي وروسه ده ولى الدين زاده وينه بروسه ده قهراده
وچورليده * احمد پاشا ومحمود پاشا و اوج شرفه لى وصحن مدرسه لر نه بسط سماط
افاده ايدوب بعده قضاء قاهره بذل نوال عدل وداد ايلدى * بر قاج سنه مصر ده
مجمعه يضاى شريعت غراي پيش نهاد ايتدكلر ندنصكره فيضان زلال افضال
شهنشاه مكارم دستكاه ايله نهال آمالى مر سبز ومخضر اولوب اناطولى قاضى عسكر
لكيله مبشر اولديلر * سنه خمس واربعين وتسعمائه ده صدرعالى قدراقتا اول
ذات فضائل سمات ايله پرزيب وبها اولوب بعد مدت آرزوى حج بيت الله الحرام
وزيارت روضه رضىه حضرت سيد الانام عليه السلام ايدوب يوحى ايكي يوزاچه
وظيفه ايله تقاعده رضا اقتضا ايلدى * سنه اثنتين وخسين وتسعمائه ده باغ
فضائل مروسه بلندي ابوالسعود اقمندى حلال مشكلات مسائل وحاجت
رواى هر سائل اولد قلنده متصرف اولد قلرى * صدارت روم ايلي مولاناى
مر قومه عنايت اولندي * اول جناب فضائل انقصاب دقايق فن تفسير وحديثه
واقف * و مر اباى علم اصول وفقهه عارف * اولوب مر آت قلب پاكي مصقله سعى
وكوشش ايله تابناك اولمغين صور علوم مشاميه الرسوم انده جلوه كراولمش ايدى
خفاى صدق احتواى (من تواضع رفعه الله) محفوظ كچيمنه دل آگاهلى اولمغين
خار بخوت وتجبير دامن كير * و مر چشمه خاطر عاطرى كرد غرور و تكبر ايله آلايش
پذير * اوليوب كمال مساعده اسباب اقبال ايله آفتاب مثال الحق كوكلوايديلر
* نظم * تواضع هر كه دارد سرفراز است * بروى اودراقبال باز است * مع ذلك
امر معروف ونهى منكرايتم كده يانلرنده شاه وكدا بر ابر اولوب قول حقه لوم
لائم مر چشمه همتلرني تكدير ايترايدى * سنه اربع وخسين وتسعمائه ده عازم
سير مر اباستان جنان اولدى * تاريخ * مشهدن فردوس اعلى ايله حى بيز وال *
ومنهم * زين اصحاب العز والسعاده المولى الفاضل محى الدين محمد بن على بن
يوسف بالى بن المولى العالم شمس الدين الفنارى الشهير بفنارى زاده نهال وجود
شرف محمودى زلال تربيت والد ماجدى ايله بالا كشيده اولوب بازار روزكارده

اكتساب سرمایه فضل و کمال ایند کلرند نصکره مولانا خطیب زاده ملازمینی
 رأس المال عز و اقبال ایلدی * اول خانوادۀ عظیم الشانی توقیر و اکرام شیخۀ قدیمه
 ال عثمانی اولغین محمد دوم مرقوم دخی ابتداء علی پاشای عتیق بعده سلاطینیه بروسه
 و محسن مدرسه لرنده متعظشان زلال علم و عرفانه اجرای بنایح تحقیق و اتقان
 ایدوب قضای ادرنه و استانبولده احکام مبائی احکام شرع رسول ایند کدنصکره
 صدر رفیع القدر اناطولی و روم ایللی اون بش سنه اول فرمان فرمای کشور
 قضیه اند قلم و حکومت اولوب تخیل عزله مسند باهر الشرف فتواده قادری
 افندی به خلف اولدیلم * طرفی فتوی و تقوی شرفی احراز ایدوب انقای منصب
 بی بقای دنیا ایچون بر فرده صورت مدار کوستر ممکن هنگام صدارتنده
 وزیر اشهره عدل و انصافدن کریوه جور و اعتسافه عدول ایتمیوب جمله اموره
 علامه زمان معتدل کویلمی آغز نه بقدر لایلی * اول ذات مکارم سمات بیت
 الشرف صلاح و عفته ناشی اولغین ایام حکومتده حقوق عباددن زیاده
 محتاشی اولوب معاملاتده احتیاطی حد و سوسه به واصل اولمش ایلدی *
 صدر الشریعه و هدایه و شرح مفتاحه بعض تعلیق لری اولوب جمله سی قرین
 ستایش و تحسیندر * میل جانب انزوا موجب ترک مشاغل فتوی اولوب یومی
 ایکی یوز اچقه و نظیفه ایلله تقاعدنصکره سنه اربعه و خستین و تسعمائده جانب
 اقلیم عدمه تحریک طویغ و علم ایدوب حضرت ابی ایوب انصاری منار مغفرت
 مداری جوارنده ضرب خیمه آرام و قرار ایلدی * و منهم * المولی الفاضل
 خیر الاما جد و الا فاضل عبدالقادر الشهبزیه قادری تحصیل علومه شروع ایدوب
 تکمیل اصول و فروعدنصکره سلطانیه بروسه * مدرسی اولان مولانا رکن
 الدیندن ملازم اولوب بعده الحاج حسن زاده و دادود پاشا و سلاطینیه و محسن
 مدرسه لرنده ارباب استفادیه افادۀ علوم و معارف و اداره کؤس نکت و لطایف
 ایلدی * بروسه و استانبولده ریاض شریعت رشحات صحاب مهملتلی * ایلله
 بر طراوت اولد قدنصکره اون درت سنه صدر صدارت اناطولیده فرمان فرما *
 و تخیل عزله نائل رتبه و الای افتا * اولوب بعد مدۀ اختلال من اجلریته تعیین
 و نظیفه تقاعد ایلله صلاح اولندی * بروسه هوا سیه امتزاجری اولغین اول
 مرد فایق استانبولدن بالکلیه قطع رشتۀ علایق ایدوب سنه تسع و خستین
 و تسعمائده برازخ ناسوتیبه دن موافق لاهوتیه به ارتحال ایدنجه بروسه ده
 معتمکف کوشه فراغ اولدی * مولانا ی منور فرط سخا و کرم و حسن شیم ایلله

مشهور اولوب انوار آفتاب تربیت وجودی ايله نجه زربتی وجود کسهای
 طالعی زهره تاب * اولمشدر ترغه واحتشامه میل تاماری اولغین امور خارجه
 لرنده ملوکانه نظم وترتیب اولوب دارالسعاده لری کمال زینت وزیب وبری وشان
 ملائک قریب ايله غیرت زهنتسرای خلد برین ایدی * آثار اقلام مشکفاماری
 اولان رسایل وتعلیقاتی صفحه بیضای تبیضه جقرمغه سوء مزاج مانع
 اولغین اول اینکار افکار پس پرده مسوده مظهر قوارت بالجاب اولمشدر بروسه ده
 بر مدرسه و بر مسجد بنا ایدوب حرم مسجدده مظهره نشین زیر زمین اولدیله
 ومنهم ذخر العلماء العالمین المولی الفاضل نورالدین مولانای مرقوم علماء روم
 میائنده صار و کرز عنوانیله اشتهار یافته اولمشدر * تحصیل معارف و علومه ساعی *
 و شرایط استغاده فی مرای * اولوب اسعاد استعداد مادر زاد ايله مرایای دل
 بی غلر لرنده صور مرایای فضل باهر جلوه کرو ظاهر اولدقد نص کره مولانا سانان
 باشادن ملازم اولوب بعض مدارسده و یلدرم خان واسحاقیه اسکوب و دار
 الحدیث ادرنه و سخن مدرسه لرنده تأسیس بنیان رفیع الشان تدریس ایلدی *
 اول چاپکسوار میدان علم و فضل تخیل عزل ايله فضای قضاء استانبولده کوی
 معیاتی ربوده شکن صولجان همت ایدوب بعده اناطولی و روم ایلی صدارت لرنده
 متصدی خدمت حکومت اولدیله * یومی یوزیکرمی ایچه وظیفه ايله تکرار سخن
 مدرسی وینه استانبول قاضیسی اولوب بعد الا نفصال سنه سبع و عشرين
 وتسعمائده خطایر قدسه ارتمال ایدوب استانبولده معمار همت سحر آتار لری
 طرح ایتدوکی مسجد حرمنده آسوده پیغوله لخد اولدی * مولانای مرقوم جمله
 علومده خصوصاً علم حدیث و فقهده مهارتی مسلم خلق عالم اولوب مختارات
 مسائل فقهیه بی حاوی مرتضی نام بر متن لطیف تألیف ایتشد * ۴۴۴
 المخدم الامجد المولی محی الدین محمد شاه بن المولی به بالی بن المولی شمس
 الدین الفناری نهال قدس افرازی بن حرم بازده پرورش یافته اولوب مولانا
 خطیب زاده و معروف * حدایق الحقایق فضل و افضال لندن اقطاف ثمار علم
 و کمال * مدن صکره مناسرت و سخن مدرسه لرنده نخل بند بازار کا نهکت و دقایق
 اولوب بعده بروسه و استانبولده قاضی و بلاد عرب قاضی عسکری اولدیله صکره
 ادرنه به قاضی غب ذلک واحد بعد واحد اناطولی و روم ایلی قاضی عسکری
 اولوب * سنه تسع و عشرين وتسعمائده پیرایه بخش مسند صدارت ایکن برزخ
 بیحای اقلیم بقا اولدی * مولانای مرقوم زکا و قننت و حسن سیرت ايله

مشهور اولوب مرآت تابناك قريحه پاكى مجلاى صور معارف وعلوم * و غنائت
 طبع چالاكى كنجينه جواهر اسرار منطوق و مفهوم ايدى * اكر سن شبا بده عازم
 اقليم عدم اولوب بازار روزگار ده رأس المال حیات بی ثباتدن بهر باب اولق
 میسر اولیدی * ملك التجار بتدرگاه فنون عالیة الشئون اولوب درگاه
 فضایل دستگاهى محط رحال معارف و کمال اولق مقرر ایدی * سید شریعت
 موافق و فرائضه اولان شرح حریته و صدر الشریعه و البینه قرین قبول قبول
 حواشی تحریر رايتش در در * و منهم * خرار باب الفضل و البقین المولى العالم ركن
 الدین الشهير بزیرك زاده مولانای مرقوم دستیارى قابلیت کمال و کمال
 قابلیت ايله تسخیر کشور فضیلت ایتد کد نصکره و اعظیة بروسه و کرمبانیة
 کوتاهیة و اسحاقیه اینه کول و بلد رزم خان و ازینق و سلطانیه و بایزیدیه اما سیه
 و تکرار سلطانیه و مرادیة بروسه مدرسه زننده اتمام مهام تدریس بعده قضاء
 ادرنه و استانبول و صدارنا طولی و روم ایل ده مبانى عدل و دادی تاسیس ایدوب
 روم ایل قاضی عسکری ایکن سلطان سلیم خان طرف قرین الشرفلرندن
 سلطان کشور عرب قانصوغوری یه نامزد خدمت سفارت اولدی * بعد العود
 یومی یوزاچ و وظیفه ايله متقاعد اولوب سنه تسع و ثلثین و تسعمائه ده * مصراع *
 بوستان جنانه عزم ایتدی * و منهم * العالم البارع المولى عبد الواسع وطن
 اصل سی قصبه دیمتوقه دروالدی زمره امرادن ایکن مولانای مرقوم ارشاد
 غفل سلیم ايله تحصیل معارف مسلک نه سلوک ایدوب مولانا لطیف و افضل زاده
 و سایر موالی رومدن استفادة مبانى علوم ایتد کد نصکره * مصراع * تغرب
 عن الاوطان فی طلب العلی * پند ایله کار بند اولوب دیار بجمه محل بند عزیمت
 اولدی نیجه مستدار المالك خراسان اولان شهر هرات ده خوشه چین خرمن فضایل
 افاضل اولوب هر فنده نصیب کمال ایل اولد قد نصکره طرف دیار بهجت رسوم
 رومه اماله لجام قبول ایدوب بعد الوصول نه ده جبریه و محمود پاشا و اوج
 شرفه لی و صحن و بایزیدیه ادرنه مدرسه زننده ترفیع معالم علوم ایدی * بعده بروسه
 و استانبوله قاضی اولوب نصیر بنک اوچنی کوفی انا طولی و صکره روم
 قاضی عسکری اولش در در * بعد الانفصال بجمه ممالکنى لوجه الله اعتناق * و طریف
 و تلبد اموالنى و جوه خیرات و از باب استحقاقه صرف و انفاق * ایدوب بی قید
 تعلقی نیت مجاورت ايله جانب بیت الله العتیقه که نقش کتابت تکریمی یاتین من کل
 فج عمیق در شد رحال ارتحال ایلدی دیمتوقه ده بر مدرسه و بر معالم خانه و بروسه ده

دخی بر معلم خانه بنا ایدوب جلّه کتبی علمایه وقف ایشدر * دست علایق اول
 مرد فایق دامنکیر همت بی همتاسی اولوب * متاع دنیای بی بقایه پشت
 پا اورمغین مرآت خاتمه اعمالنده صورت حسن حال مشاهده اولوب سنه خمس
 و اربعین و تسعمائه ده مجاور حرم محترم ایکن اریکه نشین روضه خلد برین
 اولدی * ومنهم * العالم الامجد المولی محمود بن محمد بن قاضی زاده الرومی المشهر
 بمیرم جلّی مولانای مرقوم تقدینه عمرینی اجتهاد صرف ایدوب صیرفیان
 بندرگاه علومدن اکتساب جواهر جلیل الشان علم و عرفان ایتدکدنصکره کلیمولی
 و جریته و اورخانه مدرسه زنده متاع معرفت طالبترینه کالای کرانیهای
 فضیلت عرض ایلدی * فروع و اصول و معقول و منقولده رسوخ قدیمی اولوب
 خصوصاً علوم ریاضیه ده ید طولاسی اولدیغندن ماعدافن تواریح و محاضرات
 و قصاید عربیه و فارسیه ده فائز قدح معلای مهارت اولمغین خاقان سعید سلطان
 بایزید مولانای مزبور دن سبق خوان عرفان اولوب صنوف نوازش ملکانه لری
 ایله محسود اقران ایتدیله * خلف قرن الشرف لری سلطان سلیم پیرایه بخش دییم
 سلطنت اولدقلرنده صدارت اناطولی ایله تطیب بیوروب بعد زمان آرزوی * حج
 بیت الله رقدّه غفلتدن سبب انتباه اولمغین * دوش همته احرام بند عزیمت اولدی
 ادای حجه الاسلامدنصکره طرف رومه اماله الحام ایدوب سنه احدی و ثلاثین
 و تسعمائه ده ساکن دار السلطنة سلطان اسلام ایکن عازم دارالاسلام اولدی
 مولانای مرقوم حلیه جلّیه مکارم اخلاق ایله مشهور آفاق اولوب مرضی
 السیره حسن السریره برفاضل عظیم المعادل ایدی * زینج الغبکه فارسی شری
 و مولانا علی قوشچینک علم هیئتده فحیه نام مؤلفنه شری و معرفت سمّت
 قبله ده اولان رساله سی مسلم دانشوران عالم اولوب اربابی میاننده مثل سائر کچی
 دائر در * ومنهم * العالم الکامل المولی محی الدین سیدی محمد بن محمد القوجوی
 مولانای مرقوم ارباب افاده دن استفاده انواع علوم ایدوب فروع و اصولی
 ابواب و فصولی ایله موضوع محفظه قوت حافظه ایتدکدنصکره مغلغره ده
 ابراهیم پاشا و اورخانه ازینق و ادرنه ده دارالحديث و استانبولده مصطفی پاشا
 و صحن مدرسه زنده اول میر مجلس فضل و عرفان اداره جام رحیق تحقیق و اتقان
 ایدوب تخیل عزله استانبول قاضی سی بعده اناطولی قاضی عسکری اولدیله
 بالطوع و الرضا ترک طریق قضا ایدوب یومی یوز یکرمی انچه وظیفه ایله تکرار
 صحن مدرسه سنی اختبار ایشدر ایکن بی ایجاب موجب دغدغه عزله مبتلا

اولمغین اسقاط فریضه سبب اولمق ملاحظه سیله قضاء مصر مختار لری اولدی
 بعد الانفصال سنه احدی * و ثلثین وتسعمائه ده ترک جامه مستعار حیات
 بی ثبات ایدوب محشی سیخ زاده مرحومک مسجدی حرمنده دفن اولمدیلر *
 مولانای منیور علوم عقلیه و فنون نقلیه ده مهارت ایله مشهور اولد یغندن
 ماعدا شیخ العربیه و غواص بحار ادبیه اولوب اول فرید بکانه جید زمانه عربانه
 تقلید ایتدوکی فراید پرفواید نظم و انشاده سطر موزون بلاغت جهابذه عرب
 عربایه ضرب قلم انشایتمش ایدی * و منهم * نذر العلماء المتورعین المولی محی
 الدین بن قطب الدین مولانای منیور قاضی زاده روحی احضار ندر مساعده
 استعداد ایله مؤید زاده افندی بدن ملازم اولوب بروسه ده ولی الدین زاده احمد پاشا
 واستانبولده الحاح حسن زاده و بلندرم خان و علی پاشای عتیق و ازینق
 وادرنه ده دارالحدیث و بروسه ده مرادیه مدرسه لرنده سلم صدیایه افاضه لری
 ایله ارباب استغاضه حصیض استفاده دن اوج افاده یه اعتلا ایتد کدنصکره
 حلب شهرها وادرنه واستانبولده قاضی و اناطولی قاضی عسکری اولدیلر * بعد
 زمان یومی یوزاللی اچمه وظیفه ایله سخن مدرسی اولوب ادای حجه الاسلام
 ایچون طرف بیت الله الحرامه توجیه مطیه عزیمت ایتمکین مدرسه دن
 صورت فراغ کوستردی * بعد الرجوع شاه باز بلند پرواز همت بی همتای جیفه
 دنیا یه سایه انداز اولموب انجق سد تهیکاه جوع ایچون وظیفه منبوره ایله
 گوشه نشین انزوا اولدیلر * حقا که مولانای مرحوم مرآت نفس سربیه سنی
 کدورات بشریه دن تجلیه * و خانه قلب پاکنی اغراض فاسده دن تخلیه *
 ایدوب ظاهر اسیره اولمق ایچون بازار روز کارده صورت قبول کوسترد کیری
 متاع دنیا بی بقا منظر و نظر رغبت و اعتبار لری دکل ایدی * سنه سبع و خستین
 وتسعمائه ده قلب سلیم ایله عازم دارالنعیم تکریم اولوب صدر نشین سریر
 سعادت مصر برجت ملاک قدر اولدی * و منهم * العالم الادیب والسید الحسیب
 المولی محی الدین محمد المشتهر بمعلول امیر عنفوان شبایده سرمایه عنوان
 فضل و کمال اکتساب ایدوب خواجه خیر الدین افندی دن ملازم اولدیلر بروسه
 حضرت امیر قدس سره الحظیر واستانبولده افضلیه و محمود پاشا و سلطانیه بروسه
 و سخن مدرسه لرنده متنزهان بوستان علم و عرفان غصون دانیة القطف و نهال
 فضل و افضان دن اقطاف ثمار معرفت و کمال ایتد کدنصکره مصر قاضی سی
 تکرار طقسان اچمه وظیفه ایله سخن مدرسی وینه مصر قاضی سی اولوب بعده

صدارت اناطولی مولاناى مزبورہ معین * واول خلعت والا ایلہ قامت بالامی
 مزین * اولدی مرض عرق النساء ایلہ خدمت لازمه صدارت اداسنه
 عدم اقتدار لری یومی یوزاللی آنچه وظیفه ایلہ تقاعد * اختیارنه الجا ایدوب
 سنه ثلث وستین وتسعمائه دست هادم اللذات کریان کیرجامه حببات اولدی
 استانبولده بردار القزاقومله نام قریه ده بر معلم خانه بنایا تیشلدر * ومنهم * ذخر
 العلماء الاخیار المولی محی الدین محمد التبریزی المشتهر بامیر کیسودار اول سید
 بزرگوار عالی تبارک دیار عجمه درخت برومند استعداد لری رشحات محاب
 سعی واجتهاد ایلہ سیراب اولوب دراعه حسب عالی لری طراز فضایل ومعالی
 ایلہ مطرز اولدقدن صکره دیار جلیل الاعتبار رومه شرف قدوم ارزانی سیوروب
 بعض امور نظموری قضاء قصبه رضایه اقتضا ایلدی * سلطان سلیمان نظیر
 حضرت تلی رونق افزای افسر و سریر اولد قلزنده * شعر * واذا الرجال توسلوا
 بوسيله * فوسیلتی حی لال محمد * مضمونی اوزره سجه هما یونی مودت وولای
 عزت طاهره نبویه و محبت عصابه هاشمیه اولغین ککیزده مصطفی پاشا
 ومغنی ساده سلطان و سخن مدرسه لریله اکرام و بخیل * بعده حاب وشام
 واستانبول قضالین احسان ایلہ راتبه انعام لری تمام و تکمیل * سیور دیلر
 بعد الا نفضال سنه ثلث وستین وتسعمائه ده بوتنکنسای ریج و تعبدن صفا
 افزای * شادی و طریبه ارتحال ایدوب روضه خلد برینده مظهر اجلال
 علی سرمر فوعه متکین اولدی * مولاناى مزبور علوم شرعیه و عقلیه ده
 فایق الاقران * خصوصافن انشاده قلم مثال مشاور بالبنان * اولوب خط خوبان
 کبی کتابنده بد طولاسی و ارادی * حقا که اول فارس الخیل مضمار فضایل
 اگر کیست ناطقه اعجاز طرازه عرصه تحقیق و اتقانده ارخای عنان یاسه بر خوای
 لایشق غباره توزنه کسه ایرمز واکرا شهب موزون خرام قلم سحر بردازه پیدای انشاده
 رخصت جولان و برسه خواجه جهان همعنائی اینک دکل قران دخی
 کورمز ایدی * نظم * از قلمش صورت مانی خجل * وزرقش اهل سخن منفعل *
 نکته زیباش چو هر جلال * ناطقه اش طوطی شیرین مثال * زمان قضا استند
 طریق سعادت رفیق عدل و انصافدن عدل و انصراف ایتموب فیضان جویبار
 مدد لقی ایلہ حدائق احوال رعایا مخضر * واهان انوار فغزلی ایلہ دیده مال
 فقر امنور ایدی * ومنهم * المولی الفاضل و التحریر الکامل مولانا وسیدنا محی
 الدین محمد بن المولی حسام الدین الشهبزین علماء الروم بقره جللی مولاناى

مرقوم بذل قدرت ناجیز عاجزانه ایدوب نورسالة عنبرین کلاله زینت ساز
اطباق اوراق اولغنه سبب صوری اولان عبد پر قصورک جد امجد پدر * والد
فردوس مقاملری مولانا حاسام عازم دارالسلام اولوب اول دریتیم بجه معارف
یتیم قالمش ایکن تقریق غت وسمین و تمیز کاسد و عین ایتد کدنصکره * شعر * تعلم
فان العلم زین لاهله * و غیر و عنوان اسکل محامد * و کن مستغید اکل یوم زیاده *
من العلم واسع فی بحار الفواید * پندندن حصه مند اولماغین * تحصیل فضایل
بذل و معارفه مجهود و تکمیل نوادر ولطایفه سعی نا محمد و دایتدیلم * نقد کرامتیه
عمر عزیر الوجود لرین خواجکیان شهرستان تحقیق و اتقانندن احراز نفایس
امتنعه علوم و معارفه صارف اولق ایله ملک التجار بندر کاه فضیلت و عرفان
اولد قدنصکره سلطان علماء روم * فرمان فرمای کشور علوم * الخصوص
فی عهده بالا فاده مولانا کمال پاشا زاده دن ملازمت رتبه علیه سنی احراز
ایتدیلم * بعده بروسه ده عیسی بل و کوتاهییه ده واحدیه وتره و حسیفیه اما سیه
و چورلی و مناستروسلطانیه مغنیسیا و صحن و یازیدییه ادرنه مدارسنده دارس
اولان رباع علوم شامیه الرسوم همت معمار قریحه سحر آتارلری ایله غیرت
بیت المعمور اولوب نسیم فضل سبحانیدن مشام دل و جانی استشمام رایحه
فایحه علیکم بالشام ایتمکین برمدت اول مقامده علم افرازشمع سید الانام
اولد قدنصکره سایه شقه لوی معدلتلری بروسه اهالیسنه سایان امن و امان
اولدی * بعده یوخی سکسان اچقه و ظیفه ایله واحد ابعده واحد مرادیه بروسه
و اباصوفیه و صحن مدرسه لرنده سهام مهام افاده بی رؤس طلاب علوم عالییه
مقادی راسخاقلری اوزره تقسیم ایدوب تکرار بروسه ده بعده ادرنه و استانبولده
زمان اجرای احکام * مسلم دست همت بی همتاری اولدی * حقا که اول ذات
ملکی الصفات مستجمع جمیع کمالات اولوب آیینده دل بی غلاری جلوه کاه صور
علوم عقلیه و نقلیه ایدی * خصوصاً فن فقهده ابوحنیفه ثانی * و علم کلامده
جانشین جلال الدین دوانی * اولوب جواهر نوادر کلامیه اعراض ثابته کبی
صفحه خاطر * عاظر لرنده متجرب ایدی * رشاشه اقلام عنبر فاملری ایله دفع غبار
اوهام ایتد کوری * مواضع مشکله جلوه کرم آت نظری اولان افاضل دهر
اول نادره عصرک جللیه فضیلتده حللیه جللیه فارس الخلیل ایلنه کونه متجلی
اید و کنه تحصیل وقوف و اطلاع ایدر لر * اشغال اشغال حکومت هنکامنده
بنیان یراعه اهتمام ایله منتظم رشته جمع و ترتیب ایدوب بین علماء الروم واقعات

قره چلبی عنوانیله موسوم اولان تالیف لطیف اول یکانه روزکاره سرمایه
 افتخار اولسه لایق وسز اوارد * شعر * فنی کل سطر منه روض من المنی * وفی
 کل حرف منه عقد من الدور * اول چابکسوار مضمار فضایل و معارف احیاناً
 تحویل تازیانه حرکت فکریه ایله جرده خوش خرام خامه بی پیدای انشای طرفنه
 صارف اولوب پس برده متخیله ده پرورش یافته اولان ابکار افکاره دستیاری
 همت مشاطی کال سهار ایله زیب دلغریب و برلرایدی * و کاه عنان کیت قلم
 مجهزرقی سمت نظمه عاطف اولوب پیرایه بخش کردن و کوش عالمیان اولغسه
 سز اواری نتیجه شاهواری جید زمانه تقلید ایدرلرایدی * نظم * موج چون براوج
 زدن بجز زخار از شرف * لؤلؤی منظوم بر ساحل فکند از هر طرف * اول
 سلطان ملک سخنوری ترتیب دیوان ایدوب پرورده قلم بلاغت کستری اولان
 درو اشعار آبدار زنده هجری عنوانی اختیار ایتشدر * نظم * زین سخن
 پروردنم یکبار کی معلوم شد * کان چه عالی رای نظم آرای معنی پرور است *
 اول فاضل عذیم المائل کلام حق تکلمده سیف صارم * و مظهر خفای
 (لا تخاف فی الله لومة لائم * اولوب عدل و داد عرض لازم کبی جوهر ذاتلری
 ایله قایم اولغین حاکم اولد قلری بلادده بنجه جور مظالم پیشکان ستم پردازدن
 تخلیص کریبان زیر دستان ایتمک خصوصنده دامن درمیان اولوب و دایع
 خالق البرایا اولان رعایا پسترا حتمده همغوابه اطمینان ایدیلر * مساعدت اسباب
 اقبال ایله اول مردم میدان علم و کمال شیفته بازیچه کاه دهر پر قهر اولوب
 دزد مکاره مکاره دیسای بی بقا خانه قلب پر صقارینه یول بولامغین کازار خاطر
 عاطر لری منبت خارجب و غرور اولوب مجلس عالیلر زده رسوم و اعتبارات
 عادیه مطروح * و صحنه تری مروح روح * ایدی اول یکانه کوه دریا فضاقت
 استانبولده زینت ساز سریر حکومت ایکن سنه خمس وستین و تسعمائه ده
 اجیموادعی الله نداسنی ایزه کوش اذعان ایدوب مرور مرفوعه جنانه
 عازم اولدیلر * نظم * پرید از دام قالب مرغ جانیش * که اوج لامکان بود آشیانیش
 * خارج قسطنطنیه ده امیر بخاری زاویه سی قربنده استاد لری کمال پاشا زاده
 حضرتلری مزار مغفرت مدار لری حظیره سنه متصل اولان قیرجده امجد
 حضرتلرینکدر * مصرع * مرقدش پر نور یاد از شمع رضوان جاودان * و منهم *
 زین ارباب الاقاده المولی الفاضل عصام الدین احمد بن المولی مجتبی الدین
 الشهیر بطاشکبری زاده مولانای مر قوم تحصیل معارف و فضا ئلده اقدام

اقدام اوزره قیام * و تکمیل مقاصد و وسایلده میان جانه شد نطق اقام *
 ایدوب میدان ارباب عرفانده سمند طبع دایم نداری سر منزل تحقیق و اتقان
 واصل اولدی * سیدی محمد قوجوی دن ملازم اولد قد نص کره دیمتوقه ده اورج
 پاشا و استانبولده الحاج حسن زاده واسکویده اسحق پاشا و قلندر خانه
 و مصطفی پاشا و اوج شرفه لی و صحن و بایزیده آدرنه مدار سنده ارباب استفاده به
 باب افاده بی کشاده ایلدی * غب ذلک طریق قضایه سالک اولوب بروسه به
 قاضی تکرار صحن مدرسه سنه راضی اولدی لر * بعده اول حاکم علی الاطلاق کشور
 فضیلت و استحقاق مسند آرای قضاء استانبول اولوب اول امر خطیر نصب
 عین ضمیر منبری ایکن بر خفای (اذا جالقضا عی البصر) روزنه چشم جهان
 دیدنری پرده عی بر له منسد اولدی * مولانا ی مر قوم شنار و رجه معارف و علوم
 اولوب آینه دل صفایینی مجلای صور دقایق الحقایق ایدی * اول کجور سر
 (القناعه کنز لایفی) من خرافات دنیای بی بنیایه قطعاً توجیه نظر رغبت
 ایتیموب مدته العمر منصب طلبنده تحریر لب ایتمشلدر * مباحثه علیه ده ذات
 ستوده صفات لری نقایص مکابره و عناد دن عاری اولوب ارباب اعواجادن
 پیوده منافقه و لجاج مشاهده ایتسه لر عناد و استکبار ایتیموب طوطی
 شکرستان نکت و معانی * اولان زبان بدیع البیانی قفص دهان ایچره
 خاموش اولور ایدی * علم * کلامده معالیم نام بر کتاب تالیف ایدوب فواید
 غنایه بی و قسم * ثالثی شرح و ایضاح ایتمشلرایدی * حاشیه شرح تجریدی اول
 کتابدن مباحث ماهیته دل تحشیه ایدوب منظومه مقالات کبار فی زاده
 خاطر عا طر لری اولان افکار رایقه ایله مستزاد ایتمشلدر * ذکر مناقب علماء دوات
 عثمانیه ده شقایق نعمانیه نام کتاب مخترعات قریحه پا کارندن اولوب
 موضوعات العلوم عنوانیه موسوم اولان کتاب دخی نتایج طبع چالا کارندن در
 بونلاردن ماعد اول یکنانه روزگار دخی نیجه آثار حسنه سی اولوب
 بعضی شهرت شعار اولمشلدر * لکن اکثری نهانخانه مسوده دن نراهنگاه
 تبیضه چقمیوب طالبان * علم و عرفانه جلوه ظهور کوستر مشلدر * مولانا ی
 من بورك وادی کتابته * دستایه اقتدار ی اولوب هر سنه عذار خطبار کی
 حسن خطایله بر تفسیر بیضاوی تحریر ایدر لر و اولی کوهر کرانه ای اوج بیل آچیه به
 بیع ایدوب ثمنی لبالی شهر رمضانده طلبه سنی اطعامه صرف ایدر لرایدی * اول
 ملان التجار بندر کاه فضایل دستکاهی کاهی جواهر تابدار نتایج افکاری

کشیده رشته نظم ایدوب اول عقد نفیس برله کساد افکن بازار رغبت بلاغت
 حسان اولور لایدی * منظره دیده رمدیده لری بسنه عصبانه عمی اولدقده
 بعض احبایه عرض اشتیاق ایچون برآورده عمان بی کران متفکره لری اولان
 درر آبدار اشعار دندر * شعر * سقبت بسیط الارض فی کل ساعة * بدمع جری
 فی ذکر خیر الاحبه * وصفحه خدی کالوشاح المفضل * بقطر دموع بین قافی
 هجرة * حرمت من الاحبه لذة نظرة * فوا حمر تان لم افق قبل موته * ولا تجزی
 بانفس من نازل جری * بتقدیر خلاق اله البریه * فان الرضی والصبر فی کل محنة *
 من اخلاق اصحاب النفوس الرضیه * عارف امرار سبع مشافی ابو حنیفه ثانی
 ابوالسعود افتدی حضر تارینک ارشاد العقل السلیم الی من ایا الکتاب الکریم
 عنوانیه شهرت شعار اولان خزیده تفسیر اطیغری زینت ساز خریطه تالیف
 اولدقده مولانا ی من بورلک برسیبل تقریظ بنان قلم واسطی نژاد لری ایله سلک
 بیانه نظم ایتدکاری فراید بر فواید دندر * شعر * بتقسی جنا با حاز کل فضیله *
 وصار لاظهار الحقایق ضامننا * واید روح القدس حسان طبعه * خلی من الامرار
 ما کان کامنا * بل المله الزهراء اصبحت منیره * ففی الکوکب السیار قدصرت ثامننا *
 سنه ثمان وستین وتسعمائه ده اول کوهر لجه فضل و عرفان دست روزگار غداردن
 شکست بولوب منواری خاله هلال اولدی * و منهم * فخر العلماء الکاملین المولی
 مصلیح الدین مولانا ی من قوم قصبه نکسارده پس پرده عدمدن بیت الشرف
 شهوده وضع قدم ایدوب رقبه سی ربقه صبادن رها بولدقده نصکره مصقله
 سعی و اهتمام برله مرآت ذاندن ژنل جهلی ازاله * و میدان ارباب عرفانده
 سمند طبع دلبستدین اجاله * ایلدی مولانا شاه محمد فنا ریدن ملازم اولدقده نصکره
 کلیبولیده صار وجه پاشا واردارده اورنوس غازی وادرنه ده حجره و پیری پاشا
 وچورلی و سلطانیة مغنیسا مدرسه زنده رشحات سحاب مدرار زینت لری ایله
 طالبان معارف و فضایلک نهال امنیه و آمالی سرسبز و مخضر * و بالا کشیده
 و بار آور * اولوب تاید سچانی ایله سنه اربع وتسعمائه ده دارالخلافه بغداد
 داخل حوزه تصرف آل عثمانی اولدقده خدمت قضایی بیت المالدن سنوی بیل
 بشیوزالتون سالیانه ایله مولانا ی من بوره نامر داوودی * آلتی سنه بغدادده
 اعلای لوای عدل و داد ایتد کد نصکره تخیل عزله مرادیه بروسه مدرسه سی
 توجیه اولنوب اول جانبه تحریک قادمه عزیمت اینمزدن مقدم قاضی حاب
 شهباء بعده بروسه وادرنه و استانبول قضاری ایله کامروا * اولدی بعد الانفصال

زمام خدمت تجدید مدرسة دارالحديث اول ذوقنون عالمك كف كفايته
 مسلم اولوب سنه تسع وستين وتسعمائه ده نخل وجودی باغ شهوددن برکنده
 دست قهر روزگار زور کار اولدی مولاناى * مر قوم خول علماء و مدن معدود
 و انواع علوم و معارف مجموعه ذات ملكى الصفا ندرنده موجود * اولوب قامت
 بالاستقامت لى قمد تكلف و تصلفدن سرو آسا آزاد ایدی * و منهم * العالم الجلیل
 المقدار المولى مصلح الدین بن المولى محى الدین المشتهر بابن المعمار مولاناى
 مر قوم دستیارى همت معمار استعداد ما در زاد برله تشید مباتى علوم سامیه
 الرسوم ایدوب خواجه خیر الدین افندی دن احراز رتبه ملازمت ايله تأسیس ارکان
 طریق تدریس ایند کد نصکره بروسه ده حضرت امیره و ولی الدین زاده
 و بلدرم خان و طرزون و خاصكى سلطان مدرسه لرنده طرح افکن بنیان علم
 و عرفان * اولوب مدارس سلیمانیه دن طرف شرقیده اولان مدرستینک بری
 قرین اتمام اولدقده اول معمار کارخانه فضل و عرفان انده ترفیع حیطان رصیف
 الارکان تحقیق و اتقان ایلدی * بعده بروسه وادرنه و اسنا نبول و مدینه الرسولده
 تمهید بنیان رفیع الشان شریعت سید آل عدنان ایدوب حاکم اولایغی بلدانده
 نیشه اهتمام لری ايله رسوم و اطوار بی هنجار بدع و مظالم منهدم ایدی * قضاء
 مدینه منوره دن منفصل اولیجق شام طرفنه اماله لجام ایتمل اوزره قرار ویرمش
 ایکن اول هنکامده عالم خوابده طرف غیبدن قضا مصرده در خطابی قرع سمع
 ایتمکین واقعه سنی حکومت مصر ذات الاهرام ايله تعبیر ایدوب اول جانبه
 اماله لجام ایلدی * لای الوصول سنه اثنتین و سبعین و تسعمائه ده غریم متقاضی
 اجل مقضی دامنکیر طول امل اولوب قصرنا استوار وجودنده دست هادم
 اللذات ايله سیمای انهدام نمایان اولدی * لاراد لقضائه و لامعقب لحکمه *
 حقا که مولاناى مر قوم اکثر علومده بین الاقران شرف امتیاز بولوب علماء
 روم میاستنده نقاء قریحه و فرط ذکا ايله انکشت نمای عالم * و مراعات شرایط
 صحبت و آداب الفت خصوصنده علم * ایدی * و منهم * العالم العامل المولى
 الفاضل یعقوب بن سیدی علی زمام استفادہ فی استفاضه علوم و معارفه
 صارف اولیق ايله خباىای فنون عالیة الشئونه واقف اولوب بروسه ده حمزه بک
 و تیرمه ده ابن ملک و بنه بروسه ده بلدرم خان و مرادیه و بایزیدیه ادرنه مدرسه لرنده
 حجله نشینان احتجاب اولان عرایس نقایس علومدن رفع حجاب ایتمکین
 شمع جمعنه پروانه وار مجتمع اولان مقتبسان علم و عرفانک خانه قلبلری ظلمات

جهلدن خالی * ونور معرفت ایله حالی * اولدی غیب ذلک طریق قضایه سالک
 اولوب ادرنه یه قاضی * صکره یوی سکسان ایچه وظیفه ایله بایزیدی ادرنه و صحن
 مدرسه لرینه راضی * اولدی آرزوی حج بیت الله الحرام اقتضای ایله بالطوع
 والرضاء مدرسه دن فراغ ایدوب انعام مهمام حجة الاسلامدن صکره سنه احدی
 وثلثین وتسعمائه ده روضه دارالسلامه خرام ایلدی * شرعه الاسلام نام کتابی
 شرح ایدوب دیباجه شرحی وسید شریفک شرح فرائضی تحشیه ایتمشدر
 کستان فی عربی لسان اوزره شرح و بیان ایدوب لؤلیمان شوخ و شهر آشوبه
 تغییر اسلوب ایتمک ایله اول کتاب بلاغت انتساب نفی فارسان اقلیم فارس
 و شیراز و تازی سواران عراق و حجازه عام اولمشدر * ومنهم عمده اصحاب الیقین
 المولی بدرالدین مولانای مرقوم خادم علی پاشا مر حومک عتقا سندن اولوب
 هلال ماهیتی اول وزیر ستوده تدبیرک پرنو خورشید تربیتلری ایله بدرمنیر
 اولدقدن صکره بروسه ده جندیل و بلد رم خان و علی پاشای عتیق و اوج شرفه لی
 و صحن مدرسه لرده مباشر خدمت تدبیرس اولوب بعده حلب و ادرنه قضا زنده
 ترفع رایت حکومت ایلدی * سنه سبع وثلثین وتسعمائه ده اول بدرعالی قدر
 اوج علم و کمال ادرنه دم مسندن نشین استقلال ایکن گرفتار خسوف مرک اولوب
 مستور پرده محاب تراب اولدی * ومنهم * زبده ارباب العلم الشریف المولی
 عبد اللطیف مسقط رأسی ولایت قسطنطنیه ندر تحصیل فضایل جلیله و تکمیل
 معارف جزیه ایدوب دیمتوقه ده اوج پاشا و ادرنه ده جبریه و استانبولده ابراهیم
 پاشای عتیق و قلندر خانه و حضرت ایوب و محمود پاشا و اوج شرفه لی و مرادیه
 مغنیسا و صحن و بایزیدی ادرنه مدراسنده بسط سیماط علوم و معارفه اوقات
 صارف اولدقدن صکره ادرنه یه قاضی اولوب بعد زمان یوی سکسان ایچه وظیفه
 ایله متقاعد اولدیلر * سنه تسع وثلثین وتسعمائه ده اول مرد آگاه مسافر خانه
 دینادن عالم عقب اطرفنه محمل بند عزیمت اولوب سرای مرو و اقزای جنت
 علیایی قرارگاه ایلدی * بنظم * بفضل و هنر ظاهرش بود حالی * بعلم لدن باطنش
 یافت زیور * فخوا سنجه مولانای مرقومک ظاهری حلیه فضایل و معارف ایله
 آراسته اولدیغی کبی باطنی دخی زیور جذبات الهیه برله پیراسته اولوب نهال قامت
 طوبیامثالری بارعبادت باری ایله خیمه و من خرفات دنیای بی بقادن دامن
 کشیده و لغین مرآت مجلای قلب پاکلری مجلای صورامور غیبیه ایدی سال
 ارتقا للری رمضان شریفی او اسطنده متولی وقف وظیفه نقاعد لرینی توقیر

بالتام ایصال ایندکده بامر الله تعالى ليله قدرده حظیره قدسه انتقام المزمع در
 ذمتمزد حق وقف اولسون دیودرت کونک وظیفه بی متولی به زدا دیوب فی الحقیقه
 بر حسب تعیین اول کیجه عازم خلد برین اولد قللری ثقات رواتدن منقولدر
 ومنهم * زین اعیان العز والسماعه المولی محمد بن بیر محمد المشهر بیرری پاشا زاده
 همت والد کثیر الحسامدری ایلده خفایای علوم علیه وخبایای معارف جلیله به
 تحصیل اطلاع ایدوب علاء الدین علی الجمالی حضر تلمدن ملازم اولد قد نصکره
 مصطفی پاشا و صحن مدرسه لرنده نثر درر فضایل ایتملک ایلده نظم احوال طالبان
 هلم و کمال ایلدی * بعده قضاء ادرنه برله محصل المرام اولوب عام اجدی و اربعین
 و تسعمائه ده بادیه هول انکیز عدمه وضع قدم ایلدی * مولانا ی مرقوم اگرچه
 انواع معارف و علومه اطلاع ایلده مشهور اولوب علومه همت و کمال و وقار و هیبت
 ایلده مذکور ایلدی * لکن صبح و شام * جام بی کفام الذدن کتیب حجاب آسا
 لعل مذهب و باده نابه دو شمشکین پیما نه عمر دن چندان نشوه دارا و محبوب آرزمانده
 ساغر حیاتی شکست بولدی * مروی درکه بر کیجه کریمت شراب ایلده مست
 خواب اولوب با سببان حواس کشور بدن محافظه سندن قصریدا ایتملک ایلده
 دزد غفلت زهتسرای قلبنه یول بولمش ایکن ایاغی اوجنده پا برجا اولان شیخ
 فرورزان اقتضای قضا ایلده در شوب بر آنده شهرستان وجودی تودی خاکستر
 اولدی * مصراع * غریق بحر رحمت اوله روحی * ومنهم * المخدوم الادیب والناضل
 اللیب مولانا محی الدین محمد بن المولی علاء الدین علی الجمالی مخدوم مرقوم
 بین علماء الروم حایر قصب السبق مضمار معارف و علوم اولوب سهند طبع دلپسند
 لرینی مراد پاشا و صحن مدرسه لرنده اجاله ایتد کد نصکره رخس همتی قضاء
 ادرنه قضا سنا مال ایلدی * بعد مدت یوچی سکسان اچده ایلده صحن مدرسی
 اولوب ترل تعلق ماسوی عزالت و انزوا اقتضای تمکین یوزاچده وظیفه ایلده قناعت
 کزین اولوب سنه سبع و خسین و تسعمائه ده تماشای حور عین ایچون * نظم *
 ازین دار فنا برست محل * بقصر جاودانی کرد منزل * مولانا ی مرقوم جمله
 علومده خصوصاً علم فرائض و اصوله منتهای منازل ضبط و اتقان و وصول
 بولوب فن تواریخ و محاضرات و سیردن با خبر ایلدی علم طبده خود ابو علی سینا
 اولوب دستیار ی حدائق ایلده کهر بادن یرقانی * و قبله غادن خفانی * عجمه مخور
 ترکاندن خماری * و جام شراب ارغواندن دواری * از الیه اقتداری و ار ایلدی *
 اول نجل ایه بر خوای * الولد سر ایه * همواره سنن صلاح و سدادی پیش نهاد

ایدوب همیشه نفسی اصلاح ایله مشغول * و مشایخ کرامی توقیر و احترام لوزره
مجبور * ایدی * و منهم * العالم الفاضل مولانا محمود الایدینی المعروف بین
الافاضل بخواجه قانی مولانای مرقوم علماء رومدن استفادة معارف
و علوم ایدوب حسب العاده بین الفضلاء الساده اتمام مهام حرکت نصکره بطریق
الاعاده کوچک بدرالدیندن ملازم اولدی * بعده خواجه خیرالدین افندی
مولانای مرقوم خواهرینی آغوش نکاحه آغین روی آمالنه دراقبال
کشاده اولوب آزمندنه بروسه ده جندبک و سلوریده پیری پاشا و استانبولده
افضل زاده وادرنده حلبیه و اوج شرفه لی و سخن مدرسه لرنده علم اقرار تدریس
اولدقد نصکره قضاء حلب و ام القرا ده شرفها الله تعالی بنیان مرصوص *
شریعتی تأسیس ایدوب تحلل عزلله تکرار بلده الله الحرامه اماله الحجام ایلدی
بعد الانفصال اسکداره وصول بولوب استانبولده دخولن مقدم سنه ثمان
و ستین و تسعمائه ده * شهرستان عدمه وضع * قدم ایدوب ساکن محله
خاموشان اولدی * مولانای مرقوم اکثر علومه اطلاع ایله مشهور * و عذوبت
لسان و بشاشت وجه ایله مذکور * اولوب حسن خلق جوهر ذات لرینه خاصه
لازمه ایدی * و منهم * ذخرفضلاء المتبحرین المولی عبدالباقی بن علاء الدین
وطن اصلیمی حلبدر تحصیل دستمایه علم وادبد نصکره کزیده موالی مولانا
علی الجمالی حضر تدرندن ملازم اولوب کوتاهیبه ده قره کوزپاشا و اینه کولده
اسحق پاشا و بروسه ده قبلوجه و محمود پاشا و اوج شرفه لو و سخن و بایزیده ادرنه
مدرسه لرنده اشغال مشاعل افاده ایلدی * بعده حلب و مکه و مکرمه و بروسه
و مصر و تکرار ام القرا ده سالک محبه خدمت شریعت غرا اولوب انفصال نصکره
سال احدى و سبعین و تسعمائه ده حلبده اجابت دعوت رب ایلدی * مولانای
مرقوم حول علماء رومدن اولوب صور حقایق علوم صفحه خاطر عاظر لرنده
مرسوم ایدی لکن افتاده چاه حب ریاست و جاه اولوب وزیرایه بذل نقدینه عرض
ایتمکین حسب الاستحقاق رفعت شان بولمبوب صدر صدرانه اعتلا ایله
کامر و اولدی * حتی بروسه ده قاضی ایکن یکی قبلوجه نام حمام خدایی بناسنه
اهتمام ایدوب قرین اتمام اولیحق قاضی عسکر اولمق رجاسنه وزیر اعظم رستم
پاشایه علینک ایلدی * شعر * اذالم یغنک الله فیما تریده * فلیس لمخلوق الیه سبیل *
وان هولم ی نصرک لم تلق ناصرا * وان عز انصار و جل قیل * وان هولم یرشدک
فی کل مسلك * ضلت ولوان السعالم دلیل * فخوا سجنه عنایت نامتناهی آلهی

دستگیر اولمغین وزیر لاسعی و اقدامی منتج حصول مرام * اولیوب چار بالش
صدارته ارتقایه بحال اولدی * ومنهم * خیر الافاضل الساده المولی نعمه الله
الشهیر بروشنی زاده ارباب افاده دن استفاده رأس المال علم و کمال ایند کدنصره
بروسه ده بایزید پاشا و حضرت امیر ولی الدین زاده احمد پاشا و بلدرم و مرادیه
مدرسه لرنده صدر نشین تدریس اولوب بعده بغداد و حلبه قاضی اولدی * یوخی
سکسان انچه وظیفه ایله تکرار بروسه ده مرادیه و استانبولده سلطان سلیم
مدرسی اولد کدنصره بوی جانبخش قضاء مدینه الرسول برله دماغ جانی عنبر
آکی اولوب غیرت بهشت برین اولان اول مقام لازم الاحترامده متصدی
اجرای احکام ایکن سنه تسع و ستین و تسعمائه ده بوسرای سپنج وحشت آییندن
باغ خلد بر بنه عزم ایلدی * مصراع * مردن بچنین جای حیات ابدست
ومنهم * العالم الکامل المولی حسن چلبی الشهیر باشچی زاده مسقط رأسی قصبه
کلیبولیدر * پوته سعی و اجتهاده مذاب اولان سبیکه استعدادی صیرفیان
شهرستان علم و عرفان محل تجربه سنده کامل العیار کورغینکین بعض مدارسده
وداود پاشا و ازینق و اوج شرفه لی و صحن مدرسه لرنده ابریز خالص معانی بدیع
الیانی سبک قالب حسن تقریر ایند کدنصره بروسه قاضیسی اولوب
بعده یوخی سکسان انچه وظیفه ایله تکرار صحن مدرسه سنه ضرب سکه قبول
ایلدی * برمد ندنصره مرض تقریس پابند حرکت * اولمغین یوز انچه وظیفه
ایله متقاعد اولوب سنه اثنتین و اربعین و تسعمائه ده بروسه ده زیدلر تکیه می *
نام مقامده غنوده مهد لحد اولدی * تاریخ * سقی الله ثراه * نظم * مجردی
بحقیقت عظیم سلطانیست * زمن شنوتن آزاد خویش بنده * مساز برای یکدمه
شهرت که خالک بر سر او * اسپرزنتوان شد بسالهای دراز * پندندن خصه مند
اولمغین اول مر دمبدان عرفان عیسای مجرد کبی وادی تجربه ده تفر د ایدوب
هم آغوشی انجق ابکار مزایای علوم * و عرایس نقایس منظوق و مفهوم *
ایدی * ومنهم * زین الامثال المولی الماضل علاء الدین علی بن صالح مولانا ی
مر قوم مرحوم عبدالواسع افندی دن ملازم اولمغین بین علماء الروم واسع عیسی
دیمکله معلوم ایدی * مرآت قلب پاک مجلای صور علوم اولد کدنصره بروسه ده
بایزید پاشا و فرهادیه و قیوچه وادر نه ده حلبیه و اوج شرفه لی و صحن و سلطان
بایزید مدرسه لرنده مدرس اولوب اول مهندس کارخانه عرفان مدارس
سرقومه ده تزدین بیت الشرف تحقیق و اتقان ایلدی * فنون شتاده فایق الاقران

اولوب خصوصاً فن انشاده يد طولاسی رونق شکن کلزار فصاحت خواجة جهان
 اولمغین انوار سهیلی نام کتابی رومبانه لباس ایله جلوه ساز عرصه ظهور ایدوب
 سلطان سلیمان مکان حضرت نرینک رکاب سعادت انتساب لرینه انصاف ایتدکده
 دریای فسیح الاکناف مکارم خسروانه مترکم الموج اولوب بروسه قضاسی
 علاؤه سابر اطاف شاهانه اولدی * نظم * پادشاهلک چون همایون نامه
 اولدی تمام * هانف غیبی اکاوردی همایون نامه نام * سنه خسین و تسعمائه ده
 بروسه ده متصدی امر حکومت ایکن ساحل سلامتدن * لنگر اقامت اولوب
 زورق وجودی بله بجز رختده نابود اولدی * ومنهم * العالم العامل المولی محی
 الدین محمد بن عبدالله مولانا ی مر قوم خاقان روم سلطان بایزید مر حومل
 عتقاسندن اولوب مبادی احوالنده طریق امارنه سلوک * اینمکین بین العلماء
 الاخبار محمد بن عنوانیه اشتهار بولمشد * بعد زمان ارشاد استعداد ایله رایت
 همی تحصیل علوم و معارف طرفنه صارف اولمغین حسب الاستحقاق استاد
 دانشوران افاق کمال پاشا زاده افندی دن ملازم اولوب بعض مدارس و مراد پاشا
 و اوج شرفعلی مدرسه لرینه مدرس اولدقدنصکره اختلال دماغ خدمت
 تدربدن باعث فراغ اولدی * امد مدید دنصکره جوهر وجودی عرض
 مر ضدن سالم اولیجق سودای سیاحت و تبدیل هوا سویدای قابنده هویدا
 اولمغین طریق بجز بدن مصره عازم اولوب اقتضای تقریر ایله کفار خا کساره اسیر
 اولدی * بعد مدته پنجه شکنجه مشرکیندن خلاص بولوب سلطانیه بروسه
 و بایزیدیه ادرنه ده مدرس * اولدقدنصکره دارالسلام شام قضاسی ایله شاد کام
 اولدی * بعد الانقصال قضاء مصر برله تحصیل امنیه و آمال ایدوب طرف بردن
 کوتاهییه به واصل اولدقدن سنه خسین و تسعمائه ده قضاء قاهره دن مصر عدمه
 تبدیل اولندی * ومنهم * العالم الامجد والبلوغ الاوحد المولی محمد بن محمد المشهر
 بعرب زاده مولانا ی مر قوم دستیار ی همت ارباب معارف و علوم ایله رخساره
 طراز مخدرة منطوق و مفهوم اولوب دانشوران عصر اول ناکره آفاق قبله
 اقبالی امضای تقریر و استحقاق ایله ممضایند کدنصکره خواجه خیر الدین
 افندی دن ملازم اولوب آرمند نه کوچل چکمه ده عبدالسلام و قپلوچه و محمود
 پاشا و اسکدارده مهر و ماه سلطان و سخن مدرسه لرنده نصارت پنجش ریاض
 تدربس اولدی * لاجرم بوکونه سرعت حرکت دایره ابدن طشره وضع قدمه
 سبب اولوب خلاف عاده سیخ الاسلام ابوالسعود افندی نلک دانشمند لرندن برین

صحن مدرسه سنده نامزد خدمت اعاده یلدی * بوکار عاقبت مذموم ابو السعود
 افندی نیک معلومی اولیجق درگاه سعادت دستگاه رفیع رفته شکایت ایدوب
 تعیین علامه خامه راست کویلی اوزره بعد العزل اول صدر نشین مجلس علم
 و فضل علی رؤس الاشهاد دیوان همایونده تعزیر اولوب بعد نفی اولندی
 اول یکنانه روزگار اوج عزتدن حسیض مذاته ساقط * وکوکب بختی هابط
 اولیجق عنجه وش دلتک * و مرآت خاطری پرژنک * اولوب ناچار محبیه برو سده
 طرح بساط آرام و قرار یلدی ایکی سنه کوشه محنت والمده توشه درد و غم
 ایله قناعت کزین اولدقدن صکره * شعر * وللنجم من بعد الرجوع استقامه *
 وللسمس من بعد الغروب طلوع * فواسیجه کوکب اقبالی افق جاه و جلالدن
 طالع اولوب تکرار صحن و سلیمانیه مدرسه لرنده پرتو خورشید تربیتلری ایله نیجه
 ذره بی وجود تعیین وظهور بولدی * بعده سنه تسع و ستین و تسعمائه ده سکان
 عزیمتی اول رباع عامر هدن صوب قاهره یه اماله ایدوب ردوس واسکندریه
 بیننده غوطه خوار بطه ناقع ریاب دریای رجعت اولدی * حقا که مولانای مرقوم
 سر رشته تصرف کشور علوم مسلم دست استحقاق اولان افاضل رومدن اولوب
 بین الموالی شرف فضل و کمال احراز یتش ایدی * تفسیر بیضاوی و هدایه و عنایه
 و فتح قدیر و صدر الشریعه و شرح مفتاح و مطوله اولان تعلیقات اول ذات فضایل
 سمانک نه کونه مالک دستمایه علم و عرفان ایدوکنه قوی برهاندر * و منهم *
 خیر ارباب الفضل و الکمال المولی صالح بن جلال مولانای مرقوم سلطان
 علماء روم کمال پاشا زاده افندی دن ملازم اولدقدن صکره سر اجیه ادرنه و مراد
 پاشا و محمود پاشا و صحن مدرسه لرنده طرح بساط افاده ایدوب بعده قضاء حلیمه
 بسط سباط حکومت ایلدی * بعد الانقصال تفتیش احوال قاهره ایله مأمور
 اولوب اول مرام قرین اتمام اولیجق تکرار قضاء جلب تکلیف اولندی * قبولدن
 صورت امتناع کو ستر مکی بن یومی سکسان ایچه وظیفه ایله صحن مدرسه می
 بعده شام و مصر قضای صکره یومی یوز ایچه وظیفه ایله ابی ایوب انصاری
 مدرسه می عنایت بیوریلوب بعد زمان عارضه عمی ایله تقاعده رضا کو ستروب
 سنه ثلث و سبعین و تسعمائه ده باز یچه کاه دهر برقه رتاشاسندن کوز یومدی
 مولانای مزبور کمال پاشا زاده افندی حنر تلرینک شاکر خاصلری اولتی ایله
 شرف اختصار سی بولمغین جمله علومه اطلاعلری اولوب حدائق درونلری ازهار
 کونا کون دقایق و حقایق ایله آرسنه ایدی * شرح مواقف و صدر الشریعه و شرح

مفتاحه اولان حاشیه لری مقبول خولدر * سر اجیه ادر نه ده مدرس ایکن ایام
تصطبلده بلغراد وردوس و مهاج وانکروس غزالینی اداء نفیس و انشاء سلیس
برله کشیده رشتنه ضبط و تحسیر ایتشد * و منهم * عمده اصحاب الاستحقاق المولی
اسحق وطن اصل سی اسکوبدر پدیری تیغ کیر اولوب طریق علمه سلوکه داعی
یوغیکن شمشیر طبعی جوهر دار اولمغین اقلیم معرفتی تسخیر ساعی اولوب
کشور فضل و عرفانی قلیچبله ضبط ایند کد نصر کمره ادر نه ده ابراهیم پاشا
واسکو بده اسحق پاشا و بروسه ده قیلوجه و از نیقده سلیمان شاه غازی و ادر نه ده
دارالحدیث و صحن مدرسه زنده مدرس اولوب (بعده دارالسلام شام طرفنه امانه
لحام ایلدی * انده متصدی اجرای احکام شرع حضرت سید الانام ایکن علیه
الصلوة والسلام عام ثلث و اربعین و تسعمائه ده روز حیاتی شام بماته ابروب
یاغ عالمند مصر عدمه خرام ایلدی * مولانای مرقوم فائز قدح معلای فضایل
و علوم اولدیغندن ماعداد ادبی نظم و انشاده دخی حائز قصب السبق اولوب پرورده
حجله خیال خاصی اولان ابدکار افکار منظور نظر تحسین سخور ان عالم ایدی * نظم
چو عیسی تا توانی خفت بی جفت * مده نقد تجرد از کفت مفت * بنده سرماییه
افتخار روزگار ایدوب مده العمر کرفتار قید بزوح اولمشدر * و منهم * زین العلماء
الاشرف المولی شمس الدین احمد بن مصطفی الشهیر بقاف مولانای مزبور
بولی سخا غندن علم افزا نظهر و راولوب اسعاد استعداد برله قادری افتد بدن ملازم
اولدی * بعضی مدارسده و داود پاشا و مصطفی پاشا و اوج شرفه لی و صحن و بایزیده
ادر نه ده اجراء لال علم و کمال ایتد کد نصر کمره اول عنقای قله قاف فضل و افضال
آشیان ساز قضاء شام اولوب بی ایجاب و موجب آرزمانده رمیده سنبل عزل
اولدی * بعده یومی سکسان اچیه وظیفه ایله متقاعد اولوب سنه خمس و ستین
و تسعمائه ده طایر بروچی خطا پر قدسه پرواز ایلدی * مولانای مرقوم
صفحه قلبنده رسوم علوم منتقش اولدیغندن ماعداد اقامت استعدادی خلعت
کرانه های حسن خلق و سخا ایله پراسته اولوب بر فردک کربان خاطرین دست
آزایایله رخنه دارا شمس ایدی * و منهم * زبده المخادیم الکرام * المولی شاه
محمد بن شیخ الاسلام ابوالسعود العمادی پدربزرگوار عالی تبار لرینل سباط
افاده سندن نواله کیر اولوب صدای نوبت اشتهار لری ولوله انداز قبه قلک اثر
اولد قد نصر کمره قاضی عسکر مولانا محی الدین الغناری بدن ملازم اولوب بعده
قاسم پاشا و حضرت ابی ایوب انصاری و صحن و سلطان سلیم مدرسه لرنده فراید

فواید برله تربین کوش هوش طالبان علم و عرفان ایلدی * غب ذلک دیار
 جلیل الاعتبار شامده خادم شریعت سید الانام اولوب بلا سبب تخیل عزاله
 مسند نشین قضاء حلب اولدی * سنه احدى و سبعین و تسعمائة ده خانه کهنه
 سقف جهانندن روضه رضوانه انتقال ایدوب اول یکانه کوه دریاى علم و کمال
 و دیعه کنجینه خال اولدی * مخدوم مرقوم چن پیرای حظیره فضایل و علوم
 اولدیغندن ماعدافن محاضرات و معارف و ادبیات و لطایفه نوادر روز کاردن
 اولوب پراعه بدایع نیکاری صورت تحریر و پردوکی خط مشکبار کلاشعه مهر
 انور و مداد و دشت معبر استعمال اولسه لایق و مزاور در * فرط ذکا و جودت
 قریحه ده محاسن دهر دن اولوب نهانخانه حافظه سنده مخزون اولان اعاجیب
 فنون حددن افزون ایدی * اول ناظم لای الفیاض اعجاز طراز احیانا مطالعه
 و اشغال دن سامت و ملال هنکامنده بونه متفکره لرنده قال اولان ابریز روح
 کلامی سبک قالب نظم ایدوب علی ابلیغ النظام رشته حسن تعبیرده انتظام
 و پردوکی در را شعرا آبدارده میلی عنوانی اختیارایش ایدی * و منهم * زخر
 العلماء الساده المولى محى الدين المشتهر بعماد زاده مولانای مرقوم مبانی معارف
 و علومى عماد استعداد اوزره تأسیس ایدوب بطریق الاعاده الحاج حسن زاده دن
 ملازم اولدقدنصکره اسحاقیه اسکوب و محمود پاشا و اورخانه بروسه و اوج
 شرفه لو و صحن مدرسه لرنده تمهیدار کان تدریس ایدوب مره بعد اخری ایکی
 دفعه حلبده زلال شریعت غرا اجرا ایلدی * سنه اربع و ثلاثین و تسعمائة ده علم
 افراز حکومت شهبایکن شقه لوی حیات بی ثباتی صرصر مرله چال
 اولوب رایت وجودی اقتاده خال عدم اولدی * و منهم * فخر ارباب الفضل و التیمین
 المولى عبد العزيز الراشهري بام ولد زاده مولانای مرقوم علماء رومل دوحه برومند
 فضا یلمدن نوباره علومه دست رس بولوب داود پاشا و مناستر مدرسه لرنده مدرس
 اولدقدنصکره قضاة قصبات قطارنده شمارا ولندی * غب ذلک تکرار جاده
 مستقیم تدریسه سالک اولوب تربزون وادر نه ده دارالحديث مدرسه لرنده
 رشته کش لای علوم و معارف اولدقدنصکره * زمام راحله طایى وجهه حلبه
 صارف اولدی * تخیل عزاله اما سیه ده مباشر خدمت تدریس واقنا اولوب عام
 خمسين و تسعمائة حدودنده شمع شبستان وجودی تند باد عدم برله مرده اولدی *
 مولانای مرقوم جمله فنونده مسلم * خصوصاً علوم عقلیه ده انکشت نمای عالم *
 اولوب بنان زبان ايله کشیده رشته نظم ایتدوکی فراید قصاد عربیه زبانت

ساز کردن و کوش عالم و عالیشان ایدی * آوازه مروقی و لوله انداز قبه نه طاق * و کرم
 فتوت ایله شهرت شعار آفاق اولوب دست همتی روزنامه جود حاتمیه صدوقه
 کطی السجل ایتمش ایدی استانبوله بر مدرسه و خارج قسطنطنیه ده امیر بخاری
 زاویه سی قریبنده بر معلم خانه بنا ایتمش در * صدر الشریعه به حاشیه مقبوله لری
 اولوب منظور نظر اعتبار علماء اخبار در * و منهم * زین العلماء الکاملین المولی
 یحیی بن نور الدین مولانا ی مزبورک والدی زمره امتدادن اولوب جوهر
 رخساری عرض مویدن ساده و بلغین امین کوسه سی دیکله مشهور در دستبازی
 سعی و کوشش و مددکاری اجتهاد و ورزش ایله ترفیع ارکان علم و عرفان ایدوب
 شیخ الاسلام مولانا علاء الدین علی الجمالی حضر تدریس شرف ملازمت لری
 ایله تحصیل قدر عالی * و داماد قلی ایله تکمیل اسباب مفاخر و معالی
 ایند کدنصکره بروسه ده حضرت امیر و اسنانبولده ابراهیم پاشای عتیق وینه
 بروسه ده بلدرم و چور لیده احمد پاشا وادر نه ده دارالحديث و سخن و ایا صوفیه
 و مرادیة بروسه و یوخی آلتش آنچه وظیفه ایله تکرار سخن مدرسه لر نه مدرس
 بعده دار الخلافه بغداد ده ارکان حکومتی مؤسس اولدی * سلطان سلیمان
 مکان حضرت تدریس تأسیس بیورد قلی مدرسه دارالحديث قرین اتمام اولدقه
 فن حدیثه بین علماء الروم امتیاز نام ایله معلوم اولغین خدمت تدریس و تحدیثی
 مولانا ی مزقومه اختصاص یافته اولوب اول خدمت جليلة ایله بین الاقران
 شرف و عنوان بولدی * مقدمات سعی و اهتمام نتیجه بخش جبرام اولیجی زمانده
 دامن عصمتی تهمت بیع ملازمت برله آلوده اولغین سنک عزاله شیشه غرضی کسر
 اولوب نیهمدت کوشه خزن و اساده توشه ریج و عنا ایله قناعت کزین
 اولدی * سنه ثمان و ستین و تسعمایه ده بوکارگاه کون و فساددن قطع رشته تعاق
 ایدوب دارالالمن جنانه جان آندی * مولانا ی مزقوم زیور فضایل و علوم ایله
 آراسته اولوب فن تفسیر و حدیث و فقه و اصول و ادبیات ده تعین و امتیاز بولمش
 ایدی * ناودان زبان راست کوی بلرندن هرگز شورا به کذب و بهمان جریان
 ایتمبوب مدّة العمر خارستم و آزار ایله برفردک دامن خاطر بی رخنه دارا تمشدر
 و منهم نادرة العصر والزمان المخدم العلی الشان شمس الدین احمد بن المولی
 الفاضل الفاضل بین الحق و الباطل ابوالسعود عاملهما الله تعالی باطفه
 یوم الخلود مخدوم مزقوم والد ماجد لرینک منهل عذب کثیر الزحام افاده لرندن
 جام استعدادی سرشار اولوب صهبای خاطر فیض ماثری رحیق محتوم مسکی

الختام معارف و علوم ایله لبریز اولدقدنصکره پدر نر زکوارلندن بطریق الاعاده
 ملازم اولوب سنی عمر عزیزنی اونیدی ایکن رسم پاشا مدرسه سنده چهره
 کشای مخدرة تحقیق و اتقان اولدی * بعده خاصکی سلطان و صحن و شهرزاده
 سلطان محمد مدرسه لرنده رخساره طراز عرابس علم و عرفان اولوب سن شریفی
 حدود ثلثینه واصل اولمزدن مقدم سنه سبعین و تسعمائه ده شهرزاده مدرسی ایکن
 کل کلزار حیا فی تاب تب ممت ایله افسرده اولدی (حقا که مخدوم مرقوم محاسن
 دهر و نوادر عصر دن اولوب خانه دل بی غلی مخزن الامرار فضایل و معارف
 و مشکوة الانوار نکت و لطایف ایدی اکر یازار روز کارده رأس المال طول
 عمر دن بهره دار اولوب اول مخدوم اجل عقاب جانشکارا چل پنجه سندن تخلص
 مرغ روح ایتمش اولیدی آستان فضایل اشبانی محط رحال ارباب فضل و کمال
 اولوب درگاهی مز دحم جباه اولور ایدی * و منهم * الفاضل الحاسم المولی محمد بن
 الخطیب قاسم مسقط رأس اما سیه در * بدور زاهره فلا فضایل اولان افاضل دن
 اقتباس انوار فضیلت باهره ایدوب بعض مدارس و بروسه ده ولی الدین زاده
 و مصطفی پاشا مدرسه لرینه مدرس اولدقدنصکره خاقان سعید سلطان بایزید
 شهرزاده لرندن سلطان احمد خواجه تعین اولندی * اول شهرزاده قید علایق
 دنیای بی بقادن آزاده اولیجی مولانای مرقوم محمود پاشا و اوج شرفه لی
 و بایزیده اما سیه و اباصوفیه و صحن و بایزیده ادرنه و یوچی سکسان اچیه وظیفه
 ایله تکرار صحن مدرسی اولوب سنه اربعین و تسعمائه ده ابی ایوب انصاری
 هنری چوارنده غنوده پستر لحد اولدی * مولانای مرقوم روضه الصفای
 درونی ازهار کونا کون فنون ایله آراسته اولوب حتی وفق و جعفر و موسعیده
 دخید طولامی و ار ایدی * فرائض سیدی و صدر الشریعه به حوائی مقبوله می
 اولوب فن محاضرانده روضه الاخبار نام بر کتاب لطیف تألیف ایشدر
 و منهم * قدوة الافاضل مولانا حافظ الدین محمد بن احمد بن عادل اول نهال
 باغ علم و کمال ولایت عجمده بردع نام قصبه دن سر بر آورده اولوب مولانا مزید
 تبرینک * حدایق حقایق قدن اقبطانی ثمار نکت و دقایق ایدکد نصکره مرز
 و بوم روی تشریف ایندکده بین العلما حافظ عجمی عنوان ایله شهرت بولدی
 انقره و مرزیغونده بر مدرسه و علی پاشای عتیق و ازنیق و صحن و اباصوفیه
 مدرسه لرنده مائده کش ضیافتخانه تدریس اولوب اول خوان عرفاندن نیجه لر
 نواله کبریا و لشدر * حکومت و قضا ایله آلوده اولغنه رضا بر میوب یومیتمش

الخجه وظيفه ايله متقاعد اولدقدنصكره سنه سبع وخسين وتسعمائه ده بزم
 عالم دن قدم كوتوب لاحق ره روان عدم اولدى * مولاناى مرقوم دقايق علم
 تفسير وحديث وفقه واصولى ابواب وفصولى ايله صفحه خاطر لرنده مرسوم
 ايدوب فن محاضرات وتواريخ دخى مرآت تابناك قلب پاكنده جلوه نمايدى
 حسن خط ايله سرعت كتابتى جمع ايدوب شهر واحده بر صدر الشريعه واوان
 بش كونده محشاي مرتن سكاكى تحريرا تمشلدر * سبب شريفلى مواقف شرحى
 جايجاتحشيه ايدوب تجريده محاكات تجزيدييه نلم بر شرحى واردر سكر باب
 اوزره مبتنى مدينه العلم نام بر كساب تاليف ايدوب هر بايد قاضى يتضاوى
 وعلامه زحشرى وصاحب هدايه وسيد شريف جرجانى وعلامه تفنازى كى
 سكر عدد فاضل عديم المعادل دن برينه اعتراض قوى ايراد تمشلدر * حقا كه
 اول كتاب بلاغت انتساب * شعر * وماهى الاجنه قدر خرفت * اما كانت
 الابواب فيها ثمانية * فواسنه مظهر اولوب علماء اخبار مياننده رغبت واعتبار
 بولمشلدر * بونلاردن ماعدانقطة العلم وفهرس العلوم ومعارك الكتاب وسبعة
 سياره نام رساله لتاليف ايدوب لكن بعض عوايق عايق اولمقين بياضه چقمايوب
 شهرت شهار اولماشدر * نتيجة كلام هر كز قلم مجزرقنه تحريردن كالل * وزبان
 بديع البيانته تقريردن ملال * كليموب همواره ديد سعى واجتهادى چشم
 انجم كى بي خواب اولمقين روضه علم وكال رشحات اقلام عنبر فاملى ايله داما
 مخضر وشاداب اندى * ومنهم * العالم المتورع مولانا علاء الدين على بن الشيخ
 العارف بالله عبد الرحيم الموبدى مولاناى مرقوم پايه بسين استفاضه واستفاده
 دن رتبة علمية افاضه وافاده اعتلا ايدوب بين علماء الروم بالانشين مسند
 فضيلت اولدقدن صكره ديمتوقه ده اورج پاشا واستانبولده الحاج حسن زاده
 وداود پاشا وادرنه ده خلبيه وحضرت ابى ايوب انصارى وصحن مدرسه لرنده
 مدرس اولوب ارباب استفاده اول شمع بزم ارأى افاده دن اشعال فتيله اشتغال
 ايتدر كن سنه اربع واربعين وتسعمائه ده عقده الاس صروف دهر بر قهر افتاب
 سميع السرحياته برده كس انكساف اولدى * ومنهم * خضر الموالى المولى خضر الدين
 ابن محمد بن يعقوب مولاناى مرقوم نيجه مدت مجاور خانقاه تحصيل علوم اولوب
 پيران طريق تدقيق وتحقيق اوكلرنده زانوى ادب اوزره جلوس ايتد كدنصكره
 درجه كماله ايرشوب ازنيق وافضليه وداود پاشا و خلبيه واورج شرفه لورصحن
 مدرسه لرنده سجاده نشين افاده اولدى * سنه ست واربعين وتسعمائه ده رياضت

خانه دنیای بی بقاد ن رخت اقامت فالدروب عزم طر سرای عقبایلدی *
 ومنهم * زین ارباب العلوم المولی شیخ محمد المعروف بین علماء الروم بشیخی مولانا ی
 مرقوم تحصیل علم و عرفانده کیت سعی واجتهاده ارخای عنان ایدوب نائل
 رهنه مر ام اولدقدنصکره لحام همتی طریق تدریسه اما له ایلدی * بروسه ده
 منلاخسر و وولی الدین زاده احمد پاشا واستنا نبولده پیری پاشا وحضرت ابی
 ایوب انصاری وصحن مدرسه لرنده رخش سبل عنان تحقیق واتقان اجاله
 ایدوب صحن سرای افاده ده حائز قصب السبق اغاضه ایکن سته احدى وخمسن
 رتسمائه ده سهام حقدرة اجال ايله مقارعه ایدوب قداح حیاتدن بی
 بهره اولدی * ومنهم * ذخر اصحاب الفضائل المولی فرخ القرماتی مولانا ی
 مرقوم تحصیل ملکات وتکمیل کمالات ایدوب استناد سلطان روم خواجه
 خیر الدین افندی دن ملازم اولدقدنصکره بعض مدارس و قلندر خانه و چورلی
 و اوج شرفه لی وصحن مدرسه لرنده طالبان علم و عرفان لایح قوت

حافظه لرنده رسوم علوی خامه تقریر ايله نقش وتصور ایدوب

مدرسه صحنه تأسیس مبائی تدریس ایدرکن

وسام قضا آغاز خا کر ت ایدوب طومار

عمر ناپایداری پیچیده دست قهر

روزگار غدار اولدی

مصرع باداهزار رحمت

وحن بروحشان

تم

م

لمع هذا التاريخ اللطيف * والاثر الجليل المنيف * المسمى بسلامان نامه * المبين
 الاخبار بالتامه * باذن صاحب الفتوحات الباهرة * المنصور بالنصرة العالمة *
 المحفوظ بالعناية الصمدانية * والى والاشان مصر القاهرة * اعنى جارى احكام
 شريعة شريفة غرا * ورونى دهنده علوم ملت خنيفة بيضاء * كهف الحاج * الحاج
 محمد على پاشا * ادام لله عمره ورفعة * وتزايد اقباله ونصرته * فى مطبعة بولاق وقد
 صححه من اوله سعد الله سعيد افندى وتم تصحيح الحقير عبد الوهاب فخوى فى غرة

جمادى الاول سنة الف ومائتين ثمان واربعين

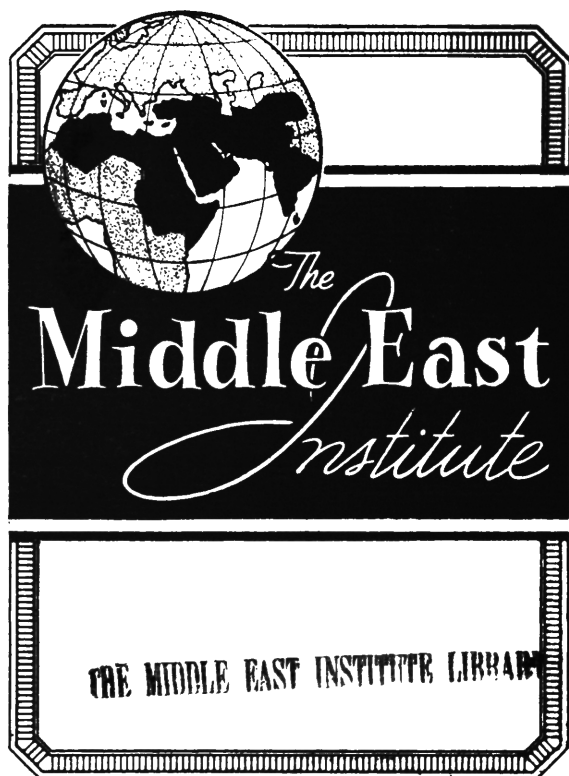
من هجرة من له العز والشرف

The
George Washington University
Library



Special Collections
Division

**DOES NOT
CIRCULATE**



THE MIDDLE EAST INSTITUTE LIBRARY

